



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



بیتنا

وعدا کھانسی اور زکام

ڈاکٹر ناصر امینت اعظمی کی

مختصر کہانیاں

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دعاهای صادره از امام مهدی (علیه السلام) در عصر غیبت صغری

نویسنده:

محمد تقی اکبر نژاد

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	دعاهای صادره از امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت صغری
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۶	سخن ناشر
۱۸	مقدمه
۲۲	سه نوع استخاره از حضرت بقیه الله (ارواحنا له الفداء)
۲۹	دعاهای صادره برای دفع شر دشمنان و نیازهای بزرگ و استثنایی
۲۹	دعای چهارم
۲۹	قسمت اول
۴۰	قسمت دوم
۵۲	قسمت سوم
۶۳	قسمت چهارم
۶۹	دعای پنجم
۷۴	دعای ششم
۸۷	دعای هفتم
۹۰	دعای هشتم
۹۵	دعای نهم
۱۰۰	دعاهای صادر شده جهت ارتباط با امام زمان علیه السلام
۱۰۰	دعای اول
۱۰۶	دعای دوم
۱۱۰	دعای سوم
۱۲۰	دعای چهارم
۱۲۲	دعای پنجم

۱۲۴	دعای ششم
۱۲۵	دعای هفتم
۱۲۶	دعای هشتم
۱۳۷	دعای نهم
۱۳۸	دعای دهم
۱۴۱	دعای یازدهم
۱۴۳	دعای دوازدهم
۱۴۵	دعای سیزدهم
۱۵۰	متن صلوات خاصه
۱۵۷	دو قنوت از امام زمان علیه السلام
۱۵۷	دعای چهاردهم
۱۶۱	دعای پانزدهم
۱۶۶	امام زمان و زیارت شهدای کربلا
۱۶۶	دعای شانزدهم
۱۶۶	قسمت اول
۱۷۷	قسمت دوم
۱۸۹	قسمت سوم
۱۹۸	دعای هفدهم
۲۰۱	دعای هجدهم
۲۰۲	مناجات سایر ائمه از زبان امام زمان علیه السلام
۲۰۲	دعای نوزدهم
۲۰۸	زیارت امیرالمؤمنین در روز یکشنبه
۲۱۰	دعای بیستم
۲۱۳	دعای بیست و یکم
۲۱۶	دعاهای امام زمان علیه السلام در ماه مبارک رجب
۲۱۶	دعای بیست و دوم

۲۲۰	دعای بیست و سوم
۲۲۲	دعای بیست و چهارم
۲۲۷	دعای بیست و پنجم
۲۳۰	دعای بیست و ششم
۲۴۱	دعای بیست و هفتم
۲۴۳	دعای بیست و هشتم
۲۵۳	متفرقات
۲۵۳	دعای بیست و نهم
۲۵۶	دعای سی ام
۲۵۷	درباره مرکز

دعاهای صادره از امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت صغری

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: دعاهای صادره از امام مهدی عجل الله تعالی و فرجه الشریف در عصر غیبت صغری / گردآورنده محمدتقی اکبر نژاد.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۲۴۸ص.

شابک: ۲۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۹۸-۸:

موضوع: دعاها

موضوع: دعاهای امام زمان (عج).

شناسه افزوده: اکبر نژاد، محمدتقی، گردآورنده

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۷د/BP۲۷۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۴۴۵۵۳

ص: ۱

اشاره

السلام على القائم المنتظر والعدل المشتهر

در جهان امروز که با تبلیغ بی دینی و افکار انحرافی توسط مدّعیان جهان تک قطبی و حقوق بشر دروغین، جوانان مسلمان و دیگر ادیان را به بیراهه می کشانند، امید به منجی موعود و مهدی منتظر، چراغ هدایت پویندگان راه حقّ و حقیقت خواهد بود. لذا بر آن شدیم کتاب مجموعه کامل نامه ها و فرمایشات امام زمان علیه السلام در عصر غیبت صغری، که توسط مؤلف محترم جناب آقای محمّد تقی اکبر نژاد ترجمه گردیده است، را به زیور طبع بیاراییم. امید است در عصر کنونی که انقلاب اسلامی ندای رسای منادیان دین و اسلام ناب محمّدی - صلّی الله علیه وآله - را به گوش جهانیان رسانده و می رساند، انجام وظیفه ای کرده باشیم.

از همه عزیزانی که ما را در رسیدن به این هدف پشتیبانی

می نمایند؛ خصوصاً حضرت حضرت آیت الله وافی تولیت محترم و مدیران مسجد مقدّس جمکران و همکاران کمال تشکر را داریم و امید است در پناه حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - اهداف مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای را در عصر کنونی به منصفه ظهور رسانیم.

مدیریت انتشارات

مسجد مقدّس جمکران

حسین احمدی

ص: ۱۰

سلام و درود خدا بر مجاهدان راه خدا

سلام و درود خدا بر سربازان سبز پوشی که حتی در عصر غیبت دست از جانبازی بر نداشتند و قدم در راه مبارزه گذاشتند.

سلام و درود خدا بر آنان که مصداق بارز «أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۱) هستند. زیرا در میان حزب های متشکّات و آلوده، خدا را صدا زدند و به رستگاری رسیدند.

آنان که بعد از رستگاری و استقامت به غلبه کامله الهیه دست یافتند «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (۲) آنان که با عده کم خود بر عده زیاد دشمنان تا دندان مسلح غلبه کردند «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (۳) و به دنبال طالوت زمانشان بر جالوت اسرائیل تاختند و لشکریان کفر را که با تکبر بر خود می بالیدند، خوار و ذلیل کرده و از هم پاشیدند «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ» (۴)

ص: ۱۱

۱- ۱. مجادله / ۲۲.

۲- ۲. مائده / ۵۶.

۳- ۳. بقره / ۲۴۹.

۴- ۴. بقره / ۲۵۱.

و همچون داود جالوت زمان خویش را به هلاکت رساندند «وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ» (۱) و به عزّت و ملک دست یافتند. «وَ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ» (۲) که اگر خدا چنین بندگان نداشت، جالوتیان زمین را به فساد کامل می کشیدند و تمام روزنه های امید را به روی مردمان مستضعف می بستند. «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (۳)

آری سلام و درود بی پایان خدا و ملائکه و انبیای الهی و اوصیای اخیار و تمام بندگان صالح و مستضعفان عالم بر آنان باد.

سلام و درود خدا بر رزمندگان غیور حزب الله لبنان و رهبر عربی آنان سید حسن نصرالله که بعد از سال ها مبارزه با ظلم، قدرت قاهره الهی را به رخ تمام جالوتیان کشیدند و تجلی گاه عزّت و افتخار اسلامی شدند.

از آن جهت که اتمام این اثر مصادف با غلبه حزب خدا بر حزب شیطان و رسوایی اسرائیل و تجلی عزّت اسلامی مردم لبنان بود، این اثر را به تمام رزمندگان غیور آن دیار و به خصوص رهبر آزاده و غیرتمندشان سید حسن نصرالله تقدیم می داریم.

محمد تقی اکبرنژاد

ص: ۱۲

۱-۵. بقره / ۲۵۱.

۲-۶. بقره / ۲۵۱.

۳-۷. بقره / ۲۵۱.

سه نوع استخاره از حضرت بقیه الله (ارواحنا له الفداء)

دعای اول

استخاره در لغت به معنای درخواست خیر و برکت است. و در اصطلاح به دعا و یا هر عملی گفته می شود که شخص متخیر می کوشد تا به واسطه آنها از خداوند متعال راه صحیح را درخواست نماید و از انحراف مصون بماند.

به همین جهت استخاره محدود به قرآن و تسبیح نخواهد شد. بلکه بهترین استخارات شامل دعاهایی خواهند بود که شخص با آنها از خداوند خیر و صلاح را درخواست می کند. به عنوان نمونه می توان به نماز استخاره و دعای استخاره که در مجموعه های مربوطه ذکر شده اند اشاره نمود.

استخاره در منابع دینی:

اصل استخاره کردن، جزء متواترات و یقینیات دین ما است و کسی که اندک تأملی در منابع روایی داشته باشد، تواتر معنوی استخاره را در خواهد یافت.

اقسام استخاره:

در منابع روایی پنج نوع استخاره معرفی شده است که عبارتند از:

۱ - استخاره با دعا

۲ - استخاره با نماز

۳ - استخاره با قرآن

۴ - استخاره با تسبیح

ص: ۱۵

و از آنجا که دو نوع اولی در مجموعه های مربوطه آورده شده است، در مجموعه حاضر تنها به معرفی سه نوع باقی مانده خواهیم پرداخت و از هر کدام به دو روش اشاره خواهیم کرد.

جهت دسترسی به انواع استخارات به کتاب نور الجنان از همین مؤلف و یا حواشی مفاتیح الجنان مراجعه نمایید. (۱) ۹. فتح الابواب، ص ۲۰۵، استخاره (۲)

این اسماء الهی بعد از نماز حاجت یا در هر حال دیگر جهت درخواست خیر از خدا خوانده می شود. ابودلف گفته است که این دعا آخرین توفیق صادره از حضرت بقیه الله می باشد.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى السَّمَاوَاتِ خَدَايَا از تو می خواهم به حرمت اسمی که با آن، آسمان ها و زمین را اراده کردی و به آسمان وَالْأَرْضِ فَقُلْتَ لَهُمَا اثْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ و زمین امر کردی که خواه، ناخواه به وجود آیند و آنها گفتند که ما با فرمانبرداری و طیب نفس خلق وَبِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى عَصَا مُوسَى فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ می شویم. و به حرمت اسمی که با آن، بر عصای موسی اراده کردی در نتیجه عصای او حيله های ما يَأْفِكُونَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي صَرَفْتَ بِهِ قُلُوبَ السَّحَرَةِ ساحران را بلعید از تو درخواست می کنم به حرمت آن اسمت، که با آن، دل های ساحران را به سوی

ص: ۱۶

۱- به اسماء در نماز حاجت

۲- ۸. حقیقت استخاره: دعاء مولانا الامام المهدي.

إِلَيْكَ حَتَّى قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ أَنْتَ خُودِ مَتَمَائِلِ كَرْدِي تَا جَائِي كِه أَنهَا كَفْتَنَد: «ما به پروردگار جهان هستی یعنی پروردگار موسی و هارون اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَ أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُبْلِي بِهَا كُلَّ جَدِيدِ إِيمَانٍ آوَرْدِيم.» (۱) تو خدا و پروردگار عالمیان هستی. و از تو می خواهم به حرمت قدرتی که هر چیز و تَجَدُّدُ بِهَا كُلِّ بَالٍ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ حَقِّ هُوَ لَكَ وَبِكُلِّ حَقِّ جَعَلْتَهُ جَدِيدِي رَا كَهَنَه وَ هَر چيز كَهَنَه اِي رَا تَا زَه مِي كَنَد. از تو می خواهم به خاطر تمام حقوقی که داری و تمام عَلِيْكَ. اِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي حَقُوقِي كِه بِر عَهْدِه كَرَفْتِه اِي. (۲) اگر این کاری که می خواهم انجام دهم، برای دین و دنیا و آخرت أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا وَ تُهَيِّئَهُ مِن مَفِيدِهِ اسْت، در این صورت بر مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانِ اَوْ سَلَامٍ وَ دَرُودٍ رَا بِفَرَسْتٍ وَ اَن رَا وَ تَسَبَّهْ عَلَيَّ وَ تَلَطَّفْ لِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. بر من سهل و آسان گردان و مرا درباره آن مورد لطف خود قرار بده، اِي مَهْرَبَانْتَرِين مَهْرَبَانَان. اِنْ كَانَ شَرًّا لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ اَمَّا اِگَر شَرِّ دِينٍ وَ دُنْيَا وَ آخِرَتٍ مَن دَر اَن بَاشَد، در این صورت بر مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانِش

ص: ۱۷

۱- ۱۰. اعراف / ۱۲۱.

۲- ۱۱. مانند حقوقی که خداوند متعال طبق حکمت خود در قبال بندگان خویش بر عهده گرفته است؛ مانند هدایت و روزی دادن و امثال آنها

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا وَأَنْ تَصْرِفَهُ عَنِّي بِمَا سَلَامٌ وَصَلَوَاتٍ بفرست و مرا از آن به گونه ای که خود می خواهی بازدار و مرا به قضای خودت شـمـت و کـیـف شـمـت و تـرـضـه مـیـنی بـقـضـائـک و تـبـارک لـی فـی قـدـرک حـتـی راضی کن و در تقدیرات برای من وسعت عنایت کن تا جایی که اگر چیزی را جلو انداختی، لا اُحِبُّ تَعْجِيلَ شَيْءٍ اُخْرَتُهُ وَلَا تَأْخِيرَ شَيْءٍ عَجَّلْتُهُ. فَإِنَّهُ تَأْخِيرُش رَا دُوسْت نَدَاشْتَه باشم و اگر عقب انداختی، تعجیلش را دوست نداشته باشم. قَطْعًا لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. هیچ مانع و نیرویی غیر از خدا نیست. ای بالاتر و عظیم تر از هر چیزی ای صاحب جلالت و اکرام.

استخاره با تسیح از حضرت قائم علیه السلام (۱)

علامه حلی رحمه الله با چند واسطه از حضرت قائم علیه السلام استخاره ای را نقل می کند که از این قرار است:

ابتدا: ده بار سوره حمد، حداقل سه بار و لا اقل یکبار قرائت شود.

بعد: ده بار سوره قدر قرائت شود.

سپس این دعا سه بار خوانده شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَشِيرُكَ بِعَوَاقِبِ الْأُمُورِ وَأَسْتَشِيرُكَ لِحُسْنِ خَدَايَا بِي تَرَدِيدِ أَيْ تَوَخِيرِ خَوَاصِي مِي كُنْم، بِي خَاطِرِ أَيْنَكِه تَوَازِ نَتِيْجَه كَارِهَآ خَبِر دَارِي وَ بَا تَوَ مَشُورَتِ ظَنِّي بِكَ فِي الْمَأْمُولِ وَالْمَحْدُورِ. اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ الْأَمْرُ الْفُلَانِي مِي كُنْم؛ زِيْرَا دَرِ خُوبِ وَ بَدِ أُمُورِ حُسْنِ ظَنِّ وَ اطمینانِ كَامِلِي بِي تَوَ دَارْم. خَدَايَا اِگَرِ فُلَانِ قَدْ نِيَطْتُ بِالْبَرَكَهْ أَعْجَازُهُ وَبِوَادِيهِ وَحَفَّتْ بِالْكَرَامَةِ أَيَّامُهُ كَارِ أَوَّلِ وَ آخِرِشِ بَا بَرَكَتِ بِي هَمِ بَرَسِدِ وَ شَبِ وَ رُوزِ آنِ رَا بَا كِرَامَتِ وَ بَرَكَتِ، اِحاطه كُنْد، وَ لِيَالِيهِ فَخِرٌ لِي فِيهِ خَيْرَةٌ تَرُدُّ شَمُوسَهُ ذُلُولًا وَ تَقَعُّصُ أَيَّامَهُ دَرِ اَيْنِ صُورَتِ آنِ رَا بَرَايِ مَنِ اِخْتِيَارِ كُنْ تَا خُورَشِيْدِشِ مَطِيْعِ مَنِ بَاشِدِ وَ رُوزِهَآيِشِ بَا شَادِي

ص: ۱۹

سُرُورًا. اللَّهُمَّ إِمَّا أَمْرٌ فَأَتَمِّرْ وَإِمَّا نَهْيٌ فَأَنْتَهِي سِپَرِي گِردد. خدایا اگر امر آن کار می کنی، عمل می کنم. اگر نهی کنی، اقدام نمی کنم. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِرَحْمَتِكَ خَيْرَهُ فِي عَافِيهِ.

خدایا خیر خواهی می کنم با رحمت تو، انتخابی که در عافیت باشد.

بعد از آن نیت کرده و مقداری از تسبیح را می گیرد. آن را دو تا دو تا کم می کند. اگر در پایان دو تا ماند، خوب است و اگر فقط یکی ماند، بد است.

ص: ۲۰

حمیری ضمن سؤالی از حضرت بقیه الله سؤال می کند:

سؤال: برای کسی مشکلی پیش می آید که نمی داند چه کار بکند. دو انگشتر بر می دارد و در یکی می نویسد: بله انجام بده و در دیگری می نویسد: نه انجام نده. آنگاه مدام از خدا می خواهد که او را به راه پر خیر و برکت راهنمایی کند و سپس یکی از آنها را انتخاب می کند. هر کدام که آمد، طبق آن عمل می کند. آیا این نوع استخاره کردن جایز است؟

جواب: آنچه که سنت معصوم علیه السلام است، نماز و استخاره با تکه هاست. (۱)

ص: ۲۱

۱- ۱۳. روش استخاره با تکه های کاغذ: هر گاه قصد استخاره داشتی شش تکه کاغذ بردار و بر روی سه تای آنها بنویس «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرٌ مِنْ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ اَفْعَلُهُ» و بر روی سه تای دیگر بنویس «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرٌ مِنْ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ لَا تَفْعَلُ» سپس آنها را با هم مخلوط کن و در زیر چیزی که بر روی آن نماز می خوانی قرار بده و دو رکعت در همان جا نماز استخاره بخوان. بعد از نماز به سجده برو و صد بار بگو: «اَسْتَخِيْرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرٌ فِي عَافِيَةٍ» و سپس از سجده بلند شو و بنشین و بگو «اللّٰهُمَّ خِزْ لِي وَاخْتِزْ لِي فِي جَمِيْعِ اُمُوْرِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ» در نهایت دستت را به زیر لحاف و یا هر چیزی که بر روی آن نماز می خواندی ببر و تکه های کاغذ را به هم بزن و یکی یکی خارج کن. اگر سه تا پشت سر هم اَفْعَلُ ؛ یعنی کلمه آخر دعا: اَفْعَلُهُ آمد خیر است و اگر سه تا پشت سر هم لَا تَفْعَلُ آمد شر است و اگر یکی اَفْعَلُ و دیگری لَا تَفْعَلُ آمد، تا پنج تکه را یکی یکی خارج کن، هر کدام بیشتر بود به آن اقدام کن. - کافی / ج ۳ / ص ۴۷۰ / باب صلاه الاستخاره.

دعای فرج و گشایش مخصوص انبیاء از زبان امام زمان علیه السلام (۱)

محمّد بن علی علوی مصری نقل می کند که میان من و یکی از بزرگان شهرمان کدورتی پیش آمد که باعث شد من دچار گرفتاری بزرگی شوم و در مخمصه عجیبی گرفتار شوم. به گونه ای که هیچ راه فراری برای خودم ندیدم. از این رو به حرم اجداد شریفم یعنی حرم امام حسین علیه السلام پناه بردم. پانزده روز در آنجا ماندم. شب و روز تضرّع کردم و دعاخواندم تا اینکه حضرت قائم علیه السلام را در خواب مشاهده کردم. خدا بر او و پدرانش بهترین تحیات و سلام ها را بفرستد.

در حالتی میان خواب و بیداری بودم، که ایشان به من فرمودند: عزیزم از فلانی ترسیدی؟

عرض کردم: بله اگر مرا پیدا کند، قصد دارد فلان جنایات را در حقّ من انجام بدهد. لذا برای شکایت، به سروران خودم پناه آورده ام. تا مرا از دست او خلاص کنند.

فرمود: تا به حال دعایی را که انبیا صلی الله علیه و آله برای گشایش گرفتاری ها می خواندند، خوانده ای؟

ص: ۲۲

عرض کردم: چگونه دعا می کردند تا من هم دعا کنم.

فرمود: وقتی که شب جمعه شد، بلند شو و غسل کن و نمازت را بخوان. زمانی که از سجده شکر فارغ شدی. در حالی که دو زانو نشسته ای این دعا را با تمام خشیت و تضرع بخوان. ایشان پنج شب پشت سر هم آمد و حرف های قبلی و دعا را برایم تکرار کرد. تا اینکه دعا را حفظ کردم و دیگر ایشان به خوابم نیامدند.

از خواب بلند شدم، غسل کردم، لباس هایم را عوض نمودم، خودم را معطر ساخته و نماز شب را خواندم. و بر روی زانوانم نشستم و دعا را آن طور که فرموده بود، خواندم.

ایشان شب شنبه به خواب من آمد و فرمود: ای محمد دعایت مستجاب شد و دشمنت کشته شد. خداوند او را در همان لحظه که دعا را تمام کردی، هلاک کرد.

زمانی که صبح شد، بلافاصله به حرم امام حسین علیه السلام رفته و با ایشان وداع کردم و به سوی منزلم راه افتادم. مقداری از راه را رفته بودم پیکری را که فرزندانم به دنبال من فرستاده بودند، دیدم. آنها نوشته بودند مردی که از دست او فراری بودی. عدّه ای را جمع کرده بود. آنها شب را به عیش و نوش پرداختند. وقتی که همه رفتند. او به همراه نوکرانش خوابید. وقتی که صبح شد و همه از خواب بیدار شدند. متوجه شدند که او کوچکترین حرکتی هم ندارد. لحاف را از روی او کشیده و دیده اند که او از پشت گردن بریده شده و خورش جاریست. این اتفاق در شب جمعه افتاده است. آنها هم نمی دانند که

چه کسی این کار را انجام داده است. زمانی که به منزل رسیدم و از زمان دقیق هلاکتش پرسیدم. متوجه شدم که دقیقاً همزمان با پایان دعای من بوده است.

اما دعا:

رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ وَمَنْ ذَا الَّذِي سَأَلَكَ فَلَمْ تُعْطِهِ پروردگارا! کیست که تو را صدا بزند اما جوابش را نداده باشی. کیست که از تو و نداده باشی. وَمَنْ ذَا الَّذِي نَجَاكَ فَخَيَّبْتَهُ أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَبْعَدْتَهُ رَبِّ هَذَا درخواستی کند کیست که تو را بخواند و مأیوسش کنی. کیست که خود را به تو نزدیک کند فِرْعَوْنُ ذُو الْأُوتَادِ مَعَ عِنَادِهِ وَكُفْرِهِ وَعُتُوِّهِ وَادِّعَائِهِ الرَّبُّوبِيَّةَ وَتو دورش کنی. پروردگارا! فرعون مقتدر را با وجود تمام لجاجت و کفر و سرکشی لِنَفْسِهِ وَعَلَيْكَ بِأَنَّهُ لَمَّا يُتُوبُ وَلَمَّا يُزْجَعُ وَلَمَّا يُتُوبُ وَلَمَّا يُؤْمِنُ وَادِّعَايَ خُدَايَ اش و با وجود اینکه تو می دانستی او توبه نمی کند و بر نمی گردد و ایمان و لَمَّا يَخْشَعُ اش تَجِبَتْ لَهُ دُعَاؤُهُ وَأَعْطَيْتَهُ سُؤْلَهُ كَرَمًا مِنْكَ وَجُودًا نَمِي آورد و بنده خاشعی نمی شود. با وجود همه اینها دعایش را مستجاب کردی و خواسته اش وَقَلَّ مِقْدَارٌ لِمَا سَأَلَكَ عِنْدَكَ مَعَ عِظَمِهِ عِنْدَهُ أَخَذًا بِحُجَّتِكَ را دادی؛ زیرا تو بزرگواری و آنچه که او می خواست برای تو کوچک بود، اگر چه برای او

ص: ۲۴

عَلَيْهِ وَتَأْكِيداً لَهَا حِينَ فَجَرَ وَكَفَرَ وَاسْتَطَالَ عَلَى قَوْمِهِ وَتَجَبَّرَ بزرگ بوده باشد. این کار را کردی تا اتمام حجت کرده باشی و آن را تأکید کنی. آن هم در وَبُكُفْرِهِ عَلَيْهِمْ افْتَخَرَ وَبِظُلْمِهِ لِنَفْسِهِ تَكَبَّرَ وَبِحِلْمِكَ عَنْهُ اسْتَكْبَرَ هنگامی که او گناه می کرد و کفر می ورزید و بر قوم خود بزرگی می کرد. او تکبر می ورزید و با فکتب و حکم علی نفسه جزأه منه أن جزاء مثله أن یغرق کفرش بر قوم خود افتخار می کرد و با ظلم به خود کبر می ورزید و با حلم تو ادعاهای بزرگ فی البحر فجزئته بما حکم به علی نفسه إلهی وأنا عبدك داشت. به همین خاطر تو بر خود واجب کردی که او را به خاطر جسارتش عذاب کنی و عذاب ابن عبدك و ابن أمیک معترف لك بالعبودية مقر بانك أنت الله مثل او، آن بود که او را در میان دریای نیل غرق کردی. خدایا من بنده تو و فرزند بنده و کنیز خالق لا إله لی غیرک ولا رب لی سواک مقر بانک ربی وإلیک تو هستم. به عبودیت تو اعتراف می کنم. اقرار می کنم که تو خدا و خالق منی و خدایی جز تو ایایی عالم بانک علی کل شیء قدیر تفعّل ما تشاء وتحکم نیست. پروردگاری غیر از تو ندارم. اقرار می کنم که تو پروردگار منی و به سوی تو خواهم آمد. ما ترید لا معقب لحکمک ولا راد لقضائک و أنك الأول والأخر می دانم که تو بر هر کاری توانایی و هر کاری که اراده کنی و هر حکمی که بخواهی می کنی.

وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ لَمْ تَكُنْ مِنْ شَيْءٍ ۚ وَلَمْ تَبْنِ عَنْ شَيْءٍ ۚ كُنْتَ قَبْلَ كَسِي حَكْمَتِ رَا عَقَبَ نَمِي اِنْدَاذِد و قَضَايَتِ رَا بَرْنَمِي گِرْدَا نْد و تَوَاوَل و آخِر و ظَا هِر و بَا طِن هَمِه كُلُّ شَيْءٍ ۚ وَ اَنْتَ الْكَا ئِنُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَ اَلْمُكْوَنُ لِكُلِّ شَيْءٍ ۚ خَلَقْتَ چيزِ هَسْتِي. از هِيچ چيزِ نِيَسْتِي و از چيزِي سَاخْتِه نَشْدِه اِي. قَبْل از هَمِه بُوْدِي و بَعْد از هَمِه نِيَز كُلُّ شَيْءٍ ۚ بِيْتَقْدِيرٍ وَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ كَذَلِكَ كُنْتَ خَوَاهِي بُوْد و هَسْتِي بَخْشِ هَمِه چيزِ نِيَز هَسْتِي. هِر چيزِ رَا بِه اِنْدَازِه آفْرِيْدِي و شِنَوَا و بِيْنَايِي. وَ تَكُونُ وَ اَنْتَ حَتَّى قِيَوْمٍ لَّا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَ لَّا نَوْمٌ وَ لَّا تُوصَفُ شَهَادَتِ مِي دِهْمِ كِه تُو هَمَان طُورِ بُوْدِي و خَوَاهِي بُوْد. تُو زَنْدِه و قِوَامِ بَخْشِي و زَمَانِ و خِوَابِ بِالْاَوْهَامِ وَ لَمَّا تُدْرِكُ بِالْحَوَاسِّ وَ لَمَّا تُقَاسُ بِالْمَقْيَاسِ وَ لَمَّا تُشَبَّهُ وَ اَفْكَارِ و حِوَاسِّ و مَقَايِسَاتِ، هِيچْ كَدَامِ گَنْجَايِشِ تُو رَا نِدَا رَنْد. شِيْبِه اِنْسَانِ هَا نِيَسْتِي و تَمَامِ بِالنَّاسِ وَ اِنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ عَبِيدُكَ وَ اِمَاؤُكَ وَ اَنْتَ الرَّبُّ وَ نَحْنُ مَخْلُوقَاتِ، بَنْدِ گَانِ و كَنْيَزَانِ تُو هَسْتِنْد. تُو پُرُورْدِ گَارِ و مَا مُورْدِ تَحْتِ تَرِيْتِ هَسْتِيْم. تُو خَالِقِ الْمَرْبُوبُونَ وَ اَنْتَ الْخَالِقُ وَ نَحْنُ الْمَخْلُوقُونَ وَ اَنْتَ الرَّازِقُ و مَا مَخْلُوقِ، تُو رُوزِي دِهْنْدِه و مَا رُوزِي خِوَارِ تُو هَسْتِيْم. بَا اَيْنِ حِسَابِ، هَمِه سَتَايِشِ هَا وَ نَحْنُ الْمَرْزُوقُونَ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا اِلَهِي اِذْ خَلَقْتَنِي بَشَرًا سَوِيًّا مُتَعَلِقًا بِه تُو سْت. اِي خِدَايِ مَنِ، زَمَانِي كِه مَرَا بِه صُورْتِ اِنْسَانِي مُتَعَادِلِ آفْرِيْدِي و بِي نِيَازِ

وَجَعَلْتَنِي غَنِيًّا مَكْفِيًّا بَعِيدًا مَا كُنْتُ طِفْلًا صَبِيًّا تُقَوِّنِي مِنَ الثَّدْيِ از دیگران ساختی در حالی که من در آغاز طفلی ضعیف بودم که از پستان، شیر گوارا لَبَنًا مَرِيئًا وَغَدَائِنِي غِذَاءً طَيِّبًا هَنِيئًا وَجَعَلْتَنِي ذَكَرًا مِثْلًا سَوِيًّا می خوردم، تو غذای پاک و گوارایی دادی و مرا مردی متعادل و سالم آفریدی. پس حمد فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا إِنَّ عَدَّ لَمْ يُحْصَ وَإِنْ وُضِعَ لَمْ يَتَسَعِ لَهُ شَيْءٌ و ثنا مخصوص توست. ثنایی که اگر شمارش شود، به شمارش نیاید و اگر قرار داده شود، حَمْدًا يَفُوقُ عَلَى جَمِيعِ حَمْدِ الْحَامِدِينَ وَيَعْلُو عَلَى حَمْدِ كُلِّ جَائِي وَسَعَتِ أَنْ رَا نَدَاشْتَه بَاشَد. ثنایی مافوق ثنای همه ثناگویان که از حمد هر چیزی شَيْءٌ وَيُفَخِّمُ وَيُعْظَمُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَكَلَّمَا حَمِدَ اللَّهُ شَيْءٌ بِالْأَتْرَافِ بَاشَد و بر همه آنها و تمام کسانی که خدا را حمد و ثنا گفته اند، غلبه یابد. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عِدَدُ مَا خَلَقَ وَزَنَهُ خُدا رَا ثَنَا مِي گَويِم. آن طور که دوست دارد ثنا شود. او را به تعداد مخلوقاتش و وزن مِثْلَ مَا خَلَقَ وَبِوزْنِهِ [بِوزْنِ أَخْفِ مِثْلَ مَا خَلَقَ وَبِعِدَدِ أَنهَآ وَوزن بزرگ ترین آنها و کوچک ترینشان و به تعداد کوچکترین مخلوقاتش حمد أَضْعَفُ مِثْلَ مَا خَلَقَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَتَّى يَرْضَى رَبُّنَا وَبِعَدَدِ الرِّضَا وَأَسْأَلُهُ وَستایش می کنم. او را ثنا می گویم تا جایی که راضی شود و از او می خواهم

أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَغْفِرَ لِي رَبِّي وَأَنْ يَحْمِدَ تَابِعِي مُحَمَّدًا وَخَانِدَانِش دَرُودَ بَفَرَسْتَدِ وَ مَرَا بِيخَشَدِ وَ كَارَ مَرَا
 نِيكَو گِرْدَانَدِ لِي أَمْرِي وَيَتُوبَ عَلَيَّ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. إِلَهِي وَإِنِّي أَنَا وَ تَوْبَهُ ام رَا بِيذِيرَد؛ زِيْرَا او تَوْبَهُ پَذِير وَ مَهْرَبَانِ اسْت.

خدایا و این منم که اَدْعُوکَ وَ اَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِي دَعَاکَ بِهِ صَيِّفُوْتُکَ اَبُوْنَا اَدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ تُو رَا مِي خُوَانَم وَ از تُو
 درخواست مِي کَنَم. با هَمَانِ نَامِي کِه بَر گَزِيْدَه تُو پَدْرِمَانِ اَدَمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ مُسِيٌّ ؕ ظَالِمٌ حِيْنَ اَصَابَ الْخَطِيئَةَ فَغَفَرْتَ لَهُ
 خَطِيئَتَهُ وَ تَبَّتْ کِه بَه خُوْدَشِ ظَلَمَ کَرْد وَ مَرْتَكَبِ خَطَا شَد. پَسِ خَطَايِشِ رَا پُوْشَانَدِي وَ تَوْبَهُ اش رَا پَذِيرْفْتِي عَلَيَّ وَ اَسْتَجَبْتَ
 دَعْوَتَهُ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيْبًا يَا قَرِيْبُ أَنْ تُصَلِّيَ وَ دَعَايِشِ رَا مَسْتَجَابَ کَرْدِي وَ بَه او نَزْدِيكَ بُوْدِي. اِي نَزْدِيكَ، از تُو مِي خُوَاهَم تَا
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي وَ تَرْضَى عَنِّي بَر مُحَمَّدٍ وَ خَانِدَانِشِ دَرُودِ وَ سَلَامِ فَرَسْتِي وَ خَطَايِمِ رَا بِيخَشِي وَ از
 مَن رَا ضِي بَاشِي. اِگَر از فَاِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فَاعْفُ عَنِّي فَإِنِّي مُسِيٌّ ؕ ظَالِمٌ خَاطِيٌّ عَاصٍ مَن رَا ضِي نَشْدِي اِقْلًا مَرَا بِيخَش؛ زِيْرَا مَن
 گَنهكَارِي هَسْتَم کِه بَه خُوْدَمِ ظَلَمَ کَرْدَم. کِه آقا، وَ قَدْ يَغْفُو السَّيِّدُ عَنْ عَبْدِهِ وَ لَيْسَ بِرَاضٍ عَنْهُ وَأَنْ تُرَضِيَ عَنِّي حَتَّى اِگَر از بِنْدَه
 اش رَا ضِي نَباشَد، از او بَگَزْدَرْد. خَلَقْتَ رَا از مَن رَا ضِي کَن خَطَاكَارِي مَعْصِيَتِ كَارَمِ

وَنَجِّنَاهُ عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَدُسُورٍ فَاسْتَجِبَتْ دُعَاؤُهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا أَوْ رَا بَر رُوى چوب ها و ميخ ها نجات داديم» (۱) دعائش را مستجاب كردى و نزديك او بودى. يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنَجِّنِي مِنْ ظُلْمِ اى نزديك. پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا از ظلم كسى كه قصد ظلم كردن من يُرِيدُ ظُلْمِي وَتَكْفُفَ عَنِّي شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ جَائِرٍ وَعَدُوِّ قَاهِرٍ به من را دارد، نجات بده و شر هر سلطان ظالم و دشمن بى رحم و تحقير كننده توانا وَمُسْتَخَفِّ قَادِرٍ وَجَبَّارٍ عَنِيدٍ وَكُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَإِنْسِيٍّ شَدِيدٍ و متكبر لجوج و هر شيطان انسى، كه مرا قصد كرده است و مكر هر حيله گر را وَكَيْدِ كُلِّ مَكِيدٍ يَا حَلِيمُ يَا وَدُودُ. اِلَهِيَّ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي اِز من دور كن. اى بردبار و اى دلسوز الهى و درخواست مى كنم با اسمها، دُعَاكَ بِه عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ صَالِحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَجِيَّتُهُ مِنَ الْخُسْفِ وَأَعْلِيَّتُهُ كه با آن آنها بنده و فرستاده ات صالح عليه السلام تو را خواند تو نيز او را از خفت و ذلت عَلَى عَدُوِّهِ وَاسْتَجِبَتْ دُعَاؤُهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ نجات دادى و او را بر دشمنانش مسلط كردى و دعائش را مستجاب نمودى و نزديك او بودى. عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخَلِّصَنِي مِنْ شَرِّ مَا يُرِيدُ بِي اَعْدَائِي بِر مُحَمَّد و خاندانش درود و سلام فرست و مرا از شرّ نيات بد دشمنانم

ص: ۳۰

بِهِ وَيَبْغِي لِي حُسَادِي وَتَكْفِينِيهِمْ بِكَفَايَتِكَ وَتَتَوَلَّانِي بِوَلَايَتِكَ وَحَسَادَتِ كُنُودِ الْغَائِبِينَ وَجَلْوَى شَرِّشَانِ رَا بَكِيرِ وَ مَرَا
وَلَايَتِ پَذِيرِ وَلَايَتِ خَوِيشِ كُنْ. وَتَهْدِي قَلْبِي بِهَدَاكَ وَتُوَيِّدُنِي بِتَقْوَاكَ وَتُبَصِّرُنِي بِمَا فِيهِ رِضَاكَ دَلْمِ رَا بَهْ نُورَتِ هِدَايَتِ كُنْ وَ
مَرَا بَا تَقْوَا كَمَكِ كُنْ وَ بَهْ اَمُورِي كِه رِضَايِ تُو دَرِ اَنِ اَسْتِ، وَتُعِينِنِي بِغِنَاكَ يَا حَلِيمُ. اِلٰهِي وَاسْأَلْكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ
اَكْاَهْمِ نَمَا وَ بَا غِنَايِ خُودَتِ، مَرَا بِي نِيَازِ كُنْ اِي بَرْدِبَارِ. اِلٰهِي وَ دَرِ خُوَاَسْتِ مِي كُنْمِ عَزِيْذُكَ وَ نَبِيُّكَ وَ خَلِيْلُكَ اِبْرَاهِيْمُ عَلَيْهِ
السَّلَامُ حِيْنَ اَرَادَ نُمُرُوْدُ اِلْقَاءَهُ فِي النَّارِ فَجَعَلَتِ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا وَاسْتَجَبَتْ دُعَاؤُهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيْبًا وَ تُو اَنِ رَا خُنْكَ وَ
خُوشَايِنْدِ كَرْدِي وَ دَعَايِشِ رَا مُسْتَجَابِ كَرْدِي وَ بَهْ اُو نَزْدِيْكَ بُوْدِي. يَا قَرِيْبُ اَنْ تُصَلِّ لِي عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُبَرِّدَ عَنِّي
حَرَّ بَرِ مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانِشِ دَرُودِ فَرَسْتِ وَ حَرَارَتِ اَتَشْتِ رَا بَرِ مَنِ خُنْكَ گَرْدَانِ وَ زَبَانِهْ هَايِشِ نَارِكَ وَ تَطْفِيْ عَنِّي لَهِيْبَهَا
وَ تَكْفِيْنِي حَرَّهَا وَ تَجْعَلْ نَائِرَةَ اَعْيَادِي فِي رَا خَامُوشِ كُنْ. اَتَشِي رَا كِه دَشْمَنَانِمِ بَرَا فَرُوخْتِهْ اَنْدِ، دَرِ مَوْهَا وَ لِبَاسِ هَايِ خُودِشَانِ
قَرَارِ بَدِهْ. شِعَارِهِمْ وَ دِيْثَارِهِمْ وَ تَرْدُّ كَيْدِهِمْ فِي نَحْرِهِمْ وَ تُبَارِكْ لِي فِيمَا اَعْطَيْتَنِيهِ حِيْلِهْ هَايِشَانِ رَا بَهْ خُودِشَانِ بَرِ گَرْدَانِ وَ دَرِ اَنْجِهْ
كِه بَهْ مَنِ عِنَايَتِ كَرْدِهْ اِي، وَ سَعَتِ بَخْشِ.

كَمَا بَارَكْتَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ. همان طور که بر محمد و خاندانش برکت دادی. بی شک تو
 بخشنده و ستوده و اهل بخشش هستی. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَعَلْتَهُ إِلَهِي وَدَرَسْتُ
 مَعَهُ بِأَسْمَائِهِ كَمَا اسْمَعِيلُ بَا أَنْ تُوْرَا خَوَانْدَ وَ اُوْرَا نَبِيًّا وَرَسُولًا وَجَعَلْتَ لَهُ حَرَمَكَ مَنْسَكًا وَمَسْكَنًا وَمَأْوَى وَاسْتَجَبْتَ نَبِيَّ وَ
 رَسُولَ كَرْدِي وَ حَرَمْتَ رَا عِبَادَتِگَاهِ وَ مَنْزِلَ اُوْ قَرَارِ دَادِي. دعایش را لهُ دُعَاءُهُ رَحْمَةً مِنْكَ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ
 عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ بِذِيْفَتِي وَ بَهْ اُوْ نَزْدِيكَ بُوْدِي اِيْ نَزْدِيكَ. بر محمد مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْسَحَ لِي فِي قَبْرِی وَ تَحُطَّ عَنِّي
 وَزُرِّي وَ خَانْدَانَشِ دَرُودِ فَرَسْتِ وَ قَبْرِمْ رَا وَ سَعْتِ بَخْشِ وَ گَنَاهَانِمَ رَا بِسُوزَانِ وَ تَشُدَّ لِي أَرْزِي وَ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي وَ تَرْزُقْنِي التَّوْبَةَ
 بِحُطِّ السَّيِّئَاتِ وَ پَايَهْ هَايِمَ رَا مُحْكَمَ كُنْ وَ گَنَاهَانِمَ رَا بِيخْشِ وَ تُوْبَهْ وَ اَفْزَايْشِ نَعْمَاتِ وَ تَضَاعُفِ الْحَسَنَاتِ وَ كَشْفِ الْبَلِيَّاتِ وَ رِيحِ
 التَّجَارَاتِ وَ دَفْعِ مَعْرَهُ وَ اَزْ مِيَانِ رَفْتَنِ بِلَايَا وَ سُودِ آوْرِ شَدَنِ تِجَارَاتِ وَ دَفْعِ شَرِّ خَيْرِچِينِ هَا رَا رُوْزِيْمَ كُنْ. السَّعَايَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ
 الدَّعَوَاتِ وَ مُنْزِلُ الْبَرَكَاتِ وَ قَاضِي الْحَاجَاتِ چَرَا كِهْ تُوْ دَعَاها رَا مُسْتَجَابِ وَ بَرَكَاتِ رَا نَاذِلِ وَ حَوَائِجِ رَا بَرطَرْفِ كُنْدَهْ وَ خَيْرَاتِ

وَمُعْطَى الْخَيْرَاتِ وَجِبَارُ السَّمَاوَاتِ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَمَكَ بِهِ رَاعِيَاتُ كَنَنْدِه وَآسْمَانِ هَا رَا اِدَارِه كَنَنْدِه هَسْتِي. اِلَهِي وَ
دِرْخَوَاسْتِ مِي كَنَم بَا نَامِ هَايِي ابْنِ خَلِيلِكَ الَّذِي نَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ وَفَدَيْتَهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ وَقَلَبْتَ لَهُ كِه فِرْزَنْدِ اِبْرَاهِيمِ، كِه اُو رَا اَز
قِرْبَانِي شَدَنْ نَجَاتِ

قسمت دوم

دادی و او را با ذبحی عظیم نجات دادی. الْمَشْقَصَ حَتَّى نَاجِيَاكَ مُوقِنًا بِذَبْحِهِ رَاضِيًا بِأَمْرِ وَالِدِهِ وَاسْتَجَبْتَ اُو رَا دِرْ قِرْبَانِگَاهِ
غَلْطَانْدِي تَا اِينَكِه بَا يَقِينِ بِه ذَبْحِ شَدَنْ تُو رَا خَوَانْدِ. دِرْ حَالِي كِه لَهُ دُعَاةٌ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ رَاضِي
بِه دَسْتُوِرِ پَدْرَشِ بُوْد وَ تُو دَعَايَشِ رَا مَسْتَجَابِ كَرْدِي وَ نَزْدِيكَ اُو بُوْدِي اِي نَزْدِيكَ. وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنَجِّنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَبَلِيَّةٍ
وَتَصْرِفَ عَنِّي بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ اُو دِرُوْدِ فِرْسْتِ وَ مِرَا اَزِ كِرْفَتَارِ وَ بِلَا- نَجَاتِ بَدِه وَ هِرْ نُوْعِ ظَلَمْتِ كُلَّ ظَلَمَةٍ وَخِيْمَةٍ وَتَكْفِينِي مَا
أَهَمَّنِي مِنْ أُمُورِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي تَرَسْنَاكَ رَا اَزِ مَنْ بَا زِ كِرْدَانِ وَ تَمَامِ مَسْأَلِ مِهْمِ دُنْيَوِي وَ آخِرَوِيْمِ رَا بَرِ آوْرْدِه سَا زِ وَمَا أُحَاذِرُهُ
وَأَخْشَاهُ وَمِنْ شَرِّ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ بِحَقِّ آلِ يَس. وَ اَزِ تَمَامِ آنْچِه كِه مِي تَرَسْمِ اَزِ شَرِّ مَخْلُوقَاتِ حَفْظِ كَنْ. بِه حَقِّ آلِ يَاسِينِ. إِلَهِي
وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لُوطٌ فَنَجَّيْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْخُسْفِ اِلَهِي وَ دِرْخَوَاسْتِ مِي كَنَم بَا نَامِي كِه لُوْطِ بَا آنِ تُو رَا خَوَانْدِ
وَ بِه هَمْرَاهِ نَزْدِيكَانَشِ

وَالْهَدْمِ وَالْمَثَلِ وَالشَّدَّةِ وَالْجَهْدِ وَأَخْرَجْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ از ذلّت و بدبختی نجات یافتند. تو نیز آنها را از گرفتاری بزرگ خارج کردی و اَسْتَجَبْتُ دُعَاءَهُ وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ و دعایش را مستجاب ساختی و همراه او بودی ای نزدیک. بر محمد و آلش درود و آتش درود و آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَأْذَنَ بِجَمْعِ مَا شِئْتِ مِنْ شَمْلِي وَتَقَرَّرَ عَيْنِي بِوَلَدِي فرست و اراده کن تا شاخ و برگ پراکنده ام جمع شوند. فرزندان و نزدیکان و مال و اهلی و مِیَالِی وَتُصَلِّحَ لِي أُمُورِي وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي و هر چیزی که باعث روبه راهی زندگی ام می شود، و در تمام احوال به زندگی ام وسعت بخش. وَتُبَلِّغْنِي فِي نَفْسِي آمِیَالِی وَتُجِیرْنِي مِنَ النَّارِ وَتَكْفِنِي سَرَّ الْأَشْرَارِ به آروزهایم برسان و از آتش نجات بده و از شرّ اشرار حفظ کن. به برکت بِالْمُضِيَّاتِ الْأَخْيَارِ الْمَائِمَةِ الْمَأْبُرَارِ وَنُورِ الْمَأْنَوَارِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ برگزیدگان بندگان، ائمه خوبان و نورهای درخشان، محمد و خاندان الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَيْمَةِ الْمَهْدِيِّينَ وَالصَّفْوَةَ الْمُتَّجِبِينَ پاکش که برگزیدگان و امامان و پاکان و انتخاب شدگان و نجیبان هستند. صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَتَرْزُقُنِي مُجَالَسَتَهُمْ وَتَمَنَّ عَلَيَّ

بِمُرَافَقَتِهِمْ وَتَوْفَّقَ لِي صِيحِبَتَهُمْ مَعَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَمَلَائِكَتِكَ رَا بَر مَن عَنَايَتِ كَن و مَرَا بَه هَمْرَاهِيشَان مَوْفَق بَدَار، دَر كَنَار
 أَنبِيَآي مَرَسَل و مَلَائِكَه الْمُقَرَّبِينَ وَعِيَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَهْلِي طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ وَحَمَلِهِ عَرْشَتِكَ مَقْرَب و بِنْد گَان صَالِح و اَهْل
 اطَاعت و حَمَل كَنندگان عَرش و بزرگان ملائكه الهی. وَالْكَرُوبِيِّينَ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ يَعْقُوبُ عَلَيْهِ السَّلَام
 الهی و درخواست می کنم با آن نامی كه یعقوب با آن تو را خواند و دعایش را بعد وَقَدْ كُفَّ بَصِيرُهُ وَشَتَّتَ جَمْعُهُ وَفَقَدَ قُرَّةَ
 عَيْنِهِ ابْنَهُ فَاسْتَجَبَتْ لَهُ از كور شدن چشمان و پراكنده شدن قوا و گم شدن عزیزش یوسف، مستجاب كُردی دُعَاءَهُ وَجَمَعَتْ
 شَمْلَهُ وَأَقْرَبَتْ عَيْنَهُ وَكَشَفَتْ ضُرَّهُ وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا و قوایش را جمع كُردی و چشمش را بینا و گرفتاریش را برطرف ساختی.
 آری تُو يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَيِّرَ لِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَأْذَنَ لِي بِجَمْعِ مَا بَه او نزدیک بودی ای نزدیک. بَر مُحَمَّدٍ و آل او
 درود بفرست و اراده کن تا از تَبَدَّدَ مِنْ أَمْرِي وَتَقَرَّرَ عَيْنِي بِوَالِدِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَتُصَيِّرَ لِي شَأْنِي دست رفته هایم جمع شوند،
 فرزندان و خانواده و ثروتم مایه سعادتتم بوده و تمام كُله وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي وَتُبَلِّغْنِي فِي نَفْسِي آمَالِي وَتُصَلِّحَ امُورَاتِم
 را سر و سامان دهی و همه احوالم را بابرکت کنی و مرا به آروزهایم برسانی و اعمالم

لِي أَفْعَالِي وَتَمَنَّ عَلَيَّ يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْمَعَالِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ مَهْرَبَانْتَرِينَ مَهْرَبَانَانَ. إِلَهِي وَدَرْخَوَاسْتِ مِي كَنَم بَا نَامِي كِه بَنَدِه وَ پِيَامْبَرْتِ يَوْسُفُ عَلِيهِ السَّلَامِ فَتَجَيَّتَهُ مِنْ غِيَابَتِ الْجُبِّ وَكَشَفَتْ ضُرَّهُ وَكَفَيْتَهُ كَيْدَ إِخْوَتِهِ وَجَعَلْتَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ وَحِيلَهُ بَرَادِرَانِش رَا بِي اَثْرِ سَاخْتِي وَ اُو رَا اَز غَلَامِي بِه پَادشَاهِي رَسَانْدِي وَ پِيُوسْتِه قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَدْفَعَ هَمْرَاهِ اُو بُوْدِي، اِي نَزْدِيكَ. بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ اُو دَرُودِ فَرَسْتِ وَ مَكْرِ تَمَامِ حِيلِهِ گِرَانِ عَنِّي كَيْدَ كُلِّ كَائِدٍ وَشَرَّ كُلِّ حَاسِدٍ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. وَ شَرَّ تَمَامِ حَسُودَانِ رَا اَز مَن دُورِ كَن. چَرَا كِه تُو بَرِ هَرِ چِيْزِي تُوَانَا هَسْتِي. إِلَهِي وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ مُوسَى بْنِ إِلَهِي وَ دَرْخَوَاسْتِ مِي كَنَم بَا نَامِي كِه بَنَدِه وَ پِيَامْبَرْتِ مُوسَى بِنِ عَمْرَانَ بَا آن تُو رَا خَوَانَد. عَمْرَانَ إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ وَنَادَيْتَهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ آنجَا كِه فَرْمُودِه اِي: اُو رَا اَز جَانِبِ طُورِ صَدَا زَدِيمِ وَ اُو رَا بَرَايِ مَنَاجَاتِ خُودِ مَقْرَبِ

وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا وَضَرَبْتَ لَهُ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ تَبِعَهُ مِنْ سَاحَتِيمٍ (۱) برای او راهی خشک و هموار در میان دریا درست کردی و او را به همراه بنی إِسْرَائِيلَ وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ بَنِي إِسْرَائِيلَ نَجَاتٍ دَادِي وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ رَا بِه هَمْرَاه لَشْكْرِيَانِشَانِ غَرَقِ كَرْدِي وَدَعَائِشِ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ رَا مُسْتَجَابِ نَمُودِي. آری تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک. بر محمد و خاندانش درود و أَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ وَتُقَرِّبَنِي مِنْ عَفْوِكَ وَتَنْشُرَ عَلَيَّ مِنْ فِرْسْتِ وَرَا دَرِ پِنَاهِ خُودِ از شَرِّ خَلْقَتِ حَفْظِ كُنْ وَبِه عَفْوِ خُودِ نَزْدِيكَ كُنْ وَنِعْمَتِ هَايْتِ فَضْلِكَ مَا تُغْنِينِي بِهِ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَيَكُونُ لِي بَلَاغًا أَنَا لِي بِهِ رَا بِه اِنْدَازِه اِي عِنَايْتِ كُنْ كِه از هَمِه خَلْقَتِ بِي نِيَازِ شُومِ وَبَا آنِ بِه مَغْفِرْتِ وَرِضَايْتِ مَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ يَا وَيْلِي وَوَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ دَسْتِ يَا بَمِ. اِي وَلِيَّ مَنْ وَهَرِ بِنْدِه مُؤْمِنِي. إِلَهِي وَدِرْخُوسْتِ مِي كُنْمِ بَا اِسْمِي كِه بِنْدِه الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ دَاوُدُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤُهُ وَسَخَّرْتَ لَهُ وَبِيَامْبِرْتِ دَاوُدَ بَا آنِ تُو رَا خُوانْدِ وَدَعَائِشِ رَا مُسْتَجَابِ كَرْدِي وَكُوهِ هَا وَپَرْنْدِه هَا الْجِبَالَ يُسَبِّحُنَ مَعَهُ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ وَالطَّيْرِ مَحْشُورَةً كُلُّ لَهَا أَوَّابٌ رَا مَطْبَعِ اُو سَاخْتِي تَا صَبِيحِ وَشَامِ، بَا اُو تَسْبِيحِ كُوينْدِ وَهَمْگِي بِه سُوِي اُو بَرْگَرْدَنْدِ.

ص: ۳۷

وَشَدَّدْتَ مَلِكُهُ وَأَتَيْتَهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَّلْتَ الْخِطَابَ وَأَلَنْتَ لَهُ الْحَدِيدَ حَكُومَتِش رَا مَسْتَحَكَم كَرْدِي وَ حَكْمَت وَ قَضَاوَت دَادِي وَ
آهن را در دستش نرم ساختی وَعَلَّمْتَهُ صِنْعَهُ لِبُوسٍ لَهُمْ وَعَفَّرْتَ ذَنْبَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ وَ رُوش سَاخْتَن زَرِه رَا بِه اُو
آمُوختی وَ اَز خَطَايِش گزشتی وَ هَميشه بَا اُو بودی، اِي نَزْدِيكَ. تُصَلِّئِي عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُسَيِّخُنَّ لِي جَمِيعَ أُمُورِي
وَتُسَيِّهَنَّ بَرِ مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانِش دَرُود بَفَرَسْت وَ تَمَام اَمُورَاتِم رَا مَطِيْع ارَادِه اَم كَن وَ تَقْدِيرَاتِم لِي تَقْدِيرِي وَ تَزْزُقْنِي مَغْفِرَتَكَ
وَ عِبَادَتَكَ وَ تَذْفَعَنَّ عَنِّي ظُلْمَ الظَّالِمِينَ رَا آسَان گَرْدَان وَ مَغْفِرَت وَ عِبَادَت رَا رُوزِيم كَن وَ ظَلَم ظَالِمَان وَ حِيلِه دَشْمَنَان وَ كَيْدَ
الْمُعَاذِيْدِينَ وَ مَكْرَ الْمَآكِرِينَ وَ سَيِّطَوَاتِ الْفِرَاعِينَ الْجَبَّارِينَ وَ حَسِيْدَ وَ مَكَّارَانَ وَ قَهْر وَ غَلْبَه فِرْعَوْنَ هَا وَ حَسَد حَسُودَانَ رَا اَز مَن
بِرَطْرَف كَن. الْحَاسِدِينَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ وَ جَارَ الْمُتَجَرِّبِينَ وَ ثِقَةَ الْوَائِقِينَ وَ ذَرِيْعَةَ اِي اَمَان تَرَسِيْد گَان وَ پَنَاه پَنَاهِنْد گَان وَ تَكِيَه
گَاه تَكِيَه كَننْد گَان وَ وَسِيْلَه الْمُؤْمِنِينَ وَ رَجَاءَ الْمُتَوَكِّلِينَ وَ مُعْتَمِدَ الصَّالِحِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. مُؤْمِنَان وَ اَمِيْد تُوَكَّل كَننْد گَان وَ
تَكِيَه گَاه صَالِحَان اِي مَهْرَبَانْتَرِيْن مَهْرَبَانَان. اِلَهِي وَ اَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ بِالْاِسْمِ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ سَلِّمَانُ اِلَهِي وَ
دَرخُوسْت مِي كَنم. خُدَايَا بَا اِسْمِي كِه بَنْدَه وَ پِيَامْبَر تُو سَلِيْمَان بَا آن تُو رَا خُواند.

بُنْ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذْ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَخِيذٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ زَمَانِي كَهَذَا: «پروردگارا ملکی را به من بده که غیر از من به کسی نخواهی داد. أَنْتَ الْوَهَّابُ فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَأَطَعْتَ لَهُ الْخَلْقَ وَحَمَلْتَهُ عَلَى الرِّيحِ بِي شَكِّ تُو بَخْشَنْدِه اِی» (۱) تو نیز دعایش را مستجاب کردی و مخلوقات را مطیعش کردی و مرکبش و عَلَّمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَسَخَّرْتَ لَهُ الشَّيَاطِينَ مِنْ كُلِّ بَنَاءٍ وَغَوَّاصٍ رَا بَاد قَرَار دَادِی وَ زَبَان پَرَنَدِگَان رَا بَه اُو آمُوختی وَ شِیَاطِین وَ اِجْنَه رَا فَرْمَانِبَرَادَرش کَرَدِی، تَا کَار وَ آخِرِینَ مُقَرَّنِینَ فِی الْأَصْفَادِ هَذَا عَطَاؤُكَ عَطَاءٌ غَيْرُكَ وَ كُنْتَ مِنْهُ بَنَائِي وَ غَوَّاصِي رَا اِنجَام دَهَنَد بَرخی نِیز دَر زنجیرها زَنَدَانِي شَدَنَد. اِین هَمه، عَطَايَاي تُو بُوَد. قَرِيبًا يَا قَرِيبُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَهْدِي لِي قَلْبِي نَه عَطَايَاي غَيْر تُو. آري تُو هَميشه بَا اُو بُوَدِي اِي نَزْدِيكَ. بَر مُحَمَّدٍ وَ خَانَدَانَش دَرُود بَفَرَسْت وَ قَلْبَم رَا وَ تَجَمَّعَ لِي لُجْبِي وَ تَكْفَيْنِي هَمِّي وَ تُؤْمِنَ خَوْفِي وَ تَفُكِّكَ اَسِيرِي وَ تَشُدُّ هِدَايَتِ كُنْ وَ پَرَاكَنْدِگِي هَاي عَقْلَم رَا جَمْع كُنْ وَ غَم وَ اِندُوهم رَا بَرطَرَف كُنْ وَ تَرَسَم رَا بَه اَمْنِيَّت، بَدَل اَزْرِي وَ تُمَهِّلْنِي وَ تَنْفَسِيْنِي وَ تَسْتَجِيبُ دُعَائِي وَ تَسْمَعُ نِدَائِي وَ لَمَّا تَجْعَلْ كُنْ وَ اَسَارَتَم رَا پَايَان بَخْش وَ كَمَرَم رَا مَحْكَم نَمَا وَ بَه مَن مَهَلت بَدَه وَ دَعَايَم رَا مَسْتَجَاب كُنْ وَ بَه فِی النَّارِ مَاوَايَ وَ لَا الدُّنْيَا اَكْبَرَ هَمِّي وَ اَنْ تُوسِّعَ عَلَي رِزْقِي حَرْفِ هَايَم گُوش بَدَه وَ بَازگَشْتَم رَا دَر آتَش قَرَار نَدَه. هَمْتَم رَا صَرَف دُنْيَا نَكُنْ وَ بَر رُوْزِيْم وَسَعَت بَخْش

ص: ۳۹

وَتَحَسَّنَ خَلْقِي وَتَعْتَقَ رَقَبَتِي فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُؤْمَلِي. و خَلَقَم رَا نِيكُو گَرْدَان و گَرْدَنَم رَا از آتَش رِهَا كُن ؛ زِيْرَا تُو سَيِّد و سُرُوْر و آرْزُوِي مَن هَسْتِي. إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ لَمَّا حَيَّلَ بِهِ الْبَلَاءُ إِلَهِي وَ دَرْخَوَاسْت مِي كَنَم خَدَايَا بَا اَسْمِي كِه اَيُّوب تُو رَا خَوَاند. زَمَانِي كِه بَلَا بَعْد از بَعْد الصَّحَّة وَ نَزَلَ السَّقْمُ مِنْهُ مَنزِلَ الْعَافِيَةِ وَالضِّيقُ بَعْدَ السَّعَةِ وَ صَحْت و بِيْمَارِي بَعْد از عَافِيَت و فُقْر بَعْد از ثُرُوْت بِه او رُوِي آوَرْد. تُو نِيْز فَكَشَفْت ضُرَّهُ وَ رَدَدْت عَلَيْهِ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ حِيْنَ نَادَاكَ دَاعِيًا گَرْفَتَارِيْش رَا بَرطَرَف كَرْدِي و تُو دُو بَرَابَر آنچِه رَا كِه از او گَرْفَتِه بُوْدِي - فِرْزَنْدَان - بِه او لَمَكَّ رَاغِبًا إِلَيْكَ رَا جِيًا لِفَضْلِكَ شَاكِيًا إِلَيْكَ رَبِّ إِنِّي مَسْنِي الضُّرُّ بَر گَرْدَانْدِي. آَنگَاه كِه تُو رَا بَا شُوْق و اَمِيْد بِه اَحْسَانَت صَدَا زَد و گَلَايِه كَرْد و كَفْت: «پَرُوْر دِگَارَا، وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْئَلِي تَجِبْتَ لَهُ دُعَاءُهُ وَ كَشَفْتَ ضُرَّهُ وَ كُنْتَ كَرْفَتَارِي مَرَا مَبْتَلَا كَرْدِه اَسْت دَر حَالِي كِه تُو مَهْرَبَان تَرِيْن مَهْرَبَانَان هَسْتِي.» (۱) دَعَايِش رَا مَسْتَجَاب مِنْهُ قَرِيْبًا يَا قَرِيْبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَكْشِفَ كَرْدِي و گَرْفَتَارِيْش رَا بَرطَرَف سَاخْتِي و هَمِيْشِه بِه او نَزْدِيك بُوْدِي اِي نَزْدِيك. بَر مُحَمَّد و خَاَنْدَانِش ضُرِّي وَ تَعَافِيْنِي فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي فِيكَ دَرُوْد بَفَرَسْت و گَرْفَتَارِي رَا بَرطَرَف كُن و دَر جَان و اَهْل و مَال و فِرْزَنْدَان و بَرَادَرَان

ص: ۴۰

عَافِيَهُ بَاقِيَهُ شَافِيَهُ كَافِيَهُ وَافِرَهُ هَادِيَهُ نَامِيَهُ مُسْتَعِينِيَهُ عَنِ الْأَطْبَاءِ اِيْمَانِي ام عَافِيَتِ بَدَه. عَافِيَتِي هَمِيْشَكِي فِرَاكِيْرِ وَ كَافِي وَ فِرَايِنْدَه وَ بِي نِيَاز كِنْدَه اَز پِرَشْكَانِ وَالْأَدْوِيَه وَ تَجْعَلْهَا شِعَارِي وَ دِنَارِي وَ تَمْتَعْنِي بِسَمْعِي وَ بَصْرِي وَ دَوَاهَا، عَافِيَتِ رَا لِبَاسِ وَ لِحَافِ مِنْ بَكْن. مِرَا اَز كُوشِ وَ چِشْمِمْ بَهْرَه مَنْد سَازِ وَ آن وَ تَجْعَلُهُمَا الْوَارِثِيْنَ مِنْنِي اِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. اِلٰهِي وَ اَسْأَلُكَ دُو رَا جَانَشِيْنَ مِنْ قِرَارِ دَه. تُو بِرِ هَر چِيْزِي تُوَانَايِي. اِلٰهِي وَ دِرْخَوَاسْتِ مِي كِنْمِ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِه يُونُسُ بِنُ مِيْتِي عَلِيَه السَّلَامِ فِي بَطْنِ الْحُوْتِ حِيْنَ نَادَاكَ بِاِسْمِي كِه يُونَسِ بِنِ مَتِي دِرْ شَكْمِ نَهْنَكِ تُو رَا دِرْ ظَلْمَتِ هَايِ سَه كَاْنَه خَوَانْدِ وَ كَفْتِ: فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ «خُدَايِي جِزِ تُو نِيْسْتِ وَ تُو مَنْزِهِي مِنْ مَقْصِيْرَمِ وَ تُو مَهْرَبَانَ تَرِيْنَ مَهْرَبَانَ هَسْتِي.» (۱)

وَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ فَاسْتَجِبْ لَه دُعَاؤُه وَ اَنْبِتْ عَلَيَه شَجْرَه مِنْ دَعَايِشِ رَا مَسْتَجَابِ كَرْدِي وَ دِرْخَتِي اَز كَدُو بِرَايِشِ رُوِيَانْدِي وَ بَه سُوِي سَدِ هَزَارِ نَفْرٍ يَقْطِيْنَ وَ اَرْسَلْتَهُ اِلَى مَائِهِ اَلْفٍ اَوْ يَزِيْدُوْنَ وَ كُنْتُ مِنْهُ قَرِيْبًا يَا قَرِيْبُ وَ بَلْكَه بِيْشْتَرِ فِرْسْتَادِي وَ پِيُوْسْتَه بَه اُو نَزْدِيْكَ بُوْدِي اِي نَزْدِيْكَ. بِرِ مُحَمَّدِ وَ خَانْدَانِشِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَسْتَجِيْبَ دُعَائِي وَ تُدَارِكْنِي دِرُودِ بَفِرْسْتِ وَ دَعَايِمِ رَا مَسْتَجَابِ كِنِ وَ مِرَا بِاِ عَفْوِ خُوْدَتِ نَجَاتِ بَدَه؛ زِيْرَا مِنْ دِرْ دِرْيَايِ ظَلْمِ

ص: ۴۱

بِعَفْوِكَ فَقَدْ غَرِقْتُ فِي بَحْرِ الظُّلْمِ لِنَفْسِي وَرَكِبْتَنِي مَظَالِمَ كَثِيرَةٍ لَخَلَقْتَكُ بِهِ خَدَمٍ، غَرِقَ شَدِيدًا وَظَلَمَ هَيَا فِرَاوَانِي بِهِ گَرْدَن
دَارم. بر محمد و خاندانش درود بفرست عَلَيَّ وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْتُرْنِي مِنْهُمُ وَأَعْتَقْنِي مِنَ النَّارِ وَآبْرُؤِي مِرَا نَزْد
ایشان نبر و مرا از آتش نجات بده و مرا در همین شرایطی که هستم، و اجعلني من عتقائك و طلقائك من النار في مقامي هذا
بِمَنِّكَ يَا مَنَّانُ. از آزاد شدگان و رهایی یافتگان از دوزخ قرار بده. با فضل عنایت، ای مَنَّان. إِلَهِي وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي
دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ عِيسَى ابْنُ الْهَيِّ وَدَرخواست می کنم با اسمی که بنده و پیامبرت عیسی بن مریم تو را با آن خواند.
مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ أَيْدَتْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَأَنْطَقَتْهُ فِي الْمَهْدِ فَأَحْيَا بِهِ الْمَوْتَى زَمَانِي که او را با روح القدس یاری کردی و در
گهواره به سخن آوردی. او مرده ها و اَبْرًا بِهِ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ وَخَلَقَ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَصَارَ رَا زَنْدَه كَرْد و کورهای
مادرزاد و پیسی ها را شفا داد و از گل مجسمه پرنده ای طائرًا بِإِذْنِكَ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ رَا سَاخْت
و با اذن تو تبدیل به پرنده شد. تو به او نزدیک بودی ای نزدیک. بر محمد و آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّغَنِي لِمَا خَلَقْتَ لَهُ وَلَا تُشْغَلْنِي
بِمَا تَكَفَّلْتَهُ لِي وَخاندانش درود بفرست و مرا به کاری که برای آن آفریدی، مشغول کن و به آنچه که خود

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ امْرَأَهُ فِرْعَوْنَ سَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ اَلْهِي وَ دَرِخَوَاسْت مِي كَنَم بَا نَامِي كِه زَن فِرْعَوْن بَا آن تو را خواند. آنگاه كه گفت: «پروردگارا ابن لي عِنْدَكَ

قسمت سوم

بَيْتاً فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنْ مَرَا از دست فرعون و عاملان او و قوم ظالم، نجات بده و خانه اي در جوار رحمت خود و در القوم الظالمين فَاَسْأَلُكَ بِاسْمِ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهَا قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ بَهْشْت بَرَايْم دَرِسْت كَن«(1) تو نيز دعائش را مستجاب كردي و نزديك او بودي اي نزديك. تُصَلِّيْ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقَرِّ عَيْنِي بِالنَّظْرِ إِلَى جَنَّتِكَ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ او درود بفرست و چشمانم را به ديدار بهشت و دوستانت روشن كن. وَأَوْلِيَايِكَ وَتُفَرِّحْنِي بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُوْنِسْنِي بِهِ وَبِآلِهِ وَبِمُصِيَّ احْبَبْتِهِمْ مَرَا بَا مُحَمَّدٍ وَخَانْدَانِش شَاد وَ بَا آنْهَآ وَ بَه هَمْرَاهِي وَ رِفَاقَتِ بَا ايشان مَانُوس كَرْدَان. وَ مَرَا فَرَقْتِهِمْ وَ تُمْكِنَ لِي فِيهَا وَ تَنْجِنِي مِنَ النَّارِ وَمَا أَعِدَّ لِأَهْلِهَا مِنْ مَرَا دَرِ بَهْشْتِ جَا بَدَه وَ بَه وَاسَطَه مَغْفِرَتِ مَرَا، از آتش و هر آنچه كه براي اهل آن آماده السَّلَاسِلِ وَالْأَغْلَالِ وَالشَّدَائِدِ وَالْأَنْكَالِ وَأَنْوَاعِ الْعَذَابِ بِعَفْوِكَ. كَرْدَه اِي از قَبِيلِ زَنْجِيرِهَا وَ كَرْفَتَارِي هَا وَ لَجَامِ هَايِ آهْنِي وَ اَنْوَاعِ عَذَابِ نَجَاتِ بَخْش. اَلْهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَوْتُكَ عَبَدْتُكَ وَصِدِّيقَتُكَ مَرْيَمَ الْبُتُولِ اَلْهِي وَ دَرِخَوَاسْت مِي كَنَم بَا نَامِي كه كَنيز وَ صَدِيقَه ات مَرِيم، بَر كَزِيدَه وَ مَادَرِ مَسِيح

ص: ٤٥

وَأَرْجُو رَحْمَتِكَ وَأَوْمَلُ عَفْوِكَ وَأَلْتَمِسُ غُفْرَانَكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ رَحْمَتِ هَسْتَمِ وَآرْزُوا عَفْوَتِ رَا دَارْمِ وَبِخْشَايِشْتِ رَا التماس می کنم. پس بر محمد و آل محمد و اعطینی سؤلی و بلغنی املی و اجبُر فقری و ارحم و خاندانش درود بفرست و خواسته ام را بده و به آرزویم برسان و فقرم را جبران کن عَصِيَانِي وَاغِيْفُ عَنْ ذُنُوبِي وَفُكِّ رَقِيْبِي مِنْ مَظَالِمِ لِعِيَادِكَ رَكِبْتِي وَ بَرِ مَعْصِيْتِمِ رَحْمِ كُنْ وَ اَزْ كِنَاھَانِمِ دَرْ كُذْرٍ وَ كَرْدِنِمِ رَا اَزْ مَظَالِمِ بِنْدِگَانْتِ آزَادِ وَ ضَعْفِمِ رَا وَقُوْ ضَعْفِي وَاَعَزَّ مَسْكِنْتِي وَ تَبَّتْ وَطْأَتِي وَ اَغْفِرْ جُزْمِي وَ اَنْعِمْ تَقْوِيْتِ وَ مَسْكِنْتِ وَ خَوَارِيْمِ رَا بَهْ عَزَّتِ تَبْدِيْلِ كُنْ وَ پَاهَايْمِ رَا ثَابِتِ كُنْ وَ جَرْمِمِ رَا بِيخْشِ بَالِي وَ اَكْثِرْ مِنْ اَلْحَالِمِ مِيَالِي وَ خِزْلِي فِي جَمِيْعِ اُمُوْرِي وَ اَفْعِيَالِي وَ خَاطِرْمِ رَا آسُوْدَهْ وَ رُوْزِي حَلَالْمِ رَا بِيشْتَرِ وَ دَرِ هَمِهْ اَمُوْرٍ وَ اَعْمَالْمِ اِرَادَهْ خَيْرِ كُنْ وَ مَرَا وَرَضِيْنِي بِهِيََا وَ اَرْحَمِي وَ وَاِلْتَدِيْ وَ مَيَا وَ لَدَا مِنْ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بَا اَنْ رَاضِيْ نَمَا وَ بَهْ مِنْ وَ وَاِلْدِيْنَ وَ اَنْچِهْ كِهْ اَزْ مُؤْمِنِيْنَ وَ مَوْمِنَاتِ وَ مَسْلَمِيْنَ وَ مَسْلَمَاتِ وَ الْمُسْلِمِيْنَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمُ وَ الْاَمْوَاتِ اِنَّكَ سَمِيْعٌ اَزْ زَنْدِهْ هَا وَ مَرْدِهْ هَا كِهْ زَاَدَهْ اَنْدِ، بِيخْشِ وَ بِيامْرُزِ. تُو دَعَاھَايْمَانِ رَا مِي شَنُوِي. خَدَايَا مَرَا بَهْ الدَّعَوَاتِ وَ اَلْهَمْنِي مِنْ بَرِّهَمَا مَا اَسْتَحِقُّ بِهْ ثَوَابَكَ وَ الْجَنَّةَ وَ تَقَبَّلْ نِيكِي اَنْھَا رَاھْنَمَايِي كُنْ تَا بَهْ ثَوَابِ وَ بَهْشْتِ بَرَسْمِ وَ حَسَنَاتْمِ رَا قَبُوْلِ كُنْ وَ سِيئَاتْمِ رَا

حَسَدِنَا تِهِمَا وَأَعْفِرْ سَيِّئَاتِهِمَا وَاجْزِهِمَا بِأَحْسَنِ مَا فَعَلْنَا بِبِي تَوَابِكَ وَالْجَنَّةَ. ببخش و آنها را بر اساس بهترین کارهایی که برای من انجام داده اند، به بهشت ببر. إِلَهِي وَقَدْ عَلِمْتُ يَقِينًا أَنَّكَ لَا تَأْمُرُ بِالظُّلْمِ وَلَا تَرْضَاهُ وَلَا تَمِيلُ إِلَيْهِ إِلَهِي بِهِ يَقِينٌ فَهَمِيدٌ كَمَا تُوْبَهُ ظَلَمَ امْرَأَتِي وَآن رَا نَمِي پَسْنَدِي وَ تَمَائِلِ وَ عِلَاقَه وَ لَمَّا تَهَوَّاهُ وَ لَمَّا تُحِبُّهُ وَ لَمَّا تَغْشَاهُ وَ تَعْلَمُ مَا فِيهِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ مِنْ وَ مَحَبَّتِي بِهِ انْجَامِ آن نَدَارِي. از سوی دیگر خوب می دانی که این مردم چگونه دست به ظلم عیادت کردی و بَغِيهِمْ عَلَيْنَا وَ تَعْدِيهِمْ بَغِيْرَ حَقِّ وَ لَمَّا مَعْرُوفٍ بَلْ ظَلَمَ مَا دَرَا ز كَرْدَه اَنْد وَ تَجَاوَز كَرَانَه بِر مَا ظَلَمَ مِي كَنْد. پروردگارا اگر برای آنها مدتی ظلماً و عُدْوَاناً و زُوراً و بُهْتَاناً فَإِنْ كُنْتَ جَعَلْتَ لَهُمْ مُدَّةً لَا بُدَّ مِنْ تَعْيِينِ كَرْدَه اِي كَه حَتْمًا بَايْد تَا آن مَدْت زَنْدَه بِمَانَنْد، در قرآن فرموده ای و كَفْتَارِ تُو بُلُوْغِهَا أَوْ كَتَبْتَ لَهُمْ آجَالًا- يَنَالُونَهَا فَقَدْ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ حَقٌّ اسْت: «خداوند هر چه را که بخواهد محو و یا تثبیت می کند و ام الكتاب نزد اوست» (۱) وَوَعِدُكَ الصِّدْقُ يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ خدایا من از تو درخواست می کنم با همه نام هایی که انبیا و پیامبران و بندگان صالح فَاَنَا أَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَا سَأَلَكَ بِهِ أَنْبِيَائُكَ وَرُسُلُكَ وَأَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ وَ مَلَائِكَةُ مَقْرَبَتِ بَا آن تُو رَا خَوَانْدَه اَنْد، که تقدیر خود را مبنی بر ننگه داشتن ظالمان از

ص: ۵۰

بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَمَلَائِكَتِكَ الْمُرَبُّونَ أَنْ تَمُحَوْ مِنْ أُمَّ الْكِتَابِ امِ الْكِتَابِ مَحْوُ كُنِي وَ بَرَايشَان هَلَاكَتِ وَ بَرچيده شدن را بنويسی تا اجلشان نزديك شود ذَلِكَ وَ تَكْتُبَ لَهُمُ الْإِضْمِحَالَالِ وَالْمَحَقَّ حَتَّى تُقَرَّبَ آجَالُهُمْ وَ تَقْضِيَ وَ مَدْتشان تمام گردد و عمرشان قطع شود. ستمكاران را هلاك كن و برخی را بر برخی مُدَّتَّهُمْ وَ تَذْهَبَ أَيَّامُهُمْ وَ تَبْتَرُ أَعْمَارَهُمْ وَ تُهْلِكُ فُجَّارَهُمْ وَ تُسَلِّطُ دیگر مسلط کن تا در این جنگ هیچ يك از آنها زنده نماند و اجتماعشان را به هم بَعْضُهُمْ عَلَيَّ بَعْضٍ حَتَّى لَا تُبْقِيَ مِنْهُمْ أَحَدًا وَلَا تُنَجِّيَ مِنْهُمْ أَحَدًا بزن و سلاح هایشان کند کن، شاخ و برگشان را بشکن، عمرهایشان را تمام و پایه های وَ تَفَرَّقَ جُمُوعَهُمْ وَ تَكِلْ سِلَاحَهُمْ وَ تُبَدِّدْ شَمْلَهُمْ وَ تَقْطَعِ آجَالَهُمْ حُكُومَتشان را به لرزش بینداز و شهرهایت را از وجودشان پاک گردان؛ زیرا آنها سُنَّتِ وَ تَقْصِرُ أَعْمَارَهُمْ وَ تُزَلِّزُ أَقْدَامَهُمْ وَ تُطَهِّرُ بِلَادَكَ مِنْهُمْ وَ تُظْهِرُ عِبَادَكَ تُو را برگردانند و عهدت را نقض کردند و حرمتت را شکستند. آنها اوامرت را زیر پا عَلَیْهِمْ فَقَدْ غَيَّرُوا سِيَّتَكَ وَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَ هَتَكُوا حَرِيمَةَكَ وَ أَتَوْا مَا كَذَّبْتَهُمْ وَ بَه شَدَّتِ عصیانگری کردند و به گمراهی عجیبی مبتلا شدند. بنابراین بَر نَهَيْتَهُمْ عَنْهُ وَ عَتَوْا عُنْتًا كَبِيرًا وَ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدِ وَ خاندانش درود فرست و دست ظالمان را از تکبر کردن بگیر و زمین را از

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَذِنَ لَجَمْعِهِمْ بِالشَّيْءِ وَلِحِيَّتِهِمْ بِالْمَمَاتِ لَوْسِ وَجُودِشَانِ پَاكِ گِردَانِ وَاِرَادِهِ كُنْ تَا كَاشْتِه هَايشَانِ دَرُو و ريشه شَانِ قَطْعِ و شَاخِ وَاِلْزَوَاجِهِمْ بِالنَّهْبَاتِ نَبَاتِهِمْ وَاِسْتِصَالِ شَأْفَتِهِمْ وَشَمَاتِ شَمْلِهِمْ و بَرگِشَانِ بَرِيدِه بَرِيدِه و بِنِيَادِشَانِ مَنهَدِمِ شُود. اِي صَاَحِبِ جَلَالَتِ و بَزَرْگُوَارِي و هَرِيْدَمِ بُنْيَانِهِمْ يَا ذَا الْجَلَالِ وَاَلْكَرَامِ. وَاَسْأَلُكَ يَا اِلَهِي وَاِلَهَ كُلِّ وَاِدْرُخُوَاسْتِ مِي كَنَمِ اِي خُدَايِ مَنِ و خُدَايِ هَرِ چِيْزِي و پَرُوْرِدْگَارِ مَنِ و هَرِ چِيْزِ شَيْءٍ وَّرَبِّي وَّرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَاَدْعُوْكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عِبْدَاكَ دِيْگَرِي، تُو رَا بَا اَنِ نَامِي مِي خُوَانَمِ كِه دُو بَنَدِه و پِيَاْمَبَرِ و نَبِي و بَرگَرِيْدِه هَايْتِ وَّرَسُوْلَاكَ وَّنَبِيَاكَ وَّصِيْفِيَاكَ مُوسِي وَاَرُوْنُ عَلِيْهِمَا السَّلَامِ حِيْنَ قَالَا دَاعِيَيْنِ مُوسِي و هَارُوْنِ عَلِيْهِمَا السَّلَامِ تُو رَا بَا اَنِ خُوَانَدَنَد. اَنِ هَنگَامِ كِه بَا اَمِيْدِ بِه اِحْسَانَتِ گُفْتَنَد: لَكَ رَا جِيْنِ لِفَضْلِكَ رَبَّنَا اِنَّكَ اَتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا «خُدَايَا اَمُوَالِشَانِ رَا اَزِ بِيْنِ بِيْرِ و دَلِ هَايشَانِ رَا قَبْضِ كُنْ؛ زِيْرَا اَنَهَا تَا عَذَابِ دَرْدَنَاكَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوْا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ اَمْوَالِهِمْ رَا نَبِيْنَد، اِيْمَانِ نَمِي اَوْرَنَد.» (۱) تُو نِيْزِ بِه اَنَهَا لَطْفِ كَرْدِي و اَزِ نَعْمَتِ اِجَابَتِ بَهْرِه مَنَدِشَانِ وَاَشْدُدُّ عَلَيَّ قُلُوْبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْا حَتَّى يَرُوْا الْعَذَابَ الْاَلِيْمَ فَمَنْنَتْ سَاخْتِي تَا اِيْنَكِه بِه اَنَهَا اَمْرِ كَرْدِي كِه «دَعَايَتَانِ مَسْتَجَابِ شُد. پَسِ اسْتَقَامَتِ نِشَانِ دِهِيْدِ

ص: ۵۲

وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِمَا بِالْإِحْيَاءِ لَهُمَا إِلَى أَنْ قَرَعْتَ سَمْعَهُمَا بِأَمْرِكَ وَ مِنْ رُوحِ جَاهِلَانَ بِرُوحِ نَكِيدِ (۱) خدایا بر محمّد و خاندانش درود فرست اللهم ربّ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَجِيبَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ وَ اموال این ظالمان را از بین ببر و دل هایشان را قبض کن و نیکیت را از آنها لَمَّا يَعْلَمُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَطْمَسَ عَلَيَّ دَرِيغِ دَارٍ وَ در دریای خود آنها را غرق کن؛ زیرا همه آسمان ها و زمین و آنچه که در اَمْوَالِ هَؤُلَاءِ الظَّالِمَةِ وَأَنْ تُشَدِّدَ عَلَيَّ قُلُوبِهِمْ وَأَنْ تَخْسِفَ بِهِمْ مِثْلَ أَنهَاسِ، متعلق به توست. قدرت و انتقام خودت را به خلقت نشان بده. بَرِّكَ وَأَنْ تُغْرِقَهُمْ فِي بَحْرِكَ فَإِنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا فِيهِنَّ خدایا این کار را با آنها بکن و عجله کن. ای بهترین درخواست شده و بهترین لَكَ وَأَرِ الْخَلْقَ قُدْرَتَكَ فِيهِمْ وَبَطْشَكَ عَلَيْهِمْ فَافْعَلْ ذَلِكَ بِهِمْ خوانده شده و بهترین کسی که در برابرش، چهره ها به ذلت افتاده و دست ها و عَجَلُ ذَلِكَ لَهُمْ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَخَيْرَ مَنْ دُعِيَ وَخَيْرَ مَنْ تَدَلَّلَتْ لَهُ در برابرش بالا رفته است و با زبان ها خوانده شده و با چشم های منتظر الْوُجُوهُ وَرُفِعَتْ إِلَيْهِ الْأَيْدِي وَدُعِيَ بِاللُّسُنِ وَشَخَّصَتْ إِلَيْهِ الْأَبْصَارُ نگاه شده و قلب ها او را قصد کرده و قدم ها به سویش برداشته شده و در اعمال

ص: ۵۳

وَأَمَّتْ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ وَنُقِلَتْ إِلَيْهِ الْأَقْدَامُ وَتُحْوَكِمُ إِلَيْهِ فِي الْأَعْمَالِ. به حکمیت طلبیده شده است. الهی من بنده توام که از تو درخواست می کنم. اِلَهِي وَاَنَا عَبْدُكَ اَسْأَلُكَ مِنْ اَسْمَائِكَ بِاَبْهَائِهَا وَكُلِّ اَسْمَائِكَ بِهَيْئِ بَلْ بِاِپْرِبْهَاتِرِنِ نَامِ هَايْتِ. اگر چه همه آنها پربها هستند. بلکه درخواست می کنم با اَسْأَلُكَ بِاَسْمَائِكَ كُلِّهَا اَنْ تُصَلِّيَ لِي عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُرَكِّبَهُمْ هَمَّه نَامِ هَايْتِ. تا بر محمد و آل او درود فرستی و ظالمان را در دام های خودشان علی اُمِّ رُءُوسِهِمْ فِي زُبُيْتِهِمْ وَتُرْزِدِيَهُمْ فِي مَهْيُوِي حُفْرَتِهِمْ وَاَرْمِهِمْ سِرْنِگُونِ سَازِ و در گودال هایی که برای بندگانت کنده اند، بیندازی و آنها را نشانه بِحَجْرِهِمْ وَذَكَرِهِمْ بِمَشَاقِصِهِمْ وَاَكْبِيَهُمْ عَلٰی مَنَآخِرِهِمْ وَاخْنُقُهُمْ بِوَتْرِهِمْ تيرهاي خودشان قرار دهی و با خنجرهایی که برای دیگران نیز کرده اند، خودشان را وَاَرْدُدْ كَيْدَهُمْ فِي نُحُورِهِمْ وَاُوبِقُهُمْ بِنِدَامَتِهِمْ حَتَّى يَسْتَتَخَذُوا سِرْبِيرِي. آنها را با بینی بر زمین بزن و گلویشان را فشار بده و حيله هایشان را در وَيَتَضَاءَلُوا بَعِيدَ نَحْوَتِهِمْ وَيَنْقَمِعُوا وَيَخْشَعُوا بَعِيدَ اَسْمَائِهِمْ اَذِلَّاءَ گلویشان فرو ببر و آنها را با ندامتشان عذاب کن تا بعد از تکبر و بزرگی، ذلیل و خوار مِأَسُورِينَ فِي رَبِّقِ حَبَائِلِهِمُ الَّتِي كَانُوا يُؤْمَلُونَ اَنْ يَرَوْنَا فِيهَا وَتُرِينَا شوند و بعد از حکمرانی شکسته و در مانده گردند و ذلیلانه در دام هایی که دوست داشتند

مَيَا فِي الضَّمَائِرِ وَالْقُلُوبِ اَللّٰهُمَّ وَاَسْأَلُكَ بِمَا نَادَيْكَ بِمَا نَادَاكَ بِهٖ تُو بِر تَمَامِ غَيْبِهَا آكَاهِي وَ از آنچه كه در دلها مي گذرد، خبرداري. خدايا درخواست سيدي و سالك به نوح اذ قلت تباركت و تعاليت و لقد نادانا مي كنم و صدايت مي زنم با آن اسمي كه سرورم صدا زد و نوح با آن درخواست كرد. آنجا كه نوح فلنعم المحيون اجل. اللهم يا رب انت نعم المجيب و نعم فرموده اي: «نوح ما را صدا زد و تو بهترين اجابت كنندگاني» (۱) خدايا، پروردگارا، تو المدعو و نعم المسئول و نعم المعطي انت الذي لا تحيب سائلك اجابت كننده و خوانده شده و درخواست شده و عطا كننده، خوبي هستي. تو هماني كه ولا تمل دعاء من املك و لا تبرم بكثرة حوائجهم اليك و لا بقضائها درخواست كنندگان را دست خالي بر نمي گرداني و آرزومندان را خسته نمي كني و از لهم فان قضاء حوائج جميع خلقك اليك في اسرع لحظ من لمح زيادي نيازهايي كه نزد تو آورده اند، به ستوه نمي آيي. از بر آورده كردن نيازهايشان الطرف و اخف عليك و اهون من جناح بعوضه و حاجتي يا سيدي خسته نمي شوي؛ زيرا براي تو، بر آورده كردن حوائج تمام بندگان در کمتر از يك چشم بر و مولاي و معتدي و رجائي ان تصلي علي محمد و آل محمد هم زدن ممكن و

قسمت چهارم

سبك تر از بال مگس است. از سوي ديگر سرور و مولا و تكيه گاه و اميد من

ص: ۵۶

وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي فَقَدْ جُنْتُكَ ثَقِيلَ الظَّهِرِ بِعَظِيمِ مَا بَارَزْتُكَ بِهِ مِنْ أَيْنِ اسْتَكَرَ بِرِجْلِ مُحَمَّدٍ وَخَانِدَانِشِ دَرُودِ فَرَسْتِي وَغَنَاهَانِمِ رَا بِيَامِرْزِي؛ زِيرَا بَا پِشْتِي سَنَكِينِ سَيِّئَاتِي وَرَكِينِي مِنْ مَظَالِمِ عِبَادِكَ مَا لَمَّا يَكْفِينِي وَلَمَّا يُخَلِّصْنِي مِنْهُ أَزْ غَنَاهَانِ آمَدِهْ أَمِ وَ مَظَالِمِ بِنْدِگَانْتِ چِنَانِ مَرَا اِحَاطَهْ كَرْدِهْ اَنْدِ كِهْ تَنَهَا تُو مِي تَوَانِي مَرَا اَزْ غَيْرُكَ وَلَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَلَا يَمْلِكُهُ سِوَاكَ فَاْمُرْحُ يَا سَيِّدِي كَثْرَهْ سَيِّئَاتِي اَنَهَا بَرَهَانِي. اِي سُرُورِ مَنْ؛ گَنَاهَانِ زِيَادِمِ رَا بَا قَطْرَاتِ بِي رَمَقِ اشْكَم؛ بَلَكِهْ بَا قَسَاوَتِ قَلْبِ بِيَسِيرِ عِبْرَاتِي بَلْ بِقَسَاوَهْ قَلْبِي وَجُمُودِ عَيْنِي لَمَّا يَلُ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَ چِشْمَانِ خَشْكِيدِهْ أَمِ، نِهْ بَلَكِهْ بَا رَحْمَتِ وَاسِعَهْ اِي كِهْ شَامِلِ هَرِ چِيْزِ مِي شُودِ، مَحُو كِنِ. وَسَبَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَأَنَا شَيْءٌ فَلْتَسْعِنِي رَحْمَتَكَ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ خَدَايَا مِنْ هَمِ يَكِي اَزْ هَمَانِ چِيْزَهَا هِسْتِمِ. بِنَابِرَايِنِ بَا رَحْمَتِ خُودِ مَرَا دَرِيَابِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ لَا تَمْتَحِنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِشَيْءٍ مِنَ الْمُحَنِ اِي رَحْمَانِ وَ رَحِيمِ، اِي مَهْرَبَانِ تَرِينِ مَهْرَبَانَانِ مَرَا بَا كِرْفَتَارِي هَايِ دُنْيَا اِمْتِحَانِ نَكِنِ وَلَا تُسَيِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي وَلَا تُهْلِكُنِي بِذُنُوبِي وَعَجَّلْ خُلَاصَتِي وَ كَسِي رَا كِهْ بَرِ مَنْ رَحْمِ نَمِي كِنْدِ، بَرِ مَنْ مَسْلُطِ نَمَا. بَا گَنَاهَانِمِ مَرَا هَلَاكِ نَكِنِ وَ دَرِ مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَادْفَعْ عَنِّي كُلَّ ظُلْمٍ وَلَا تَهْتِكْ سِرِّي وَلَا تَفْضَحْنِي رَهَائِي مِنْ اَزْ تَمَامِ كِرْفَتَارِي هَا وَ اُمُورِ نَاخُوشَايِنْدِ، عَجَلِهْ نَمَا. خَدَايَا پَرْدِهْ خُودِ رَا كِنَارِ

يَوْمَ جَمَعَكَ الْخَلَائِقَ لِلْحِسَابِ يَا جَزِيلَ الْعَطَاءِ وَالْثَوَابِ. أَسْأَلُكَ أَنْ نَزِنَ وَ دَرُوزِ رَسْتَخِيرِ بِي أَبْرُويمِ نَسَازِ. اِي كَسِي كِه ثَوَابِ وَ عَطَايَتِ بَسِيَارِ اسْتِ. دَرِخَوَاسْتِ تُصَيِّلُ مِي عَلَيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُحَيِّنِي حَيَاةَ السُّعْدَاءِ وَتُمَيِّنِي مِي كَنَمِ كِه بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ اَوِ دَرُودِ بَفَرَسْتِي وَ اَزِ زَنْدَگِي سَعَادَتْمَنْدَانِ وَ مَرِگِ شَهِيدَانِ مَيْتَهَ الشُّهَدَاءِ وَتَقْبَلْنِي قَبُولَ الْأَوْدَاءِ وَتَحْفَظْنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّيَّةِ بِبَهْرِهِ مَنْدَمِ كَنِي وَ مَرَا مَانَنْدِ دُوسْتَانَتِ بِيذِيرِي وَ دَرِ اَيْنِ دُنْيَايِ پَسْتِ اَزِ شَرِّ سَلَاطِينِ مَنْ شَرِّ سَيِّئَاتِهَا وَفُجَّارِهَا وَشَرِّ رَارِهَا وَمُجَرَّبِيَّهَا وَالْعَامِلِينَ لَهَا فِيهَا وَ سَتْمَكَارَانَ وَ اَفْرَادِ شَرُّورِ وَ عِلَاقَه مَنْدَانِ بَه دُنْيَا وَ دُنْيَا پَرِسْتَانِ، حَفْظَمِ كَنِي وَ مَرَا وَقِنِي شَرِّ طُغَايَتِهَا وَحُسَادِهَا وَبَاغِي الشُّرُوكِ فِيهَا حَتَّى تَكْفِينِي مَكْرًا اَزِ شَرِّ سَرِكَشَانِ وَ حُسُودَانِ نَگِه دَارِي. تَا اَنجَا كِه مَرَا اَزِ مَكْرِ مَكَارَانَ اَمْنِيَّتِ دِهِي. الْمَكْرَهُ وَتَفْقَهُ عَلَيَّ اَعْيُنَ الْكُفْرَةِ وَتُفْجِمَ عَلَيَّ اَلْسُنَ الْفَجْرَةِ وَتَقْبِضَ چِشْمَهَا وَ زَبَانِهَايَشَانِ رَا بَا زِدَارِي وَ مَرَا بَا لَاتَرِ اَزِ دَسْتِ ظَالِمَانِ نَگِه دَارِي مَرَا اَزِ لِي عَلَيَّ اَيُّدِي الظَّلْمَةِ وَتُؤْمِنَ لِي كَيْدَهُمْ وَتُمَيِّتَهُمْ بِغِيْظِهِمْ وَتَشْغَلَهُمْ حَيْلَهُ هَايَشَانِ اَمَانِ دِهِي وَ اَنهَا رَا بَا عِصْبَانِيَّتَشَانِ بَكْشِي وَ اَنهَا رَا بَه چِشْمِ وَ گُوشِ بِاسْمَاعِهِمْ وَ اَبْصَارِهِمْ وَ اَفْنِدْتَهُمْ وَ تَجْعَلْنِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فِي اَمْنِكَ وَ دَلْشَانِ مَشْغُولِ كَنِي وَ مَرَا اَزِ هَمِه اَنهَا دَرِ حِصْنِ وَ قَلْعَه خُودِ، حَفْظِ كَنِي. هَمَانَا

وَأَمَانِكَ وَحِزْزِكَ وَسُلْطَانِكَ وَحِجَابِكَ وَكَنْفِكَ وَعِيَاذِكَ وَجَارِكَ إِنَّ وَلِيَّيَ مِنْ خَدَائِيكَ اسْتِ كِتَابِ رَا نَازِلِ كَرْدِ وَاوْخُودِ
 مَتُولِيْ اَمُورِ صَالِحِيْنَ اسْتِ. وَاَلَيَّْ اَلَلُّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ. اَللَّهُمَّ بِكَ اَعُوذُ خَدَايَا بِيْهْ تُوْ پَنَاهِ مِيْ بَرْمِ وَاوْ رَا مِي
 پَرَسْتَمِ وَا بِيْهْ تُو اَمِيْدِ بَسْتَهْ اَمِ وَازِ تُو كَمَكِ مِيْ خَوَاهَمِ وَاوْ بِيْكَ اَلْوُدُّ وَاوْ لَكَ اَعْبُدُ وَاِيَّاكَ اَرْجُوْ وَاوْ بِيْكَ اَسْتَعِيْنُ وَاوْ بِيْكَ اَسْتَكْفِيْ وَازِ تُو
 يَارِيْ مِيْ جُوِيْمِ وَاوْ رَا صَدَا مِيْ زَنَمِ وَازِ تُو قَدْرَتِ مِيْ خَوَاهَمِ وَازِ تُو دَرْخَوَاسْتِ وَاوْ بِيْكَ اَسْتَعِيْثُ وَاوْ بِيْكَ اَسْتَقْدِرُ وَاوْ مَنِكَ اَسْأَلُ اَنْ
 تُصَيِّرَ لِيْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ مِيْ كَنَمِ كِهْ بَرِ مُحَمَّدِ وَاوْ خَانَداَنَشِ دَرُودِ فَرَسْتِيْ وَاوْ مَرَا بَرِ نَكْرَدَانِيْ مَكْرَبَا كَنَاهَانِيْ بَخْشِيْدَهْ شَدَهْ وَاوْ اَلِ مُحَمَّدٍ وَاوْ
 تَرْدَنِيْ اِلَّا بِذَنْبٍ مَغْفُوْرٍ وَسَيِّئِيْ مَشْكُوْرٍ وَتِجَارَهٍ وَاوْ تَلَاشِيْ مَاجُوْرٍ وَاوْ تِجَارَتِيْ مَانَدِ كَاْرٍ وَاوْ بَدُوْنِ زِيَاْنِ وَاوْ بَا مَنِ رِفْتَاْرِيْ كَنِيْ كِهْ شَايَسْتَهْ
 تُوَسْتِ لَنْ تَبُوْرَ وَاَنْ تَفْعَلَ بِيْ مَيَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَاوْ تَفْعَلَ بِيْ مَا اَنَا اَهْلُهُ فَاِنَّكَ وَاوْ رِفْتَاْرِيْ نَكْنِيْ كِهْ مَنِ شَايَسْتَكِيْ اَنْ رَا دَاْرَمِ؛ زِيْرَا تُو
 شَايَسْتَهْ حَفْظِ وَاوْ نَكْهَدَاْرِيْ بِنَدِ كَاْنِ اَهْلُ التَّقْوَى وَاوْ اَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَاوْ اَهْلُ الْفَضْلِ وَاوْ الرَّحْمَةِ. اِلٰهِيْ وَقَدْ اَطَلْتُ وَاوْ اَمْرَشِ اَنْهَا وَاوْ فَضْلِ وَاوْ
 عِنَايَتِ هَسْتِيْ. خَدَايَا دَعَايِمِ رَا طُوْلِ دَاْدَمِ وَاوْ خِيْلِيْ حَرْفِ زَدَمِ. دُعَايِيْ وَاوْ اَكْتَرْتُ خَطَاْبِيْ وَضَبِيْقُ صِيْدَرِيْ خِيْدَانِيْ عَلَيَّ ذَلِكُ كُلهِ
 وَحَمَلْنِيْ فِشَارِ كَرَفْتَاْرِيْ هَا مَرَا وَاوْ دَاْرِ كَرْدِ تَا چِنِيْنَ سَخْنِ بَكُوِيْمِ. بَا اِيْنَكِهْ مِيْ دَاْنَمِ اَكْرِ دَعَايِ مَنِ

عَلَيْهِ عِلْمًا مَنِيَّ بِأَنَّهُ يُجْزِيكَ مِنْهُ قَدْرُ الْمَلْحِ فِي الْعَجِينِ بَلْ يَكْفِيكَ بِهِ اِنْدَاذَهُ نَمَكٌ دَرِ خَمِيرٍ حَتَّىٰ اِغْرَ بِهٖ اِنْدَاذَهُ قَصْدٌ وَ نِيَّتٌ بِاِشْدَادٍ،
 بَرَايِ تُو كَافِي اِسْت. عَزْمٌ اِرَادَةٌ وَاَنْ يَقُوْلَ الْعَبْدُ بِيْتِهٖ صِدْقَهُ وَّلِسَانٍ صَادِقٍ يَا رَبِّ فَتَكُوْنُ اَرَى اِغْرَ بِنْدَهٗ بِا نِيَّتِ صَادِقَانَهٗ وَ زَبَانِي
 رَاَسْتَكُو صَدَا بَزَنْدٌ وَ بَكُوِيْد: پُرُوْرْدِ گَارَا، تُو عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِكَ بِكَ وَ قَدْ نَاَجَاكَ بِعَزْمِ الْاِرَادَهٗ قَلْبِي فَاَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّئِي نَزْدَا وُ حَاَضِر
 خَوَاَهِي شَدْ. پَسْ اَزْ تُو دَرِخَوَاَسْتِ مِي كَنْمِ كِهٖ بَرِ مَحْمَدٍ وَ خَاَنْدَاَنْشِ دَرُوْدِ فَرَسْتِي عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُقْرِنَ دُعَاِي
 بِالْاِحْيَاِءِ مِنْكَ وَ تُبَلِّغِنِي مَيَا وَ دَعَاِيْمَ رَا مَقْرُوْنَ بِهٖ اِجَابَتِ كُنِي وَ تَمَامِ چِيْزَهَاِي كِهٖ اَنْهَا رَا اَزْ تُو خَوَاَسْتَم، اَزْ لَطْفِ اَمَلْتَهٗ فَيْكَ مِنْهٗ
 مِنْكَ وَ طُوْلًا- وَ قُوَّةً وَ حُوْلًا وَا لَا تُقِيْمِنِي مِنْ مَقَامِي هٰذَا وَ عَنَايَتِ وَ اِحْسَاَنْتِ بَرِ اَوْرُوْدَهٗ سَاَزِي مَرَا اَزْ جَاِيْمِ بَلَنْدِ نَكْن، مَكْرَ اِيْنَكِهٖ تَمَامِ
 خَوَاَسْتَهٗ هَاِيْمِ اِلَّا بِقَضَاِيْكُ جَمِيْعٍ مَا سَاَلْتُكَ فَاِنَّهٗ عَلَيْكَ يَسِيْرٌ وَ خَطْرُهٗ عِنْدِي جَلِيْلٌ رَا مَسْتَجَابِ كَرُوْدَهٗ بَاَشِي؛ زِيْرَا اَنْهَا بَرَايِ تُو
 اَسَاَنْ هَسْتَنْدَا اَمَا بَرَايِ مَنْ بَسِيَارِ بَزْرُگَنْدٌ وَ تُو كَثِيْرٌ وَاَنْتَ عَلَيْهٖ قَدِيْرٌ يَا سَمِيْعُ يَا بَصِيْرُ. اِلٰهِي وَ هٰذَا مَقَامُ الْعَاِيْدِ بِكَ بَرِ خَوَاَسْتَهٗ هَاِيْمِ
 تُوَاْنَاِي دَارِي. اِي شَنْوَنْدَهٗ وَ بِيْنْدَهٗ. خُدَاِيَا، اِيْنَجَا مَحَلِ اِيَسْتَاْدَنْ بَنْدَهٗ اِي مِنْ النَّارِ وَاَلْهَارِبِ مِنْكَ اِلَيْكَ مِنْ ذُنُوْبٍ تَهْجَمْتَهٗ وَ عُيُوْبٍ
 فَضَحْتَهٗ اِسْت كِهٖ اَزْ اَتَشِ دُوْزَخِ بَهٗ تُو پِنَاَهٗ اَوْرُوْدَهٗ وَ اَزْ گَنَاَهَاِي كِهٖ بَهٗ اُو هَجُوْمِ اَوْرُوْدَهٗ وَ عِيْبِ هَاِي كِهٖ

فَصَبَّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةَ رَحْمَةٍ أَفُوزُ بِهَا إِلَى آبرویش را برده اند، به تو پناه آورده است. با نظر رحمتت به من نگاه کن تا با آن وارد بهشت جنتتک و اعطف علی عطفه أنجو بها من عقابك فإن الجنة والنار شوم و عطوفتی نشان بده تا با آن از آتش دوزخ نجات یابم؛ زیرا بهشت و دوزخ به دست لکم و یدک و مفاتیحهم و مغالیقهم اإلیک و أنت علی ذلک قادرٌ تو است و کلیدهای باز کردن و قفل های بستن آنها همه از تو است و تو بر همه آنها توانایی و هو علیک هین یسیر و افعل بی میا سألک یا قدی و لا حول داری و بر تو بسیار آسان و کوچک هستند. بنابراین آنچه را که خواستم عنایت فرما. مانع و نیرویی و لا قوه إلا بالله العلی العظیم و حسبنا الله و نعم الوکیل. غیر از خدای والا- مرتبه و با عظمت وجود ندارد و خدا ما را کفایت می کند و وکیل خوبی است.

نماز حاجت صادر شده از امام زمان علیه السلام و دعای آن (۱)

در نامه ای که از حضرت صادر شده، فرموده اند:

کسی که حاجتمند باشد، شب جمعه بعد از نصف شب، غسل کند و در محل نماز قرار بگیرد.

دو رکعت نماز بخواند به این ترتیب که:

در رکعت اول سوره حمد را می خواند و وقتی که به آیه: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» رسید، آن را صد بار تکرار می کند و حمد را تمام و سوره توحید را تنها یکبار می خواند.

بعد از آن رکوع و سجده می کند و در هر کدام تسیحات آن را هفت بار انجام می دهد. و رکعت دوم را مانند اولی بجا می آورد. بعد از نماز این دعا را می خواند و خداوند به قطع، حاجت او را هر چه که باشد، برآورده می کند. مگر اینکه مربوط به قطع رحم باشد:

اللَّهُمَّ إِنَّ أَطْعُنَكَ فَالْمُحَمَّدُ لَكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ مِنْكَ خدایا اگر تو را اطاعت کردیم، حمد و ثنا برای توست. (۲) و اگر معصیت کردیم، تو علیه ما الرُّوحُ وَمِنْكَ الْفَرْجُ سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرَ سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ وَغَفَرَ. دلیل داری. راحتی و گشایش از توست. پاک و منزّه است کسی که نعمت می دهد و تشکر می کند. (۳)

ص: ۶۲

۱- ۲۸. تفسیرالقمی / ج ۲ / ص ۱۲۹ / إحضار عرش بلقیس؛ مستدرک الوسائل / ج ۶ / ص ۷۵ / باب ۳۷- باب استحباب الصلاه المرغبه.

۲- ۲۹. یعنی ما از لطف تو توفیق عبادت یافتیم.

۳- ۳۰. مقصود آن است که خداوند متعال انسان را از نعمت عبادت و صحبت و اطاعت خودش بهره مند می کند. اما به جای اینکه انسان از او به خاطر این نعمت شکر کند، خداوند دوباره از انسان تشکر می کند و برای عبادتی که نعمت خودش بوده است، دوباره تشکر کرده و پاداش می دهد. این مطلب با تفصیل بیشتر در دعای روز عرفه امام حسین علیه السلام آمده است.

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ پاك و منزّه است کسی که مقدر می کند و می بخشد. (۱) خدایا اگر چه عصیان کرده ام، اما إلیک و هو الایمان بک لم أتخذ لک ولداً ولم أدع لک شریکاً در محبوب ترین امور نزد تو، که ایمان باشد، تو را اطاعت کرده ام. من برای تو فرزند منماً منک به علی لا مناً منی به علیک وقد عصیتک یا إلهی علی و شریکی نمی دانم. البته این ایمان، توفیقی از توست، نه منّتی از من بر تو. خدایا از سر غیر وجه المکابره ولا الخروج عن عبودیتک ولا الجحود برئوبیتک لجازی و با قصد خروج از عبودیت و انکار به ربوبیت، گناه نکرده ام. بلکه فریب هوای و لکن اطعت هوای و أزلنی الشیطان فاک الحجه علی والبیان فإن نفسم را خوردم و شیطان مرا به لغزش انداخت. با این حال تو می توانی مرا محکوم کنی. اگر تعذبتی فبذنوبی غیر ظالم وإن تغفر لی وتزحمتی فإنک جوادٌ مرا عذاب کنی، به خاطر گناهانم خواهد بود. اما اگر ببخشی به خاطر آقایی و کرم و جود توست.

ص: ۶۳

۱- ۳۱. به این معنا که خداوند متعال خود حدودی را برای انسان تعیین می کند. اما زمانی که انسان این حدود را می شکند، می بخشد.

كَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ (یا کریم را آن قدر تکرار می کند تا نفسش تمام شود.) و ادامه می دهد:

يَا آمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَكُلُّ شَيْءٍ ۚ مِنْكَ خَائِفٌ ۚ يَذُرُّ أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ أَي خدایى كه از هیچ چیزى هراس ندارد و همه چیز در هراس از اوست. درخواستِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَخَوْفٍ كُلِّ شَيْءٍ ۚ مِنْكَ أَنْ صِلِّىَ عَلَى مُحَمَّدٍ مى كنم به خاطر اینکه تو از همه در امانى و همه از تو هراسان هستند، بر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْطِنِى أَمَانًا لِنَفْسِى وَأَهْلِى وَوَلْدِى وَسَائِرِ وَخاندانش درود فرست و برای من و خانواده و فرزندانم امان و پناه بده. تا از كسى مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَخَافُ أَحَدًا وَلَا أُخِذَرُ مِنْ شَيْءٍ ۚ أَبِيدًا نترسم و هراسى به خود راه ندهم. همانا تو بر هر چیزى توانایى داری و خدا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ ۚ قَدِيرٌ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ يَا كَافِيَّ مَا رَا كَفَايَتِ مِى كند و او بهترین و كیل است. ای كفايت كنده ابراهيم از شَرِّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَمْرُودَ وَيَا كَافِيَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِرْعَوْنَ وَيَا كَافِيَّ مُحَمَّدٍ نَمْرُودَ وَيَا كَافِيَّ مُحَمَّدِى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْأَخْرَابِ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّىَ قِبَالِى عَرَبِ. از تو مى خواهم كه بر مُحَمَّدٍ و خاندانش درود فرستى و مرا از

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْفِينِي شَرَّ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ شَرِّ فُلَانِي حَفْظَ كُنِي. تو از شر کسی که از شرش می ترسم، کفایت خواهی کرد. (در این بخش نام شخصی را که از شر او در هراس است، ذکر می کند.) فَيْسِدُ تَكْفِي شَرِّ مَنْ يَخَافُ شَرَّهُ. ان شاء الله حاجتش برآورده می شود. سپس به سجده رفته و با تضرع حوائجش را درخواست می کند. فَإِنَّهُ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ صَلَّى هَيْدَهُ الصَّلَاةَ وَدَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ إِلَّا فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِلْإِجَابَةِ وَيُجَابُ فِي وَقْتِهِ وَلَيْلَتِهِ كَأَنَّ مَا كَانَ وَذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ؛ هیچ زن و مرد مؤمن و مؤمنه ای نیست که این نماز را با این دعا بخواند مگر اینکه خداوند درهای رحمتش را برای اجابت باز می کند و دعایش را در همان لحظه و همان شب مستجاب می کند. (۱) هر چه که باشد. این

ص: ۶۵

۱- ۳۲. اجابت دعا غیر از آن است که در همان موقعی که ما می خواهیم کار مورد نظر صورت گیرد. به عبارتی ممکن است که کسی از خداوند شفای مریض و یا خانه دار شدن و امثال آن را بخواهد. اما بعد از چند سال محقق گردد. به عبارتی اجابت دعا به آن معناست که در تقدیرات انسان ثبت می شود که فلان کار در موقع مناسب انجام گیرد. زیرا کل عالم بر اساس نظامی حرکت می کند و در اغلب موارد، دعای ما با مصالح اجتماعی و یا شخصی افراد دیگر در تعارض است. از این رو خداوند به سبب دعا نظام عالم را به گونه ای تنظیم می کند که در موقعیت مناسب، شخص را به خواسته خودش برساند. به عنوان مثال اگر شما درخواست وام بکنید و با این درخواست موافقت شود، این موافقت بدان معنا نیست که الزاماً وام در همان زمان دلخواه شما، پرداخت شود؛ زیرا بانک باید توانایی خود و درخواست های دیگر را بررسی کند و طبق آن مهلتی را برای وصول وام شما تعیین کند. شاید یکی از موارد روشن این مطلب دعای حضرت موسی و هارون علیه السلام در نابودی حکومت فرعون باشد. که خداوند به آنها فرمود: «قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» یونس ۸۹/ دعایتان مستجاب شد، بنابراین استقامت کنید و به راه گمراهان نروید. شاید برای ما باور نکردنی باشد که؛ اگر چه اجابت دعا در همان لحظه صورت گرفته است. اما تحقق خارجی آن بعد از چهل سال رخ داده است؛ یعنی بعد از چهل سال که خداوند به آنها فرمود: دعایتان مستجاب شد، فرعون سرنگون گردید. این مطلب در روایاتی آمده است که از جمله می توان به روایت ذیل اشاره کرد. ابن ابی عمیر عن هشام بن سالم عن ابی عبد الله علیه السلام قال «كان بين قول الله عزوجل قداجيت دعوتكما وبين اخذ فرعون اربعين عاماً» الكافي ج ۲، ص ۴۸۹، باب من أبطات عليه الاجابه.

اجابت از فضل خدا به ما و مردم است.

ص: ۶۶

دعای عبرات یا اشک های روان(۱)

علّامه حلّی رحمه الله در آخر کتاب منهاج الصّلاح در دعای عبرات معروف، گفته است که این روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده است. اما از جهت سید بزرگوار رضی الدین محمد بن محمد آوی رحمه الله حکایت معروفی است که برخی از فضلا آن را در حاشیه همان دعا ذکر کرده اند.

جناب فخر الدین محمد بن شیخ جمال الدین از پدرش و او از جدش، فقیه بزرگوار یوسف، از سید رضی که حکایت آن می آید نقل کرده است که:

او در زندان یکی از امرای سلطان جرماغون(۲) مدت زیادی در حبس بوده و گرفتاری ها و فشارهای زیادی را متحمّل شده است. تا این که روزی حضرت قائم علیه السلام را در خواب دید و با دیدن ایشان گریه کرد و گفت: مولای من مرا از این ظلمت نجات بده.

امام علیه السلام فرمود: دعای عبرات را بخوان.

گفت: دعای عبرات چیست؟

فرمود: در مصباح

عرض کردم: سرورم این دعا در مصباح من نیست.

ص: ۶۷

۱- ۳۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۱، الحکایه الربعه.

۲- ۳۴. از پادشاهان مغول بوده است که معاصر با خوارزم شاه بود و در قرن هفتم هجری می زیست.

فرمود: نگاه کن پیدا می کنی!

از خواب بیدار شدم، بعد از خواندن نماز صبح، کتاب مصباح را باز کردم و با صفحه ای مواجه شدم که دعای عبرات در آن آمده بود. من آن را چهل بار خواندم.

این سلطان دو زن داشت. یکی از آنها زنی عاقل و خوش فکر بود. از این رو مورد اعتماد امیر بود. وقتی که امیر در نوبت این زن، پیشش آمد، به او گفت: آیا تو کسی از فرزندان حضرت امیرعلیه السلام را گرفته ای؟

گفت: برای چه این سؤال را می پرسی؟

گفت: برای این که مردی را دیدم که نور خورشید از صورتش می تابید. نزدیک آمد و حلقم را گرفت و گفت: شوهرت جرأت کرده و یکی از فرزندان مرا گرفته و او را در خورد و خوراک، تحت فشار قرار داده است! عرض کردم، سرورم، شما کیستید؟ فرمود: من علی بن ابیطالب هستم. به او بگو: اگر او را آزاد نکند، خانه اش را به سرش خراب می کنم.

این خبر به سلطان رسید او گفت: من در این باره چیزی نمی دانم. از معاونانش پرسید که آیا شما چنین کسی را گرفته اید؟

گفتند: بله شیخی علوی است که خود شما دستور زندانی کردنش را صادر کردید.

گفت: او را آزاد کنید و اسب و مشکى به او بدهید تا راه بیفتد.

در نهایت سید به خانه خود رفت.

همین طور سید جلیل القدر علی بن طاووس رحمه الله در آخر کتاب مهج الدعوات نقل می کند که از جمله دعاها، دعایی است که دوست و برادر من محمد بن محمد قاضی آوی، درباره این دعا سخن و اثر عجیبی ذکر کرده است. به این صورت که برای ایشان حادثه ای رخ داده و این دعا را در میان اوراقی که آنها را در میان کتابهایش قرار نداده بود، پیدا می کند. از روی آنها نسخه برداری می کند. وقتی که نسخه برداری تمام می شود، دعای اصلی مفقود می گردد. شیخ آن را نقل می کند. حتی بعد از آن، نسخه دیگری را نقل می کند که مقداری از تعبیرات آن تفاوت می کند.

ما در اینجا نسخه اولی را به جهت تبرک به خط سید بن طاووس رحمه الله می آوریم. حتی میان نقل ایشان و علامه حلّی رحمه الله تفاوت زیادی وجود دارد.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ وَيَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ خدایا به چِد از تو درخواست می کنم، ای رحم کننده بر اشک ها و ای برطرف آنت الذی تَقْشَعُ سَحَابِ الْمَحْنِ وَقَدْ أَمَسَتْ ثِقَالاً وَتَجْلُو سَازنده گرفتاری ها. تویی که ابرهای سنگین را پراکنده می کنی. تویی که مه های ضَبَابِ الْإِحْنِ وَقَدْ سَيَحَبَّتْ أَذْيَالاً وَتَجْعَلُ زَرْعَهَا هَبِيماً غلیظ را از بین می بری و روشن می کنی. تویی که زراعت را خشک و استخوان ها

وَعِظَامَهَا رَمِيمًا وَتَرُدُّ الْمَغْلُوبَ غَالِبًا وَالْمَطْلُوبَ طَالِبًا رَا خَاك و شكست خورده را پیروز و فراری را فراری دهنده می کنی. اِلٰهِي
فَكَمْ مِنْ عَبِيدٍ نَادَاكَ اَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ فَفَتَحَتْ خدایا چه بسیارند بندگانی که تو را صدا زدند که من مغلوب شده ام، که من
نَصْرِكَ اَبْوَابَ السَّمَاوَاتِ بِمَاءٍ مِنْهُمْ وَفَجَّرْتَ ياری ام کن و تو نیز از سر نصرت به او، درهای آسمان را بر آب گشودی که من
عَوْنِكَ عُيُونًا فَالْتَقَى مَاءٌ فَرَجِهَ عَلَيَّ اَمْرًا قَدَّ و چشمه هایی را از زمین جوشاندی. آبی که موجب گشایش کارش قُدِرَ وَحَمَلْتَهُ مِنْ
كِفَايَتِكَ عَلَيَّ ذَاتِ الْوَاوِحِ وَدُسِّرَ بود، به اندازه معینی رسید و او را بر روی تخته ها سوار کردی. يَا رَبِّ اِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ يَا
رَبِّ اِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ پروردگارا، من مغلوب شده ام، یاری ام کن. پروردگارا، من مغلوب شده ام، یاری ام کن. يَا رَبِّ اِنِّي
مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ فَصَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پروردگارا، من مغلوب شده ام، یاری ام کن. بر محمد و خاندانش درود فرست
وَاَفْتَحْ لِي مِنْ نَصْرِكَ اَبْوَابَ السَّمَاوَاتِ بِمَاءٍ مِنْهُمْ وَفَجَّرْ لِي و درهای آسمان را برای نصرت من باز کن و آب فراوان بریز و چشمه
های آن را از

مِنْ عَوْنِكَ عُيُونًا لِيَلْتَقِيَ مَاءٌ فَرَجِي عَلَيَّ أَمْرٌ قَدْ قَعِدَ زَمِينٌ بِجَوْشَانٍ تَا جَائِي كَهَ آبِ كَشَائِشِ مَنْ، بَهَ اَنْدَازَه مَعِينِي بَرَسِد و مَرَا بَا كَفَايَتِ وَ اَحْمَلْنِي. يَا رَبِّ مِنْ كِفَايَتِكَ عَلَيَّ ذَاتِ اَلْوَا حِ وَ دُسَيْرٍ يَا مَنْ خُودَتِ، بَرِ كَشْتِي سُوَارِ كُن. اَي كَسِي كَه وَ قْتِي بَنْدَه اَش دَر تَارِيكِي شَب فَرُو مِي رُود اِذَا وَ لَمَجِ الْعَبْدُ فِي لَيْلٍ مِنْ حَيْرَتِهِ يَهِيْمُ فَلَمْ يَجِدْ لَهُ صَيْرِيخًا وَ اَز تَحِيْر دِجَارِ تُوَهْمَاتِ وَ تَرَس مِي شُود وَ سَر پَرَسْت وَ دُوسْت صَمِيْمِي، بَرَايِ خُودِ يُصَيِّرُخُهُ مِنْ وُلِيِّ وَ لَمَا حَمِيْمٍ صَبَلٌ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ جِدُّ نَمِي يَبِيْنَد تَا بَه فَرِيَادَش بَرَسِد، بَرِ مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانَش دَرُودِ فَرَسْتِ وَ اَز فَضْلِ خُودِ، يَا رَبِّ مِنْ مَعُوْنَتِكَ صَيْرِيخًا مُعِيْنًا وَ وُلِيًّا يَطْلُبُهُ حَيْثًا يَنْجِيهِ فَرِيَادَرَسِ وَ يَأُوْرَمِ بَاشِ وَ مَانَدِ سَر پَرَسْتِي كَه دَنْبَالِ عِبْدِ خُودِ اَسْتِ تَا اُو رَا اَزِ مَنْ ضَيِّقِ اَمْرِهِ وَ حَرَجِهِ وَ يُظْهَرُ لَهُ اَلْمُهَمُّ مِنْ اَعْلَامِ فَرَجِهِ كَرَفْتَارِي نَجَاتِ بَدَهْدِ وَ دَرِ مَشْكَلاَتَشِ كَشَائِشِ اِيْجَادِ كُنْدِ، تُو نِيْزَا مِنْ چِنِيْنِ كُن. اَللّٰهُمَّ فَيَا مَنْ قُدْرَتُهُ قَاهِرَةٌ وَ اَيَاتُهُ بَاهِرَةٌ وَ نِقَمَاتُهُ قَاصِمَةٌ لِكُلِّ خَدَايَا، اَي كَسِي كَه قَدْرَتَشِ غَالِبِ وَ نَشَانَه هَايِشِ رُوشَنِ وَ غَذَابَشِ شَكْنَدَه هَر پَادِشَاهِ جُبَّارٍ دَامِغَةٌ لِكُلِّ كَفُوْرٍ خَتَّارٍ صَلِّ يَا رَبِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ دَرِ هَمِ كُوْبَنْدَه هَر كَاْفِرِ حَيْلَه كَرِ اَسْتِ، بَرِ مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانَشِ دَرُودِ فَرَسْتِ وَ اَزِ

وَأَنْظُرْ إِلَيَّ يَا رَبِّ نَظْرَةً مِنْ نَظَرَاتِكَ رَحِيمَةً تَجْلُو بِهَا عَنِّي أَنْ نَظَرَ هِيَ دَلْسُوزَانَةٌ بِهَا مِنْ نَظَرٍ كُنْتَ تَظْلِمُتَ بِهَا، رُشْنَ
شُود. ظَلَمْتِي ظُلْمَةً وَأَقْفَهُ مُقِيمَةً مِنْ عَوَاهِهِ جَفَّتْ مِنْهَا الضُّرُوعُ وَقَلَفَتْ مِنْهَا مِنْ جِنْسِ آفَتِي كَمَا فِي بَسْتَانِ هِيَ حَيَوَانَاتِمَانِ رَا خَشَكٌ وَ
زِرَاعَتِ هَايْمَانِ رَا مِنْ بَرْدِ الزُّرُوعِ وَأَشْتَمَلَ بِهَا عَلَى الْقُلُوبِ الْيَأْسُ وَجَرَتْ بِسَبَبِهَا الْأَنْفَاسُ. اسْتِ وَ بَرِ قَلْبِ هَايْمَانِ سَايَهْ يَأْسُ
اِنْدَاخْتَهْ وَ نَفْسِ هَايْمَانِ رَا كُنْدَ كَرْدَهْ اسْتِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحِفْظًا لِغَرَائِيسِ غَرَسْتَهُهَا خُدَايَا، بَرِ مُحَمَّدٍ وَ
خَانْدَانِشِ دَرُودِ فَرَسْتِ وَ دَرِخْتَانِي رَا كَمَا بِدَسْتِ رَحْمَانِي كَاشْتَهْ وَ بَا آبِ يَدِ الرَّحْمَنِ وَشَرَبَهَا مِنْ مَاءِ الْحَيَوَانِ أَنْ تَكُونَ بِيَدِ
الشَّيْطَانِ تُجْزُ حَيَاتِ سِيرَابِ كَرْدَهْ اِي، حِفْظِ كُنْ تَا شَيْطَانِ بَا دَسْتِشِ دَرِ نِيَاوَرْدِ وَ بَا تِيَشَهْ اَشْ، قَطْعِ نَكُنْدِ. وَبِقَاسِهِ تَقَطُّعٌ وَتَحْزُنٌ.
إِلَهِي مَنْ أَوْلَى مِنْكَ أَنْ يَكُونَ عَنْ خُدَايَا، هَمَّهْ اَيْنَهَا مَتَعَلَقٌ بَهْ تَوَسْتِ، كَيْسْتِ كَمَا... لِبرايِ حِفْظِ مَلَكْتِ مِنْ خُودِ تُو شَايَسْتَهْ تَرِ
حَمَاكَ حَارِسًا وَمَانِعًا إِلَهِي إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ هَالَ فَهَوْنُهُ وَخَشَنَ بَاشِدِ. خُدَايَا، كَرَفْتَارِي سَنَكِينِ شُدَهْ اسْتِ، أَنْ رَا آسَانِ كُنْ. خَشَنِ
شُدَهْ اسْتِ، نَرَمِ كُنْ. قَلْبِ هَا فَالَيْتُهُ وَإِنَّ الْقُلُوبَ كَاعَتْ فَطَنَّهَا وَالنُّفُوسُ ارْتَاعَتْ فَسَيَكُنُّهَا. تَرَسِيدَهْ اِنْدِ، اِنْهَارَا بَهْ حَرَكْتِ دَرِ آوَرِ.
جَانِ هَا بَهْ اَضْطِرَابِ اِفْتَادَهْ اِنْدِ، اِنْهَارَا رَا آرَامِ كُنْ.

إِلَهِي تَدَارَكَ أَقْدَامًا قَدْ زَلَّتْ وَأَفْهَامًا فِي مَهَامِهِ الْخَيْرِهِ ضَلَّتْ خدایا، قدم هایی را که لغزیده و عقل هایی را که در گرداب حیرت به اشتباه افتاده بودند، أَجْحَفَ الضُّرِّ بِالْمَضْرُورِ فِي دَاعِيهِ الْوَيْلِ وَالتُّبُورِ فَهَلْ يَحْسُنُ جبران کن. ضرر، صدای مردم را به اوویلا- در آورده است. آیا شایسته فضل توست که آنها را مِنْ فَضْلِكَ أَنْ تَجْعَلَهُ فَرِيَسَةً لِلْبَلَاءِ وَهُوَ لَكَ رَاجٍ أَمْ هَلْ يُحْمَلُ در معرض بلا قرار دهی، با اینکه امیدشان به توست؟ آیا در عدل تو می گنجد که او در مِنْ عَدْلِكَ أَنْ يَخُوضَ لُجَّةَ الْعَمَاءِ وَهُوَ إِلَيْكَ لَاجٍ مَوْلَى لَيْتُنْ بدبختی و غم فرو رود، در حالی که تو را صدا می زند؟ سرورم، اگر در تقوای تو، خودم را كُنْتُ لَا أَشَقُّ عَلَى نَفْسِي فِي التَّقَى وَلَمَّا أُبْلَغَ فِي حَمِيلِ أَعْبَاءٍ به مشقت نمی اندازم، اگر تا درجه رضای تو، عهده دار اطاعت نیستم. اگر در زمره بندگانی الطَّاعَةِ مَبْلَغَ الرِّضَا وَلَا أَنْتَظِمُ فِي سَلْمِكَ قَوْمَ رَفَضُوا الدُّنْيَا فَهُمْ در نمی آیم که از دنیا روی برگردانده اند. شکم هایشان نازک و چشمانشان از شدت گریه خُمُصُ الْبُطُونِ عُمُشُ الْعُيُونِ مِنَ الْبُكَاءِ بَلْ أَتَيْتُكَ يَا رَبِّ بِضَعْفٍ باد کرده است. خدایا، من با عملی ضعیف و پستی سنگین از گناهان و لغزش ها با روحی مِنَ الْعَمَلِ وَظَهَرَ ثَقِيلٍ بِالْخَطَاءِ وَالزَّلَلِ وَنَفْسٍ لِلرَّاحَةِ مُعْتَادَةٍ که به راحتی عادت کرده و به امروز و فردا کردن نفسم مطیع شده است. [به سویت آمده ام]

وَلَا تَدْعَى السَّوِيْفَ مُنْقَادِهِ أَمَا يَكْفِيكَ يَا رَبِّ وَسَيْلَهُ إِلَيْكَ وَذَرِيْعَهُ أَيَا بَرَاى تُو كَفَاىْت نَمَى كَنْد كَه اَوَلَىَاىْت رَا دُوسْت دَارْم وَ
 دَر مَحَبَّت بَه تُو حَدْ وَ حَصْرَى لَدَىِكَ اُنَى لِاَوَلَىَاىْتِكَ مُوَالٍ وَفَى مَحَبَّتِكَ مُغَالٍ أَمَا يَكْفَىِنَى اُنَ نَمَى شَنَاسْم؟ أَيَا كَفَاىْت نَمَى كَنْد
 كَه بَه خَاطَر اَنَهَا بَا مَظْلُومَىْت، شَب مَى كَنَم وَ بَا فَرُو بَرْدَن اَرُوْح فَىْهَم مَظْلُومًا وَ اَعْدُو مَكْظُومًا وَ اَقْضَى بَعَىْد هُمُومًا هُمُومًا غَىِظ،
 صَبْح مَى نَمَاىْم. كَرَفْتَارَى هَاى فَرَاوَان رَا مَتَحَمَل مَى شُوم وَ دَر تَىِرَس اَنَهَا قَرَار وَ بَعَىْد رُجُوم رُجُومًا اَمَا عِنْدَكَ يَا رَبِّ بِهَىْدَه
 حُرْمَه لَاتَضَىْع وَ ذَمَه مَى كَىِرْم؟ (۱) أَيَا اىْنَهَا نَزْد تُو حَرْمَتَى نَدَارْد وَ كَمْتَرَىِن تَعَهْدَى رَا بَرَاى تُو اىْجَاد نَمَى كَنْد؟ اِكْر بَاذْنَاهَا يُفْتَنَع
 فَلَمَّ لَمَّا يَمْنَعُنَى يَا رَبِّ وَ هَا اَنَا ذَا غَرِىْقٍ وَ تَدْعُنَى اىْنَهَا اَرَزْش وَ حَرْمَت دَارَنْد، چَرَا جَلُوى غَرَق شَدْن مَرَا نَمَى كَىِرَى وَ اِجَازَه مَى
 دَهَى كَه دَر آتْش بِنَارِ عَىِدُو كَ حَرِىْقٍ اَتَجْعَلُ اَوَلَىَاىْتِكَ لِعَىْدَاىْتِكَ مَصَاىْتَد وَ تُقَلِّدُهُمْ دَشْمَنَانْت بَسُوزْم؟! أَيَا دُوسْتَانْت رَا صَىِد
 دَشْمَنَانْت قَرَار مَى دَهَى وَ بَه زَنْجَىِر ذَلْتْشَان مَى كَشَى؟

ص: ۷۴

۱- ۳۵. سَخْن دَر بَارَه كَنَاهَان شَىْعَىَانَى اَسْت كَه تَشَىْع اَنَهَا اَز رُوى بَصَىِرْت اَسْت. كَسَانَى كَه تَاوَان اَن رَا شَب وَ رُوز مَى
 پَرْدَازَنْد، مُورْد ظَلْم قَرَار مَى كَىِرَنْد. بَد بَخْتَى هَا اَز هَر سُو اَنَهَا رَا اِحَاطَه مَى كَنْد. اَمَا دَسْت اَز اَعْتَقَاد وَ حَمَاىْت اَز اَهْل بَىْت اَلَىْهَم
 اَلْسَلَام بَر نَمَى دَارَنْد. نَه كَسَانَى كَه بَه تَن پَرُورَى وَ ظَلْم بَه بَنْد كَان خُدا عَادَت كَرْدَه اَنْد وَ اَز تَشَىْع تَنهَا نَام اَلَى رَا اَىْدَك مَى
 كَشَنْد. رَاَسْتَى اِكْر اَلَى زَنْدَه مَى شَد بَا اىْن هَمَه اَلُود كَى مَا چَه مَى كَرْد؟ أَيَا اَنَان رَا كَه شَب وَ رُوز خُون بَنْد كَان خُدا رَا بَه
 شَىْشَه مَى كَشَنْد وَ دَر مَجَالَس اُو پُول خَرَج مَى كَنْد، مَى پَذَىِرْفَت وَ اَنَهَا رَا شَىْعَه خُود مَى دَاَنْسْت؟!

مِنْ خَسِيئِهِمْ قَلِيلًا وَأَنْتَ مَالِكٌ نَفُوسِهِمْ لَوْ قَبَضْتَهَا جَمَدًا وَفِي آَنِ هُمْ فِي حَالِي كَمَا تُو مَالِكٌ جَانِ هَايَشَانِ هَسْتِي! اِغْر تُو جَانِ هَايَشَانِ رَا بَغِيرِي، خَشَكٌ مِي شُونَد. قَبَضَتْكَ مَوَادُّ أَنْفَاسِهِمْ لَوْ قَطَعْتَهَا خَمْدًا وَمَا يَمْنَعُكَ يَا رَبُّ أَنْ تَكْفِيَ آَرِي أَرْوَاحِيَانِ فِي قَبْضِهِ تُوَسْتِ كَمَا اِغْر بَغِيرِي، بِي جَانِ مِي اِفْتَنَد. خَدَايَا چَه چِيزِي بَاعَثَ بِأَسِيئِهِمْ وَتَنَزَّ عَنْهُمْ مِنْ حِفْظِكَ لِئَاسِيئِهِمْ وَتُعْرِيهُمْ مِنْ سَلَامَتِهِ بِهَا شَدِيدَةً اِسْتِ كَمَا آَزَارَ وَادِيَتَشَانِ رَا اَز مَآ بَرَنگَرْدَانِي وَ لِبَاسِ مَصُونِيَتِ رَا اَز تَنَشَانِ دَر آَوْرِي وَ اَنهَآ رَا فِي اَرْضِكَ يَسِيرًا وَفِي مَيِّدَانِ الْبَغْيِ عَلَيَّ عِيَادِكَ يَمْرُحُونَ. اَز سَلَامَتِ عَرِيَانِ كُنِي. سَلَامَتِي كَمَا بَا اَنِ مِي چَرَنَد وَ دَر مَيِّدَانِ ظَلَمِ بَر بَنَدگَانَتِ تَكْبِيرِ مِي وَرَزَنَد. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآَلِ مُحَمَّدٍ وَادْرِكْنِي وَ لَمَّا يُدْرِكْنِي خَدَايَا، بَر مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانِشِ دَرُودِ فَرَسْتِ وَ قَبْلَ اَز اَيْنَكَمَا غَرَقَ شَوْمُ الْعَرَقِ وَتَدَارَكْنِي وَ لَمَّا عُيِبَ شَمْسِي لِلشَّفَقِ اِلٰهِي كَمَا مِنْ خَائِفٍ وَ خُورَشِيْدِ هِدَايَتِمِ دَر شَفَقِ نَآپِيْدِ شُود، مَرَا دَرِيَابِ. خَدَايَا، چَه بَسِيَارَنَدِ التَّنَجُّ اِلٰى سَيِّطَانٍ فَاَبَّ عَنْهُ مَحْفُوفًا بِأَمْنٍ وَآمَانٍ اَفْأَقِصَةً يَا رَبُّ كَسَانِي كَمَا بَه سَلَاطِيْنِ پَنَاهِ بَرْدَه اَنَد وَ دَر پَنَاهِ اُو دَر اَمَانِ مَانَدَه اَنَد. آيَا بَه سَلَطَتِي بِأَعْظَمٍ مِنْ سَيِّطَانِكَ سَيِّطَانًا اَمْ اَوْسَعٍ مِنْ اِحْسَانِكَ اِحْسَانًا غَيْرَ اَز سَلَطَتِ تُو پَنَاهِ بِيْرِم؟ يَا بَه سَفْرَه اِي وَسِيْعِ تَر اَز اِحْسَانِ

أَمْ أَكْثَرَ مِنْ أَقْتِدَارِكَ أَقْتِدَاراً أَمْ أَكْرَمَ مِنْ انْتِصَارِكَ انْتِصَاراً. تو یا مقتدرتر از اقتدار تو یا فراتر از یاری تو یاوری بجویم؟ اللَّهُمَّ
 أَيْنَ كِفَايَتِكَ الَّتِي هِيَ نُصْرَةُ الْمُسْتَعِيثِينَ مِنَ الْأَنْبَامِ وَأَيْنَ خَدَايَا، كَجَاسْتِ كِفَايَتِي كِه يَارِي كِر بِنْدِ كَانِ مَسْتَضْعَفْتِ مِي بَاشَد.
 كَجَاسْتِ تَوَجُّهِي كِه سِپَر تِير كَسَانِي عِنَايَتِكَ الَّتِي هِيَ كُجْنَةُ الْمُسْتَهْدِفِينَ لِجُورِ الْأَيَّامِ إِلَيَّ إِلَيَّ بِهَا يَا رَبِّ بَاشَد كِه مَرَا آمَاجِ هَدَفِ
 ظَلَمِ خُودِ قَرَارِ دَادِهْ اَنَد؟ خَدَايَا آن كِفَايَتِ وَ عِنَايَتِ رَا بَر مَن سِرَازِيرِ كَن نَجِّنِي مِّنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ إِنِّي مَسْنِي الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ
 الرَّاحِمِينَ. وَ مَرَا از شَرِّ ظَالِمَانِ نَجَاتِ بَخْش. كِه ضَرَرهَا مَرَا فَرَا كَرَفْتِه اَنَد دَر حَالِي كِه تُو مَهْرِبَانِ تَرِينِ مَهْرِبَانَانِي مَوْلَايَ تَرِي
 تَحْيِيرِي فِي أَمْرِي وَ تَقْلُبِي فِي ضُرِّي وَ انْطَوَايَ عَلَيَّ حُزْقِهِ خَدَايَا، آيَا تَحْيِيرِمَ رَا از يَكْسُو وَ سِرْكَرَدَانِي دَر بَدْبَخْتِي هَايِمَ رَا از سُوِي
 دِيكِر وَ بِه خُودِ قَلْبِي وَ حَزَارِهِ صَدْرِي فَصِلْ يَا رَبِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ جِدْ لِي پِيچِيدِنِ هَايِمَ رَا كِه از سُوِي دَل وَ سِينِه اَم
 اَسْت، مِي بِيِنِي؟ بَر مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانِشِ دَرُودِ فَرَسْتِ يَا رَبِّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَرجاً وَ مَخْرَجاً وَيَسِّرْ لِي يَا رَبِّ نَحْوَ الْيُسْرَى وَ بِه خَاطِرِ
 هَرِ آنچِه كِه شَايِسْتِه اَنِي، بَرَايِ مَن كِشَايِشِي فَرَاهِمِ كَن وَ رَاهِي آسَانِ بِه مَنهَجاً وَ اجْعَلْ لِي يَا رَبِّ مَن نَصَبَ حِبَالاً لِي لِيُصْرَعَنِي
 بِهَا صَرِيحِ سُوِي مَشْكَلاَتِمَ باز كَن. خَدَايَا، اِكْر كَسِي طَنَابِي كِذَاشْتِه تَا مَرَا بِه زَمِينِ بَزَنَد، بَا هَمَانِ او

مَا مَكْرَهُ وَمَنْ حَفَرَ لِي الْبُئْرَ لِيُوقِعَنِي فِيهَا وَاقِعًا فِيمَا حَفَرَهُ وَاصْرِفْ رَا بَه زَمِينِ بَرْن. اگَر چَاهِي كَنَدَه تَا مَرَا دَر آن بِيَندَازد، خُودش رَا دَر آن سَرَنگُون سَاز. اَللّٰهُمَّ عَنِّيْ شَرَّهُ وَمَكْرَهُ وَفَسَادَهُ وَضَرَّهُ مَا تَصْرِفُهُ عَمَّنْ قَادَ نَفْسَهُ لِدِيْنِ خُدَايَا، شَرِّ وَنِيْرَنگِ وَفَسَادِ وَضَرْرِ او رَا از مَن بَرگَرْدَان. هَمَا ن طُور كِه از كُسي كِه خُود رَا مَطِيْع دِيْنِ الدِّيَّانِ وَمُنَادِي مُنَادِي لِاِيْمَانِ اِلٰهِي عَزِيْدُكَ عَزِيْدُكَ اَجِبْ دَعْوَتَهُ وَضَعِيْفُكَ وَ مَنَادِي اِيْمَانِ قَرَار دَاده اسْت، بَر مِي گَرْدَانِي. خُدَايَا، بَنَدَه، بَنَدَه تُوَسْت. دَعَايِ بَنَدَه ات رَا اَجَابْت كَن. ضَعِيْفُكَ قَرِيْبُ غَمَّتِهِ فَقَدْ اِنْقَطَعَ كُلُّ حَبْلٍ اِلَّا حَبْلُكَ وَتَقَلَّصَ كُلُّ ظِلٍّ اِلَّا ظِلُّكَ وَضَعِيْفٌ تُوَسْت، گَرفْتَارِيْش رَا آسَان گَرْدَان. تَمَام دَسْتَاوِيْزها غِيْر از دَسْتَاوِيْز تُو بَرِيْدَه اسْت مَوْلَايِ دَعْوَتِيْ هَذِهِ اِنْ رَدَدْتَهَا اَيْنَ تُصَادِفُ مَوْضِعَ الْاِجَابَةِ وَيَجْعَلُنِيْ وَ تَمَام سَايَه هَا جَمْع شُدَه غِيْر از سَايَه تُو. مَوْلَايِ مَن، اگَر تُو دَعَايِ مَرَا بَرگَرْدَانِي، چَكُوْنَه مَسْتَجَابِ مَخِيْلَتِيْ اِنْ كَذَّبْتَهَا اَيْنَ تَلَاقِيْ مَوْضِعَ الْاِجَابَةِ فَلَا تَرُدَّ عَنِّيْ بَابِكَ مَن خُواهِد شُد. اگَر آرزُوهايِ مَرَا قَبُوْل نَكْنِي، كَجَا قَبُوْل خُواهِد شُد. كُسي رَا كِه غِيْر از دَر لَّا يَعْْرِفُ غَيْرُهُ بَابًا وَلَا يَمْتَنِعُ دُوْنَ جَنَابِكَ مَن لَّا يَعْْرِفُ سِوَاهُ جَنَابًا تُو، دَرِي نَمِي شَناسَد، نَرَان وَ كُسي رَا كِه غِيْر از جُوار رَحْمَتِ تُو، پَنَاهِي نَدَارَد، مَحْرُوم نَكْن. سَجْدَه كَرْدَه وَ مِي گُوِيْد:

اِلٰهِي اِنْ وَجَّهًا اِلَيْكَ بِرَغْبَتِهِ تَوَجَّهَ فَالْزَاغِبُ خَلِيْقٌ بِاَنْ تُجِيْبَهُ خُدَايَا، اگَر بَنَدَه اِي صُورَتَش رَا بَا اَمِيْد بَه سُوِي تُو مَتَوَجَّه كَنَد، شَايِسْتَه اَجَابْت خُواهِد بُوَد

وَإِنَّ جَبِينًا لَمَكَّ بِإِيْتِهَالِهِ سَجْدَ حَقِيقٌ أَنْ يَبْلُغَ مَا قَصِدَ وَإِنَّ خَدًّا وَبِشَانِي كَهَ بِأَتَضَرَّعَ بِرِخَاكٍ بَنَشِينِدَ، شَائِسْتَهَ اسْتَهَ كَهَ بَهَ
 آرُوَزِيْشَ بَرَسَانِي وَ كُوْنَهَ اِيْ اِلَيْكَ بِمَسْأَلَتِهِ يُعَفِّرُ حَيْدِيْرًا بِأَنْ يَفُوْزَ بِمُرَادِهِ وَيَطْفِرَ وَ هَا اَنَا كَهَ بِرِخَاكٍ كَذَاشْتَهَ شَدَهَ اسْتَهَ، لِيَاقْتِ
 اَنْ رَا دَارْدَ كَهَ بَهَ خُوَاسْتَهَ اَشَ بَرَسَدَ. خُدَايَا، اِيْنِ مَنَمَ، ذَا يَا اِلَهِيْ قَدْ تَرَى تَغْفِيْرَ خُدَى وَ اِيْتِهَالِيْ وَ اِحْتِهَادِيْ فِيْ بَنَدَهَ تُوْ كَهَ دَرِ بَرَابَرِ
 دِيْدِ كَانْتِ، كُوْنَهَ هَايِمَ رَا بِرِخَاكٍ مَذَلْتِ مِيْ مَالَمَ وَ نَالَهَ مِيْ كَنَمَ وَ بَا اَصْرَارِ، مَسْأَلَتِكَ وَ جِدِّيْ فَتَلَقَّ يَا رَبَّ رَغْبَاتِيْ بِرَأْفَتِكَ قَبُوْلًا
 وَ سَهْلًا اِلَيَّ كَدَايِيْ مِيْ كَنَمَ. پَرُوْرْدِ كَارَا، اَمَالِ وَ اَرُوْهَايِمَ رَا مَسْتَجَابَ كَنَ وَ بَهَ سُوِيْ خُوَاسْتَهَ هَايِمَ، طَلِبَاتِيْ بِرَأْفَتِكَ وَ صُوْلًا
 وَ ذَلَّلًا لِيْ قُطُوْفَ ثَمَرَاتِ اِحْتِيَاكِكَ تَذَلِيْلًا. رَاهِ وَ صَلِيْ بَا زِ كَنَ وَ شَاخَهَ هَايِ مِيُوْهَ هَايِ اِحْتِيَاكِ خُوْدِ، رَا بَرَايِمَ پَايِيْنِ بِيَاوَرِ. اِلَهِيْ لَّا
 رُكْنَ اَشَدُّ مِنْكَ فَاوِيْ اِلَى رُكْنٍ شَدِيْدٍ وَ قَدْ اُوِيْتُ اِلَيْكَ خُدَايَا، پَايَهَ اِيْ مَحْكَمْتَرِ اَزِ تُوْ نِيْسْتِ تَا بَهَ اَنْ پَنَاهَ بِيْرَمَ. مَنَ بَهَ تُوْ پَنَاهَ
 اُوْرْدَهَ اَمَ وَ دَرِ بَرَاوْرْدَهَ وَ عَوَّلْتُ فِيْ قَضَاءِ حَوَائِجِيْ عَلَيْكَ وَ لَّا قَوْلَ اَسَدُّ مِنْ دُعَائِكَ فَاَسِيْ تَطْهَرُ شَدَنِ نِيَازَهَايِمَ بَهَ تُوْ تَكِيَهَ نَمُوْدَهَ اَمَ.
 سَخْنِيْ مَحْكَمْتَرِ اَزِ حَرْفِ تُوْ نِيْسْتِ، اَنْ رَا بَا قَبُوْلِيْ بِقَوْلِ سَدِيْدٍ وَ قَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا اَمَرْتِ فَاَسِيْ تَجِبُ لِيْ بِفَضْلِكَ كَمَا وَعَدْتِ
 مَحْكَمَ بَرَايِمَ نَشَانَ بَدَهَ. هَمَانِ طُوْرَ كَهَ خُوْدَتِ اَمَرِ بَهَ دَعَا كَرْدِيْ، خُوْدِ نِيْزِ بَا فَضْلِ خُوْدِ

فَهَلْ بَقِيَ يَا رَبِّ إِلَّا أَنْ تُجِيبَ وَتَرْحَمَ مِنِّي الْبُكَاءَ وَالنَّحِيبَ يَا اجابَت كن. آيا برای اجابت دعا بهانه ای غیر از گریه و فریاد بود، تا نکرده باشم؟ مَنْ لَا إِلَهَ سِوَاهُ وَيَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ رَبُّ انصُرْنِي ای آنکه خدایی جز او نیست. ای کسی که دعای مضطربین را به هنگامی که دعا می کنند، عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَافْتَحْ لِي وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ وَالطُّفَّ بِی مستجاب می کنی. پروردگارا، مرا در برابر ظالمان یاری کن و پیروز نما که تو بهترین پیروز یا رَبِّ وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ کنندگانی و بر من و تمام مردان مؤمن و زنان مؤمنه لطف کن. با رحمت ای مهربان ترین مهربانان.

دعای امام زمان علیه السلام برای رفع گرفتاری و دفع شر دشمنان (۱)

مرحوم شیخ صالح متقی و زاهد، نقل می کند که گرفتار مشکلات و دشمنی های فراوانی شدم. تا جایی که کشته شدن را در یک قدمی خودم دیدم. در این اوضاع بود که دعایی را در جیب خودم پیدا کردم. آنچه باعث تعجب من شد، این بود که کسی آن را به من نداده بود. از این رو متحیر شده بودم. تا اینکه در خواب شنیدم که شخصی در قیافه صالحان و زاهدان به من گفت: آن دعا را ما به تو عنایت کردیم. بخوان تا از این گرفتاری نجات پیدا کنی!

گوینده را نشناختم و تعجبم بیشتر شد. یک بار دیگر هم حضرت حجت علیه السلام را در خواب دیدم. ایشان فرمودند: با دعایی که داده ایم، دعا کن.

شیخ صالح نقل می کند که من بارها آن دعا را امتحان کردم و خیلی زود از گرفتاری ها رهایی یافتم. تا اینکه بعد از مدتی دعا را گم کردم. از این مسأله خیلی متاسف شدم و از گناهایی که ممکن بود، باعث سلب توفیق شده باشم، استغفار کردم. شخصی به خوابم آمد و گفت:

این دعایی که به دنبال آن هستی، در فلان جا افتاده است. آنچه که به خاطر دارم، آن است که به همان آدرس رفته و دعا را برداشتم و سجده شکر به جای آوردم.

ص: ۸۰

رَبِّ أَسْأَلُكَ مَدَدَ رُوحَائِيَا تُقْوِي بِهِ قُوَى الْكُلِّيَّةِ وَالْجُزِّيَّةِ حَتَّى خدایا، از تو امدادهای روحانی را درخواست می کنم. تا تمام قوای کلی و جزئی را تقویت نماید. أَقْهَرَ عِبَادِي نَفْسِي كُلَّ نَفْسٍ قَاهِرَةٌ فَتَنْقَبِضَ لِي إِشَارَةٌ رَقَائِقِهَا تا جایی که روح من بر تمام ارواح قوی، غالب شود و یک اشاره کوچک من او را به شدت انقباضاً تسقطُ بِهِ قُوَاهَا حَتَّى يَبْقَى فِي الْكُونِ ذُو رُوحٍ إِلَّا وَنَارٌ فشار دهد، به گونه ای که تمام قوایش از بین برود. تا آنجا که آتش غضب من، تمام موجودات قهری قَدْ أَحْرَقَتْ ظُهُورَهُ يَا شَدِيدُ يَا شَدِيدُ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ صاحب روح عالم را بسوزاند. ای شدید، ای شدید، ای حمله کننده بسیار نیرومند و تند، يَا قَهَّارُ أَسْأَلُكَ بِمَا أَوْدَعْتَهُ عِزْرَائِيلَ مِنْ أَسْمَائِكَ الْقَهْرِيَّةِ فَهَانَفَعَلْتُ أَي غلبه کننده، از تو می خواهم به حرمت آن نامی که به عزرائیل آموختی تا تمام لَهُ النُّفُوسُ بِالْقَهْرِ أَنْ تُودِعَنِي هَذَا السَّرِّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ حَتَّى نَفُوسِ عَالَمٍ در برابر او تسلیم شوند، آن سر را در همین لحظه به من بسپاری تا هر سختی اُلَيْنَ بِهِ كُلِّ صَعْبٍ وَأُذِلَّ بِهِ كُلِّ مَنِيْعٍ بِقُوَّتِكَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ در برابرم، نرم و هر غیر ممکنی برایم آسان گردد. با نیرویت، ای صاحب قدرت مستحکم. این دعا را در صورت امکان سه بار به هنگام سحر، سه بار در

صبح و سه بار در شب بخوان.

در صورتی که مشکل خواننده دعا خیلی شدت بیابد، بعد از اینکه آن را خواند، سی بار این دعا را بخواند:

يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ اللُّطْفَ أَيَّ رَحْمَانٍ وَ أَيَّ رَحِيمٍ، أَيَّ مَهْرَبَانٍ تَرِينٍ مَهْرَبَانَانٍ. از تو می خواهم که به هر چیزی که اندازه گیری ها بِمَا جَزَتْ بِهِ الْمَقَادِيرُ.

در آن جاری می شود، اشراف پیدا کنی.

ص: ۸۲

دعای حضرت برای بیماری های سخت (۱)

محمد بن علی بن بابویه صدوق رحمه الله از اساتید قمی خودش نقل می کند که یکی از ایشان تعریف می کرد که به بیماری خاصی مبتلا شدم که راه های چاره را بر رویم بست. برایم خیلی سخت بود که خانواده و دوستان و برادرانم را در جریان آن بگذارم.

شب هنگام در حالی که از بیماریم غمگین بودم، خوابیدم. در خواب مردی خوش سیما با پوششی جالب و بوی خوش دیدم. خیال کردم که او یکی از استادان قمی من هست که خدمت ایشان روایت می خواندم. با خودم گفتم: تا کی باید این بیماری و غم و اندوه را از همه پنهان کنم. این آقا هم از اساتید بزرگوار ما است. بنابراین بهتر است که مشکلم را به او بگویم. شاید گشایشی حاصل شود.

قبل از اینکه من زبان به سخن باز کنم، او گفت: همان عملی را که همیشه انجام می دادی، انجام بده و به امام زمانت متوسل شو؛ زیرا او پناهگاه تو و بهترین کمک برای دوستان مؤمن خویش است. بعد دستم را گرفت و آن را با کف دست راستش مسح کرد و گفت: او را زیارت کن و بخواه که برای حاجت تو نزد خدا شفاعت کند.

عرض کردم: هر زیارت و عملی که مورد نظرتان است، یاد بدهید؛ زیرا این بیماری همه چیز را از یادم برده است.

ص: ۸۳

نفس بلندی کشید و گفت: لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ و سینه مرا با دستش مسح کرد و گفت: خدا تو را کفایت می کند، نگران نباش.

وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان، به این ترتیب که:

در رکعت اول بعد از حمد، سوره اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا «فتح»

در رکعت دوم بعد از حمد، سوره اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ «نصر»

بلند شو و در زیر آسمان رو به قبله بایست و بگو:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ وَبَرَكَاتُهُ سَلَامٌ كَامِلٌ فَرَاغِيرٌ عَمُومِيٌّ وَصَلَوَاتٌ دَائِمِيٌّ وَبَرَكَاتٌ پَايِدَارٌ خُدَا، بَر حَجَّتِ الْقَائِمَةُ عَلَى حُجَّهِ اللَّهِ وَوَلِيَّتِهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ وَخَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ خُدَا وَوَلِيِّ أُو بَر رُوِي زَمِيْنِ وَدَر شَهْرَهَا وَجَانَشِيْنِ أُو دَر مِيَان خَلْقِ وَعِبَادِهِ سَلَالَهُ النَّبُوَّةُ وَبَقِيَّتِهِ الْعِتْرَةُ وَالصَّفْوَةُ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَبَنَدْكَانَشِ. أُو كِه اَز نَسْلِ نَبُوْتِ وَبَاقِي مَانَدِه عَتْرَتِ وَصَاحِبِ زَمَانِ وَمُظْهَرِ الْمُظْهَرِ الْإِيْمَانِ وَمُعَلِّنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ مُطَهَّرِ الْأَرْضِ وَنَاشِرِ الْإِيْمَانِ وَآشْكَارِ كُنْنَدِه أَحْكَامِ قُرْآنِ وَپَاكِ كُنْنَدِه زَمِيْنِ وَكُسْتَرَشِ دِهْنَدِه عَدَالَتِ الْعَيْدِلِ فِي الطُّوْلِ وَالْعَرْضِ الْحُجَّهِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ وَالْإِمَامِ دَر طُوْلِ وَعَرْضِ زَمِيْنِ اسْتِ. أُو كِه حَجَّتِ قِيَامِ كُنْنَدِه وَامَامِ مَوْرِدِ اَنْتِظَارِ

الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ الطَّاهِرِ ابْنِ الْأَيْمَنِ الطَّاهِرِينَ الْوَصِيِّ أَوْلَادٍ وَ مَوْرِدِ رِضَايَتِ وَ يَاقِ، فِرْزَنَدِ ائِمَّهٖ طَاهِرِينَ، جَانِشِينَ اَوْلَادِ جَانِشِيَانِ
خَدَا الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ الْهَادِي الْمَعْصُومِ ابْنِ الْهَادِي الْمَعْصُومِينَ. كِهٖ مَوْرِدِ رِضَايِ خَدَا، هِدَايَتِكِرِ مَعْصُومِ وَ فِرْزَنَدِ هِدَايَتِكِرَانِ
مَعْصُومِ اسْت. اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اِمَامَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامٌ بِرِ تُو اِي اِمَامِ مُسْلِمَانَانِ وَ مُؤْمِنَانِ سَلَامٌ بِرِ تُو اِي
وَارِثِ عِلْمِ پِيَامِيرَانِ وَ اِمَانْتَدَارِ يَا وَاْرِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ مُسَيِّدِ تَوْذَعِ حِكْمِهِ الْوَصِيِّينَ اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ حِكْمَتِ جَانِشِيَانِ اَنْبِيَاءِ. سَلَامٌ بِرِ تُو
اِي مِصُوْتِيْتِ دِيْنِ خَدَا. سَلَامٌ بِرِ تُو اِي يَا عِضْمَهٗ الدِّيْنِ اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعَزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِيْنَ عَزَّتْ بِخَشِ مُؤْمِنِينَ مُسْتَضْعَفِ. سَلَامٌ بِرِ تُو اِي
مَوْلَايِ مَنْ، اِي صَاحِبِ زَمَانِ، اِي فِرْزَنَدِ اَمِيْرِ مُؤْمِنَانِ وَ فَاْطِمَهٗ! يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبِ الزَّمَانِ يَا ابْنَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ ابْنَ فَاْطِمَهٗ الزَّهْرَاءِ
سِرُوْرِ زَنَانِ عَالِمِ. سَلَامٌ بِرِ تُو اِي فِرْزَنَدِ اِمَامَانِي كِهٖ حُجَّتِ هَايِ خَدَا دَرِ مِيَانِ بِنْدِگَانِ سَيِّدِهِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا ابْنَ
الْاَيْمَنِ الْحُجَّجِ عَلَيَّ بُوْدُنْد. سَلَامٌ بِرِ تُو اِي مَوْلَايِ مَنْ، سَلَامٌ كَسِي كِهٖ دَرِ وِلَايَتِ شِمَا خَالِصِ شُدِهٖ اسْت.

الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوَلَاءِ. شهادت زبانی و عملی می دهد که تو امام هدایت شده ای و تو همان کسی هستی که اَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا وَأَنَّكَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسِيًا زَمِينَ رَا بِرَازِ عَدْلِ وَدَادِ مِي كَنِي. خداوند در فرجت تعجیل کند و قیامت را آسان و عَدْلًا فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ وَسَيَهْلُ مَخْرَجُكَ وَقَرَبَ زَمَانُكَ وَأَكْثَرَ أَنْصَارَكَ گرداند و زمان ظهور را نزدیک و یاران را فراوان و وعده خدایت را محقق گرداند؛ وَأَعْوَانَكَ وَأَنْجَزَ لَكَ مَوْعِدَكَ وَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ زِيْرَا اُو رَاسْتَكُوْتَرِيْنَ صَادِقَانَ اسْتِ: (اراده کرده ایم بر کسانی که بر روی عَلِيِّ الدِّينِ اسْتَضَوْا عَفْوًا فِي الْأَرْضِ وَنَجَعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. زمین تضعیف شده اند، عنایت کنیم و آنها را امامان روی زمین و وارثان آن قرار دهیم.) يَا مَوْلَايَ حَاجَتِي كَذَا وَكَذَا - حاجت هایش را می گوید فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا. ای مولای من حاجت من فلان و فلان است، - حاجت هایش را می گوید - (۱) در نجات از آنها مرا شفاعت کن. در ادامه هر چه که بخواهی، بخواه.

نقل می کند که از خواب بیدار شدم. یقین به راحتی و گشایش وجودم را فرا گرفته بود. هنوز وقت زیادی تا صبح باقی بود. با سرعت بلند شدم و هر آنچه را که یاد گرفته بودم، نوشتم تا نکند که

ص: ۸۶

۱- ۳۸. در این موارد، شخص خواسته های خود را به هر زبانی که باشد، به زبان می آورد و دعا را ادامه می دهد.

از یادم برود. وضو گرفتم و زیر آسمان رفتم. دو رکعت نماز را، همان طور که دستور داده بود، با حضور قلب و حوصله کامل خواندم. وقتی که نماز را خواندم بلند شدم و رو به قبله ایستادم و امام علیه السلام را زیارت کردم و در آخر حاجتم را عرضه کردم و از ایشان یاری طلبیدم. بعد سجده شکر کردم و آن را با دعا طول دادم. آن قدر طول دادم که کم مانده بود نماز شب را قضا بکنم. بعد از آن بلند شدم و نماز شب و بعد نماز صبح را خواندم و در محراب نماز نشستم و دعا خواندم. به خدا قسم که هنوز خورشید در نیامده بود که بیماریم درست شد و هیچ وقت عود نکرد و هیچ کس تا امروز نفهمید که من به چه بیماری دردناکی مبتلا شده بودم. نعمت از خداست و ثنای فراوان شایسته خداست.

دعای امام زمان جهت گشایش و برطرف شدن خطرها(۱)

از ابو الحسین بن ابی البغل کاتب نقل شده است که مدتی در خدمت ابی منصور بن صالحان بودم و برای او کار می کردم. تا اینکه اتفاقی افتاد و باعث ایجاد کدورت میان ما شد. من از ترس جانم، خود را از او پنهان کردم. او افرادی را نزد من فرستاد و مرا ترسانید.

با وجودی پر از ترس به حرم ائمه کاظمین پناهنده شدم. شب جمعه بود. تصمیم گرفتم که شب را در آنجا بمانم و مناجات کنم. شب بارانی و طوفانی بود. از ابو جعفر که خادم حرم بود، درخواست کردم تا درها را ببندد و مرا در خلوت رها کند. تا با خیال آسوده مناجات کنم و ترس کسی را نداشته باشم. درها را بست. شب از نصف گذشت و باد و باران مردم را از آمدن به حرم منصرف کرد. در آنجا ماندم و به دعا و نماز و زیارت مشغول شدم.

ناگهان صدای پاییی را شنیدم. مردی در حال زیارت امام موسی کاظم علیه السلام بود. به آدم و انبیای اولوالعزم سلام کرد. بعد از آن به تک تک ائمه علیهم السلام سلام کرد. تا اینکه به صاحب الزمان رسید و آن را ذکر نکرد. با خودم گفتم شاید از یادش رفته و یا اعتقادی به ایشان ندارد.

ص: ۸۸

۱ - ۳۹. بحار الأنوار / ج ۵۱ / ص ۳۰۴ / باب ۱۵ - ما ظهر من معجزاته؛ مستدرک الوسائل / ج ۶ / ص ۱۹ / ۳۰۸ - باب استحباب الصلاة؛ فرج المهموم / ص ۲۴۵.

وقتی که زیارت را تمام کرد، دو رکعت نماز خواند و به طرف من آمد و امام محمد تقی علیه السلام را مانند امام کاظم علیه السلام، زیارت کرد. من از او می ترسیدم؛ زیرا او را نمی شناختم. او جوانی خوش اندام بود. لباس سفید و عمامه ای با تحت الحنک و عبا به تن داشت.

بعد از اینکه زیارت را تمام کرد، به من گفت: ای ابوالحسین چرا دعای گشایش را نمی خوانی؟

عرض کردم: آن دعا کدام است؟!

فرمود: دو رکعت نماز بخوان و بگو:

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يُوَاخِذْ بِالْجَرِيرِ وَلَمْ يَهْتِكِ أَي كَسَى كَسَى كَه بِه خَطَرِ گناهان نمی گیری السُّتْرَ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمُغْفِرَةِ وَ آبُرویمان را نمی بری. ای صاحب نعمت عظیم و گذشت بزرگوارانه، ای صاحب يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى وَيَا عَايَةَ كُلِّ شَكْوَى مَغْفِرَتِ وَسِيعِ وَ ای داستان باز رحمت، ای منتهای هر مناجات و ای نهایت هر شکایت يَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ يَا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا وَ ای یاور هر یاری خواه و ای آغازگر نعمت ها قبل از استحقاق آنها.

ص: ۸۹

ده بار: يَا رَبَّاهُ

ده بار: يَا سَيِّدَاهُ

ده بار: يَا مَوْلِيَاهُ

ده بار: يَا غَايَتَاهُ

ده بار: يَا مُنْتَهَى غَايَةِ رَغْبَتَاهُ

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا أَنْ تُوِّمِيَ خَوَافِي بِحَقِّ أَيْنِ نَامِ هَؤُلَاءِ مَقْدَسٍ وَبِهِ حَقُّ مُحَمَّدٍ وَخَانِدَانِ پَاكش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ تَا كَرَفَتَارِيمُ مَا كَشَفْتَ كَرْبِي وَنَفْسَتِ هَمِّي وَفَرَّجْتَ غَمِّي وَأَصْلَحْتَ حَالِي رَا بَرطَرَفِ كُنِي وَانْدوه و غم را از میان برداری و حال و روزم را اصلاح کنی. وَتَدْعُو بَعْدَ ذَلِكَ مَا شِئْتَ وَتَسْأَلُ حَاجَتَكَ

بعد نیازهای خودت را به زبان می آوری.

بعد از آن، گونه راست را روی زمین می گذاری و صد بار می گویی:

«يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ أَكْفِيَانِي فَإِنَّكُمْ كَافِيَايَ وَأَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمْ نَاصِرَايَ»

سپس گونه چپ را روی زمین می گذاری و صد بار می گویی: «أَذْرِ كُنِي» حتی سعی کن آن را بیشتر از صدبار بگویی.

یک نفس تمام هم «الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ» می گویی و سرت را برمی داری. خداوند با لطف خود مشکل را برطرف می کند.

ص: ۹۰

وقتی که به نماز و دعا مشغول شدم، رفته بود. بعد از نماز و دعایی که یادم داده بود، پیش ابو جعفر خادم حرم رفتم تا درباره او سؤال کنم که او چگونه وارد شده است. اما دیدم که همه درها قفل هستند. تعجب کردم. با خودم گفتم شاید او هم مثل من قبل از قفل شدن درها آمده و در اینجا مانده است. وقتی که به ابو جعفر رسیدم، او از اتاق بیرون آمد. درباره آن مرد و چگونگی وارد شدنش سؤال کردم. گفت: همان طور که می بینی همه درها بسته است و من در را برای کسی باز نکرده ام! همه ماجرا را برایش نقل کردم. گفت: این آقا، امام زمانمان است. من بارها ایشان را دیده ام که در همچو شب های خلوتی برای زیارت تشریف آورده است. من از اینکه ایشان را به موقع نشناخته بودم، خیلی متأسف شدم. نزدیک فجر بود به طرف کرخ به راه افتادم. به همان جایی که خود را پنهان می کردم، رفتم. هنوز خورشید کامل درنیامده بود که اصحاب ابن صالحان دنبال من می گشتند و مرا از دوستانم می پرسیدند. آنها امان نامه ای از وزیر به همراه داشتند. که در آن کلی مطالب دلنشین نوشته شده بود. با چند نفر از دوستان مورد اعتمادم پیش او رفتیم. مرا احترام کرد و طوری تحویل گرفت که تا به آن روز بی سابقه بود.

بعد از آن گفت: کارت به جایی رسیده است که از دست من خدمت امام زمان علیه السلام شکایت می کنی. گفتم: من تنها دعا و درخواست کردم. گفت: وای بر تو، امشب آن حضرت را در خواب دیدم. یعنی

شب جمعه، او به من دستور داد که در مورد تو هر کار خوبی که بتوانم انجام دهم و مرا در این مورد تهدید کرد. گفتم: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ شهادت می دهم که آنها برحق هستند و نهایت آن می باشند. من هم امشب در بیداری مولایمان را دیدم. فلان چیزها را به من گفت. همه تعجب کردند. وزیر از آن به بعد کارهای خوبی انجام داد و به واسطه او، خیراتی به من رسید که هیچگاه به فکرم نمی رسید. همه از برکت امام زمان علیه السلام بود.

دعای اول

نامه امام زمان علیه السلام درباره چگونگی زیارت آل یاسین (۱)

حمیری رحمه الله نقل می کند که بعد از مسائل فقهی که از حضرت سؤال می کردم، نامه ای صادر شد:

بسم الله الرحمن الرحيم

نه درباره اراده خدا اندیشه می کنید و نه مطیع اولیای او هستید! «حکمتی که ابلاغ شده است. اما انذارها و ترساندن ها - برای کسانی که اهل ایمان آوردن نیستند - سودی ندارد.» (۲) سلام خدا بر ما و تمام بندگان صالح خدا هر وقت که خواستید با توسل به ما به خدا و ما توجه کنید، همان طور که خدا فرموده است، شما نیز بگویید:

ص: ۹۳

۱- ۴۰. الاحتجاج، ج ۲ / ص ۴۹۲.

۲- ۴۱. قمر / ۵.

سلام بر خاندان یاسین (۱)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ جَانَشِينَ وَفِرْسْتَادَةِ خَدَا وَ مَفْسَرِ آيَاتِ أَوْ. سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ تَوَّابِ دُرُوزِ عِلْمِ الْهَيْ وَ دَيَّانِ دِينِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ اِقَامَةَ دِينِهِ. سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ جَانَشِينَ خَدَا وَ يَارِيگَرِ حَقِّشِ. سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ تَوَّابِ خُدَا وَ دَلِيلِ اِزَادَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجَمَانَهُ اِي حَاجَتِ خَدَا وَ رَاهِنْمَايِ مَقَاصِدِ أَوْ. سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ تَوَّابِ اِمْتِدَادِ كِتَابِ خَدَا وَ مَفْسِرِ آنِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آتَاءِ لَيْلِكَ وَ اطْرَافِ نَهَارِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ تَوَّابِ سَاعَاتِ شَبِّ وَ رُوزِ. سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ تَوَّابِ بَاقِي مَانِدَةِ اُولِيَايِ خَدَا بِرِئَاسَةِ رُوزِ زَمِينِ. فِي اَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي اَخَذَهُ وَ وَكَدَهُ السَّلَامُ سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ تَوَّابِ عَهْدِ وَ پِيمَانِ الْهَيْ كِهْ كَرَفْتِهْ وَ مُحْكَمِ كَرْدِهْ اِسْتِ. سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ تَوَّابِ وَعْدِهِ عَلَيْكَ يَا وَعْدِ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ اِيَّهَا الْعِلْمُ الْمُنْصُوبُ تَضْمِينِي خَدَا. سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ تَوَّابِ عِلْمِ وَ پَرچَمِ نَسَبِ شُدِهْ. سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ تَوَّابِ عِلْمِ سَرْشَارِ

ص: ۹۴

۱ - ۴۲. در روایات متعددی تصریح شده است که یس نام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و خاندانش نیز ائمه اطهار علیهم السلام هستند. مانند روایت ذیل: بِإِسْنَادِهِ عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ قَيْسِ الْعَامِرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ نَحْنُ آلُهُ. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۸۶ - باب ۶، أسمائه صلی الله علیه و آله وسلم و معنى كونه صلی الله علیه و آله....

وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَيْبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ وَأَشْهُدُكَ أَنْ وَدُونَ شَرِيكَ اسْتِ وَ مُحَمَّدٌ بِنْدَهُ وَ رَسُولُ اُو اسْتِ وَ دُوسْتِي غَيْرِ
 از او و خاندانش وجود ندارد. عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ وَالْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ وَعَلِيًّا تُو رَا شَاهِدَ مِي گيرم كه علي امير
 مؤمنان و حجت خداست. و حسن حجت خداست. حسين نيز حجت بن الحسين حجتته و محمد بن علي حجتته و جعفر بن محمد
 حجتته اوست. علي بن حسين نيز حجت اوست. محمد بن علي نيز حجت اوست. جعفر بن محمد نيز و موسي بن جعفر حجتته
 وَعَلِيًّا بَيْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ وَمُحَمَّدَ بَيْنَ عَلِيٍّ حُجَّتِ اوست. موسي بن جعفر نيز حجت اوست. علي بن موسي نيز حجت اوست.
 محمد بن علي حجتته و علي بن محمد حجتته و الحسن بن علي حجتته و اشهد انك نيز حجت اوست. علي بن محمد نيز حجت
 اوست. حسن بن علي نيز حجت اوست. شهادت حجه الله انتم الما اول والاخر و ان رجعتكم حق لا ريب فيها يوم مي دهم كه تو
 نيز حجت خدا هستي. شما آغاز و پايان عبوديت و امامت هستيد و رجعت لا ينفع نفسا ايمانها لم تكن امنة من قبل او كسبت
 في ايمانها شما بي شك حقيقت دارد و آن، روزي است كه اگر كسي قبلا ايمان نياورده باشد، ايمان خيرا و ان الموت حق
 و ان ناكرا و نكيرا حق و اشهد ان النسر والبعث آوردن در آن، فايده اي ندارد. (۱) مرگ حق است. ناكرو و نكير حق است.
 شهادت مي دهم كه

ص: ۹۶

۱- ۴۳. زيرا رجعت ائمه، بزرگترين عذاب الهي براي سرکشان است و سنت خدا بر آن است كه تا حد امکان به بندگان
 سرکش خود مهلت مي دهد. اما اگر باز نگشتند، آنها را به بدترين شكل ممكن عذاب مي كند و بعد از نزول عذاب، توبه
 آنها را نمي پذيرد. همان طور كه وقتي فرعون غرق شد، خداوند توبه او را نپذيرفت. البته نکته قابل تامل آن است كه اين نوع
 توبه ها فقط براي فرار از عذاب دنوي است. به همين جهت اگر اين افراد دوباره فرصت پيدا كنند، عهد و پيمان خود را مي
 شكند. همان طور كه خداوند در قرآن مي فرمايد كه فرعون و خاندان او به نُه بلا گرفتار شدند و هر بار با وعده توبه... بلا از
 آنها برداشته شد. اما دوباره توبه را شكستند.

حَقٌّ وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ رَسْتَاخِيزَ حَقٌّ اَسْت. صرَاطَ حَقٌّ اَسْت. ترازوی اعمال و محاسبه آنها حَقٌّ اَسْت. بهشت و دوزخ وَالْوَعِيدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ يَا مَوْلَايَ شَقِيَّيْ مَنْ خَالَفَكُمُ وَسَيَّعَدَ حَقٌّ اَسْت. وعده و وعيدهای خدا حَقٌّ اَسْت. مولای من بدبخت کسی اَسْت که از شما سرپیچی نمود مَنْ اَطَاعَكُمْ. فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا اَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ وَاَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيءٌ و سعادتمند کسی اَسْت که از شما اطاعت کرد. بر آنچه که شهادت دادم، شاهد باش. من دوست شما هستم مِنْ عَدُوِّكَ فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا سَخَطْتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ و از دشمنانتان بیزارم. حَقٌّ همان چیزی اَسْت که از آن رضایت دارید. باطل آن چیزی اَسْت که از آن ما اَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحِدَهُ غَضِبْنَا كَيْد. خوبی همان اَسْت که شما امر کرده اید و منکر همان اَسْت که از آن نهی کرده اید. روح و جانم لَا شَرِيكَ لَهُ وَرِسُوْلِهِ وَبِاَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ اَوَّلِكُمْ به وحدانيت خدای یگانه بدون شریک و فرستاده او و امیرالمؤمنین و به همه شما از اوّل تا آخرتان،

وَآخِرُكُمْ وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ ايمان دارد. ياری من برای شما آماده شده است و دوستیم در شما خالص گردیده است. آمین آمین

ص: ۹۸

دعای بعد از زیارت آل یاسین (۱)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّمَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ خدایا، با پافشاری درخواست می کنم که بر محمد پیامبر رحمت و مجموعه نورت درود نوری و أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَفِكْرِي نُورَ فِرْسْتِ وَقَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَ سینه ام را از نور ایمان و فکرم را از نور نیت های خیر و اراده ام النيات وَعَزَمِي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ را از نور علم و نیرویم را از نور عمل و زبانم را از نور راستی و دینم را از نور شناخت هایی وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصِيرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَسَمْعِي نُورَ كِه از توست و چشمانم را از نور بینایی و گوشهائیم را از نور حکمت و دوستی و علائقم را از الْحِكْمَةِ وَمَيَّوَدَّتِي نُورَ الْمَوَالِمِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَتَّى أَلْقَاكَ نُورَ مَحَبَّتِ مُحَمَّدٍ وَخاندانش عليهم السلام لبریز و مالا مال گردانی. مرا به گونه ای کن که وقتی تو را ملاقات وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ فَتَسِعَنِي رَحْمَتُكَ يَا وَلِيَّيَ حَمِيدُ. می کنم، به عهد خود وفا کرده باشم و در رحمت گسترده ات وارد شوم. ای سرپرست و ای ستوده. اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ حُبَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ خدایا، بر محمد (۲) که حجت تو بر روی زمین و جانشین تو در مناطق توست؛ او که مردم را

ص: ۹۹

۱- ۴۴. مدرک پیشین.

۲- ۴۵. مقصود از محمد در این بخش از دعا، خود حضرت صاحب الزمان می باشد.

وَالدَّاعِيَ إِلَى سَبِيلِكَ وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَالتَّائِبِ بِأَمْرِكَ وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ به راه تو دعوت کرده و عدل تو را برپا می کند و به او امرت عمل می نماید، دوست مؤمنین و بَوَارِ الْكَافِرِينَ وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ وَمُبِيرِ الْحَقِّ وَالنَّاطِقِ بِالْحُكْمِ و درهم کوبنده کافرین و روشنی بخش ظلمت ها و حقایق، و بیانگر صادقانه حکمت وَالصُّدْقِ وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ الْمُزْتَقِبِ الْخَائِفِ وَالْوَلِيِّ و مخلوق کامل و برتر در زمین تو، مراقب ترسان و ولی دلسوز و کشتی نجات النَّاصِحِ سَيَفِيئُهُ النَّجَاهِ وَعَلِمِ الْهُدَى وَنُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى وَخَيْرِ و پرچم هدایت و نور چشمان دیگران و بهترین کسی که لباس و پیراهن پوشید مَنْ تَقَمَّصَ وَازْتَدَى وَمُجَلِّي الْغَمَاءِ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا و روشنی بخش تاریکی ها که زمین را پر از عدل و داد کند. همان طور که قبل از آن وَقَسِيطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. از ظلم و جور پر شده است. سلام بفرست زیرا تو بر هر چیزی توانایی داری. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَايَّتِكَ وَابْنِ أَوْلِيَاءِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ خِدَايَا، بر جانشین و فرزندان جانشینت، کسانی که اطاعتشان را واجب کردی و حقشان را لازم حَقَّهُمْ وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا: اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانْتَصِرْهُ دَانِسْتِي و پلیدی را از آنها دور کردی و آنها را پاک گرداندی، درود فرست. خدایا، او را یاری کن

بِهَ لِدِينِكَ وَأَنْصِرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ. و به واسطه او از دین خود حمایت کن و به یاری اولیا و شیعیانش، بفرست و ما را از آنها قرار بده. اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ خُدَايَا او را از شر ظالمان و سرکشان و تمام مخلوقات، پناه بده و از تمام جوانب او را باین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و اخرسده و ائمنه من ان حفظ کن. مراقبت کن تا هیچ نوع بدی به او نرسد و در وجود او فرستاده خود و خاندانش یوصیل الیه بسوء و احفظ فیہ رسولک و آل رسولک و اظهر به العادل را حفظ کن و عدل را با او آشکار کن و با امدادهای خود یاریش کن و یارانش را پیروز و ایدیه بالنصیر و انصیر ناصریه و اخذل خذلیه و اقصم به جباره گردان و دشمنانش را خوار ساز. خدایا به دست او طغیانگران کفر را در هم بکوب و کفار الکفر و اقتل به الکفار و المنافقین و جمیع الملحدین حیث کأنوا من و منافقین و تمام منکرین را هلاک کن. چه در بخش های شرقی زمین باشند و چه در بخش های مشارق الارض و مغاربها برها و بحرها و املا به الارض عیدلا و اظهر غربی آن، چه در خشکی و چه در دریا باشند و زمین را از برکت او و از عدل و داد پر کن به دین نبیک صلی الله علیه و آله و اجعلنی اللهم من انصاره و اعوانه و دین پیامبرت را غالب گردان. خدایا مرا از یاران و شیعیان و پیروی کنندگان او قرار

وَأَتْبَاعِهِ وَشَيْعَتِهِ وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ وَفِي عَيْدُوهُمْ بَدَهْ وَخَانِدَانِ مُحَمَّدٍ رَا بَه تَمَامِ آرزوهایشان برسان و دشمنانشان را به آنچه از آن می ترسند، مبتلا- مَا يَحْيِي ذُرُورَ إِلَهِ الْحَقِّ. آمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ای معبود حقّ دعایم را بپذیر، ای صاحب جلال و بزرگواری، ای مهربان ترین مهربانان.

ص: ۱۰۲

زیارت آل یاسین با نقلی دیگر (۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نه در اراده خدا اندیشه می کنید و نه از اولیا و جانشینانش اطاعت می نمایید. «آیات الهی حکمت هایی است که ابلاغ شده است. اما آیات و ترساندن ها برای کسانی که اهل ایمان نیستند، سودی ندارد.» و سلام خدا بر ما و بندگان صالحش. زمانی که خواستید با توسل به من به خدا و ما اهل بیت، توجه پیدا کنید، همان طور که خدا فرموده است، شما نیز بگویید: (۲)

سَلَامٌ عَلَيَّ آلِ يَاسِينَ

سلام بر خاندان یاسین

ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ مَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ نُبُوتٍ وَ إِمَامَةٍ هِجْرَةٍ نَبِيِّهِ وَ خَدَاةِ صَاحِبِ إِحْسَانٍ عَظِيمٍ اسْتِغْفِرُكَ بِرَأْسِ يَاسِينَ كَمَا اسْتِغْفِرُكَ بِرَأْسِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

راست هدایت کند. اما توجه:

ص: ۱۰۳

۱- ۴۶. بحار الأنوار / ج ۹۱ / ص ۳۶ / باب ۲۸ - الاستشفاع بمحمد و آل محمد عليهم السلام.

۲- ۴۷. اگر چه این زیارت نیز مانند قبلی زیارت آل یاسین نام دارد و این زیارت تنها یکبار از آن حضرت صادر شده است اما به صورت متفاوت از حمیری رحمه الله نقل شده است. که ما به جهت ارائه زیارت، هر دو را می آوریم.

قَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ يَا آلَ يَاسِينَ خِلَافَتُهُ وَعَلَّمَ مَجَارِيَ أَمْرِهِ فِيمَا قَضَاهُ أَيَّ آلَ يَاسِينَ خِدَاوَنَد خِلَافَتَش رَا بَه شَمَا دَاد وَ كَيْفِيَت جَرِيَان
اراده خودش را در مورد وَدَبَّرَهُ وَرَتَّبَهُ وَأَرَادَهُ فِي مَلَكُوتِهِ فَكَشَفَ لَكُمْ الْغَطَاءَ وَأَنْتُمْ قَضَا وَ قَدْر وَ اراده ای که در ملکوت آسمان
ها دارد، به شما نشان داده است. پرده از شما خَزَنَتَهُ وَشَهَادَاؤُهُ وَعُلَمَاؤُهُ وَأَمْنَاؤُهُ سَاسَهُ الْعِبَادِ وَأَرْكَانُ الْبِلَادِ برداشته شده و شما
خزانه داران و شاهدان و عالمان و امینان و رهبران و پایه های مناطق وَقُضَاهُ الْأَحْكَامِ وَأَبْوَابِ الْإِيمَانِ وَمِنْ تَقْدِيرِهِ مَنَاسِحَ الْعَطَاءِ
بِكُمْ وَ قَاضِيَانِ احْكَامِ وَ درهای ایمان هستید. از جمله تقدیرات الهی در عنایت به شما، این بود که إِنْفَاذَهُ مَحْتُمًا مَقْرُونًا فَمَا
شَيْءٌ مِنْهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ السَّبَبُ وَإِلَيْهِ بِصُورَتِ حَتْمِي وَ قَطْعِي حَكْمِ كَرْدِ دَر نَتِيَجِه هِيَج چيزی از خدا نیست، مگر اینکه شما
واسطه السَّبِيلِ خِيَارُهُ لَوْلِيِكُمْ نِعْمَةٌ وَأَنْتِقَامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ سَخَطُهُ فَلَا نَجَاةَ وَ رَاه وَصُولِ بَه آن هستید. خداوند برای دوستانان نعمت
و برای دشمنان غضب را برگزیده است. وَلَا مَفْزَعٌ إِلَّا أَنْتُمْ وَلَا مَذْهَبَ عَنْكُمْ يَا أَعْيُنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ وَحَمَلَةَ بِنَابِرِنِ نَجَاتِ وَ پناهی
غیر از شما وجود ندارد و جای فراری از آن نیست. ای چشمان ناظر خدا مَعْرِفَتِهِ وَمَسَاكِنَ تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ وَأَنْتَ يَا
حُجَّةَ اللَّهِ وَبَقِيَّتَهُ وَ حَامِلِ مَعْرِفَتِ وَ مَحَلِ اسْتَقْرَا تَوْحِيدِ دَر زَمِينِ وَ آسْمَانِ وَ تَوَايِ حِجَّتِ وَ باقی مانده اولیای الهی،

كَمِالِ نِعْمَتِهِ وَوَارِثِ أَنْبِيَائِهِ وَخُلَفَائِهِ مَا بَلَّغْنَا مِنْ دَهْرِنَا وَصَاحِبِ كَمَالِ نِعْمَتِ أُو و وارث انبیا و جانشینان او تا به امروز، ای آن که طبق وعده خدا، صاحب رجعتی، الرَّجْعَةِ لَوْعَدِ رَبِّنَا الَّتِي فِيهَا دَوْلَةُ الْحَقِّ وَفَرَحُنَا وَنَصِيرُ اللَّهِ لَنَا وَعِزُّنَا. که دولت حق و شادی و نصرت خدا و عزت او در آن روز، بر ما تجلی خواهد یافت، سلام بر تو. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَضِيْبُوبُ وَالْعُوْثُ سَلَامٌ بِرِ تُو اِي پُرچم برافراشته و یاریگر و رحمت واسعه. ای وعده راستین خدا. سلام بر تو وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعْدًا غَيْرَ مَكْذُوبٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ صَاحِبَ الْمَرَايِ اِي بِنَا و شنوایی که پیمانهایت در برابر دیدگان خدا و عهدهایت در دستان خداست وَالْمَسِيْمَعِ الَّذِي بَعَيْنِ اللَّهِ مَوَائِقُهُ وَبِيْدِ اللَّهِ عُهُودُهُ وَبِقُدْرَةِ اللَّهِ وَ سُلْطَنَتِ بَا قَدْرَتِ خِدا مَحْقُقِ مِي شُوْد. تُو اَن بَرْدبَارِي هَسْتِي كِه تَعْصِيَاَتِ اُو رَا بِه عَجَلِه سُلْطَانُه اَنْتَ الْحَلِيْمُ الَّذِي لَا تُعَجِّلُه الْعَصِيَّةُ وَالْكَرِيْمُ الَّذِي لَا تُبَخِّلُه نَمِي اَنْدَازْد و تُو بَزْرگُوَارِي هَسْتِي كِه ثَبِت و ضَبْطِ مَسْأَلِ اُو رَا بِه بَخْلِ وَا نَمِي دَاْرْدِ تُو اَن الْحَفِيْظُ وَالْعَالِمُ الَّذِي لَا تُجْهَلُه الْحَمِيَّةُ مُجَاهِدُكَ فِي اللَّهِ ذَاتُ مَشِيَّةِ اللَّهِ عَالِمِي هَسْتِي كِه تَعْصِيَاَتِ كُوْر اُو رَا بِه كَاْرهَايِ نَاْدَرْسْتِ مَبْتَلَا نَمِي كَنْد. تَلَاَشِ تُو دَر رَاه و مُقَاْرَعَتُكَ فِي اللَّهِ ذَاتُ اَنْتِقَامِ اللَّهِ وَصَبْرُكَ فِي اللَّهِ ذُو اَنَاهِ اللَّهِ وَشُكْرُكَ لِلَّهِ خِدا هَمَانِ خِوَاَسْتِه خِداَسْت. كَشْتَنِ تُو دَر رَاه خِدا، عِيْنِ اَنْتِقَامِ خِداَسْتِ و صَبْرِ تُو دَر رَاه

ذُو مَرِيدِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَحْفُوظًا بِاللَّهِ نُورُ أَمَامِهِ وَوَرَائِهِ خُدا عین فرصت دادن خداست. شکر تو همان زیاد کردن خداست. سلام بر تو ای آنکه وَیَمِینِهِ وَشِمَالِهِ وَفَوْقِهِ وَتَحْتِهِ يَا مَحْرُوزًا فِي قُدْرَةِ اللَّهِ نُورُ سَمْعِهِ نور مقابل، پشت و راست و چپ و پایین و بالایش با اراده خدا، محفوظ است. ای کسی وَبَصِيرِهِ وَيَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ وَيَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ که نور گوش و چشمش در قلعه قدرت خدا، مصون است. ای وعده ای که خدا ضمانت السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ کرده است. ای پیمانی که خدا آن را محکم کرده است. سلام بر تو ای فرستاده خدا و مفسر وَدَيَّانَ دِينِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ آيَاتِ الهی. سلام بر تو ای در رحمت خدا و نگهبان دین او. سلام بر تو ای جانشین خدا يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ السَّلَامُ و یاریگر حق او. سلام بر تو ای حجت خدا و راهنمای مقاصد او. سلام بر تو ای امتداد بخش قرآن عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ. و مفسر آن. سلام بر تو در ساعات شب و روز. سلام بر تو ای باقی مانده اولیای الهی بر روی زمین. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ سلام بر تو هنگامی که بلند می شوی. سلام بر تو آنگاه که می نشینی. سلام بر تو آنگاه که

حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ لِي وَتَقْنُتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِي خَوَانِي وَ تَوْضِيح مِي دهی. سلام بر تو، زمانی که نماز و قنوت می خوانی. سلام بر تو، حِينَ تَزْكَعُ وَتَسْجُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَعُوذُ وَتَسَبِّحُ السَّلَامُ زمانی که رکوع می کنی و به سجده می افتی. سلام بر تو هنگامی که به خدا پناه می بری و خدا را عَلَيْكَ حِينَ تَهَلَّلُ وَتَكْبُرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ السَّلَامُ تسبیح می گویی. سلام بر تو، زمانی که اقرار به یگانگی می کنی و تکبیر می گویی. سلام بر تو، زمانی عَلَيْكَ حِينَ تُمَجِّدُ وَتَمْدَحُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُمَسِّي وَتُصْبِحُ السَّلَامُ که حمد و استغفار می کنی. سلام بر تو هنگامی که خدا را تمجید و حمد می کنی. سلام بر تو، زمانی عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى وَالْآخِرَةَ وَالْأُولَى السَّلَامُ که شب و یا صبح می کنی. سلام بر تو در تاریکی شب و روشنایی روز. سلام بر تو در دنیا و آخرت. عَلَيْكُمْ يَا حَيَّجِ اللَّهُ وَرُعَاتَنَا وَهَدَاتَنَا وَدُعَاتَنَا وَقَادَتَنَا وَأَيُّمَّنَّا وَسَادَتَنَا سلام بر همه شما ای حجت های خدا. ای مراقبان و هادیان و دعوت کنندگان و رهبران و امامان وَمَوَالِينَا السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَنْتُمْ نُورُنَا وَأَنْتُمْ جَاهُنَا أَوْقَاتِ صَلَاتِنَا وَسُرُورَانِ وَمَوْلَاهَايَ مَا. سلام بر شما که نور ما در ظلمتید. شما که عظمت ما در هنگام نماز هستید. وَعِضْمَتُنَا بِكُمْ لِدُعَائِنَا وَصَلَاتِنَا وَصِيَامِنَا وَاسْتِغْفَارِنَا وَسَائِرِ أَعْمَالِنَا. شما که باعث مصونیت ما در هنگام دعا، نماز، روزه و استغفار و سایر اعمالمان هستید.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا سَلَامُ بِرِئَتِكَ عَلَى الْإِمَامِ الْأَمَانِ دَادَهُ شَدَّهُ، سَلَامٌ بِرِئَتِكَ عَلَى الْإِمَامِ الْمَقْدَمِ الْمَأْمُولِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ. بِيَشْرُو وَآرَزُو شَدَّهُ، سَلَامٌ بِرِئَتِكَ عَلَى الْإِمَامِ الْأَمَانِ دَادَهُ شَدَّهُ. أُشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أُشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
 اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَلَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ
 مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ وَأَنَّ يَكْتَا وَتَنْهَاسْتَ وَشَرِيكِي نَدَارِدُ وَمُحَمَّدَ بِنْدَهُ وَفَرَسْتَادَهُ أَوْ اسْتَوْحَبِي جِزِّي
 أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَأَنَّ الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ وَأَنَّ الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ وَأَنَّ وَخَانْدَانِشَ نَيْسَتْ وَأَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، حَسَنٌ، حُسَيْنٌ، عَلِيُّ بْنُ
 الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَأَنَّ جَعْفَرَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَأَنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَأَنَّ
 مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ وَأَنَّ جَعْفَرَ، عَلِيَّ بْنَ مُوسَى، مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ
 وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَأَنَّ الْحَسَنَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، حَسَنٌ، حُسَيْنٌ، عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ

بِنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَأَنْتَ حُجَّتُهُ وَأَنَّ الْأَنْبِيَاءَ دُعَاةٌ وَهِدَاةٌ رُشِدِكُمْ أَنْتُمْ وَتُوْنِزِ حِجَّتِ خِدا هِستِي وَ انبِياءَ بَهِ هِدايَتِ شِما، دَعوتِ وَ رَاهِنمايِي مِي كَرَدَنَد. الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَخَاتِمَتُهُ وَأَنَّ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَا شَكَّ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ شِما أَوَّلُ وَ آخِرُ وَ خاتِمَه بَخِشِ هِدايَتِ هِستيد. هَمين طَورِ شِهادَتِ مِي دَهِم كَهِ رَجَعَتِ شِما حَقٌّ اسْتِ نَفْساً إِيْمَانِها لَمْ تَكُنْ آمَنْتَ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِها خَيْراً وَأَنَّ وَ شِكي دَرِ آن نِست. رَوزِي كَهِ اِيْمانِ آوَرَدَن دَرِ آن، سَودِي نِداَرَد. اِگر قَبْلاً اِيْمانِ نِياوَرَدَ باشَدِ الْمَوْتِ حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ نَاكِراً وَنَكِيراً حَقٌّ وَأَنَّ النَّشْرَ وَالْبُعْثَ حَقٌّ وَ عَمَلِ صالِحِي مِطابِقِ اِيْمانِشِ اِنجامِ نَدَهِد. شِهادَتِ مِي دَهِم كَهِ مَرگِ وَ ناکِرِ وَ نَكيرِ وَ رِستاخيزِ حَقٌّ هِستند. وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِرْصَةَ إِدَّ حَقٌّ وَأَنَّ الْمِيزَانَ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَأَنَّ صِرَاطَ وَ مِرصادِ (۱) حَقٌّ اسْتِ. تَرازوِي اِعمالِ وَ مِحاسبَه اِنها حَقٌّ هِستند. بَهِشتِ وَ دَوزخِ وَ جِزايِ بَهِ آن دَوِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ حَقٌّ وَالْجِزَاءَ بَهِمَا لِلْوَعِيدِ وَالْوَعِيدِ حَقٌّ وَأَنَّكُمْ لِلشَّفَاعَةِ بِرِاساسِ وَعَدَه هَا وَ وعيدِها حَقٌّ اسْتِ. شِهادَتِ مِي دَهِم كَهِ شِما حَقٌّ شِفاعَتِ دَاريدِ وَ شِفاعَتانِ رَدِ نَمِي شِود.

ص: ۱۰۹

۱- ۴۸. مِرصادِ دَرِ لَغتِ بَهِ مَعنایِ كَمينگاهِ اسْتِ. كَهِ دَرِ قُرْآنِ اِزِ آن يادِ شِده اسْتِ. «إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ»؛ هَمانا پَرورَدگارتِ دَرِ كَمينگاهِ، مَنظَرِ ظالمانِ اسْتِ. (فَجْر / ۱۴.. دَرِ رَوايَتِي اِزِ اِمامِ صادِقِ عَلِيهِ السَّلَامِ، مِرصادِ، بَهِ بَخِشي اِزِ پِلِ صِرَاطِ تَفسيرِ شِده اسْتِ كَهِ خِداوندِ دَرِ كَمينِ ظالمانِ اسْتِ وَ بَهِ اِنها اِجازَه عَبورِ نَمِي دَهِدِ وَ اِنها اِزِ آن نَقطَه بَهِ جَهِنمِ پَرْتِ مِي شِوند. عَنهُ عَنِ الْحَجَّالِ عَنِ غَالِبِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ قَالَ قَنْطَرَةُ عَلِي الصِّرَاطَ لَا يَجُوزُهَا عَبْدٌ بِمِظْلَمَةٍ... الكافي، ج ۲ / ص ۳۳۱ - باب الظلم.

حَقَّ لَا تُرْدُونَ وَلَا تَسْبِقُونَ مَشِيَّةَ اللَّهِ وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَلِلَّهِ الرَّحْمَةُ الْبَتَّةُ شَمَا نِيزَ اَزْ خَوَاسْتَهْ خِدا سَبَقْتِ نَمِي كِيرِيدِ وَ بَر طَبَقِ اَن اَعْمَلِ مِي كَنِيد. شَهَادَتِ مِي دَهْمِ كِه رَحْمَتِ وَالْكَلِمَةُ الْعُلْيَا وَبِيَدِهِ الْحُسَيْنِي وَحُجَّهُ اللَّهِ الْعُظْمَى خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ وَ بِالْأَتْرِينِ تَوْصِيْفَاتِ بَرَايِ خِدا سَتِ وَ خَوْبِي هَا وَ حَجَّتِ هَايِ عَظِيمِ الْهِي، دَر دَسْتِ اَوْسْتِ. اَوْ كِه جَنِّ وَ اَنْسِ رَا لِعِبَادَتِهِ اَرَادَ مِنْ عِبَادِهِ عِبَادَتَهُ فَشَقِيئِي وَ سَيِّعِيْدٌ قَدْ شَقِيئِي مَنْ خَالَفَكُمْ بَرَايِ عِبَادَتِهِ اَفْرِيْدِ وَ اَزْ بِنْدِگَانِشِ چِيْزِيْ غَيْرِ اَزْ عِبَادَتِ نَخَوَاسْتَهْ اَسْتِ. پَسِ عِدَهْ اِيْ بَدِ بَخْتِ وَ بَرِخِي سَعَادَتَمَنْدِ شَدَنْدِ. وَ سَيِّعِدَ مَنْ اَطَاعَكُمْ وَ اَنْتَ يَا مَوْلَايَ فَاشْهَدْ بِيْمَا اَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ تَخْزِنُهُ مَخَالَفَتَانِ، بَدِ بَخْتِ وَ مَطِيْعَتَانِ، سَعَادَتَمَنْدِ اَسْتِ. مَوْلَايِ مَنْ، بِهْ اَنْچِهْ كِه تُو رَا بَرِ اَن شَاهِدِ كَرَفْتَمِ. وَ تَحْفَظُهُ لِيْ عِنْدَكَ اَمُوْتُ عَلَيْهِ وَ اَنْشُرْ عَلَيْهِ وَ اَقِفْ بِهْ وَ لِيَا لَكَ بَرِيئًا شَهَادَتِ بَدِهْ وَ اَن رَا نَزْدِ خُوْدِ نَكْهَدَارِ تَا بَرِ اَن عَقَايِدِ بَمِيْرِمِ وَ بَا اَنهَا بِيَاخِيْزِمِ وَ بَا اَن بَايَسْتَمِ. مَنْ شَمَا رَا دَوْسْتِ دَارِمِ مِنْ عَدُوِّكَ مَا قَاتَا لِمَنْ اَبْغَضَ كُمْ وَ اِذَا لِمَنْ اَحْبَبَكُمْ فَالْحَقُّ مَا رَضِيَ يَتْمُوهُ وَ اَزْ دَشْمَنْاَنْتَانِ بِيْزَارِمِ. دَشْمَنْ كَسِيْ كِه شَمَا رَا دَشْمَنْ دَارِدِ وَ دَوْسْتِ كَسِيْ كِه شَمَا رَا دَوْسْتِ دَاشْتَهْ بَا شُدِ، هَسْتَمِ. حَقُّ وَ الْبَاطِلُ مَا سَخَطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا اَمَرْتُمْ بِهْ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ اَن اَسْتِ كِه اَزْ اَن رَا ضِيْ بَا شِيْدِ وَ بَا طَلِ اَن اَسْتِ كِه بَرِ اَن غَضَبِ كَنِيْدِ. خَوْبِ اَن اَسْتِ كِه بِهْ اَن اَمْرِ كَنِيْدِ. وَ الْقَضَاءُ الْمُنْبِتُ مَا اَسِيْ تَأْتُرْتُ بِهْ مَشِيَّتِكُمْ وَ الْمَمْحُوُّ مَا اسْتَأْتُرْتُ بِهْ بَدِ اَن اَسْتِ كِه اَزْ اَن نَهِيْ كَنِيْدِ. قَضَايِ حْتَمِيْ اَن اَسْتِ كِه طَبَقِ خَوَاسْتَهْ شَمَا بَا شُدِ وَ قَضَايِ تَغْيِيْرِ يَافْتَهْ

سُتِّكُم فَلَإِ إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَيْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَنْ اسْتِ خَوَاسْتَه شَمَا نَبَاشَد. پَس خَدَائِي غَيْرَ اَزِ اللّهِ
نِيسْتِ اَوِ يِگَآنَه وَ يِکْتَاَسْتِ وَ شَرِيکِي نَدَارَد. عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ الْحَسَنُ حُجَّتُهُ الْحُسَيْنُ حُجَّتُهُ عَلِيٌّ حُجَّتُهُ مُحَمَّدٌ بِنْدَه وَ
فَرَسْتَادَه اَوِ، عَلِيٌّ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، حَسَنُ، حَسِينُ، عَلِيٌّ، مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ جَعْفَرُ حُجَّتُهُ مُوسَى حُجَّتُهُ عَلِيٌّ حُجَّتُهُ مُحَمَّدٌ،
جَعْفَرُ، مُوسَى، عَلِيٌّ، مُحَمَّدٌ، عَلِيٌّ، حَسَنُ وَ تُو هَمَّگِي حُجَّتُهُ الْحَسَنُ حُجَّتُهُ أَنْتَ حُجَّتُهُ أَنْتُمْ حُجَّتُهُ وَبَرَاهِينُهُ أَنَا يَا مَوْلَايَ حُجَّتِ
هَای خَدَا هَسْتِيد. مَوْلَايِم! مَن اَزِ مَعَامَلَه اِي کِه خَدَا بَا مَجَاهِدَانِ مُسْتَبِشِرٌ بِالْبَيْعَةِ الَّتِي أَخَذَ اللَّهُ عَلَيَّ شَرْطَهُ قِتَالًا فِي سَبِيلِهِ اشْتَرَى بِهِ
رَاهِ خُودِ اَنْجَامِ دَادَه وَ دَرِ اَن جَانِ هَایِ مُؤْمِنِينَ رَا خَرِيدَارِي کَرْدَه اسْت. اَنْفُسُ الْمُؤْمِنِينَ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَخَيْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
وَ بَرَسُؤْلِهِ خُوشِحَالِمٌ؛ زِيْرَا جَانِ مَن بَه خَدَايِ وَاحِدِي کِه شَرِيکِي نَدَارَد، بَه فَرَسْتَادَه اَوِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلُكُمْ
وَ آخِرُكُمْ وَ نُصِيْرَتِي لَكُمْ مَعِيْدَةٌ وَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بَه هَمَه شَمَا اِيْمَانِ دَارَد. مَوْلَايِم! مَن بَه هَمَه شَمَا، اَزِ اَوَّلِ تَا آخِرَتَانِ وَ مَوَدَّتِي
خَالِصَةً لَكُمْ وَ بَرَاءَتِي مِّنْ أَعْيَادِكُمْ أَهْلِ الْحَرَدَةِ وَالْجِدَالِ اِيْمَانِ دَارَمِ وَ يَارِي اَمِ رَا بَرَايْتَانِ مَهِيَا وَ دُوسْتِيْمِ رَا خَالِصًا وَ بِيْزَارِي اَزِ
دَشْمَنَاتَانِ رَا بَرَايِ قِيَامَتَانِ، آمَادَه کَرْدَه اَم

ثَابِتُهُ لِثَأْرِكُمْ أَنَا وَلِيُّ وَحِيدٌ وَاللَّهُ إِلَهُ الْحَقِّ يَجْعَلُنِي كَذَلِكَ آمِينَ وَدُوسْتِ يَكَاةِ شَمَا هَسْتُمْ وَاللَّهُ مَعْبُودٌ حَقٌّ اسْت. خدائوند مرا همان طور كه گفتم قرار دهد. آمين آمين. آمين من لى اِلاَّ اَنْتَ فِيمَا دَنْتَ وَاعْتَصَيْتُمْ بِحِكْمِكَ فِيهِ تَحْرُسُنِي فِيمَا مَوْلَايِم! من دراتفاقى كه نزديك شده است، كسى غير از تو را ندارم و از تو مى خواهم كه مرا در آن، مصونيت بخشى. تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ يَا وَقَايَةَ اللَّهِ وَسِتْرَهُ وَبَرَكَتَهُ أَعْنِي أَدْنِي أَعْنِي مُرَادِرْ كَارِهَائِي كِه به تو نزديك مى كند، نگهدارى، اى محافظ خدا و پوشش و بركت او. به فريادم برس و به من نزديك اَدْرِكْنِي صِلْنِي بِكَ وَلَا تَقْطَعْنِي. اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بِهِمْ تَوَسَّلِي وَتَقَرَّبِي شو و مرا درياب. مرا با خود متصل كن و جدا نكن. خدايا، به واسطه آنها به تو متوسل مى شوم و تقرب مى جويم. اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصِلْنِي بِهِمْ وَلَا تَقْطَعْنِي بِحُجَّتِكَ خدائيا، بر محمد و خاندانش درود فرست و به خاطر آنها با من مرتبط باش و از من جدا نشو، وَاعْصِي مِنِّي وَسَيِّئَاتِكَ عَلَيَّ آلِ يَسِ مَوْلَايَ اَنْتَ الْجَاهُ عِنْدَ اللَّهِ بِه حرمت حجتت مرا مصونيت بخش و سلام و درودت بر خاندان ياسين. مولايم تو سربلندى من نزد رَبِّكَ وَرَبِّي اِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

خدائى هستى كه پروردگار من و تو است، تو ستوده و شريف هستى.

دعای بعد از زیارت آل یاسین (۱)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَهُ مِنْ كُلِّكَ فَاسْتَقَرَّ فِيكَ فَلَا يَخْرُجُ خدایا از تو می خواهم با آن نامی که آن را از همه وجود خودت آفریدی و از این رو در وجود خودت مِنْكَ إِلَى شَيْءٍ أَبَدًا يَا كَيُّنُ يَا مَكْنُونُ يَا مُتَعَالُ يَا مُتَقَدِّسُ يَا مُسْتَقَرُّ شده است و از وجودت به چیز دیگری خارج نمی شود. ای وجود محض و تام، ای پنهان، مُتَرَا حِمُّ أَيَا مُتَرَتِّفُ أَيَا مُتَحَنِّنُ أَسْأَلُكَ كَمَا خَلَقْتَهُ غَضًّا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَىٰ أَيِّ مَتَعَالَىٰ، ای مقدس و پاک، ای رحم کننده، ای دلسوز، ای مهربان، از تو می خواهم همان طور که مُحَمَّدٌ نَبِيُّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةُ نُورِكَ وَوَالِدِ هُدَاهُ رَحْمَتِكَ وَأَمَلًا قَلْبِي نُورَ نَامَتِ رَا دَرِ يَكِ چشَمِ بَهْمِ زَدَنِ آفَرِيدِي، بر محمد پیامبر رحمت و وجود نورانی و پدر هادیان رحمت الیقینِ وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَفِكْرِي نُورَ الثَّبَاتِ وَعَزْمِي نُورَ التَّوْفِيقِ درود فرستی و قلبم را از نور یقین و سینه ام را از نور ایمان و فکرم را از نور ثبات قدم و اراده ام وَذَكَائِي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَدِينِي رَا اَزْ نُورِ تَوْفِيقٍ وَهَوْشَمِ رَا اَزْ نُورِ عِلْمٍ وَنِیْرُومِ رَا اَزْ نُورِ عَمَلٍ وَزَبَانَمِ رَا اَزْ نُورِ صِدَاقَتِ وَ دِیْنَمِ رَا نُورِ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصِيرِي نُورِ الضَّيَاءِ وَسَمْعِي نُورَ وَعْيِ الْحِكْمَةِ اَزْ نُورِ بَصِيرَتِ وَ مَعْرِفَتِ وَ چشَمِ رَا اَزْ نُورِ بِنَايِي و گوشم را از نور حکمت و محبتم را از نور

ص: ۱۱۳

وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمَوَالِهِ لِمَحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَيَقِينِي قُوَّةَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَاءِ دُوسْتِي مُحَمَّدٍ وَخَانِدَانِهِ، سرشار کنی. یقینم را از نیروی بیزاری از دشمنان محمد و خاندانش پر نما، مُحَمَّدٍ وَأَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّىٰ أَلْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ تَا تُو رَا در حالی ملاقات کنم که به عهد تو و پیمانم عمل و به فیض رحمتت رسیده ام. ای ولی و ستوده، فَيَسِّرْ عَنِّي رَحْمَتَكَ يَا وَلِيَّيَا حَمِيدُ بِمَزَاكَ وَمَسْمَعِكَ يَا حُجَّهَ اللَّهِ أَي حِجَّتِ هَايِ الْهِي، دعای من در برابر دیدگانتان است و شما آن را می شنوید. بنابراین مرا به عوامل دُعَائِي فَوْفُنِي مُنَجِّزَاتِ إِجَابَتِي أَعْتَصِمُ بِكَ مَعَكَ مَعَكَ مَعَكَ سَمِعِي وَرَضَائِي. اجابت آنها موفق کنید. به شما پناه می آورم. گوش اطاعت و رضایتم با شماست، باشماست، باشماست.

حجاب حضرت بقیه الله (۱)

اللَّهُمَّ احْجُبْنِي عَنْ عُيُونِ أَعْدَائِي واجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي خدایا مرا از چشم دشمنانم مخفی کن و مرا با دوستانم جمع کن و وعده ای را که به من و آنجزای ما وعده دتی و اخفونی فی غیبتی الی أن تأذن لی فی داده ای، عملی نما و مرا در دوره غیبت تا زمانی که اجازه ظهور بدهی، حفظ کن. ظهوری و آخی بی میا درس من فروضه کک و سنینک و عجل فرجی فرائض و سنت های (۲) پایمال شده ات را به دست من زنده کن. ظهورم را سریع و خروجم را وسیله مخرجی و اجعل لی من لدنک سلیطاناً نصیراً و افتیح لی فتحاً آسان نما و با سلطنت و نصرت خود مرا یاری کن و مرا به پیروزی قطعی برسان و به راه مبیناً و اهیدنی صراطاً مستقیماً و قنی جمیع میا اذره من الظالمین راستت هدایت فرما و از تمام خطرات ظالمان حفظم کن و از چشمان دشمنانی که پایه های

ص: ۱۱۵

-
- ۱- ۵۰. المصباح للكفعمی / ص ۲۱۹ / الفصل السادس و العشرون فی الحجب؛ بحار الأنوار / ج ۹۱ / ص ۳۷۸ / باب ۵۲ - الاحتجابات المرویه؛ مهج الدعوات / ص ۳۰۲ / حجاب مولانا صاحب الزمان علیه السلام.
- ۲- ۵۱. در اصطلاح روایات، فرائض به احکام قرآنی و سنت به آنچه پیامبر اسلام و یا حضرات معصومین علیهم السلام فرموده اند، اطلاق می شود.

وَاحْجُبْنِي عَنْ أَعْيُنِ الْبَاغِضِينَ النَّاصِبِينَ الْعِدَاوَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ عداوت با خاندان رسالت را محکم کرده اند، مخفی نما تا از هیچ یک از آنها، بدی به من و لا یصل منهم إلیّ أحد بسوءٍ فإذا أذنت فی ظهوری فآیدنی نرسد. زمانی که اجازه ظهور دادی، مرا با سربازان خود یاری کن و کسانی را که مرا در بجنودک و اجعل من یتبعنی لنصره دینک مؤیدین و فی سبیلک یاری دینت کمک خواهند کرد، تقویت نما و از مجاهدین در راه خودت قرار بده. مُجَاهِدِينَ وَعَلَى مَنْ أَرَادَنِي وَأَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مَنْصُورِينَ وَوَفَّقَنِي همه ما را بر کسانی که قصد جنگ با ما را دارند، پیروز کن و مرا در برپاداشتن احکام لِقَامِهِ حُدُودِكَ وَأَنْصِرْنِي عَلَيَّ مَنْ تَعَدَى مَحْدُودَكَ وَأَنْصِرِ الْحَقَّ وَحُدُودَهُ موفق نما و مرا در غلبه بر کسی که به حدود و احکامت تعدی کند، یاری کن. و أَزْهِقِ الْبَاطِلَ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا وَأُورِدْ عَلَيَّ مِنْ شَيْعَتِي خدایا حق را یاری و باطل را از بین ببر؛ چرا که باطل از بین رفتنی است. شعیان و یاران و أَنْصَارِي وَمَنْ تَقَرَّرَ بِهِمُ الْعَيْنُ وَيُشَدُّ بِهِمُ الْأُزُرُ وَاجْعَلْهُمْ فِي وَ كَسَانِي رَا كِه دیدارشان مرا شاد و مستحکم می کند، به من برسان و آنها را در قلعه حمایت جزرک و أَمْنِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خود وارد کن. با رحمت و کرمات ای مهربان ترین مهربانان.

دعای امام علیه السلام برای فرج خودشان(۱)

إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَاحِيَكَ وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْجَبْرِ وَالْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ إِلَهِي بِحَقِّ كَسَانِي كَمَا فِي خَشْيَتِي وَدَرِيَا، بِأَنَّ تَوْفُقَاءَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَالْثَرْوَةِ وَعَلَى مَرَضَى الْمُؤْمِنِينَ مَنَاجَاتِ كَرَدْتِ وَدَعَا خَوَانَدَنْدِ، بِأَنَّ ثَرَوَتِ بَرِ فَقْرَاءِ مُؤْمِنِينَ، بِأَنَّ شَفَا وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشُّفَاءِ وَالصَّحَّةِ وَعَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِرِ بِيْمَارَانِ، بِأَنَّ لَطْفِ وَبِزَرْگُوَارِي بِرِ زَنْدِه هَا وَ مَرْدِه هَاي ايشان، بِأَنَّ اللُّطْفِ وَالْكَرَمِ وَعَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ بِأَنَّ مَغْفِرَتِ وَ رَحْمَتِ بِرِ مَرْدِه هَاي ايشان، بِأَنَّ بَرِ گِشْتِنِ هَمْرَاهِ بِأَنَّ مَرْدِه هَاي ايشان، بِأَنَّ غُرْبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ سَلَامَتِي وَ مَوْفَقِيَّتِ بِرِ غَرِيبِ هَاي ايشان، تَفَضَّلْ كُنْ بِحَقِّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

محمد و آل ایشان اجمعين.

ص: ۱۱۷

۱- ۵۲. مهج الدعوات / ص ۲۹۴؛ بحار الأنوار / ج ۹۲ / ص ۴۵۰ / باب ۱۳۰ - فی ذکر بعض الأدعیه.

حرز(۱) امام زمان علیه السلام(۲)

يَا مَالِكَ الرَّقَابِ وَيَا هَازِمَ الْأَخْزَابِ يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ يَا أَيُّهَا خدای مسلط بر انسان ها و ای در هم کوبنده حزب ها، ای گشاینده درها، مُسَيَّبُ الْأَسْبَابِ سَبَبٌ لَنَا سَبَبًا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سببی را برایمان درست کن که ما قادر بر آن نبودیم. به حقِّ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ که سلام و درودت بر او و خاندانش باد.

ص: ۱۱۸

۱- ۵۳. حرز در لغت به معنای قلعه ای است که جهت ایجاد فضای امن ساخته می شود. از این رو به ادعیه ای که جهت ایجاد مصونیت در برابر مسائلی چون، بلایا، بیماری ها، حیوانات درنده، ساحران و اجنه و امثال آنها، صادر شده است، حرز گفته می شود.

۲- ۵۴. بحار الأنوار / ج ۹۱ / ص ۳۶۵ / باب ۵۰ - بعض ادعیه القائم علیه السلام و أحراره؛ مهج الدعوات / ص ۴۵ / حرز لمولانا القائم علیه السلام.

دعا در زمان غیبت امام علیه السلام (۱)

ابوعلی بن همام این دعا را نقل کرد و گفت که شیخ رحمه الله آن را برایم خواند و من آن را نوشتم و دستور داد تا در زمان غیبت قائم علیه السلام بخوانم:

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسِيكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِيكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ خدایا، خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را نشناسانی، فرستاده ات را نخواهم شناخت. اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. خدایا، فرستاده ات را بشناسان؛ زیرا اگر او را نشناسانی، حجت بعد از او را نخواهم شناخت. اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَمْتُ عَنْ دِينِي. خدایا، حجتت را بشناسان؛ زیرا اگر او را نشناسانی، در دین خود گمراه خواهم شد. اللَّهُمَّ لَا تُمَتِّنِي مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي اللَّهُمَّ خدایا، مرا به مرگ جاهلیت مبتلا نکن. (۲) دلم را بعد از توفیق هدایت، گمراه نکن.

ص: ۱۱۹

۱- ۵۵. کمال الدین / ج ۲ / ص ۵۱۲ / الدعاء فی غیبهالقائم {عج}؛ بحار الأنوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۷ / باب ۳۱ - ما خرج من توقیعاته علیه السلام.

۲- ۵۶. روایات زیادی از رسول گرامی اسلام و سایر معصومین علیهم السلام صادر شده است که اگر کسی امام خود را نشناسد و بمیرد، با کفر دوران جاهلیت از دنیا رفته است. احمد بن ادریس عن محمد بن عبد الجبار عن صفوان عن الفضیل عن الحارث بن المغیره قال قلت لابی عبد الله علیه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من مات لا يعرف امامه مات ميتة جاهلية قال نعم قلت جاهلية جهلاء او جاهلية لا يعرف امامه قال جاهلية كفر و نفاق و ضلال الكافي ۱/ ۳۷۷ باب من مات و ليس له امام من ائمه.

فَكَمَا هَدَيْتَنِي بِوَلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ وُلَاهِ أَمْرِكَ بَعْدَ خَدَايَا، هَمَانِ طُورِ كِه مَرَا بِه وَايَةِ كَسَانِي كِه اطَاعَتَشَانِ بَرِ مَنْ وَاجِبِ بُوْد، رَسُوْلِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّىٰ وَالْيَتِّ وُلَاهِ أَمْرِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ هِدَايَةِ كَرْدِي، آنَانِ كِه بَعْدَ از رَسُوْلِ خَدَاصَلِي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْيَانِ تُو بُوْدَنْد تَا اَيْنَكِه وَايَةِ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَىٰ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا اميرالمؤمنين و حَسَنَ وَحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ وَ مُحَمَّدَ وَ جَعْفَرَ وَ مُوسَىَّ وَ عَلِيَّ وَ مُحَمَّدَ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. و عَلِيَّ وَ حَسَنَ وَ حَجَّتْ قَائِمِ مَهْدِي كِه دَرُوْد وَ سَلَامَتِ بَرِ هَمِه آنَانِ بَاد، بِذِيْرِفْتَم. اَللّٰهُمَّ فَتَبِّئْنِي عَلَيَّ دِيْنِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَكَيْنُ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ خَدَايَا، هَمَانِ طُورِ مَرَا دَرِ دِيْنَتِ ثَابِتِ قَدَمِ كَنِ وَ مَرَا بِه اطَاعَتِ خُودِ مَشْغُوْلِ كَنِ وَ دَلَمِ رَا وَعَافِي مِمَّا اِمْتَحَنْتَ بِه خَلْقَكَ وَتَبِّئْنِي عَلَيَّ طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ الَّذِي لِي وَايَةِ وَالْيَانِ اَمْرَتِ، نَرَمِ كَنِ وَ مَرَا از اَمْتَحَانَاتِ خَلْقَتِ، عَافِيَتِ بَخْشِ وَ دَرِ اطَاعَتِ سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ فَيَاذُنَكَ غَابَ عَنْ بَرِيَّتِكَ وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُ وَأَنْتَ الْعَالِمُ وَلِيَّ اَمْرِي كِه اُو رَا پُوشَانْدِه اِي، ثَابِتِ قَدَمِ كَنِ. اُو كِه بَا اِرَادِه تُو از مَخْلُوقَاتِ، غَايِبِ شَدِه غَيْرُ مُعَلَّمٍ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَيِّحٌ أَمْرٌ وَلِيِّكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ يَظْهَرُ وَ مَنْتَظَرِ اَمْرِ تُو سَتِ وَ تُو بَهْتَرِ از هَمِه مِي دَانِي كِه مَنَاسِبِ تَرِيْنِ وَقْتِ بَرَايِ ظُهُوْرِ وَلِيِّ اتِ چِه زَمَانِي اَسْتِ.

مِنَ الْجَهَالَةِ أُبْرِزُ يَا رَبِّ مَشَاهِدَهُ وَبَثَّ قَوَاعِدَهُ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ اسْتِ بَيْنِنَا. دیدنی هایش را آشکار و پایه هایش را محکم کن و ما را از کسانی که توفیق عیننا بر رؤیته و اَقَمْنَا بِحُدْمَتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ. دیدار و خدمت او را می یابند، قرار بده و ما را بر مکتب او بمیران و در محضر و همراه او محشور کن. اَللّٰهُمَّ اَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ وَذَرَأْتَ وَانْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ خدایا، او را از شر تمام مخلوقات پناه بده و او را از تمام جوانب، وَاَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ جُلُوِّ وَعَقْبِ، راست و چپ، پایین و بالا- حفظ کن. با آن حفظی که در آن چیزی تَحْتَهُ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيْعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُوْلَكَ وَوَصِيَّ رَسُوْلِكَ. از بین نمی رود. با حفظ او در واقع رسول و جانشینی رسول را حفظ کن. اَللّٰهُمَّ وَمِيْدًا فِيْ عُمْرِهِ وَزِدْ فِيْ اَجَلِهِ وَاَعِنِّهِ عَلٰى مَا اَوْلَيْتَهُ خدایا، عمرش را طولانی کن و او را در جنگ کسانی که بر آنها برتری و سروری دادی، وَاَسْتَرْعَيْتَهُ وَزِدْ فِيْ كِرَامَتِكَ لَهُ فَاِنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِي الْقَائِمُ الْمُهْتَدِي كَمَكَ كُنْ وَ لَطْفٌ وَ كَرَمِي كِه بر او داری، زیادتر کن؛ زیرا او هدایتگر هدایت شده، قیام کننده الطَّاهِرُ النَّقِيُّ النَّقِيُّ الزَّكِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ الصَّابِرُ الْمُجْتَهِدُ الشُّكُوْرُ. هدایت شده، پاک با تقوای خالص و زلال، پسندیده راضی شده و صابر تلاشگر شاکر است.

اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمِيدِ فِي غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبْرِهِ خَدَايَا! يَقِينُ مَا رَأَى بِه خَاطِرَ طَوْلَانِي شَدْنَ مَدَّتْ غَيْبَتِ وَ بَرِيدَ شَدْنَ عَنَّا
وَلَا تُسَلِّبْنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ وَالْإِيمَانَ بِهِ وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي أَخْبَارِ أَوْ أَمَّا، سَلْبَ نَكُنْ. يَادُ وَ انْتِظَارِ وَ إِيْمَانِ وَ شَدَّتْ يَقِينِ ظُهُورِهِ وَالدُّعَاءِ
لَهُ وَالصَّلَاةِ عَلَيْهِ حَتَّىٰ لَمَّا يُقَنِّطُنَا طُولُ غَيْبَتِهِ مِنْ دَرِ ظُهُورِ وَ دَعَا وَ صَلَوَاتِ بَرِ أَوْ رَأَى بِه نَبْر. تَا طَوْلَانِي شَدْنَ ظُهُورِهِ وَ قِيَامِهِ
وَ يَكُونُ يَقِينُنَا فِي ذَلِكَ كَيْفِينُنَا فِي قِيَامِ غَيْبَتِهِ مَا رَأَى بِه ظُهُورِ مَا يُوسِ نَكُنْدُ وَ يَقِينِ مَا دَرِ قِيَامِ أَوْ مَانَدُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ وَ مَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَ تَنْزِيلِكَ قُوَّةَ يَقِينِ مَا دَرِ قِيَامِ رَسُولِ خَدَا وَ نَزُولِ قُرْآنِ بَاشَد. دَلْهَائِمَانِ رَأَى بِه إِيْمَانِ قُلُوبُنَا عَلَى الْإِيمَانِ
بِهِ حَتَّىٰ تَسْلُبْنَا عَلَيْكَ بِنَا عَلَى يَدِهِ مِنْهَاجِ الْهُدَىٰ بِه أَوْ قُوَّةِ كُنْ تَا مَا رَأَى بِه دَسْتُ أَوْ دَرِ رَاشِ هَدَايَتِ وَ رَاهِ وَسَطِ وَ الْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى
وَ الطَّرِيقَةَ الْوَسْطَىٰ وَقَوْنًا عَلَى طَاعَتِهِ وَ بَتْنَا عَلَى وَ اعْتِدَالَ صِرَاطِ مُسْتَقِيمِ، بِه حَرَكَتِ بِيَاوَرِي وَ مَا رَأَى بِه اِطَاعَتِش تَقْوِيَتِ مُشَايَعَتِهِ
وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ وَاعْوَانِهِ وَانْصَارِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ وَ دَرِ هَمْرَاهِي أَشْ ثَابِتِ قَدَمِ كُنْ وَ مَا رَأَى بِه اَزْ كَرُوهِ وَ يَارَانِ وَ رَاضِيَانِ بِه

وَلَا تَسْأَلُنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا حَتَّى تَتَوَفَّانَا وَنَحْنُ كَارِهَائِهِمْ قَرَارِ بَدِهِ. این توفیق را در زمان حیات و هنگام وفات از ما نگیر. عَلَى ذَلِكَ غَيْرُ شَاكِيْنَ وَلَا نَاكِيْتِيْنَ وَلَا مُرْتَابِيْنَ وَلَا مُكَذِّبِيْنَ. تا در نتیجه ما در هنگامه مرگ، در آن تردید و تکذیب نکنیم و عهد نشکنیم. اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَاَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَاَنْصُرْ نَاصِرِيْهِ وَاخْذِلْ خَاذِلِيْهِ وَدَمِّرْ خُدَايَا، در فرجش تعجیل کن. او را با یاریت تقویت و یارانش را یاری و دشمنانش علی من نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ وَاَظْهَرَ بِهِ الْحَقَّ وَآمَتْ بِهِ الْجَوْرَ وَاَسْتَنْقِذْ رَا خَوَارِ گِردان. بر کسانی که دشمنی و تکذیب او را بکنند، غضب کن. حق را با او به عِبَادَتِكَ الْمُؤْمِنِيْنَ مِنَ الدُّلِّ وَاَنْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ وَاَقْتُلْ بِهِ الْجَبَابِرَةَ آشکار و ستم را بمیران و بندگان صالح را از ذلت و آوارگی در شهرها، نجات بده الْكُفْرَةَ وَاَقْصِمْ بِهِ رُءُوسَ الضَّلَالَةِ وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِيْنَ وَالْكَافِرِيْنَ و ستمکاران کافر را به دست او قتل عام و بزرگان سیاهی را قلع و قمع و متکبران و اَبْرَ بِهِ الْمُنَافِقِيْنَ وَالنَّاكِيْتِيْنَ وَجَمِيْعَ الْمُخَالِفِيْنَ وَالْمُلْحِدِيْنَ فِيْ مَشَارِقِ و کافران را ذلیل کن و به واسطه او در مناطق شرقی و غربی، آبی و خشکی الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَحْرِهَا وَبَرِّهَا وَسِيَاهِلِهَا وَجِبِلِّهَا حَتَّى لَا تَدْعَ مِنْهُمْ و صحرايي و کوهستاني، منافقين و پيمان شکنان و مخالفين و ملحدين را نابود کن تا

دَيَّارًا وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا وَتُطَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَأَشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ جَائِي كَمَا هِيَ مَكَانٌ وَثَرَى مِنْهَا بَقِيَّةٌ نَمَانِد. شَهْرَهَائِت رَا از لُوس وَجُودِشَان پَاك عِبَادِكَ وَجَدُّدٌ بِهِ مَا اُمْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَدَلِّ هَاي بِنْدِگَانَت رَا شَفَا بَدَه. بِه وَسِيْلَه اَوْ بَخْشِ هَائِي اَز دِيْن كِه مَحُو شَدَه اَنْد، تَجْدِيْد وَغَيْرٌ مِنْ سُنَّتِكَ حَتَّى يَعُوْدَ دِيْنُكَ بِه وَعَلَى يَدِهِ غَضًّا جَدِيْدًا صَيِّحِيحًا وَ اَحْكَامٌ وَ سُنَنِي رَا كِه تَغْيِيْر كَرْدَه اَنْد، اَصْلَاح كُن. تَا اِيْنَكِه دِيْن بِه اَوْ بَرِگَرْدَد وَ دَر يِيْك لَّا عَوَجَ فِيْهِ وَلَا بِمُدَعَاةٍ مَعَهُ حَتَّى تُطْفِئَ بِعَوْدِهِ نِيْرَانَ الْكٰفِرِيْنَ فَإِنَّهُ چِشْم بِه هَم زَدَن، دَر دِسْت اَوْ قَرَار گِيْرَد وَ تَازَه وَ سَالْم وَ بَدُوْن اِنْحِرَافٍ بَاشَد. دَر نَتِيْجَه عِبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصَتْهُ لِنَفْسِكَ وَارْتَضَيْتَهُ لِنَصِيْرِهِ دِيْنِكَ وَاصْطَفَيْتَهُ آتَش كِفَارٍ رَا بَا عَدْلٍ اَوْ خَامُوش كُنِي؛ زِيْرَا اَوْ هَمَان بِنْدَه اِي اسْتِ كِه اَوْ رَا بَرَايِ خُودَتِ بَعْلَمَتِكَ وَعَصِيْمَتُهُ مِنْ الدُّنُوْبِ وَبِرَّاتُهُ مِنَ الْعِيُوْبِ وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى خَالِصِ كَرْدَه اِي وَ بَرَايِ يَارِي دِيْنٍ وَ عِلْمَتِ اِنْتِخَابِ كَرْدَه اِي وَ اَز تَمَامِ گِنَاهَانِ وَ عِيْبِ هَا مَعْصُومِ الْعِيُوْبِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَنَقَيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ. وَ بَرِغِيْبِ آگَه نَمُودِي وَ بَر اَوْ نَعْمَتِ دَادِي وَ اَز پَلِيْدِي هَا وَ اَلُوْدِگِي هَا پَاكٍ وَ پِيْرَاَسْتَه كَرْدِي. اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آيَاتِهِ الْمَائِمَةِ الطَّاهِرِيْنَ وَعَلَى شِيْعَتِهِمُ الْمُتَتَجِبِيْنَ خَدَايَا، بَر اَوْ وَ پَدْرَانِشِ اِئْمَه مَعْصُومِيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ شِيْعِيَانِ بَزْرِگُوَارِشَانِ سَلَامٌ وَ دَرُودٌ

وَبَلَّغُهُمْ مِنْ آمِيَالِهِمْ أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُونَ وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكِّ فَرَسْتِ وَآنَهَا رَا بَهْ بَهْتَرِينَ آرُوزْهَائِشَانِ بَرَسَانِ وَ اَيْنِ ارَادَتِ رَا اَزْ هَرِ نَوْعِ شَكِّ وَشُبُهَهٗ وَرِيَاءِ وَسَمْعِهِ حَتَّى لَا نُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ وَلَا نَطْلُبُ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ. وَ شَبُهَهٗ وَ رِيَا خَالِصِ كُنْ تَا جَائِبِي كَهْ تَنَهَا مَقْصُودِمَانِ اَزْ آن جَلْبِ رِضَايَتِ تُو بَاشَد. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِينَا وَغَيْبَهُ وَلَيْتَنَا وَشَدَّةَ الزَّمَانِ خُدَايَا، مَا دَرِ بِيَشْكَاهِ تُو اَزْ نَبُودَنِ پِيَا مِرْمَانِ اَزْ يَكِ سُو وَغَيْبِ وَلِيِّ خُودِمَانِ اَزْ سُوِي دِيْكَرِ وَ سَخْتِ گِيْرِي عَلَيْنَا وَوُقُوعِ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهَرِ الْأَعْيَادِ وَكَثْرَةِ عَيْدُونَا زَمَانَهٗ بَا مَا وَبُرُوزِ وَظُهُورِ فِتْنَهٗ هَايِ گُونَا گُونِ وَ تَسْلُطِ وَ فِرَاوَانِي دَشْمَنَانِ وَ كَمِي تَعْدَادِ خُودِ، وَقَلَّةِ عَيْدِنَا اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ بِفَتْحِ مِنْكَ تُعَجِّلْهُ وَبِصَبْرِ شَكَايَتِ مِي كُنِيْم. خُدَايَا، هَمِهٖ اَيْنِ گِرْفَتَارِي هَا رَا بَا پِيْرُوزِي سَرِيْعِي اَزْ جَانِبِ خُودِ وَ صَبْرِي اَزْ تُو كَهْ مِنْكَ تُبَسِّرْهُ وَ اِيْمَامِ عَيْدَلِ تَظْهِرْهُ اِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ. آن رَا بَرَايْمَانِ آسَانِ كُنِي وَ اِمَامِ عَادِلِي كَهْ آشْكَارِ كُنِي، بَرَطْرَفِ كُنْ. مَعْبُودِ حَقِّ، پَرُورْدِ گَارِ جِهَانِيَانِ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَيْدِكَ فِي عِيَادِكَ وَقَتْلِ خُدَايَا، اَزْ تُو مِي خُوَهِيمِ تَا اِجَازَهٗ دِهِي جَانِشِيْنَتِ، عَدَلِ خُودِ رَا بَرَايِ بِنْدِ گَانِ وَ قَتْلِ عَمُومِي اَشْ رَا بَرَايِ اَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى لَا تَدْعَ لِلْجُورِ دِعَامَهٗ إِلَّا قَصِيْمَتَهَا وَلَا بِيْتَهٗ دَشْمَنَانِ آشْكَارِ كُنْدِ، تَا بَرَايِ سَتْمِ پَايْگَاهِي نَمَانْدِ، مَگَرِ آنْكَهٗ دَرِ هَمِ بَكُوبِي وَ سَاخْتْمَانِي نَمَانْدِ، مَگَرِ اَيْنْكَهٗ

إِلَّا أَفْنَيْتَهَا وَلَا قُوَّةَ إِلَّا أَوْهَنْتَهَا وَلَا رُكْنَآ إِلَّا هَيْدَدْتَهُ وَلَا حَيْدًا إِلَّا خَرَابَ كُنَى وَ نِيْرُوبَى نَمَانْد، اَلَا اَيْنَكِه سَسْت كَرْدِه باشى و سْتُونَى نَمَانْد اَلَا اَيْنَكِه قَطْع كَرْدِه باشى فَلَلْتَهُ وَلَا سَمَاحًا إِلَّا كَلَلْتَهُ وَلَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا وَلَا شُجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ وَ بُرْشَى نَمَانْد اَلَا اَيْنَكِه كُنْد كَرْدِه باشى و سَلَاحَى نَمَانْد، مَكْر اَيْنَكِه از كَار اِنْدَاخْتِه باشى و پَرچِمَى وَ لَا حَيًّا إِلَّا خَذَلْتَهُ اِرْمِهْمَ يَا رَبِّ بِحَجْرِكَ الدَّامِغِ وَ اضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ نَمَانْد اَلَا اَيْنَكِه اِنْدَاخْتِه باشى و شُجَاعَى باقى نَمَانْد، مَكْر اَيْنَكِه كَشْتِه باشى و زَنْدِه اَى نَمَانْد، اَلَا اَيْنَكِه خَوَارِ الْقَاطِعِ وَ بِيَأْسِكَ الَّذى لَا يُرَدُّ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ وَ عَزَّ ذُبُّ اَعْدَاءِكَ وَ ذَلِيلَ كَرْدِه باشى. پَرُورْدِگَارِ با سَنَگِ شَكَنْدِه و شَمَشِيرِ بَرَنْدِه و سَخْتِگِيرِيتِ كِه مَجْرَمِينَ را جَا نَمَى اِنْدَازْد، وَ اَعْدَاءَ دِينِكَ وَ اَعْدَاءَ رَسُولِكَ بِيَدِ و لِيَّكَ وَ اَيْدَى عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ. اَنِّها را بَزَن و دَشْمَنانِ خُودِ و دِينَتِ و دَشْمَنانِ رَسولَتِ را بِه دَسْتِ و لِيَّ اَتِ و بِه دَسْتِ مُؤْمِنِينَ عَذابِ كُن. اَللَّهُمَّ اَكْفِ و لِيَّكَ وَ حُجَّتِكَ فِى اَرْضِكَ هُوَلِ عَيْدُوهُ وَ كَادُ مَنْ كَادَهُ خُدَايَا، و لى خُودَتِ را از خَطْرَاتِ دَشْمَنانِش حَفْظِ كُن و با مَكْرِ كَنْدِه اش، مَكْرِ كُن و اَمَكْرِ بِمَنْ مَكَّرَ بِهِ وَ اجْعَلْ دَائِرَةَ السُّوءِ عَلَى مَنْ اَرَادَ بِهِ سُوءًا وَ كَسَى كِه قَصْدِ تَوَطُّئِه دَارْد، مَبْتَلًا- بِه بَدَى نَمَا. اَنِّها را رِيشِه كُنْ كُنْ و دَلْهايشانِ و اَقْطَعِ عَنْهُ مِآدَّتَهُمْ وَ اَرْعَبْ بِهِ قُلُوبَهُمْ وَ زَلْزَلْ لَهُ اَقْلامَهُمْ را مالا مالِ از تَرَسِ كُنْ و با اَيْنِ تَرَسِ قَدْمِهايشانِ را بِه لَرَزِشِ بِيانْداز. اَنِّها را

وَأَخْرَجَهُمْ فِي عِبَادِكِ أَشْكَارًا وَنَاكِهِانِي بَكِيرٍ. در عذاب خود بر آنها سخت بگیر و در میان بندگان ذلیل وَالْعَنُومُ فِي بِلَادِكِ وَأَسْيَفِي كِنْتَهُمْ أَسْفَلَ نَارِكِ وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ وَاز شهرها دور کن و در پایین ترین درکات دوزخ ساکن و با بدترین عذابت آنها را عَذَابِكِ وَأَصِيلِهِمْ نَارًا وَاحْشُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا وَأَصِيلِهِمْ حَرَّ احاطه کن و در دوزخ بینداز و قبرهای مرده هایشان را پر از آتش کرده و حرارتش را نَارِكِ فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ وَأَذُلُّوا عِبَادِكِ. به آنها بچشان؛ زیرا آنها نماز را ضایع و شهوات را تبعیت و بندگان را ذلیل کردند. اللَّهُمَّ وَأَحْيِ بَوْلِيكَ الْقُرْآنَ وَأَرِنَا نُورَهُ سَرْمِيدًا لَمَا ظَلَمَهُ فِيهِ وَأَحْيِ خَدَايَا، قرآن را به دست ولی ات زنده کن و نور آن را همیشگی نما، که در آن تاریکی نباشد، بِه الْقُلُوبِ الْمَيِّتَةِ وَأَشْفِ بِه الصُّدُورَ الْوَعْرَةَ وَاجْمَعْ بِه الْأَهْوَاءَ بِه ما نشان بده و دل های مرده را با آن زنده و سینه های داغ دیده را شفا بخش. الْمُخْتَلَفَةَ عَلَى الْحَقِّ وَأَقِمْ بِه الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ حَتَّى بِه دست او افکار پراکنده را بر راه حق جمع کن و حدود و احکام معطل مانده را اجرا کن. لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ وَلَا عَيْدٌ إِلَّا زَهَرَ وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ تَا اینکه هیچ حقی مخفی نماند و تمام عدل ها شکفته گردد. پروردگارا، ما را از یاران

وَمِمَّنْ يُقْوَى سُلْطَانُهُ وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ وَالْمُسَلِّمِينَ وَتَقْوِيَةً كُنُودًا سُلْطَانَتْهُمْ وَأَطَاعَتِ كُنُودًا أَمْرًا
 راضيان به اعمال و قبول کنندگان احکامش لِأَحْكَامِهِ وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقْيَةِ مِنْ خَلْقِكَ أَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي وَاز كسانی که
 مجبور به تقیه نیستند، قرار بده. پروردگارا تو کسی هستی که بدی ها را بر می داری تَكْشِفُ السُّوءَ وَتُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاكَ
 وَتُنَجِّي مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ و افراد مضطر را جواب می دهی و از گرفتاری های بزرگ نجات می دهی. بنابراین همان طور که
 فَاكْشِفِ الضَّرَّ عَنِّي وَابْعَثْ خَلِيفَتَكَ فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ. ضمانت کرده بودی، گرفتاری را از ولی خودت بردار و
 او را جانشین خودت در روی زمین قرار بده. اَللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ أَعْدَاءِ خَدَايَا، ما را از دشمنان
 خاندان محمد قرار نده. آلِ مُحَمَّدٍ وَلَمَّا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَنْقِ وَالْغِيْظِ عَلٰى آلِ مُحَمَّدٍ مرا از کسانی که از خاندان محمد
 خشمگین فَاِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ ذٰلِكَ فَاَعِزِّيْ وَاَسِدِّ تَجِيْرُ بِكَ فَاَجْزِيْ. هستند نکن و مرا از این بدبختی پناه بده. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِيْ بِهِمْ فَاِثْرًا عِنْدَكَ خَدَايَا، بر محمد و خاندانش درود و سلام فرست و مرا در دنیا و آخرت به برکت
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ.

آنها از نجات یافتگان و مقربان قرار بده.

دعای امام زمان علیه السلام برای فرج خودشان(۱)

حمیری نقل می کند که از محمد بن عثمان عمری پرسیدم که آیا آن حضرت را دیده ای؟ گفت: بله آخرین بار ایشان را در کنار خانه خدا دیدم که می گفت:

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي

خدایا! وعده ای را که داده ای، عملی کن.

محمد بن عثمان در جای دیگری نقل می کند که ایشان را دیدم که در بخش مستجار پرده کعبه را گرفته و می گوید:

اللَّهُمَّ اُنْتَقِمْ لِي مِنْ أَعْدَائِكَ

خدایا! به دست من از دشمنان انتقام بگیر.

ص: ۱۳۰

نماز توجّه به حضرت حجّت در زمان غیبت (۱)

احمد بن ابراهیم نقل می کند که:

خدمت محمّد بن عثمان رحمه الله گلایه کردم و گفتم از شوق دیدار حضرت لبریز شده ام.

با شوق خاصی گفتم: خیلی دوست داری او را ببینی؟

گفتم: بله

گفت: خداوند به خاطر این همه شوق، جزای خیر بدهد و توفیق دیدار ایشان را در آسودگی و عافیت عنایت کند. اما تو نباید در این شرایط خفقان به دنبال دیدار ایشان باشی؛ زیرا در ایام غیبت اگر چه شوق دیدار لبریز است، اما نباید تلاش کنی که با ایشان باشی؛ زیرا این از گناهان کبیره است. (۲) به همین جهت تسلیم امر خدا بودن بهتر است.

با این حال هر وقت که خواستی با ایشان درد و دلی کنی، با این زیارت انجام بده.

ص: ۱۳۱

۱- ۵۸. بحار الأنوار / ج ۵۳ / ص ۱۷۴ / باب ۳۱ - ما خرج من توقیعاته علیه السلام؛ مستدرک الوسائل / ج ۱۰ / ص ۳۶۵ / باب استحباب زیاره الهادی.

۲- ۵۹. زیرا در دوره غیبت صغری آن حضرت تحت تعقیب دشمنان بود. به همین خاطر کسانی که به دنبال حضرت بودند، زمینه را برای شناسایی مکان زندگی آن حضرت که غالباً در حوالی سامرا بوده است، فراهم می کردند. این مطلب در نامه حضرت بقیه الله به خجندی که تلاش فراوانی برای دیدار با ایشان انجام داد، آمده است. در آن دوره، خفقان به اندازه ای بود که حتی اسم بردن از حضرت تحریم شده بود. البته در شرایط کنونی هیچ کدام از اینها حرام نیست. نه نام بردن از ایشان و نه تلاش برای دیدار ایشان.

این زیارت بعد از دوازده رکعت نماز یا شش نماز دو رکعتی می باشد. که در هر رکعت یک حمد و یک توحید خوانده می شود. بعد از اتمام نمازها، صلوات می فرستی و می گویی:

سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ

سلام بر خاندان یاسین

ذَلِکَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِیْنُ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیْمِ اِمَامُهُ نَبُوْتُ و امامت همان عنایت روشن است و خدا صاحب احسان عظیم است برای کسی که مَنْ یَهْدِیْهِ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِیْمَ قَدْ آتَاکُمُ اللّٰهُ خِلَافَتَهُ یَا آلَ یَاسِیْنَ او را به راه راست هدایت کند. اما توجّه: ای آل یاسین، خداوند خلافتش را به شما داده ذَلِکَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِیْنُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیْمِ مَنْ یَهْدِیْهِ صِرَاطَهُ و کیفیت جریان اراده خودش را در مورد قضا و قدر و اراده ای که در ملکوت آسمان ها الْمُسْتَقِیْمَ التَّوَجُّهَ قَدْ آتَاکُمُ اللّٰهُ یَا آلَ یَاسِیْنَ خِلَافَتَهُ وَعَلَّمَ مَجَارِیَ دَارِهِ، به شما نشان داده است. پرده از شما برداشته شده و شما خزانه داران و شاهدان امره فِیْمَا قَضَاهُ وَدَبَّرَهُ وَرَبَّهٗ وَاَرَادَهُ فِی مَلْکُوْتِهِ فَکَشَفَ لَکُمْ و عالمان و امینان و رهبران و پایه های مناطق و قاضیان احکام و درهای ایمان، الْغِطَاءِ وَاَنْتُمْ خَزَنَتُهُ و شَهِدَاؤُهُ وَعَلَمَآؤُهُ وَاْمَنَآؤُهُ سِیَاسَةُ الْعِبَادِ هستید. از جمله تقدیرات الهی در عنایت به شما، این بود که به صورت حتمی

ص: ۱۳۲

وَأَرْكَانَ الْإِلْمَادِ وَقُضَاءِ الْأَحْكَامِ وَأَبْوَابِ الْإِيمَانِ وَمِنْ تَقْدِيرِهِ مَنَاسِحُ وَقَطْعِي حَكْمٍ كَرَدٍ فِي نَتِيجَةِ هَيْجِ شَيْءٍ مِنْ خَلْقِهِ مِنْ خَلْقِهِ. مَكْرٌ
أَيْنَكِهْ شَمَا وَاسْطَهْ الْعَطَاءِ بِكُمْ إِنْفَاذُهُ مَحْتُمًا مَقْرُونًا فَمَا شَيْءٌ مِنْهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ وَرَاهِ وَصُولٌ بِهِ أَنْ هَسْتِيدُ. خَدَاوْنِدُ بَرَاهِ دُوسْتَانَتَانِ
نَعْمَتٍ وَبَرَاهِ دَشْمَنَانَتَانِ غَضَبِ رَا السَّبَبِ وَإِلَيْهِ السَّبِيلُ خِيَارُهُ لَوْلِيكُمْ نِعْمَةٌ وَأَنْتِقَامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ بَرَكَزِيدَهْ أَسْت. بِنَابَرَاهِ نَجَاتٍ وَ
بِنَاهِي غَيْرِ مِنْ شَمَا وَجُودِ نَدَارْدٍ وَجَاهِ فَرَارِي سَيَخْطُهُ فَلَا نَجَاةَ وَلَا مَفْرَعٍ إِلَّا أَنْتُمْ وَلَا مَيَذَهَبَ عَنْكُمْ يَا أَعْيُنَ اللَّهِ مِنْ أَنْ نَيْسْت. أَيْ
چَشْمَانِ نَاطِرِ خَدَا وَحَامِلِ مَعْرِفَتٍ وَمَحَلِّ اسْتِقْرَارِ تَوْحِيدِ فِي زَمِينِ النَّاطِرَةِ وَحَمَلَهْ مَعْرِفَتِهِ وَمَسَاكِنَ تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ
وَأَنْتَ وَآسْمَانِ وَتَوَاهِي حَجَّتِ وَبَاقِي مَانِدَهْ أَوْلِيَاهِ الْهِي، كَمَالِ نَعْمَتِ أَوْ وَارِثِ أَنْبِيَا يَا حُجَّهْ اللَّهُ وَبَقِيَّتُهُ كَمَالُ نِعْمَتِهِ وَوَارِثُ
أَنْبِيَائِهِ وَخُلَفَائِهِ مَا بَلَّغْنَاهُ وَجَانَشِينَانِ أَوْ تَا بَهْ أَمْرُوزِ هَسْتِي. أَيْ أَنْ كِهْ طَبَقِ وَعَدَهْ خَدَا، صَاحِبِ رَجْعَتِي مِنْ دَهْرِنَا وَصَاحِبِ الرَّجْعَةِ
لَوْعِيدِ رَبَّنَا الَّتِي فِيهَا دَوْلَةُ الْحَقِّ وَفَرَحُنَا. كِهْ دَوْلَتِ حَقِّ وَشَادِي وَنَصْرَتِ خَدَا وَعَزَّتِ أَوْ دَرِ أَنْ رُوزِ، بَرِ مَا تَجَلَّى خَوَاهِدِ يَافْتِ.
أَيْنِ دَعَا هَمَانِ زِيَارَتِ آلِ يَاسِينِ بَا نَقْلِ دِيْغَرِ أَنْ أَسْتِ كِهْ بَعْدَ مِنْ أَنْ نِيْزِ دَعَايِ پِشْتِ سَرِ أَنْ خَوَانِدَهْ مِي شُودِ.

دعای امام علیه السلام برای ترس از دشمنان، مشهور به دعای فرج (۱).

شیخ جلیل القدر امین الاسلام فضل بن حسن طبری (۲) صاحب تفسیر، در کتاب کنوز النجاح آورده است که ابوالحسن محمد بن ابی اللیث رحمه الله در شهر بغداد، از ترس دشمنان به مقابر قریش (۳) پناه برده بود. آن حضرت در آنجا دعایی را به او یاد داد تا از دشمنان نجات یابد. او نیز خواند و نجات یافت.

اما متن دعا عبارت است از:

ص: ۱۳۴

۱- ۶۰. بحار الأنوار / ج ۵۳ / ص ۲۷۵ / الحکایه الأربعون.

۲- ۶۱. ولادت ابو علی، فضل بن حسن بن فضل طبرسی، معروف به امین الاسلام طبرسی در حدود سال های ۴۶۰ تا ۴۷۰ هجری در مشهد مقدس به دنیا آمد. نسب طبرسی را بسیاری از بزرگان، منسوب به طبرستان دانسته اند که در این صورت طبرسی خوانده می شود. مؤلفان بزرگی چون بیهقی وقتی سخن از تألیفات طبرسی به میان آورده اند تألیفات او را «کثیر» دانسته اند، که طبرسی دارای تألیفات زیادی است. اما آنچه به دست ما رسیده به ۲۰ عنوان نمی رسد و قطعاً تألیفات او بیشتر از این مقدار بوده است. وفات: مفسر بزرگ قرآن و عالم ربانی، امین الاسلام طبرسی پس از حدود ۹۰ سال زندگی سراسر تلاش و مجاهده در سال ۵۴۸ هجری در بیهق از دنیا رفت. بنابر نقل بزرگانی چون علامه سید محسن امین، طبرسی به مرگ طبیعی از دنیا نرفت؛ بلکه به دست دشمنان به شهادت رسید. اما از جزئیات شهادت او اطلاعی در دست نیست. بدن مطهر او را از بیهق به مشهد مقدس انتقال داده و در جوار مرقد امام هشتم شیعیان علیه السلام به خاک سپردند. به نقل از نرم افزار جامع الاحادیث نور ۲

۳- ۶۲. مقصود از مقابر قریش، کاظمین و حرم مطهر امام موسی کاظم علیه السلام و امام محمد تقی علیه السلام است.

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ وَبَرِحَ الْخَفَاءُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَأَنْكَشَفَ خُدَايَا، بلا شدت یافته و مخفیگاه ها از دست رفته و امیدها به یأس مبدل و پوشش از الغطاء و ضاقت الارض و منعت السماء و إليك یا میان برداشته و زمین با همه وسعتش برایم تنگ و آسمان از باریدن منع گردیده است. رَبِّ الْمُشْتَكِي وَعَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشُّدَّةِ وَالرَّخَاءِ پروردگارا، به تو شکایت می کنم و در گرفتاری ها و راحتی ها به تو تکیه می نمایم. اللَّهُمَّ فَصَلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ خُدَايَا بِرِ مُحَمَّدٍ وَخَانِدَانِهِ، آنان که ولی امر ما هستند و اطاعتشان را بر ما واجب کردی عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا و با این کار جایگاهشان را برایمان بیان نمودی. به حق ایشان، برایمان گشایشی ایجاد کن، عَاجِلًا كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ أَكْفِيَانِي گشایش سریعی مانند چشم بر هم زدن یا حتی سریعتر از آن. ای محمد ای علی شما مرا فَايِنُكُمْ كَافِيَانِي وَأَنْصُرَانِي فَايِنُكُمْ نَاصِرَانِي يَا مَوْلَايَ كَفَايَتِ كُنَيْدُ؛ زیرا شما کافی هستید و مرا یاری کنید؛ زیرا شما یاران من هستید. ای مولایم، يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي ای صاحب عصر به دادم برس، به دادم برس، به دادم برس، مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب. راوی نقل می کند وقتی که ایشان این دعا را به من یاد می داد، زمانی که به کلمه یا صاحب الزمان رسید، به سینه خودش اشاره کرد.

خبر دادن حضرت علی علیه السلام از دعای حضرت حجت در هنگام عبور از وادی السلام (۱)

حضرت علی علیه السلام فرمود: گویا قائم آل محمد صلی الله علیه وآله را می بینم که از وادی السلام به سوی سهله حرکت می کند و بر اسبی پیشانی سفید سوار است و این دعا را می خواند:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَمَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا نَيْسْت خِدَائِي غَيْرَ از اللَّهِ، قَطْعًا قَطْعًا نَيْسْت خِدَائِي غَيْرَ از اللَّهِ، مَنْ إِيْمَانٍ مِي
أُورِمُ وَتَصْدِيقٍ مِي كُنْم. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا وَرِقًّا.

نیست خدایی غیر از الله، من بندگی و اطاعت او را می کنم.

اللَّهُمَّ مُعِزُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَحَيِّدٌ وَمُيَدِّلُ كُلِّ جَبَّارٍ عَنَيْدٍ أَنْتَ اِي خِدَائِي كِه عَزَّتْ بَخْشِ هِر مَوْمِنٍ تَنْهََا مَانْدِه هِسْتِي وَ ذَلِيلِ كَنْنْدِه هِر
مِتَكْبِرِ سِرْسَخْتِ هِسْتِي. زَمَانِي كَنْفِي حِينِ تُعِينِي الْمَذَاهِبُ وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحِبْتُ كِه تَمَامِ رَاهِ هَا بَرِ رُوِيْمِ بَسْتِه مِي شُود
وَ زَمِينِ بَا تَمَامِ وَسَعْتَشِ بَرِ مِنْ تَنَكِّ مِي گَرْدَدِ، تُو هَمْرَاهِ مِنْ هِسْتِي. اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَكُنْتُ غَيْرِيًّا عَنْ خَلْقِي وَلَوْلَا نَصِيرُكَ إِيَّايَ
لَكُنْتُ خِدَائِي، مَرَا آفَرِيدِي دَرِ حَالِي كِه از آن بی نیاز بودی. اگر یاری تو نبود، شکست می خوردم.

ص: ۱۳۶

۱- ۶۳. بحار الأنوار / ص ۳۶۵ / ج ۹۱ / باب ۵۰ - بعض أذعية القائم عليه السلام و أحراره، العدد القويه / ص ۷۴ / نبذه من
أحوال الإمام الحجج عليه السلام.

صلوات مخصوصه ای که از امام زمان علیه السلام صادر شده است (۱).

یعقوب بن یوسف ضرباب غسانی در بازگشت از اصفهان نقل می کرد که در سال دویست و هشتاد و یک با عده ای از اهل سنت از مردمان شهرمان، به زیارت خانه خدا خارج شدیم. وقتی که به مکه رسیدیم. عده ای از آنها رفتند و خانه ای را که بر سر راه و در میان بازار مشهور به سوق اللیل بود، کرایه کردند. آنجا مشهور به خانه حضرت خدیجه بود. به آن دارالرضا هم می گفتند. پیرزنی گندمگون در آنجا زندگی می کرد. درباره خانه سؤال کردم که چرا به آنجا خانه امام رضا می گویند و چه مدتی است که در آنجا ساکن است؟

جواب داد: «من از دوستداران ایشان هستم و این خانه متعلق به امام رضاعلیه السلام بود. امام حسن عسکری علیه السلام مرا در این خانه جای داد؛ زیرا من از خدمتکاران آن حضرت بودم.»

وقتی که اینها را شنیدم، با او مانوس شدم و سر آن را از دوستان سنی خود، پنهان کردم. شب ها که از طواف برمی گشتم، با آنها در ایوان خانه می خوابیدیم. ما شب ها در را می بستیم و سنگ بزرگی را پشت آن می گذاشتیم.

تا اینکه شبی از شب ها متوجه روشنایی چراغی شدم که درون رواق ما روشن شده است. روشنایی شبیه مشعل بود. متوجه شدم

ص: ۱۳۸

که در، باز است. اما کسی از اهل خانه را ندیدم که در را باز کند. مردی گندمگون و لاغر را دیدم که بر پیشانی خود آثار سجده داشت. دو پیراهن به تن داشت که از روی آنها هم عبای نازکی را بر سرش انداخته بود. در پایش کفشی داشت. از پله ها بالا رفت و وارد اتاقی که پیرزن در آنجا بود، شد. او قبلاً به ما گفته بود که دخترش در آنجا زندگی می کند و اجازه نمی دهد که کسی به آنجا برود.

روشنایی در هنگام بالا رفتن او، در پله ها بود. اما وقتی که وارد اتاق شد، روشنایی را در اتاق دیدم. اما خبری از مشعل و امثال آن نبود. دوستان سنی من، شاهد ماجرا بودند. آنها گمان می کردند که این مرد دختر آن زن را صیغه کرده است؛ زیرا شیعیان متعه را جایز می دانند. در حالی که اهل سنت آن را حرام می دانند. ما شاهد آمدن و رفتن او بودیم. وقتی که بیرون می رفت، ما دنبالش کردیم. دیدیم که در بسته است و سنگ در پشت آن قرار دارد! همان طور که ما گذاشته بودیم و بسته بودیم؛ زیرا از دارایی های خودمان می ترسیدیم. احدی را ندیدیم که در را برای او باز کند و یا ببندد. مادامی که ما در آنجا بودیم، آن مرد جوان رفت و آمد می کرد و سنگ هم سر جای خودش بود. وقتی که همه اینها را دیدم، کنجکاوی عجیبی در جانم ریشه دواند. از این رو سعی کردم که ارتباطم را با پیرزن صمیمی تر کنم؛ زیرا خیلی دوست داشتم که از سر آن مرد باخبر شوم.

باشند. هر وقت که مرا تنها دیدی، پایین بیا تا سؤالاتم را بیرسم. با عجله گفت: اتفاقاً من هم می خواستم مطالبی را به تو بگویم. اما وقت مناسبی را پیدا نمی کردم؛ زیرا همیشه آنها با تو هستند. گفتم: چه می خواستی بگویی؟

گفت: می گوید - البته او اسم کسی را نیاورد - با نزدیکان جنگ و جدل نکن؛ زیرا آنها دشمنان تو هستند، باید با آنها مدارا کنی. گفتم: چه کسی این حرف ها را گفته است؟ گفت: من می گویم! خیلی دوست داشتم که دوباره سؤال را تکرار کنم. اما هیبت آن زن اجازه نداد. عرض کردم: کدام اصحاب و نزدیکان مورد نظرت هست؟ گفت: همان ها که در شهرت هستند و الآن در خانه با تو می باشند.

گفتم: بله میان من و آنها در شهرمان بر سر دین و عقاید مذهبی درگیری پیش آمد. آنها پشت سر من توطئه کردند. تا جایی که من مدت ها مجبور به اختفا شدم. در ادامه از او سؤال کردم چه نسبتی با امام رضاعلیه السلام داری؟ گفت: من خادمه امام عسکری علیه السلام بودم. وقتی که از او مطمئن شدم، تصمیم گرفتم که درباره امام زمان علیه السلام سؤال کنم. قسم دادم که آیا او را با چشم خودت دیده ای؟ گفت: ای برادر من او را ندیده ام. وقتی که من از خانه امام علیه السلام خارج شدم، خواهرم (۱) به او حامله بود. البته امام عسکری علیه السلام به من بشارت داد که در آخر

ص: ۱۴۰

۱-۶۵. تعبیر به خواهر از جهت محبت و نزدیکی است نه نسبت خونی و فامیلی.

عمرم او را خواهم دید و نسبت تو به او مانند من خواهد بود. تا اینکه من در فلان تاریخ در مصر بودم. امام زمان علیه السلام نامه ای را به همراه مخارج سفر توسط مردی خراسانی که عربی را خوب نمی دانست، برایم فرستاد. مبلغی که فرستاده بود، سی دینار بود. از من خواسته بود تا به حج مشرف شوم. دینارها را گرفتم و با امید دیدار ایشان عازم سفر حج شدم.

بعد از شنیدن این ماجرا، به دلم افتاد همان مردی که هر شب می آید و می رود، امام زمان علیه السلام است. نذر کرده بودم که ده درهم در مقام ابراهیم علیه السلام بیندازم. ده دینار که شش تایی آنها سکه امام رضاعلیه السلام بود، به آن زن دادم و گفتم که اینها را به اولاد فاطمه علیها السلام بده. با خودم گفتم: اگر آنها را به فرزندان فاطمه بدهم، ثوابش بیشتر است. از طرفی امیدوار بودم که آنها را به حضرت بقیه الله خواهد داد.

پیرزن درهم ها را از من گرفت و به اتاق خودش رفت و بعد از لحظاتی برگشت و گفت: می گوید ما در این پول ها سهمی نداریم. آنها را به همان جایی که نذر کردی بینداز. اما سکه های رضوی را به ما بده و به جای آنها پول معمولی بگیر. من نیز همان طور کردم. پیش من یکی از نامه های امام زمان علیه السلام بود که حضرت به قاسم بن علاء از وکلای خود در آذربایجان نوشته بود. آن را به پیرزن نشان دادم و گفتم: این را به کسی نشان بده که توقیعات را دیده باشد. گفت: آن

را بده به من. من تویعات ایشان را می شناسم. گمان کردم که او می تواند تویع را بخواند. اما گفت: اینجا ممکن نیست که آن را بخوانم. باید بالا ببرم. بالا رفت و بعد از لحظاتی برگشت و گفت: می گوید این تویع صحت دارد و در آن نوشته است که شما را به چیزی بشارت می دهم که کسی را به آن بشارت نداده ام...

بعد گفت: می گوید تو چگونه صلوات می فرستی؟ گفتم: خدایا بر محمد و خاندان محمد صلوات بفرست و بر محمد و خاندانش برکت را نازل کن. مانند بهترین صلوات و برکات و ترحماتی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم نازل فرمودی. تو ستوده و جواد هستی.

گفت: نه وقتی که صلوات فرستادی نام تک تک ائمه را ببر و بر همه آنها صلوات بفرست. گفتم: چشم.

فردای آن روز وقتی که از اتاقش پایین می آمد، دفتری کوچک به همراه داشت. به من گفت: هر وقت که خواستی به پیامبر و جانشینانش صلوات بفرستی مانند آنچه که در این دفتر نوشته شده است، بفرست. دفتر را گرفتم و از آن به بعد طبق آن صلوات فرستادم.

چند شب پی در پی آن مرد از اتاق پایین می آمد و نور چراغ به همراه او بود. من در را باز می کردم و دنبال چراغ می رفتم. اما کسی را نمی دیدم. تا اینکه آن شخص با چراغ وارد مسجد الحرام می شد. همین طور مردان زیادی را می دیدم که از شهرهای مختلفی

می آمدند و نامه هایی را به پیر زن می دادند و او نیز نامه هایی را به آنها می داد و با همدیگر سخن می گفتند. البته من متوجه حرفهایشان نمی شدم. عده ای از آنها را در بازگشت از حج و در مسیر بغداد، دیدم.

متن صلوات خاصه

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَحُجَّهِ رَبِّ خَدَايَا، بِرِ مُحَمَّدٍ سِرورِ رَسولِاينِ و پايانِ بَخشِ انبياءِ و حَجَّتِ پروردگارِ عالَميانِ درودِ الْعَالَمِينَ الْمُتَّجِبِ فِي الْمِيثَاقِ الْمُضِيَّ طَفِي فِي الظُّلَالِ الْمُطَهَّرِ مِنْ و سلامِ فرست. او که در ميثاقِ فطرت، نجاتِ يافته و در ميانِ ظلمتِ ها او را برگزید. (۱) كُلُّ آفَةٍ الْبَرِيءِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاهِ الْمُزْتَجِي لِلشَّفَاعَةِ او که از هر آفتی پاک و از هر عیبی دور است. امیدِ نجات و شفاعت، کسی که دینِ الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ. اللَّهُمَّ شَرِّفْ بُيُوتَهُ وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَأَفْلَحْ حُجَّتَهُ به او سپرده شده است. خدایا، ارکانش را شرافت و برهانش را عظمت و حجتش را وَاذْفَعْ دَرَجَتَهُ وَأَضِيءْ نُورَهُ وَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ راسِ و درجه اش را ترفیع و نورش را روشنی بخش و صورتش را روسفید کرده

ص: ۱۴۳

۱- ۶۶. مقصود عالم قبل از تولد و ذریه است که در پشت حضرت آدم علیه السلام وجود داشته اند.

وَالْوَسِيلَةَ وَالذَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَابْتَعْتُهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَازْ فَضْلَ وَ فَضِيلَتَ وَ دَرَجَةَ وَ وَسِيلَةَ بَلَدًا بِهٖ اَوْ عَطَا كُنْ وَ اَوْ رَا بِهٖ مَقَامَ سَتُوْدَهٗ شَدَهٗ اٰی وَ الْاٰخِرُوْنَ. وَصَلَّ عَلٰی اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ قَائِدِ الْغُرَّةِ كَهٗ اَوَّلِيْنَ وَ اٰخِرِيْنَ بِهٖ اَنْ غَبَطَهٗ بِخَوْرَدَنْدِ، بَرَسَانَ. خَدَايَا، بَر اَمِيْر مُؤْمِنَانَ وَ وَاْرَثِ مَرْسَلَانَ الْمُحَجَّلِيْنَ وَ سَيِّدِ الْوَصِيَّةِيْنَ وَ حُجَّهٗ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ. وَصَلَّ عَلٰی الْحَسَنِ وَ رَهْبِرِ رُوْسْفِيْدَانَ عَالَمٍ وَ سُرُوْر جَانَشِيْنَانَ وَ حُجَّتِ پُرُوْرْدْكَارِ عَالَمِيَانَ دُرُوْدِ فَرَسْتِ. بِنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ حُجَّهٗ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ. خَدَايَا، بَر حَسَنِ بِنِ عَلِيٍّ اِمَامِ مُؤْمِنَانَ وَ وَاْرَثِ مَرْسَلَانَ وَ حُجَّتِ پُرُوْرْدْكَارِ عَالَمِيَانَ، دُرُوْدِ فَرَسْتِ. وَصَلَّ عَلٰی الْحَسَنِ بِنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِيْنَ خَدَايَا، بَر حَسَنِ بِنِ عَلِيٍّ اِمَامِ مُؤْمِنَانَ وَ وَاْرَثِ مَرْسَلَانَ وَ حُجَّتِ پُرُوْرْدْكَارِ وَ حُجَّهٗ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ. وَصَلَّ عَلٰی عَلِيٍّ بِنِ الْحَسَنِ اِمَامِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَالَمِيَانَ، دُرُوْدِ فَرَسْتِ. خَدَايَا، بَر عَلِيٍّ بِنِ حَسَنِ اِمَامِ مُؤْمِنَانَ وَ وَاْرَثِ مَرْسَلَانَ وَ حُجَّتِ پُرُوْرْدْكَارِ وَ حُجَّهٗ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ. وَصَلَّ عَلٰی مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيٍّ وَ حُجَّتِ پُرُوْرْدْكَارِ عَالَمِيَانَ، دُرُوْدِ فَرَسْتِ. خَدَايَا، بَر مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيٍّ اِمَامِ مُؤْمِنَانَ اِمَامِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَوَارِثِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ حُجَّهٗ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ. وَصَلَّ عَلٰی وَ وَاْرَثِ مَرْسَلَانَ وَ حُجَّتِ پُرُوْرْدْكَارِ عَالَمِيَانَ، دُرُوْدِ فَرَسْتِ. خَدَايَا، بَر جَعْفَرِ بِنِ مُحَمَّدِ

جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست. وَصَلَّ عَلَيَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ خَدَايَا، بر موسی بن جعفر امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلَّ عَلَيَّ بِنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْعَالَمِينَ، درود فرست. خدایا، بر علی بن موسی امام مؤمنان و وارث مرسلان الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ إِمَامِ وَحُجَّتِ پروردگار عالمیان، درود فرست. خدایا، بر محمد بن علی امام مؤمنان الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلَّ عَلَيَّ عَلِيٌّ وَ و ارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست. خدایا، بر علی بن محمد بن مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست. وَصَلَّ عَلَيَّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ خَدَايَا، بر حسن بن علی امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلَّ عَلَيَّ الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْهَادِيِ الْعَالَمِينَ، درود فرست. خدایا، بر جانشین صالح، هدایتگر هدایت شده،

الْمُهَيْدِيَّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيْمَةِ الْهَادِينَ الْمُهَيْدِيِّينَ خُدَايَا، بر محمد و خاندانش، امامان هدایتگر شده، عالمان راستگوی العلماء الصادقين الأبرار المتقين دعائم دینک و اركان خوش کردار با تقوایی که پایه های دین و توحید و مفسران وحی و حجت های توحیدک و تراجمیه و وحیک و حججک علی خلقک و خلفائک فی ارضک در میان خلق و جانشینان بر روی زمین هستند. کسانی که آنها را برای خودت الذین اخترتهم لنفسک و اضی طفیتهم علی عبادک و ارتضیتهم انتخاب کردی و بر سایر بندگان برگزیدی و از دینت خوشنود و به معرفت مخصوص لیدینک و خصصتهم بمعرفتك و جلتهم بکرامتك و غشیتهم برحمتک نمودی و با کرامت خود به آنها جلالت دادی و با رحمت پوشاندی و با نعمت خود وریتهم بنعمتك و غذیتهم بحکمتک و البسیتهم من نورک تربیت کردی و با حکمت خود تغذیه نمودی و با نور خود پوشاندی و در ملکوت و رفعتهم فی ملکوتک و حففتهم بملائکتک و شرفتهم بنبیک. رفعت دادی و با ملائکه احاطه نمودی و با پیامبرت آنها را شرافت بخشیدی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ صَلَماً كَثِيراً دَائِماً طَيِّباً لَا يُحِيطُ خدایا، بر محمد و آنان صلوات فراوان و دائمی و گوارایی نثار کن. به اندازه ای که تنها بها إلا أنت ولا یسئعها إلا علمک ولا یخصها بها أحد غیرک. خود بر آن احاطه داشته باشی و غیر از تو کسی قدرت شمارش و احاطه نداشته باشد. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُحِبِّ سُنَّتِكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ الدَّلِيلِ خدایا، بر ولی که سنتت را با امرت، زنده می کند و راهنما و دلیل به سوی تو، حجت علیک و حججتک علی خلقک و خلیفتک فی أرضک و شاهدک علی عبادک. بر خلق و جانشین در زمین و شاهد بر اعمال بندگان می باشد، سلام و درود فرست. اللَّهُمَّ أَعِزِّ نَصِيرَهُ وَمُيَدِّ فِي عُمُرِهِ وَزَيْنِ الْأَرْضِ بِطَوْلِ بَقَائِهِ. خدایا، با قدرت خود، او را یاری کرده و بر طول عمرش بیفزای و زمین را با طول بقای او مزین کن. اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ وَأَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ الْكَافِرِينَ وَأَرْجُ عَنْهُ إِزَادَةَ خدایا، او را از تجاوز حسودان حفظ و از شر حيله گران پناه بده و اراده ظالمان را الظالمین و خلصه من أیدی الجبارین. اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ از او دفع و از دست متکبران رها کن. خدایا، در خود و نسل و شیعیان و خاصان و شیعتیه و رعیتیه و خاصتیه و عامتیه و عدوه و جمیع أهل الدُّنْیَا مَا تُقَرُّ بِهِ و عامان و دشمنان و همه اهل دنیا برای او چشم روشنی و خیری قرار بده تا شاد شود

عَيْنُهُ وَتَسِيرُهُ بِهِ نَفْسُهُ وَبَلَّغُهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلِيُّ وَ أَوْ رَا بِهٖ اَوْجِ اَرْوَزِهَائِشِ دَر دُنْيَا وَ اٰخِرَتِ بَرَسَانِ؛ زِيْرَا تُو بَر
هَر كَارِي تُو اَنَا هَسْتِي. كُلُّ شَيْءٍ اَقْدِيْرُ. اَللّٰهُمَّ جَدِّدْ بِهٖ مَا مَحِيَّ مِنْ دِيْنِكَ وَاٰخِي بِهٖ مَا بُدِّلَ مِنْ خَدَايَا، بِهٖ وَسِيْلَهٗ اَوْ بَخْشِ هَايْ اَز
بِيْنِ رَفْتَهٗ دِيْنِ رَا تَجْدِيْدِ وَاَنْجَهٗ اَز قُرْاَنِ تَفْسِيْرِ بِهٖ رَايْ شَدَهٗ، كِتَابِيْكَ وَاظْهَرُ بِهٖ مِمَّا غَيَّرَ مِنْ حُكْمِكَ حَتّٰى يَعْوَدَ دِيْنُكَ بِهٖ وَعَلٰى
يَدِيْهِ زَنْدَهٗ وَ بَخْشِ هَايْ تَغْيِيْرِ يَافْتَهٗ اِحْكَامَتِ رَا اَشْكَارِ كُنْ تَا دِيْنَتِ بِهٖ سَبَبِ اَوْ وَ بِهٖ دَسْتِ اَوْ غَضًّا جَدِيْدًا خَالِصًا مُخْلِصًا لَاشَكِّ
فِيْهِ وَلَا شُبُهَهٗ مَعَهُ وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ بِهٖ صَفَا وَ پَاكِي وَ طَرَاوَتِ اَوْلِيَهٗ خُوْدِ بَازِ كَرْدَدِ وَ شَكِّ وَ شُبُهَهٗ اِيْ دَر اَنِّ وَ هَمْرَاهٗ اَنِّ نَبَاشَدِ. وَلَا
بِعْدَعَهٗ لَعْدِيْهِ. اَللّٰهُمَّ نُوْرُ بِنُوْرِهِ كُلِّ ظُلْمَةٍ وَهِيْدُ بِرُكْنِيْهِ كُلِّ بِعْدَعَةٍ وَاهْدِمْ خَدَايَا، تَمَامِ ظَلَمَتِ هَا رَا بَا نُوْرِ اَوْ رُوْشَنِ وَ تَمَامِ بَدْعَتِ هَا وَ
كَمْرَاهِيْ هَا رَا اَز بَرَكَتِ اَوْ مِتْلَاشِيْ بِعِزَّتِيْهِ كُلِّ ضَلَالَةٍ وَاقْصِمْ بِهٖ كُلَّ جَبَّارٍ وَ اَخْمِدْ بِسَيْفِيْهِ كُلَّ نَارٍ وَ اَهْلِكْ كُنْ وَ تَمَامِ مِتْكَبِرَانِ رَا دَر
هَمِّ بَكُوْبِ وَ آتَشِ فِتْنَهٗ هَا رَا بَا شَمْشِيْرِ اَوْ خَامُوْشِ وَ بَا عَدْلَشِ هَمِهٖ بِعِيْدَلِيْهِ كُلِّ جَائِرٍ وَ اَجْرِ حُكْمِهِ عَلٰى كُلِّ حُكْمٍ وَ اَذِلَّ بِسُلْطَانِيْهِ
كُلَّ سُلْطَانٍ. ظَالِمَانِ رَا هَلَاكِ وَ حَكْمِ اَوْ رَا بَرِ تَمَامِ اِحْكَامِ جَارِيِ وَ سُلْطَنَتَشِ رَا بَرِ هَمِهٖ سُلْطَانِيْنَ مَسْلُطِ كَرْدَانِ. اَللّٰهُمَّ اَذِلَّ كُلَّ مَنْ
نَاوَاهُ وَ اَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ وَ اَمْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ خَدَايَا، هَر كَسِيْ كِهٖ نَسَبَتِ بِهٖ اَوْ قَصْدِ بَدِ كَنْدِ، خُوَارِ وَ دَشْمَنَانَشِ رَا هَلَاكِ

وَاسْتَأْصِلْ بِمَنْ جَحَدَ حَقَّهُ وَاسْتَيْتَهَانَ بِأَمْرِهِ وَسَيَّعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ وَ مَكَارَانِشِ رَا مَكْرٍ وَ مَنكَرِينَ وَ تَحْقِيرِ كُنُودِ كَانِ وَ تَلَاشِ كِرَانِ
برای خاموش کردن و آزادی از خشم ذکره. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَيَّ الْمُزْتَضَى نُورِ وَ يَادِشِ رَا خَامُوشِ وَ آوَارِهِ كُنْ.
خدایا، بر محمد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه الزهراء و الحسن الرضا و الحسين المصطفی و جمیع و فاطمه تابان و حسن راضی
و حسین برگزیده و همه جانشینان و چراغ های الاوصیاء و مصابیح الدجی و اعلام الهدی و منار التقی و العزوه تابان هدایت و
پرچم های هدایت و مناره های تقوا و دستاویزهای مستحکم الوثقی و الحبل المتین و الصراط المستقیم. وَصَلِّ عَلَيَّ وَ لِيْكَ وَ وُلَاةِ
و ریسمان های هدایت و راه مستقیم درود و سلام فرست. خدایا، بر ولی ات و والیان عهدیه و المائمه من و اولاده و مید فی
اَعْمَارِهِمْ وَ زِدْ فِيْ اَجَالِهِمْ وَ بَلِّغْهُمْ عَهْدِ وَ اَمَامَانِ از فرزندان درود فرست و بر عمرهایشان بیفزای و به بزرگترین اقصای آمالهم
دیناً و دُنیا و آخِرَهُ اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. آرزوهایشان در دنیا و آخرت برسان؛ زیرا تو بر هر چیزی توانا هستی.

قنوت مولانا صاحب الزمان علیه السلام (۱)

قزوینی و بغدادی نقل می کنند که روزی در خدمت استادمان بودیم. که سخن از امام حسن بن علی علیه السلام پیش آمد. یکی از شاگردها گفت: مردم از او ناراحت و عصبانی هستند؛ زیرا حکومت را به آل ابوسفیان واگذار کرد! استادمان فرمود: من مولایمان حسن بن علی را بالاتر از آن می دانم که کاری از او سربزند که برای اندیشمندان و خرده گیران و شکاکان جای اشکال کردن باقی بماند. (۲) ایشان ادامه دادند زمانی که شیخ ابو جعفر محمد بن عثمان رحمه الله وفات کرد، شیخ

ص: ۱۵۰

۱- ۶۷. بحار الأنوار / ج ۸۲ / ص ۲۱۱ / باب ۳۳ - فی القنوتات الطویله المرویه؛ مهج الدعوات / ص ۴۵ / ذکر قنوتات الأئمه الطاهرين عليهم السلام.

۲- ۶۸. امام حسن علیه السلام از شجاعتی بی نظیر برخوردار بود. او کسی بود که در جنگ جمل، از میان باران تیرها عبور کرد و شتر عایشه را پی کرد و ضربه ای کاری بر آنها وارد ساخت. او کسی بود که در جنگ صفین بیشترین و خطرناکترین حمله ها؟؟ انجام داد. در برخی از تاریخ های معتبر آمده است که حضرت امیر علیه السلام می فرمود: جلوی حسن را بگیرید و نگذارید تا این حد بی پروا حمله کند. ممکن است که به او آسیبی برسد. در یک ارزیابی منصفانه از صلح امام علیه السلام باید گفت: صلح امام در شرایط خاص زمانی و مکانی خود، بهترین کاری بود که ممکن بود انجام بگیرد. جفا و خیانت دوستان و عموزادگان، بی وفایی مردم در جنگ ها، نفوذ فراوان امویان، عدم حمایت بزرگان، خطر حمله روم در اثر تضعیف حکومت مرکزی همه و همه از دلایلی بودند که در تصمیم امام علیه السلام موثر بودند. گذشته از این که صلح گزینه ای نبود که امام انتخاب کند. بلکه مردم از جنگ خسته شده بودند و خود خواستار صلح شدند. برای مطالعه بیشتر به کتب مربوطه مراجعه شود.

ابوالقاسم حسین بن روح در جای او نشست و بقیه آن روز را در خانه محمد بن عثمان به امورات رسیدگی کرد. ذکاء خادم، سه چیز را که عبارتند از: کاغذی نوشته شده، عصا و ظرف چوبی تراشیده و روغن مالی شده، خارج کرد. ایشان آنها را گرفتند و عصا را در میان ران های خود گذاشتند و کاغذ را در دست راست و ظرف چوبی را در دست چپشان گرفتند و به ورثه محمد بن عثمان رحمه الله گفتند: در این نامه امانت هایی آمده است. بعد آن را باز کرد. دیدند که در آن دعاها و قنوت هایی از حضرات معصومین آمده است. از آن دست برداشتند و گفتند: حتماً در این ظرف چوبی اشیائی گرانبها وجود دارد. حسین بن روح گفت: آیا آن را می فروشید؟ گفتند: به چه قمیتی؟ حسین بن روح رحمه الله گفت: ای ابوالحسن کوثاری ده دینار به آنها بده. اما آنها نپذیرفتند. تا اینکه قیمت به صد دینار رسید. خطاب به آنها گفت: اگر این صد دینار را قبول نکنید، پشیمان می شوید. آنها هم قبول کردند و صد دینار را گرفتند. حسین بن روح نامه و عصا را از اول استثناء کرده بود که در قبال این معامله، این دو نیز مال او باشند.

وقتی که معامله تمام شد، گفت: این عصای مولایمان امام عسکری علیه السلام است. ایشان در روزی که سرورم محمد بن عثمان را به وکالتشان نصب می کردند، این عصا را به دست داشتند. این ظرف چوبی هم که می بینید، حاوی انگشترهای ائمه است. درش را باز کرد و آنها را درآورد. همان طور که می گفت از جواهر و نقش ها

و تعدادشان روشن بود که آنها متعلق به ائمه است. در کاغذ نیز قنوت های ائمه نوشته شده بود... .

و اما قنوت:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَكْرِمِ أَوْلِيَاءَكَ يَا نَجِيزَ وَعِيدِكَ خَدَايَا، بِرِجَالِكَ وَمُحَمَّدٍ وَخَانِدَانِهِ دَرُودِ فَرَسْتِ وَأَوْلِيَايَا رَا بِأَ مَحْقُقِ كَرْدَنِ وَعَدَةِ خُودَتِ، كِرَامِي دَارِ وَبِهْ نَصْرَتِ وَبَلَّغُهُمْ دَرْكَ مَا يَأْمُلُونَ مِنْ نَصْرِكَ وَأَكْفُفْ عَنْهُمْ بِأَسْ مَنْ نَصَبَ وَغَلْبَهُ أِي كِه آرزو می کنند، برسان و گرفتاری کسانی را که بنای تخلف از تو را گذاشتند و از نواهی تو تمرد الخِلافَ عَلَيْكَ وَتَمَرَّدَ بِمَنْعِكَ عَلَى رُكُوبِ مُخَالَفَتِكَ وَأَشْتَعَانَ بِرِفْدِكَ كَرْدَنَد وَبِهْ مَخَالَفَتِ پَرِدَاخْتَنَد، از ایشان بردار. کسانی که از نعمت های تو برای شکستن حدودت کمک گرفتند عَلَى فَلِّ حُدُوكَ وَقَصَدَ لِكَيْدِكَ بِأَيْدِكَ وَوَسِعَتْهُ حِلْمًا لِتَأْخُذَهُ عَلَى وَبَا دَسْتِ تُو قَصْدِ مَكْرِ كَرْدَنِ بَا تُو رَا كَرْدَنَد. تُو نِيْز بَا وَسْعَتِ حَلْمَتِ بَا أَنَّهُا بِرِخُورِدِ كَرْدِي تَا اِيْنَكِه يَا أَشْكَارَا جَهْرَهُ أَوْ تَسْتَأْصِلُهُ عَلَى عِزِّهِ فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ حَتَّى أُو رَا بَكِيرِي وَعَذَابِ كُنِي، يَا اِيْنَكِه بِهْ أُو مَهْلَتِ دِهِي وَبِهْ تَدْرِيجِ أُو رَا نَابُودِ كُنِي. خَدَايَا، تُو خُودِ إِذَا أَخَذَتِ الْمَارِضُ زُخْرُفَهَا وَأَزَيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ كَفْتِي وَسَخَنَ تُو نِيْزِ حَقَّ اسْتِ: «تَا جَايِي كِه زَمِيْنِ زِيْبَا شُدِ وَخُودِ رَا زِيْنَتِ كَرْدِ وَاهِلِ دُنْيَا كِمَانِ كَرْدَنَد عَلَيَّهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيْدًا كَأَنَّ لَمْ تَعْنِ كِه أَنَّهُا قَادِرِ بَرِ نَكِه دَاشْتَنِ آن هَسْتَنَد. عَذَابِ مَا شَبِ يَا رُوزِ أَمَدِ وَهَمِهْ أَنَّهُا رَا دَرُودِ كَرْدِ. كُويَا هَمَانِ هَا نُبُودَنَد

ص: ۱۵۲

بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ وَقُلْتَ فَلَمَّا آسَفُونَا كَمَا تَدِشِبُ مَدْعَى بِي نِيَاظِي اَز خِدا بُوْدنْد. ما نِشاَنه هاَي خُوْد را به اِيْن صُوْرْت بَراي اهل فِكر و اَنْدِيشه اِنْتَقَمْنَا مِنْهُم وَإِنَّ الْغَايَةَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ وَإِنَّا لَغَضَبِكَ غَاضِبُونَ بِيان مِي كُنِيْم» (۱) هَمِيْن طُوْر كَفْتِي: «زَمَانِي كِه ما را به غُضْب آوْرْدنْد، اَز اَنها اِنْتَقَام كَرَفْتِيْم.» (۲) پاِيان كار نَزْد وَإِنَّا عَلَيَّ نَصِيْرِ الْحَقِّ مُتَعَاَصِمُونَ وَإِلَيَّ وُرُوْدِ أَمْرِكَ مُشْتَأَقُونَ ماسْت و ما با غُضْب تو، به غُضْب مِي آيِيْم. ما بَر ياري حَقِّ پاَفْشاَرِي مِي كُنِيْم و به وِرُوْد اَمْر تو در جَنگ با اَنان، وَلِإِنْ جَازٍ وَعَيْدِكَ مُرْتَقِبُونَ وَلِحَوْلِ وَعَيْدِكَ بِأَعْيَادِكَ مُتَوَقِّعُونَ. مِشْتاقِيْم و مِنتَظِر تَحَقِّقِ وَعِدَه تو هِستِيْم و تَوَقِّعِ اَن را داريْم تا دِشْمَنانْت را در اِحاطَه وَعِدْتِ قَرار دِهِي. (۳) اَللّٰهُمَّ فَادِّنْ بِذَلِكَ وَاَفْتَحْ طُرُقَاتِهِ وَسَيَهِّلْ خُرُوجَهُ وَوَطِّئْ مَسَالِكَهُ خِدايَا، اَن را ارادَه كُن و راه هايش را بگشا و خروِجش را آسان كُن و راه هايش را بگشا و هَموار و اشْرَعْ شَرَائِعَهُ وَاَيِّدْ جُنُودَهُ وَاَعْوَانَهُ وَبَادِرْ بِأَسْكَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ كَرْدان و او و يارانِش را با سَرَبازانْت ياري كُن و غُضْبْت را به سَرعْت بَر ظالمان نازل كُن و شَمشِير و اَبْسُطْ سَيْفَ نَقِمَتِكَ عَلَيَّ اَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ وَخُذْ بِالثَّارِ إِنَّكَ جَوَادٌ مَكَارٌ اِنْتَقَامْت را بَر دِشْمَنان لَجُوْجْت بَكش و اِنْتَقَامِ خُونِ هاَي مَظْلومان را بگير. تو اهل جود و مكر هستي.

ص: ۱۵۳

۱- ۶۹. يونس / ۲۴.

۲- ۷۰. زخرف / ۵۵.

۳- ۷۱. وعده زمانی به کار برده می شود که چیز خوبی در انتظار باشد. اما اگر اتفاق بدی در انتظار باشد، به آن وعید گفته می شود.

دعای دیگری از امام علیه السلام در قنوت نماز (۱)

اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ خَدَايَا، تُو مَالِكِ عَالَمِ هَسْتِي وَ مَلِكِ خُودِ رَا بَه هِر كِه
 بَخَوَاهِي وَ اَكْذَارِ مِي كَنِي وَ اَز هِر كِه بَخَوَاهِي مِي گيرِي. وَ تُعْزُ مَنْ تَشَاءُ وَ تُدِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 هِر كِه رَا بَخَوَاهِي عَزَّتْ مِي بَخْشِي وَ هِر كِه رَا بَخَوَاهِي ذَلِيلِ مِي كَنِي. تَمَامِ خَيْرَهَا بَه دَسْتِ تُوَسْتِ. تُو بَرِ هِر يَا مَا جِدُّ يَا جَوَادُ يَا
 ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا بَطَّاشُ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ چيزِي تُوَانَا هَسْتِي. اِي بَاشْكَوَه، اِي بَخْشَنَدَه، اِي صَاحِبِ جَلَالَتِ وَ بَزْرِ گَوَارِي،
 اِي حَمَلَه كَنَنَدَه، اِي قَادِرِ يَا فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ يَا رَعُوفُ يَا رَحِيمُ يَا لَطِيفُ يَا حَيُّ بَرِ حَمَلَه هَاي شَدِيدِ، اِي اِنْجَامِ
 دَهَنَدَه هِر كَارِي كِه بَخَوَاهِدِ، اِي صَاحِبِ نِيروِي خَلَلِ نَاطِرِ، اِي دَلَسُوَزِ حِينِ لَا حَيَّ. اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ
 الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ مَهْرَبَانِ، اِي بَخْشَنَدَه، اِي زَنَدَه، زَمَانِي كِه زَنَدَه اِي نَبُوَد. خَدَايَا، اَز تُو مِي خَوَاهِمِ بَا نَامِ هَاي پَنَهَانِ وَ زَنَدَه الَّذِي
 اسْتَأْثَرَتْ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَلَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ. وَ قَوَامِ بَخْشْتِ، كِه تَنَهَا تُو دَرِ عِلْمِ غَيْبَتِ بَرِ اَنَهَا آگَاهِي يَافْتِي
 وَ كَسِي غَيْرِ اَز خُودَتِ بَرِ اَنَهَا وَ اَقْفِ نِيَسْتِ. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُصَوِّرُ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ تَشَاءُ وَبِهِ وَ اَز تُو مِي
 خَوَاهِمِ بَا نَامِي كِه مَخْلُوقَاتِ رَا دَرِ اِرْحَامِ مَادِرَانِ، اَنِ طُورِ كِه بَخَوَاهِي، صُورَتِ مِي بَنَدِي

ص: ۱۵۴

۱- ۷۲. بحار الأنوار / ج ۸۲ / ص ۲۳۳ / باب ۳۳ - في القنوتات الطويلة المروية؛ مهج الدعوات / ص ۶۸ / و دعا في قنوته بهذا الدعاء.

تَسُوقُ إِلَيْهِمْ أَرْزَاقَهُمْ فِي أَطْيَاقِ الظُّلَمِيَّاتِ مِنْ بَيْنِ العُرُوقِ وَالْعِظَامِ. و با آن نام روزی هایشان را در طبقات تاریکی ها و از میان رگ ها و استخوان ها می رسانی. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَلْفَتَ بِهِ بَيْنَ قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ وَأَلْفَتَ بَيْنَ الثَّلَاجِ و از تو می خواهم با اسمی که با آن، دل های دوستانت را به هم پیوند زدی و برف و النَّارِ لَا هَذَا يُذِيبُ هَذَا وَلَا هَذَا يُطْفِئُ هَذَا وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي و آتش را مأنوس گرداندی. که هیچ کدام مانع از دیگری نمی شوند. و از تو می خواهم كَوْنَتَ بِهِ طَعْمَ المِيَاهِ. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَجْرَيْتَ بِهِ المِيَاءَ فِي بَا نَامِي که با آن، طعم آب ها را به وجود آوردی. و از تو می خواهم با نامی که با آن، عُرُوقِ النَّبَاتِ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى وَسُقَّتِ المَاءَ إِلَى عُرُوقِ الأشْجَارِ بَيْنَ آبِ رَا در رگ های ریشه درختان در زیر زمین به حرکت در آوردی و آب را به ریشه های درختانی الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوْنَتَ بِهِ طَعْمَ الثَّمَارِ وَالْوَانِيَاءِ. که میان صخره های سخت هستند، سوق دادی. و از تو می خواهم با نامی که با آن، طعم و رنگِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تُبْدِي وَتُعِيدُ. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الفَرْدِ الوَاحِدِ میوه ها را پدید آوردی. و از تو می خواهم با نامی که با آن، خلق می کنی و بعد از مرگ، باز می گردانی. المْتَفَرِّدِ بِالوَحْدَانِيَّةِ المْتَوَحِّدِ بِالصَّمَدَانِيَّةِ. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ و از تو می خواهم با نامی که فرد و واحد و متفرد به یگانگی است. و از تو می خواهم با نامی که با

الَّذِي فَجَّرَتْ بِهِ الْمَاءَ مِنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ وَسَيَّمْتَهُ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ. آن، آب را از میان صخره های سخت منفجر کردی و آن را از هر جا که خواستی تأمین کردی. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَرَزَقْتَهُمْ كَيْفَ شِئْتَ وَكَيْفَ وَاز تو می خواهم با آن نامی که با آن، موجودات را آفریدی و هر طور که خواستی و خواستند، روزیشان را داد، شَاءُوا يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ حِينَ آى كسى که روزگار در او تغییری ایجاد نمی کند. تو را با آن نامی می خوانم که نوح خواند. آنگاه که ندا کرد نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ وَأَهْلَكَ قَوْمَهُ وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ إِبْرَاهِيمُ وَتو نیز او را به همراه دوستانش نجات دادی و قومش را هلاک کردی. تو را با نامی می خوانم که ابراهیم خلیل خَلِيلِكَ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَيْلَمًا وَأَدْعُوكَ تُو را با آن خواند و تو نیز او را نجات دادی و آتش را سرد و خنک کردی. تو را با نامی می خوانم که موسای بِمَا دَعَاكَ بِهِ مُوسَى كَلِمِكَ حِينَ نَادَاكَ فَفَرَّقْتَ لَهُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْتَهُ وَيَنِي كَلِيمِ تُو را با آن خواند. تو نیز دریا را از هم باز کردی و او را به همراه بنی اسرائیل نجات دادی و فرعون و قومش إِسْرَائِيلَ وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ فِي الْيَمِّ وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عِيسَى رَا غَرَقَ نَمُودَى. تُو را با نامی می خوانم که عیسی روح تُو را با آن خواند و تُو او را از دست دشمنانش رُوْحَكَ حِينَ نَادَاكَ فَجَجَيْتَهُ مِنْ أَعْيَادِهِ وَإِلَيْكَ رَفَعْتَهُ وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ نجات دادی و به سوی خود بالا بردی. تو را با آن نامی می خوانم که دوست و برگزیده و پیامبرت

بِهِ حَبِيبِكَ وَصِيْفِيكَ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ فَاسْتَجَبَتْ لَهُ وَمِنَ الْأَحْزَابِ نَجَّيْتَهُ مُحَمَّدَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، تُوْرَا بِأَنْ خَوَانِدُ. تُوْ نِيْزِ دَعَائِشِ
رَا مَسْتَجَابَ كَرْدِيْ وَ اَز چَنگِ قِبَائِلِ مَخْتَلَفِ نَجَاتِ دَادِيْ وَ بَرِ وَعَلَى اَعْدَائِكِ نَصِيْرَتَهُ. وَ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ اِذَا دُعِيْتِ بِه
اَجَبْتَ دَشْمَنَانَ تِ غَلْبَهْ دَادِيْ. وَ اَز تُوْ مِيْ خَوَاهِمِ بِأَنْ نَامِيْ كِه اِگَرِ بِأَنْ نَامِ خَوَانِدَهْ شُوِيْ، اِجَابَتِ مِيْ كَنِيْ. اِيْ كَسِيْ يَا مَنْ لَهُ
الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَأَخْصَى كُلَّ كَيْفٍ خَلْقٍ وَ ارَادَهْ اَمُوْرِ بِهْ دَسْتِ اُوْسْتِ. اِيْ كَسِيْ كِه عَلْمَشِ بَرِ هَرِ چِيْزِيْ
اِحاطَهْ پِيْدا كَرْدَهْ اَسْتِ وَ تَعْدَادِ شَيْءٍ عِدَدًا يَا مَنْ لَمَّا تُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِيْ وَ لَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ هَمَهْ چِيْزِ رَا شَمَارَشِ كَرْدَهْ اَسْتِ. اِيْ
كَسِيْ كِه تَغْيِيْرِ شَبِّ وَ رُوْزِ تَغْيِيْرِيْ دَرِ اُوْ اِيْجَادِ نَمِيْ كَنْدِ وَ صَدَاها بَرِ اُوْ الْأَصْوَاتُ وَ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ اللَّغَاتُ وَ لَا يُبْرِمُهُ الْخَاحُ الْمَلْحِيْنَ.
مَشْتَبَهْ نَمِيْ شُوْدِ وَ زَبَانَ هَايِ مَخْتَلَفِ بَرَايِشِ مَجْهُوْلِ نَمِيْ مَانِدِ وَ اَصْرَارِ اَصْرَارِ كَنْدِگَانِ اُوْ رَا خَسْتَهْ نَمِيْ كَنْدِ. اَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ خَيْرَ نَبِيِّكَ مِنْ خَلْقِكَ فَصَلِّ مِيْ خَوَاهِمِ كِه بَرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ اُوْ دَرُوْدِ فَرَسْتِيْ؛ اَنَانِ كِه بَهْتَرِيْنَ خَلْقِ تُوْ
هَسْتَنْدِ. بِنَابَرَايِنِ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ صِلَوَاتِكَ وَ صَلِّ عَلَى جَمِيْعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِيْنَ الَّذِيْنَ بَهْتَرِيْنَ صِلَوَاتِ هَايْتِ رَا بَرَايِشَانِ فَرَسْتِ وَ بَرِ
تَمَامِ پِيَامْبَرَانِ وَ مَرْسَلِيْنَ كِه بِهْ هِدَايْتِ رَسِيْدَنْدِ بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى وَ عَقَدُوا لَكَ الْمَوَاتِيْقَ بِالطَّاعَةِ وَ صَلِّ عَلَى عِبَادِكَ وَ عَهْدِ وَ
پِيْمَانِ هَايِيْ بَرَايِ اطَاعَتِ بَسْتَنْدِ وَ بَرِ بَنْدِگَانِ صَالِحَتِ دَرُوْدِ فَرَسْتِ. اِيْ كَسِيْ كِه

الصَّالِحِينَ يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَاجْمَعْ لِي فِي وَعْدِهِ هَيْتَ تَخْلَفُ نَمِي كُنِي وَعَدَّهُ أَي رَا كِه به من داده ای محقق کن، اصحابم را أَصْحَابِي وَصَبْرُهُمْ وَأَنْصُرُنِي عَلَى أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ وَلَا تُخَيِّبْ جَمْعِ كُنْ وَصَبْرُشَانِ رَا بِيَشْتَرِ نَمَا وَ مَرَا بَرِ دَشْمَنَانِمِ وَ دَشْمَنَانِ پِيَامِبِرْتِ يَارِي كُنْ وَ دَعَائِمِ دَعْوَتِي فَإِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ أُسِيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ سَيِّدِي أَنْتَ رَا بَرِنِ كَرْدَانِ؛ زِيْرَا مِنْ بِنْدَه وَ فِرْزَنْدِ بِنْدَه وَ كَنِيزِ تُو، دَرِ بَرَابِرِ ارَادَه ات اسير هستم. الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا الْمَقَامِ وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ دُونَ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ. سِرْوَرْمِ تُو بُوْدِي كِه مَرَا بَه اَيْنِ مَقَامِ مَخْصُوصِ كَرْدِي وَ بَرِ اكْتَرِ مَخْلُوقَاتِ فَضِيْلَتِ دَادِي. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَيِّلَنِي عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنْجِزَ لِي مِمَّا وَعَدْتَنِي مِنْ تُو مِي خَوَاهِمِ كِه بَرِ مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانِشِ دَرُودِ فِرْسْتِي وَ وَعْدَه ام رَا مُحَقِّقِ كَرْدَانِي؛ إِنَّكَ أَنْتَ الصَّادِقُ وَلَمَّا تُخْلِفُ الْمِعَادَ وَأَنْتَ عَلَيَّ كَمُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. زِيْرَا تُو دَرِ كَفْتَارْتِ صَادِقِ وَ دَرِ وَعْدَه اتِ اسْتَوَارِي وَ تُو بَرِ هَرِ چيزِي تُوَانَايِي دَارِي.

زیارت ناحیه مقدسه یا زیارت امام زمان علیه السلام از امام حسین علیه السلام (۱)

هرگاه خواستی که در روز عاشورا آن حضرت را زیارت کنی، کنار قبر شریفشان بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَ فُوهُ اللَّهِ مِنْ خَلِيقَتِهِ السَّلَامُ عَلَى شَيْثٍ وَلِيِّ اللَّهِ سَلَامٌ بِرِ آدَمَ، بِرِ كَزِيدِهِ خَدَا مِنْ مَخْلُوقَاتِهِ. سَلَامٌ بِرِ شَيْثٍ، وَلِيِّ وَ مَتَخِبِ خَدَا. خَيْرَتِهِ السَّلَامُ عَلَى إِدْرِيسَ الْقَائِمِ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ سَلَامٌ بِرِ اَدْرِيسَ كِهْ بِرَايِ خَدَا اِقَامَهُ دَلِيلِ كَرْدَهْ اَسْت. سَلَامٌ بِرِ نُوحِي كِهْ مَسْتَجَابِ الدَّعْوَاتِ الْمَجَابِ فِي دَعْوَتِهِ السَّلَامُ عَلَى هُوْدِ الْمَمْدُودِ مِنَ اللَّهِ بِمَعُونَتِهِ اَسْت. سَلَامٌ بِرِ هُوْدِي كِهْ اَزْ سُوِي خَدَا يَارِي شُد. سَلَامٌ بِرِ صَالِحِ كِهْ اَزْ لَطْفِ خَدَا، السَّلَامُ عَلَى صَالِحِ الَّذِي تَوَجَّهَ لِلَّهِ بِكِرَامَتِهِ السَّلَامُ عَلَى اِبْرَاهِيمَ الَّذِي مَتَوَجَّهَ اَوْ شُد. سَلَامٌ بِرِ اِبْرَاهِيمِي كِهْ خَدَاوَنَدِ لِبَاسِ دُوسْتِي خُودِ رَا بِهْ تَنَشِ كَرْد. حَبَاهُ اللَّهُ بِخَلَّتِهِ السَّلَامُ عَلَى اِسْمَاعِيلَ الَّذِي فَدَاهُ اللَّهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ مِنْ سَلَامٍ بِرِ اِسْمَاعِيلِ كِهْ خَدَاوَنَدِ اَوْ رَا بِاَقْرَبَانِي بَهْشْتِي، اَزْ اَقْرَبَانِي شُدَن، نَجَاتِ دَاد. جَنَّتِهِ السَّلَامُ عَلَى اِسْحَاقَ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ التُّبُوَّةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ السَّلَامُ سَلَامٌ بِرِ اِسْحَاقِ كِهْ خَدَاوَنَدِ نَبُوْتِ رَا دَرِ نَسْلِ اَوْ قَرَارِ دَاد. سَلَامٌ بِرِ يَعْقُوبِي كِهْ خَدَاوَنَدِ

ص: ۱۵۹

عَلَى يَعْقُوبَ الَّذِي رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَصِيرَهُ بِرَحْمَتِهِ السَّلَامُ عَلَى يُوسُفَ از سر رحمت، بینایی چشمانش را به او برگرداند. سلام بر یوسفی که خداوند الَّذِي نَجَّاهُ اللَّهُ مِنَ الْجُبِّ بِعَظَمَتِهِ السَّلَامُ عَلَى مُوسَى الَّذِي فَلَقَ اللَّهُ بِاَعْظَمَتِ خود او را از چاه بیرون آورد. سلام بر موسی که خدا با قدرتش دریا را الْبَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِهِ السَّلَامُ عَلَى هَارُونَ الَّذِي خَصَّهُ اللَّهُ بِنُبُوَّتِهِ السَّلَامُ برایش شکافت. سلام بر هارون که او را به نبوتش مخصوص کرد. سلام بر شعيب عَلَى شُعَيْبٍ الَّذِي نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِهِ السَّلَامُ عَلَى دَاوُدَ الَّذِي كه خدا او را در برابر قومش یاری کرد. سلام بر داود که خداوند خطایش را تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَتِهِ السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ الَّذِي دَلَّتْ لَهُ بِخَشِيدِ. سلام بر سليمان که با عَزَّتْ خدا، اجنه در برابرش خوار شدند. سلام بر الْجِنُّ بِعِزَّتِهِ السَّلَامُ عَلَى أَيُّوبَ الَّذِي شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ عِلَّتِهِ السَّلَامُ ایوبی که خداوند او را شفا داد. سلام بر یونس که خدا وعده تضمینی خود عَلَى يُونُسَ الَّذِي أَنْجَزَ اللَّهُ لَهُ مَضْمُونَ عِدَّتِهِ السَّلَامُ عَلَى عَزِيرٍ را در مورد او عملی کرد. سلام بر عَزِيرٍ که خدا او را بعد از مرگش زنده کرد. الَّذِي أَحْيَاهُ اللَّهُ بَعْدَ مَيِّتَتِهِ السَّلَامُ عَلَى زَكَرِيَّا الصَّابِرِ فِي مِحْنَتِهِ سلام بر زکریایی که در سختی ها صبور بود. سلام بر یحیی که خدا او را با

السَّلَامَ عَلَىٰ يَحْيَىٰ الَّذِي أَرْزَلَهُ اللَّهُ بِشَهَادَتِهِ السَّلَامَ عَلَىٰ عِيسَىٰ شَهَادَتِهَا زَيْنَتُ دَادَ. سلام بر عیسی روح خدا و مخلوق او سلام بر محمد، رُوحِ اللَّهِ وَكَلِمَتِهِ السَّلَامَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَصِيٍّ فَوْتِهِ السَّلَامَ عَلَىٰ دُوسْتِ خَدَا وَمُنْتَخَبِ اُو سَلَامِ بَرِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، عَلِيَّ بْنِ اَبِيطَالِبٍ كِه بَرَايِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبِ الْمَخْصُوصِ بِاُخُوْتِهِ السَّلَامَ عَلَيَّ بَرَادِرِي پِيَامِبِرِ اَنْتَخَابِ شُد. سلام بر فاطمه زهرا دخترش سلام بر ابي محمد حسن فاطمه الزهراء ابنته السَّلَامَ عَلَيَّ اَبِي مُحَمَّدِ الْحَسَنِ وَصِيٍّ اَبِيهِ وَصِيٍّ وَجَانَشِينِ پِدَرَشِ سَلَامِ بَرِ حَسِينِ كِه سَخَاوَتْمَنْدَانِه خُونَشِ رَا وَخَلِيفَتِهِ السَّلَامَ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ السَّلَامَ تَقْدِيمِ كَرْد. سلام بر کسی که در پنهان و پیدا، از خدا اطاعت کرد. عَلَيَّ مَنْ اطَاعَ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ السَّلَامَ عَلَيَّ مَنْ جَعَلَ اللَّهَ الشُّفَاءَ سَلَامِ بَرِ كَسِي كِه شِفَا دَرِ تَرْبَتَشِ قَرَارِ دَادِه شُد. سلام بر کسی که اجابت فی تَرْبَتِهِ السَّلَامَ عَلَيَّ مِنْ اِلْجَابِهِ تَحْتِ قُبَّتِهِ السَّلَامَ عَلَيَّ مِنْ اَلْاِئِمَّةِ دَعَا دَرِ زِيْرِ قِبِه اُو قَرَارِ دَادِه شُد. سلام بر امامانی که از نسل او هستند. مِنْ ذُرِّيَّتِهِ السَّلَامَ عَلَيَّ اِبْنِ خَاتَمِ الْاَنْبِيَاءِ السَّلَامَ عَلَيَّ اِبْنِ سَيِّدِ سَلَامِ بَرِ فَرَزَنْدِ خَاتَمِ الْاَنْبِيَاءِ، سَلَامِ بَرِ فَرَزَنْدِ سُرُورِ اَوْصِيَاءِ اَلْهِي (۱)

ص: ۱۶۱

۱- ۷۴. مقصود از سرور اوصیای الهی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد.

الأَوْصِيَاءِ السَّلَامِ عَلِيَّ ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامِ عَلِيَّ ابْنِ خَدِيجَةَ سَلَامٍ بِرِ فَرْزَنْدِ فَاطِمَه زَهْرَاءِ، سَلَامٍ بِرِ فَرْزَنْدِ خَدِيجَه كَبْرِي. الْكُبْرِي السَّلَامِ عَلِيَّ ابْنِ سِدْرَه الْمُتْنَهِي السَّلَامِ عَلِيَّ ابْنِ جَنِّه الْمَأْوِي سَلَامٍ بِرِ فَرْزَنْدِ سِدْرَه الْمُتْنَهِي. (۱) سَلَامٍ بِرِ فَرْزَنْدِ جَنَّتِ الْمَأْوِي، السَّلَامِ عَلِيَّ ابْنِ زَمَزَمَ وَالصَّفَا السَّلَامِ عَلِيَّ الْمُرْمَلِ بِالدَّمَاءِ السَّلَامِ سَلَامٍ بِرِ فَرْزَنْدِ زَمَزَمِ وَصَفَا، سَلَامٍ بِرِ آغَشْتَه بِه خُونِ، سَلَامٍ بِرِ كَسِي عَلِيَّ الْمَهْتُوكِ الْخَبَاءِ السَّلَامِ عَلِيَّ خَامِسِ أَصِيْحَابِ أَهْلِ الْكِسَاءِ كِه خِيْمَه هَايش هَتَك حَرْمَتِ شَدَنْد. سَلَامٍ بِرِ پَنْجَمِينِ ازِ اهلِ كَسَاءِ. (۲) السَّلَامِ عَلِيَّ غَرِيْبِ الْغُرَبَاءِ السَّلَامِ عَلِيَّ شَهِيْدِ الشُّهَدَاءِ السَّلَامِ عَلِيَّ سَلَامٍ بِرِ غَرِيْبِ تَرِيْنِ، سَلَامٍ بِرِ مَظْلُوْمِ تَرِيْنِ شَهِيْدِ، سَلَامٍ بِرِ كَشْتَه شَدَه تَوْسَطِ قَيْلِ الْأُدْعِيَاءِ السَّلَامِ عَلِيَّ سَاكِيْنِ كَرْبَلَاءِ السَّلَامِ عَلِيَّ مَنْ بَكَتْهُ دَعْوَتِ كَنْدَكَانِ، سَلَامٍ بِرِ سَاكِنِ كَرْبَلَا، سَلَامٍ بِرِ كَسِي كِه مَلَائِكَه آسْمَانِ بَرَايشِ

ص: ۱۶۲

۱- ۷۵. سدره المنتهى نام محلی است که در آسمان چهارم قرار دارد. آنجا همان محلی است که جبرئیل از همراهی پیامبر در شب معراج عاجز ماند و نتوانست داخل آن شود. در روایتی از امام صادق علیه السلام دلیل این نام گذاری چنین بیان شده است که نامه های اعمال بنندگان در منطقه ای پایین تر از آن توسط ملائکه الهی ثبت و ضبط می شود. از این رو به آن سدره المنتهى گفته می شود؛ زیرا اعمال انسان به آن منتهی می گردد.

۲- ۷۶. پنج تن آل کساء یا آل عبا رسول گرامی اسلام، امیرالمؤمنین علیه السلام، حضرت صدیقه کبری و حسنین می باشند.

مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ السَّلَامِ عَلَى مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْأَزْكَيَاءُ السَّلَامِ عَلَى يَعْسُوبٍ گریستند، سلام بر کسی که نسل او انسان های طاهر هستند، سلام بر پناه دین، الدِّينِ السَّلَامِ عَلَى مَنَازِلِ الْبَرَاهِينِ السَّلَامِ عَلَى الْأَيْمَةِ السَّادَاتِ سلام بر محل نزول برهان و دلیل، سلام بر ائمه بزرگوار، السَّلَامِ عَلَى الْجُيُوبِ الْمُضَرَّجَاتِ السَّلَامِ عَلَى الشَّفَاهِ الذَّابِلَاتِ سلام بر گریبان های چاک خورده و غرق در خون، سلام بر لب های خشک، السَّلَامِ عَلَى النُّفُوسِ الْمُضِطَّلَمَاتِ السَّلَامِ عَلَى الْأَرْوَاحِ الْمُخْتَلَسَاتِ سلام بر اشخاص تکه تکه شده، سلام بر ارواح ربوده شده، السَّلَامِ عَلَى الْأَجْسَادِ الْعَارِيَاتِ السَّلَامِ عَلَى الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ سلام بر اجساد عریان، سلام بر اجسام متغیر و رنگ پریده، السَّلَامِ عَلَى الدَّمَاءِ السَّائِلَاتِ السَّلَامِ عَلَى الْأَعْضَاءِ الْمُقَطَّعَاتِ سلام بر خون های جاری، سلام بر اعضای قطعه قطعه شده، السَّلَامِ عَلَى الرُّءُوسِ الْمُشَالَاتِ السَّلَامِ عَلَى النُّسُوءِ الْبَارِزَاتِ سلام بر سرهای بریده شده، سلام بر زن های بدون حرم و پوشش، السَّلَامِ عَلَى حُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامِ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ سلام بر تو و بر پدران پاکت،

الطَّاهِرِينَ السَّلَامَ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آبَائِكَ الْمُسْتَشْهِدِينَ السَّلَامَ عَلَيْكَ سَلَامٌ بِرِئَاسَتِكَ يَا رِئِيسَ الْيَوْمِ
وَعَلَىٰ ذُرِّيَّتِكَ النَّاصِرِينَ السَّلَامَ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ الْمَلَائِكَةِ الْمُضَاجِعِينَ سَلَامٌ بِرِئَاسَتِكَ يَا رِئِيسَ الْيَوْمِ
عَلَىٰ الْقَتِيلِ الْمَظْلُومِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا أَسِيرَ الْأَسْرَىٰ وَالْمُسْتَضْعَفِ الْمَظْلُومِ سَلَامٌ بِرِئَاسَتِكَ يَا رِئِيسَ الْيَوْمِ
عَلَىٰ الْكَبِيرِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا رِئِيسَ الْيَوْمِ وَالصَّغِيرِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا رِئِيسَ الْيَوْمِ سَلَامٌ بِرِئَاسَتِكَ يَا رِئِيسَ الْيَوْمِ
رَبُّهُ شَدِيدٌ، السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا رِئِيسَ الْيَوْمِ وَالصَّغِيرِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا رِئِيسَ الْيَوْمِ سَلَامٌ بِرِئَاسَتِكَ يَا رِئِيسَ الْيَوْمِ
صَحْرًا، الْفَلَوَاتِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا رِئِيسَ الْيَوْمِ وَالصَّغِيرِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا رِئِيسَ الْيَوْمِ سَلَامٌ بِرِئَاسَتِكَ يَا رِئِيسَ الْيَوْمِ
بِدُونَ كَفَنٍ، بَلَاءِ أَكْفَانِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا رِئِيسَ الْيَوْمِ وَالصَّغِيرِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا رِئِيسَ الْيَوْمِ سَلَامٌ بِرِئَاسَتِكَ يَا رِئِيسَ الْيَوْمِ
وَصَابِرٍ فِي بَلَاءِ الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا رِئِيسَ الْيَوْمِ وَالصَّغِيرِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا رِئِيسَ الْيَوْمِ سَلَامٌ بِرِئَاسَتِكَ يَا رِئِيسَ الْيَوْمِ
خَاكٍ پَاكٍ،

التُّزِيهِ الزَّاكِيهِ السَّلَامِ عَلَى صَاحِبِ الْقَبِيهِ السَّامِيهِ السَّلَامِ عَلَى مَنْ سَلَّمَ بِرِ كَسِي كِه صَاحِبِ كُنْبِد نَامِدَارِ اسْتِ، سَلَامِ بِرِ كَسِي كِه خِدَا اُو رَا طَهَارْتِ دَادِ، طَهَّرَهُ الْجَلِيلُ السَّلَامِ عَلَى مَنْ افْتَخَرَ بِهٖ جَبْرَائِيلُ السَّلَامِ عَلَى مَنْ سَلَّمَ بِرِ كَسِي كِه جَبْرَائِيلُ بِهٖ اُو افْتَخَارِ كَرْدِ، سَلَامِ بِرِ كَسِي كِه مِيكَائِيلُ نَاغَاةُ فِي الْمَهْدِ مِيكَائِيلُ السَّلَامِ عَلَى مَنْ نُكِّثَ ذِمَّتَهُ السَّلَامِ عَلَى دَرِ كِهْوَارِهٖ بِرَايشِ لَالَايِي خَوَانِدِ، سَلَامِ بِرِ كَسِي كِه پِيْمَانَشِ شَكْسْتِهٖ شُدِ، مَنْ هُتِكَتْ حُرْمَتَهُ السَّلَامِ عَلَى مَنْ أُرِيقَ بِالظُّلْمِ ذِمَّتَهُ السَّلَامِ عَلَى سَلَامِ بِرِ كَسِي كِه كِه حَرْمَتَشِ شَكْسْتِهٖ شُدِ، سَلَامِ بِرِ كَسِي كِه مَظْلُومَانِهٖ خُونَشِ رِيخْتِهٖ شُدِ، الْمَغْسَلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ السَّلَامِ عَلَى الْمَجْرَعِ بِكَاسَاتِ الرَّمَاحِ السَّلَامِ سَلَامِ بِرِ كَسِي كِه بِاِخُونِ جِرَاحَاتَشِ غَسْلِ دَادِهٖ شُدِ، سَلَامِ بِرِ كَسِي كِه بِاِ كَاسِهٖ هَايِ عَلَى الْمَضَامِ الْمُسْتَبَاحِ السَّلَامِ عَلَى الْمَنْحُورِ فِي الْوَرَى السَّلَامِ جِرَاحَاتَشِ آيَارِي شُدِ، سَلَامِ بِرِ كَسِي كِه خُونَشِ مَبَاحِ شُدِ، سَلَامِ بِرِ كَسِي كِه اَزِ عَلَى مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقَرْيِ السَّلَامِ عَلَى الْمَقْطُوعِ الْوَتِينِ السَّلَامِ عَلَى پِشْتِ سَرِ بَرِيْدِهٖ شُدِ، سَلَامِ بِرِ كَسِي كِه اُو رَا اِهْلِ رُوسْتَا دَفِنِ كَرْدِنْدِ، سَلَامِ بِرِ كَسِي كِه الْمَحَامِي بِلَا مُعِينِ السَّلَامِ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيْبِ السَّلَامِ عَلَى الْخَدِّ كِه رَكِّ قَلْبِشِ بَرِيْدِهٖ شُدِ، سَلَامِ بِرِ حَامِي بَدُونِ يَاوَرِ دِيْنِ، سَلَامِ بِرِ مَحَاسِنِ آغَشْتِهٖ بِهٖ خُونِ،

التَّيْبِ السَّلَامِ عَلَى الْيَدَنِ السَّلِيمِ السَّلَامِ عَلَى الشَّجَرِ الْمَقْرُوعِ سَلَامٌ بِرُكُونِهِ عَلَى خَاكِ الْوُدِّ، سَلَامٌ بِرُكُونِهِ عَلَى بَدَنِ الْبَرِيدِ الْبَرِيدِ، سَلَامٌ بِرُكُونِهِ عَلَى دَنَانِ هَيْ كَوْبِيدِهِ بِالْقَضِيْبِ السَّلَامِ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ السَّلَامِ عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ شَدَّةً بِأُجُوبِ، سَلَامٌ بِرُكُونِهِ عَلَى بَدَنِ الْبَلْدِ شَدَّةً بِرُكُونِهِ عَلَى الْبَرِيدِ، سَلَامٌ بِرُكُونِهِ عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ فِي الْوُدِّ تَنْهَشُهَا الذُّنُوبُ الْعَادِيَاتُ وَتَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّيَّاحُ كَمَا كَرَّكَ هَيْ دَرْنَدَةُ (۱) آن را به دندان گرفتند و درندگان خونخوار در میان آنها رفت الضاریات السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمَرْفُوفِينَ حَوْلَ وَآمَدُ كَرْدَنْدِ، سَلَامٌ بِرُكُونِهِ مَوْلَا وَ سُرُورِ مَنْ وَ بِرُكُونِهِ، كَمَا بَالُهَا رَا كَشُودَةُ وَ دَرُ قُبَّتِكَ الْحَافِينَ بِتُرْتِيكَ الطَّائِفِينَ بِعَرْصَتِكَ الْوَارِدِينَ لِزِيَارَتِكَ اطراف گنبدت حرکت می کنند و حریم تو را طواف می نمایند و برای زیارتت وارد می شوند. السَّلَامِ عَلَيْكَ فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ وَرَجَوْتُ الْفَوْزَ لَدَيْكَ سَلَامٌ بِرُكُونِهِ، مَنْ بِي شِيكَاهُ تُو آمَدَمُ وَ اَمِيدِوَارَمُ كَمَا دَرُ نَزْدُ تُو بِي مَوْفِقِيَّتِ بِرُكُونِهِ. السَّلَامِ عَلَيْكَ سَلَامَ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ الْمَخْلِصِ فِي وَ لَائِيَّتِكَ الْمُتَقَرَّبِ سَلَامٌ بِرُكُونِهِ، سَلَامٌ كَسِي كَمَا حَرَمْتُ تُو رَا مِي شَنَاسِدُ وَ دَرُ وَلايْتِ خَالِصِ شَدَّةً اسْتِ وَ بَا مَحَبَّتِ تُو بِي خُدَا

ص: ۱۶۶

۱- ۷۷. مقصود از آن لشکریان دشمن است، نه گرگ های واقعی؛ زیرا اجسام انبیاء و اولیا بر آنان حرام است.

إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ الْبَرِيءِ مِنْ أَعْدَائِكَ سَلَامٌ مَنْ قَلْبُهُ بِمُصَابِكَ مَقْرُوحٌ تَقَرَّبَ مِنْ جَوِيدٍ وَازِ دَشْمَنَانَتِ بِيْزَارِ اسْت. سَلَامُ كَسِي
كِه قَلْبِش دَر مَصِيْبَتِ تُو مَجْرُوحٍ وَ اَشْكَش بِه هَنْكَامٍ وَ دَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ سَلَامٌ الْمَفْجُوعِ الْخَزِيْنِ الْوَالِيهِ الْمُسْتَكِيْنِ يَادُ تُو
جَارِي اسْت. سَلَامُ دَاغْدَارِي كِه مَحْزُونٍ وَ دَلْدَادِه وَ بَرَجَايِ مَانْدِه اسْت. سَلَامُ كَسِي كِه اِكْر دَر سَلَامٍ مَنْ لَوْ كَانَتْ مَعَكَ بِالطُّفُوْفِ
لَوْكَ بِنَفْسِهِ حَيْدُ السُّيُوفِ وَ يَدَلْ مِيْدَانِ جَنْكٍ بَا تُو بُوْد، تُو رَا بَا سِپَرِ كَرْدَنِ خُوْدِ دَر بَرَابَرِ شَمَشِيْرَهَا مَحْفَظْتِ مِي كَرْدِ وَ جَانَش
رَا بَرَايِ حُشَاشَتَه دُونَكِ لِّلْحُتُوْفِ وَ جَاهِيْدِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ نَصِيْرِكَ عَلَيَّ مَنْ بَغِي تُو فِدَا مِي كَرْدِ وَ دَر مَقَابَلَتِ مَجَاهِدَتِ مِي نَمُوْدِ وَ
دَر بَرَابَرِ مَتَجَاوِزَانِ، تُو رَا يَارِي مِي كَرْدِ وَ جَانِ عَلَيَّكَ وَ فِدَاكَ بِرُوْحِهِ وَ جَسَدِهِ وَ مَالِهِ وَ وَلَدِهِ وَ رُوْحَهُ لِرُوْحِكَ فِدَاءً وَ جِسْمِ وَ مَالِ وَ
فِرْزَنْدِ رَا فِدَايِ تُو مِي كَرْدِ. آري رُوْحَش رَا فِدَايِ رُوْحَتِ، خَانُوَادِه اش رَا فِدَايِ خَانُوَادِه اتِ وَ اَهْلُهُ لَأَهْلِكَ وَ قَاءً فَلَيْنَ اَخْرَتْنِي
الدُّهُورُ وَ عَاقِبِي عَنْ نَصِيْرِكَ الْمَقْدُوْرُ مِي نَمُوْدِ. اِكْر رُوْزْكَارِ مَرَا بِه تَأْخِيْرِ اِنْدَاخْتِ وَ مَرَا اَزِ يَارِي دَر حَدِّ مَقْدُوْرٍ، مَحْرُومِ كَرْدِ. دَر
نَتِيْجِه نَتُوَانَسْتَمِ وَ لَمْ اَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا وَ لِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعِدَاوَةَ مُنَاصِبًا بَا دَشْمَنَانَتِ، دَشْمَنِي وَ بَا كَسَانِي كِه پَايِه كُذَارَانِ
خِصُوْمَتِ بَا تُو بُوْدَنْدِ، خِصُوْمَتِ نَمَايِمِ، دَر مَقَابِلِ صَبِيْحٍ فَلَانْدُبْنَكَ صَبِيْحًا وَ مَسَاءً وَ لَأَبْكِيْنَنَّ لَكَ بَدَلَ الدُّمُوْعِ دَمًا حَسِيْرَةً عَلَيَّكَ وَ
شَامِ بَرَايْتِ نَدْبِه وَ مَرْتِيْه مِي خُوَانِمِ وَ بِه جَايِ اَشْكَ، خُوْنِ حَسْرَتِ مِي كَرِيْمِ. حَسْرَتِ وَ تَاسْفِ بَرِ

وَتَأْسُفًا عَلَى مَا دَهَاكَ وَتَلَهُنَّ حَتَّى أُمُوتَ بِلَوْعِهِ الْمَصَابِ وَعُصْبِهِ الْاَكْتِيَابِ فَاجْعِهِ اِي كِه بَرَايَت رِخ دَاد و غَم و غَصَه تَا زَمَانِي كِه
از شَدَّت مَصِيْبَت تُو بَسُوْزَم و بِمِيْرَم. اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَآمَرْتِ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتِ شَهَادَتِ مِي دَهْم كِه:
تُو نَمَاز رَا بِه پَا دَاشْتِي و زَكَات رَا اِدَا كَرْدِي و اَمْر بِه مَعْرُوف عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْعُدْوَانِ وَاَطَعْتَ اللّٰهَ وَمَا عَصَيْتَهُ وَتَمَسَّكَتِ بِه وَبِحَبْلِهِ و
نَهِي اَز مَنكَر نَمُودِي و مَطِيْع خُدا بُودِي و مَعْصِيْتِش رَا نَكْرْدِي و بِه اُو و دَسْتَاوِيْزِش فَاَرْضَ يَتُّهُ وَخَشِيْتَهُ وَرَاقَبْتَهُ وَاَسْتَجَبْتَهُ وَسَنَنْتِ
الْحُسْنَ وَاَطْفَأْتَ الْفِتْنَ چَسِيْدِي. دَر نَتِيْجِه اُو رَا اَز خُود رَا ضِي كَرْدِي و تَر سِيْدِي و مَرَاقِب اِطَاعَتِش بُودِي وَدَعَوْتِ اِلَى الرَّشَادِ
وَأَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدَادِ وَجَاهِدْتِ فِي اللّٰهِ حَقَّ وَاوَامَرِش رَا اِجَابَتِ كَرْدِي و سَنَّتِ هَايِش رَا سَنَّتِ كَرْدِي و فَتْنِه هَا رَا خَاْمُوش
نَمُودِي الْجِهَادِ وَكُنْتِ لِلّٰهِ طَائِعًا وَّلِحْدِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَابِعًا و بِه سُوِي رِشْد و بَالِنْدَكِي هِدَايَتِ كَرْدِه و رَا هَاي
پَايْدَارِي رَا رُوشَن و دَر مَسِيْر اُو وَّلِقَوْلِ اَيِّكَ سَامِعًا وَاِلَى وَصِيَّتِهِ اَخِيْكَ مُسَارِعًا وَّلِعِمَادِ الدِّيْنِ رَافِعًا جِهَادِ نَمُودِي. مَطِيْع خُدا و
پِيْر و جِدَّت و تَابِعِ پَدْرَت و عَمَل كُنْنْدِه بِه وَصِيْتِ بَرَادْرَتِ وَّلِلطُّغْيَانِ قَامِعًا وَّلِلطُّغَاهِ مُقَارِعًا وَّلِللَّامَةِ نَاصِحًا وَفِي غَمْرَاتِ الْمَوْتِ و
بَلَنْد كُنْنْدِه سَتُوْنِ هَايِ دِيْنِ و قَلْع و قَمْع كُنْنْدِه طَغْيَانِ كُنْنْدِگَانِ و دَر هَم كُوبَنْدِه

سَابِحاً وَلِلْفَسَاقِ مُكَافِحاً وَبِحَجِّجِ اللَّهِ قَائِماً وَلِلْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ سِرْكَشَانٍ وَخَيْرِ خَوَاهِ أُمَّتٍ وَشَنَاوَرٍ دَرِ تَنَكُّنَايِ مَرْكَ وَمَجَازَاتٍ كُنْدَه فَاَسْقَانِ رَاحِماً وَوَلِلْحَقِّ نَاصِراً وَعِنْدَ الْبَلَاءِ صَابِراً وَلِلدِّينِ كَالِئْتِماً وَعَنْ حَوْزَتِهِ وَقِيَامِ كُنْدَه بَا اِدْلَه الهِي وَ دِلْسُوْزِ بَرَايِ اِسْلَامِ وَ مُسْلِمَانَانِ وَ يَارِيْگَرِ حَقِّ وَ صَبُوْرِ دَرِ بِلَا مُرَامِيَا تَحُوْطُ الْهُدَى وَتَنْصِيْرُهُ وَتَبْسُطُ الْعَدْلَ وَتَنْشُرُهُ وَتَنْصُرُ الدِّيْنَ وَ يَاوَرِ دِيْنِ وَ مَحَافِظَتِ كُنْدَه اَزِ مَحْدُوْده اَنِّ وَ يَارِيْگَرِ هِدَايَتِ وَ گَسْتَرَشِ دهنده وَتُظْهِرُهُ وَتَكْفُ الْعَايِبَ وَتَرْجُرُهُ وَتَأْخُذُ لِّلدِّيْنِ مِنَ الشَّرِيْفِ وَتُسَاوِيْ عِدَالَتِ وَ پَشْتِيْبَانِ دِيْنِ وَ نَهِيْ كُنْدَه اَزِ بِيْهُوْدِگِيْ هَا وَ جَلُوْگِيْرِ اَزِ پَسْتِيْ هَا دَرِ فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيْ وَالضَّعِيْفِ كُنْتِ رَيِيْعَ الْاَيْتَامِ وَعَضِيْمَهَ الْاَنَامِ تَعْرِضُ بَه شَرِيْفِ هَا وَ عَادِلِ دَرِ حَكْمِ مِيَانِ قَوِيْ وَ ضَعِيْفِ. تُو پناه يَتِيْمِ هَا وَ نَكْهَدَارِ وَعَزَّ الْاِسْلَامِ وَ مَعْدِنَ الْاَحْكَامِ وَ حَلِيْفَ الْاَنْعَامِ سَالِكاً طَرَائِقَ جَدِّكَ اِنْسَانِ هَا وَ عَزَّتِ اِسْلَامِ وَ مَعْدِنِ اِحْكَامِ وَ مَهْمَانِ نَوَازِ، اِدَامَه دهنده رَاهِ جَدِّ وَ پَدْرَتِ، وَ اَيِّيْكَ مُشَبَّهاً فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيْكَ وَفِي الدَّمِ رَضِيَّةِ الشُّيْمِ ظَاهِرَ عَمَلِ كُنْدَه بَه وَصِيَّتِ بَرَادَرِ، خُوْشِ عَهْدِ، خُوْشِ رِفْتَارِ، بَزْرِگُوَارِ، شَبِ زَنْدِه دَارِ، الْكِرْمِ مُتَهَجِّداً فِي الظُّلْمِ قَوِيْمِ الطَّرَائِقِ كَرِيْمِ الْخَلَائِقِ عَظِيْمِ السَّوَابِقِ سَالِكِ رَاهِ هَايِ مَطْمُنِ، بَخْشَنْدِه بَه بَنْدِگَانِ خُدَا، سَابِقِه دَارِ بَزْرِگِ، بَا نَسَبِ شَرِيْفِ،

شَرِيفَ النَّسَبِ مُيَيْفَ الْحَسَبِ رَفِيعَ الرَّتَبِ كَثِيرَ الْمَنَاقِبِ مَحْمُودَ بَلَدِ مَرْتَبِهِ، صَاحِبَ فِضَائِلِ فِرَاوَانَ، نِيكَ سِرْشَتِ، بَسِيَّارَ بَخْشَنَدِهِ، بَرْدِبَارَ، جَوَانْمَرْدَ، الضَّرَائِبِ جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ حَلِيمَ رَشِيدَ مُنِيبَ جَوَادٍ عَلِيمَ شَدِيدَ إِمَامَ نِيكَ رِفْتَارَ، بَخْشَنَدِهِ دَانَايَ مُسْتَحْكَمَ، اِمَامَ شَهِيدَ مُتَضَرِّعَ، اِنَابَهُ كَنَنَدِهِ وَدُوسْتَ شَهِيدَ أَوَاهُ مُنِيبَ حَبِيبَ مَهِيْبَ كُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلَدًا بِأَهِيْبَتِ. تُوْ بَرَايَ رَسُوْلِ خَدَا، فِرْزَنَدِ وَ بَرَايَ قُرْآنِ، تَاْبِعِ وَ بَرَايَ اِمْتِ، بَاْزُوْ بُوْدِي. وَلِلْقُرْآنِ مُنْقَدًا وَلِللَّامَةِ

قسمت دوم

عَضُدًا وَفِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا حَافِظًا لِلْعَهْدِ فِي اطِّاعَةِ خَدَا تَلَاشْكَرِي مَرَاقِبِ وَ دَرِ وَعَدِهِ وَ يِيْمَانَ عَمَلِ كَنَنَدِهِ. تُو اِهْلِ رُكُوعِ وَالْمِشَاقِ نَاكِبًا عَنِ سُبُلِ الْفُسَاقِ وَبَاذِلًا- لِلْمَجْهُودِ طَوِيلَ الرُّكُوعِ وَ سَجْدِهِ هَايَ طَوْلَانِي بُوْدِي، دَرِ دُنْيَا مَانَنَدِ كَسِي كِه بِه زُوْدِي عُبُورِ مِي كَنَدِ، وَالسُّجُودِ زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهَيْدَ الرَّاحِلِ عَنْهَا نَاظِرًا إِلَيْهَا بَعِيْنَ زَهْدِ مِي وَرْزِيْدِي، اَزِ اَنْ وَحْشَتِ دَاشْتِي، بَرَايِ اَنْ اَرْزُوْبِي نَدَاشْتِي وَ بَرَايِ تَرْزِيْنِ الْمُسْتَوْحِشِّينَ مِنْهَا اَمَالِكُ عَنْهَا مَكْفُوفَةٌ وَهَمَّتُكَ عَنْ زِيْتِيْهَا مَصِيْرُوفَةٌ اَنْ تَلَاشِ نَمِي كَرْدِي وَ چَشْمَانَتِ اَزِ خُوْشِي هَايِ اَنْ بَسْتِه شَدِه وَ عِلَاقَه اَتِ بَرَايِ وَ اِلْحَاظُكَ عَنْ بَهْجَتِيْهَا مَطْرُوفَةٌ وَرَغْبَتُكَ فِي الْاٰخِرَةِ مَعْرُوفَةٌ حَتَّى اِذَا اٰخِرَتِ مَعْرُوفِ اسْتِ. حَتَّى زَمَانِي كِه ظَلَمِ دَسْتَشِ رَا كَشُودِ وَ نِيْزِه اَشِ رَا بَرَهْنِه كَرْدِ

الْجَوْرُ مِذَّبًا عَنْهُ وَأَسْفَرُ الظُّلْمِ قِنَاعُهُ وَدَعَا النُّعْيُ أَتْبَاعَهُ وَأَنْتَ فِي حَرَمٍ وَ يَارَانِشَ رَا جَمْعَ كَرْدِ، تو در حرم جدت نشسته بودی و از آنها فاصله گرفته جدت قاطن و للظالمين مباین جلیس البیت و المخراب معتزل عن بودی. در محراب از لذت ها و شهوات دنیا کناره گرفته بودی. منکر را با قلب اللذات و الشهوات تنکر المنکر بقلبک و لسانک علی حسب طاقتک و زبانت، در حد توانت، نهی می کردی. بعد از آن علم، باعث انکار شد و واجب شد و امکانک ثم اقتضاک العلم للانکار و لزمک أن تجاهد الفجار فبزت که با ظالمان جهاد کنی. در نزد خانواده و شیعیان و دوستان رفتی و ظالمان را فی اولمادک و اهالیک و شیعیتک و موالیک و صیدعت بالحق و البینه با حکمت و موعظه نیکو، به سوی خدا دعوت کردی و از آنها خواستی تا ودعوت إلی الله بالحکمه و الموعظه الحسنه و أمرت بإقامه الحُدود احکامت را عملی کنند و از معبودشان تبعیت نمایند و از بدی ها و الطاعة للمعبود و نهیت عن الخبائث و الطغیان و واجهوک بالظلم و طغیانگری نهی کردی. آنها در مقابل با ظلم و دشمنی با تو روبرو شدند. و العدوان فجاهدتهم بعد الایعاز لهم و تأکید الحجه علیهم. در نهایت نیز بعد از موعظه و اتمام حجت با آنها جنگیدی.

فَنَكثُوا ذِمَامَكَ وَبَيَعَتَكَ وَأَسِيخَطُوا رَبَّكَ وَحَدَّكَ وَيَدُوكَ بِالْحَرْبِ أَنَانَ پیمان و بیعت خود را شکسته و خدا و جدت را به غضب آورده فُتِبَتْ لِلطَّغْنِ وَالضَّرْبِ وَطَحَنْتَ جُنُودَ الْفَجَّارِ وَاقْتَحَمْتَ قَسِيْلَ الْعُبَّارِ و جنگ را شروع کردند. تو نیز ضربات خود را آغاز کردی و سربازان دشمن را مُجَالِدًا بِجُدَى الْفَقَّارِ كَأَنَّكَ عَلَيَّ الْمُخْتَارُ فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابَتَ الْجَاشِ عَيْرٍ در هم کوبیدی و با ذوالفقار در گرد و غبار فرو رفتی گویا تو علی بر گزیده هستی! خَائِفٍ وَلَا خَاشٍ نَصِيْبُوا لَكَ غَوَائِلَ مَكْرِهِمْ وَقَاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَشَرَّهِمْ زمانی که ثبات قدم و بی باکی تو را دیدند، از در مکر و خدعه وارد شدند وَأَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ فَمَنْعُوكَ الْمَاءَ وَوَرُودَهُ وَنَاجَزُوكَ الْفُتَالُ وَعَاجِلُوكَ و با مکر جنگیدند. آن ملعون دستور داد تا راه فرات را ببندند و برای زمین گیر کردن النَّزَالُ وَرَشَقُوكَ بِالسَّهَامِ وَالتَّبَالِ وَبَسَّطُوا إِلَيْكَ الْأَصْطِلَامَ تو از هیچ اقدامی کوتاهی نکردند و تیرها را به سویت روانه ساخته و دست تعرّض وَلَمْ يَزْعُوا لَكَ ذِمَامًا وَلَا رَاقِبُوا فِيكَ أَنَامًا فِي قَتْلِهِمْ أَوْلِيَاءَكَ وَنَهَبِهِمْ به حریمت گشودند و هیچ حرمت و حریمی را محترم ندانستند چه در کشتن نزدیکان رِحَالِكَ وَأَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي الْهَبَوَاتِ وَمُحْتَمِلٌ لِلْأَذْيَاتِ قَدْ عَجِبْتُ مِنْ وَبِه غارت بردن دار و ندارت. آری تو در گرد و غبار فرو رفتی و اذیت ها را

صَبْرِكَ مَلَأَتْكَ السَّمَاوَاتُ فَأَحِيدُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ وَأَثْنُوكَ تَحَمَّلَ نَمُودِي تَا جَائِي كَه مَلَأَتْكَ آسْمَان هَا از صَبْر تُو بَه شَكْفَت آمَدَنَد. تَا اَيْن كَه بِالْجِرَاحِ وَحَالُوا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الرِّوَاحِ وَلَمْ يَبْقَ لَكَ نَاصِرٌ وَأَنْتَ مُحْتَسِبٌ أَنهَا از هَر سُو مَتَوَجَّه تُو شَدَنَد وَ جِرَاحَت هَاي زِيَادِي وَارَد كَرَدَنَد وَ تَمَام رَاه هَاي رَهَائِي رَا صَيَابِرٌ تَذُبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ وَأَوْلَادِكَ حَتَّى نَكْسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ فَهَوَيْتَ بَر تُو بَسْتَنَد وَ يَاوَرِي بَرَايَت نَكْذَاشْتَنَد. تُو بَر هَمَه اَيْنهَا صَبْر كَرَدِي. تُو أَنهَا رَا از خَانَوَادَه إِلَى الْأَرْضِ جَرِيحاً تَطَّوَكُ الْخَيُْولُ بِحَوَافِرِهَا أَوْ تَغْلُوكَ الطُّغَاةُ خُود مِي رَانَدِي تَا اَيْن كَه تُو رَا بَا تَن زَخْمِي از اَسْبَت بَه زَمِين اِنْدَاخْتَنَد وَ اَسْب هَا بَا سَم هَايشَان بَبَوَاتِرِهَا قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ وَاخْتَلَفَتْ بِالْإِنْقِبَاضِ وَالْإِنْسَابِ تُو رَا زِير پَاي خُود كُوبِيدَنَد وَ فَاَسْقَان بِي مَقْدَار بَر بَالَاي سَرَت ايسْتَاَدَنَد. پيشَانِيَت بَرَاي شِهْمَالِكُ وَيَمِينُكَ تُدِيرُ طَرْفًا خَفِيًّا إِلَى رَحْلِكَ وَبَيْتِكَ وَقَدْ شُغِلْتَ مَرَكَّ عَرَق كَرَدَه بُوَد وَ رَاسْت وَ چَپ تَنَت از شَدَّت دَرَد مَنقَبُضِ وَ مَنبَسُطِ مِي شَد. بَه آرَامِي چَشْمَانَت بِنَفْسِكَ عَنْ وُلْدِكَ وَأَهَائِكَ وَأَسْرَعَ فَرَسِيكَ شَارِدًا إِلَى خِيَامِكَ قَاصِدًا رَا بَه سَمَت خِيمَه گَاه وَ خَانَدَانَت چَرخَانَدِي؛ زِيرَا نَكْرَانِشَان بُوَدِي. اَسْبَت بَا سَرَعَت بَه مُحْمَجَمًا بَاكِيًا فَلَمَّا رَأَيْنِ النِّسَاءَ جَوَادَكَ مَخْزِيًا وَنَظَرْنَ سَرْجَكَ عَلَيْهِ سَوِي خِيمَه گَاه بَرگَشَت. شِيَهه مِي كَشِيد وَ گَرِيه مِي كَرَد! زَمَانِي كَه زَنَان

حرم اسبت

ص: ۱۷۳

مَلُوءِيًّا بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ لَاطِمَاتٍ رَا پَرِيشَانَ وَ زَيْنَ آن رَا خَالِيً از تو دیدند، از خیمه ها بیرون ریختند. موهایشان را لِلْوُجُوهِ سَافِرَاتٍ وَبِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتٍ وَبَعِيدِ الْعِزِّ مُدَلَّلَاتٍ وَإِلَى مَضِرَعِكَ پَرِيشَانَ كَرْدَه وَ بَر صُورَتَشَانَ زَدَنَد. نِقَابِ از چهره هایشان انداخته و فریاد و اوایلا مَبَادِرَاتٍ وَالشَّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ وَمَوْلُغٌ سَيْفُهُ عَلَى نَحْرِكَ قَابِضٌ سر دادند. آری بعد از عَزَّتْ به ذلت افتادند و به سمت گودال قتلگاه می دویدند. عَلَى شَيْتِكَ بِيَدِهِ ذَابِحٌ لَكَ بِمُهَنْدِهِ قَدْ سَكَنْتُ حَوَاشِكَ وَخَفِيَتْ أَنْفَاسُكَ شَمْرٌ بَر رُوي سِينَه ات نَشِستَه بُوَد وَ شَمشِيرِش رَا بَه كَلُوي مَبَارَكَتِ مِي كَشِيد وَ بَا دَسْتِي وَرُفِعَ عَلَى الْقَنَاهِ رَأْسُكَ وَسَبِي أَهْلِكَ كَالْعَبِيدِ وَصَفُّدُوا فِي الْحَدِيدِ مَحَاسِنْتَ رَا كَرَفْتَه بُوَد وَ سَرَتِ رَا مِي بَرِيد. تمام حواست از كار افتاد و نفس هایت آرام شد فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيَّاتِ تَلْفَحُ وَجُوهَهُمْ حُرُّ الْهَاجِرَاتِ يُسَاقُونَ فِي وَ سَرَتِ بَرِ بَالَايِ نِيْزَه هَا رَفْتَه وَ خَانَدَانَتِ مَانَدِ بَرْدگان بَه اسيری برده شدند. آنها را بَر رُوي الْجَرَارِي وَالْفَلَاوَاتِ أَيْدِيَهُمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ يُطَافُ بِهِمْ فِي جِهَازِ شَتْرَانِ بَه زنجيرهای آهنين بستند. گرمای سوزان صورتشان را می سوزاند و در بیابان ها الْأَسْوَاقِ فَالْوَيْلُ لِلْعَصَاهِ الْفَسَاقِ. لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ وَعَطَّلُوا حَرَكَتِ دَادَه مِي شَدَنَد. دستانشان را بَه كَرْدَنِ بَسْتَه بُوَدَنَد وَ دَر كُوجَه وَ بَا زَارِ حَرَكَتِ مِي دَادَنَد.

الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ وَنَقَضُوا الشَّنَنَ وَالْأَحْكَامَ وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ وَآيَ بَرِ عَصِيانِ كِرَانَ فَاسِقٍ. أَنهٗا بَا قَتْلِ تُو اسْلَامِ رَا كَشْتَنْدِ وَ نِمَازِ وَ رُوْزِهٖ رَا تَعْطِيلِ كَرْدِهٖ وَ حَرَّفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَ هَمَلُوا فِي الْبُغْيِ وَالْعُدْوَانِ لَقَدْ أَضَيَحَ وَ سَنَّتْ هَا وَ احْكَامِ الهِي رَا پَايْمَالِ وَ پَايِهٖ هَايِ اِيْمَانِ رَا مِنْهَدَمِ وَ مَحْتَوَايِ آيَاتِ قُرْآنِ رَا رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْتُورًا وَ عَادَ كِتَابُ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ تَحْرِيفِ وَ دَرِ سْتَمِ وَ دَشْمَنِ شَمَا تَاخْتَنْدِ. تَا اِيْنِ كِهٖ كَارِ بِهٖ جَايِي رَسِيْدِ كِهٖ رَسُوْلُ خِدا تَنْهَا مَهْجُوْرًا وَ غُوْدِرَ الْحَقُّ إِذْ قَهْرَتْ مَقْهُورًا وَ فُقِدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيْرُ وَ التَّهْلِيْلُ مَانْدِ وَ كِتَابِ خِدا فَرَامُوشِ شَدْ وَ حَقِّ وَ حَقِيْقَتِ بَا مَكْرِ وَ فَرِيْبِ مَنْزُوِيْ كَرْدِيْدِ. بَا فُقْدَانِ تُو، وَ التَّحْرِيْمُ وَ التَّحْلِيْلُ وَ التَّنْزِيْلُ وَ التَّأْوِيْلُ وَ ظَهَرَ بِعَيْدِكَ التَّغْيِيْرُ وَ التَّبْيِيْدُ اللهُ الْاَكْبَرُ وَ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ حَلَالِ وَ حَرَامِ وَ تَفْسِيْرِ وَ تَأْوِيْلِ قُرْآنِ، اَزِ يَادِهَا رَفْتِ وَ بَعْدِ اَزِ تُو تَغْيِيْرِ وَ الْاِلْحَادُ وَ التَّعْطِيْلُ وَ الْاَهْوَاءُ وَ الْاَضَالِيْلُ وَ الْفِتْنُ وَ الْاَبَاطِيْلُ فَقَامَ نَاعِيْكَ وَ تَبَدَّلَ وَ شَرَكُ وَ تَعْطِيْلِيْ احْكَامِ وَ هَوَاهَا وَ كَمْرَاهِيْ هَا وَ فْتَنَهَا وَ بَاطِلِ هَا اَشْكَارِ شَدْ. عِنْدَ قَبْرِ حَيْدِكَ الرَّسُوْلِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَنَعَاكَ اِلَيْهِ بِالذَّمِّعِ الْهَطُوْلِ پِيْكَ مَرْكَ دَرِ كِنَارِ قَبْرِ رَسُوْلِ خِدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اِيْسْتَادِ وَ بَا اَشْكَ رِيْزَانِ كَفْتِ: اِيْ رَسُوْلُ خِدا قَائِلًا يَا رَسُوْلَ اللهِ قَتَلَ سَبَطُكَ وَ فَتَاكَ وَ اسْتَبِيْحَ اَهْلُكَ وَ حَمَاكَ وَ سَبِيْتِ

بَعْدَكَ ذَرَارِيكَ وَوَقَعَ الْمُخِيدُورُ بِعَثْرَتِكَ وَذَوِيكَ فَانزَعِيحِ الرَّسُولُ وَبَكَى بِه اسيرى گرفته شدند و اتفاقات ناگوار بر خاندانت واقع شد. رسول خدا صلى الله عليه وآله قلبه المهول وعزاه بعك الملائكه والانبياء وفجعت بك أمك الزهراء با شنیدن اين خبر پريشان شده و دل شكسته اش، گريه كرد و ملائكه و انبياء به او واختلف جنود الملائكه المقربين تعزى أباك أمير المؤمنين وأقيمت لك تسليت گفتند و مادرت زهرا به سوگ نشست. دسته های ملائكه مقرب خدا به تعزيت پدريت الماتم فى أعلى عليين ولطمت عليك الحور العين وبكت السماء امير المؤمنين رفتند و ماتم و عزا در أعلى عليين برايت گرفته شد. حورالعين بر صورتشان وسكانها والجنان وخرانها والهضاب وأقطارها والبحار وحيثانها زدند و آسمان و بهشت و مأموران آن و كوه ها و كوهپايه ها و درياها و ماهى آنها و بهشت والجنان وولمدانها والبيت والمقام والمشعر الحرام والحل والاحرام. و جوانان آن و كعبه و مقام ابراهيم و مشعر الحرام و حل و حرم همه و همه برايت گريه كردند. اللهم فبحزمه هذا المكان المنيف صل على محمد وآل محمد خدایا، به حرمت اين مكان رفيع بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا در واحشرونى فى زمريهم وأدخلنى الجنة بشفاعتهم اللهم انى زمره ايشان محشور كرده و با شفاعتشان وارد بهشت كن. خدایا، اى سريع ترين

أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يَا أَسِيرَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَيَا أَحْكَمَ حَسَابِرِسٍ وَ أَي بزرگوارترین بزرگواران و ای حکم کننده ترین حکم کنندگان، الْحَاكِمِينَ بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ رَسُولِكَ إِلَى الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ بِهِ واسطه محمد كه پايان بخش انبياء و فرستاده تو به سوى تمام عالميان و بِأَخِيهِ وَإِنَّ عَمَّهُ الْمَأْنُوعِ الْبَطِينِ الْعَالِمِ الْمَكِينِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ است و برادر و پسرعمویش، آن پیشانی بلند خوش اندام، آن عالم مقتدر و بِفَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِالْحَسَنِ الزَّكِيِّ عَضِمَةِ الْمُتَّقِينَ وَبِأَبِي عَلِيٍّ امير مؤمنان و فاطمه سرور زنان عالم و حسن پاک و پناهگاه متقين عَبْدَ اللَّهِ الْحُسَيْنِ أَكْرَمِ الْمُسْتَشْهِدِينَ وَبِأَوْلَادِهِ الْمُقْتُولِينَ وَبِعْتَرْتِهِ وَابْعَدَ اللَّهُ الْحُسَيْنِ، گرامی ترین شهدا و فرزندان شهید و به خاندان مظلومش الْمَظْلُومِينَ وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَبْلَهُ و علی بن الحسین زیور عابدان و محمد بن علی، محل توجه توبه کنندگان الْأَوَّابِينَ وَجَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ أَصْدَقِ الصَّادِقِينَ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ مُظْهِرٍ وَجَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَاسِتْگوتَرین رَاسِتْگویان و موسی بن جعفر، آشکار کننده الْبَرَاهِينَ وَعَلِيٍّ بْنِ مُوسَى نَاصِرِ الدِّينِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قُدَّوَهُ ادله و علی بن موسی، یاری گر دین و محمد بن علی، مقتدای هدایت یافتگان

الْمُهْتَدِينَ وَعَلِيَّ بَيْنَ مُحَمَّدٍ أَزْهَدِ الزَّاهِدِينَ وَالْحَسَنِ بَيْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنِ مُحَمَّدٍ، زَاهِدْتَرِينَ زَاهِدَانَ وَحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، وَارِثَ جَانَشِينَانَ قَبْلِي وَارِثِ الْمُسَدِّ تَخْلَفِينَ وَالْحُجَّهِ عَلَيَّ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ وَ مُحَمَّدَ بْنَ حَسَنٍ، حَجَّتْ خُدا بِرِ تَمَامِ مَخْلُوقَاتِ، بِه تُو مَتَوَسَّلِ مِي شُومِ تَا بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِينَ آلِ طَهٍ وَيسَ وَأَنْ تَجْعَلَنِي مُحَمَّدٍ وَ خَانِدَانَ رَاسِتْكَو وَ نِيكَشِ، آلِ طَاهَا وَ ياسينِ دَرُودِ فَرَسْتِي وَ مَرَا فِي الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمِينِ الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ دَرِ قِيَامَتِ از امانِ يافتگانِ آسُودِ خَاطِرِ وَ نِجَاتِ يافتگانِ شادمانِ قَرارِ دَهِ. اللَّهُمَّ اكْتُبْنِي فِي الْمُسْلِمِينَ وَالْحَقَنِي بِالصَّالِحِينَ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ خُدايَا، مَرَا ازِ مُسْلِمَانَانَ بَنُويَسَ وَ بِه صَالِحِينَ مَلْحَقِ كَرْدِ وَ بِرَايِمِ زَبَانِي صِدْقٍ فِي الْمَآخِرِينَ وَأَنْصُرْنِي عَلَيَّ الْبَاغِينَ وَ اكْفِنِي كَيْدَ الْحَاسِدِينَ رَاسِتْكَو دَرِ اُمَّتِ آخِرِينَ قَرارِ بَدِ وَ مَرَا دَرِ مَقَابِلِ ظَالِمَانَ يَارِي وَ ازِ مَكْرِ وَ اصْرَفْ عَنِّي مَكْرَ الْمَاكِرِينَ وَ اقْبِضْ عَنِّي أَيْدِيَ الظَّالِمِينَ وَ اجْمَعْ حُسُودَانَ امانِ بَدِ وَ دَسْتَانَ ظَلَمِ رَا ازِ مَنْ بَاذِرِ وَ مَرَا بِا سُرُورَانَ بَزْرْكَوارِمِ بَيْنِي وَ بَيْنَ السَّادَةِ الْمَيَامِينَ فِي أَعْلَى عَلِّيِّينَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ دَرِ أَعْلَى عَلِّيِّينَ هَمْرَا بِا كَسَانِي كِه نَعْمَتِ بَخْشِيدِي اَعْمِ ازِ انبياءِ وَ صَدِيقِينَ

مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و شهدا و صالحین، قرار بده به واسطه رحمت ای
مهربان ترین مهربانان. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اُقْسِمُ عَلَيْكَ بِنَبِيِّكَ الْمَعْصُومِ وَبِحُكْمِكَ الْمُحْتَمِ وَنَهْيِكَ خَدَايَا، تو را به پیامبر معصوم از گناه
و حکم حتمی و نهی پنهانت و به المکتوم و بهذا القبر الملموم الموسد فی کنفه الامام المعصوم این قبر پر از دردی که امام
معصوم و شهید مظلوم در آن خفته است، قسم المقتول المظلوم ان تکشف ما بی من الغوم و تصرف عنی شر می دهم که تمام
گرفتاری هایم را برطرف کرده و شرّ تقدیرات حتمی را از القدر المحتوم و تجیرنی من النار ذات السوم اللهم جلّنی بنعمتک
من بازداری و از آتش سوزان امان دهی. خدایا، مرا با نعمت هایت تجلیل و رضنی بقسیمک و تغمدنی بحدک و کرمک
و باعدنی من مکرمک و نقیمتک. و به قسمت راضی و در احسانت غوطه ور و از مکر و انتقامت دور کن. اللهم اغصم منی من
الزلزل و سیددنی فی القول و العمل و افسح لی فی خدایا، از لغزش نگه دار و در سخن و رفتار محکم و زمان مرگم را به تأخیر
مده الاجل و اغفنی من الؤجاع و العلل و بلغنی بموالی و بفضلک بینداز و از بیماری ها عافیت داده و به واسطه فضل و کرمت مرا
به سروران

أَفْضَلَ الْأَمَلِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْبَلْ تَوْبَتِي وَارْحَمْ بَرَسَانَ. خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و توبه ام را بپذیر و بر عیبرت و اقلنی عثرتی و نفس کزبتی و اغفر لی خطیبتی و اذیلح لی اشک دیدگانم ترحم کرده و از لغزش حفظم کن و از سر خطاهایم بگذر فی ذریبتی. اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي فِي هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ وَالْمَحَلِّ الْمُكْرَمِ وَنَسَلِمَ رَا اَصْلَاحَ كُن. خدایا، مبادا در این قتلگاه با عظمت و محل محترم گناهی را ذنباً إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا عَيْباً إِلَّا سَتَرْتَهُ وَلَا غَمّاً إِلَّا كَشَفْتَهُ وَلَا رِزْقاً إِلَّا نَبَخَشَيْدَهُ عَيْبِي رَا نَبُوشَيْدَهُ وَ غَمِي رَا اَز بَيْن نَرَفْتَهُ وَ رَزْقِي رَا كَسْتَرَش نِيَا فْتَهُ وَلَا جَاهاً إِلَّا عَمَرْتَهُ وَلَا فَسَاداً إِلَّا أَصْلَحْتَهُ وَلَا أَمَلاً إِلَّا بَلَّغْتَهُ وَ جَاهِي رَا آبَاد نَشْدَهُ وَ فَسَادِي رَا اَصْلَاحَ نَشْدَهُ وَ آرزویی رَا نَرَسَيْدَهُ وَ دَعَائِي رَا وَلَا دُعَاءَ إِلَّا أَجَبْتَهُ وَلَا مُضَيِّقاً إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا شَمَلاً إِلَّا جَمَعْتَهُ وَلَا أَمراً اجابت نشده و تنگنایی رَا باز نکرده و پراکندگی رَا جمع نکرده و کاری رَا تمام نشده إِلَّا أَتَمَمْتَهُ وَلَا مَالاً إِلَّا كَثَرْتَهُ وَلَا خُلُقاً إِلَّا حَسَّنْتَهُ وَلَا اِنْفَاقاً إِلَّا أَخْلَفْتَهُ وَ مَالِي رَا اَفْرَاش نِيَا فْتَهُ وَ خَلْقِي رَا نِيكُو نَشْدَهُ وَ اِنْفَاقِي رَا جَايَكزِين نَشْدَهُ وَلَا حَالاً إِلَّا عَمَرْتَهُ وَلَا حَسُوداً إِلَّا قَمَعْتَهُ وَلَا عَيْدَواً إِلَّا أَرْدَيْتَهُ وَ حَالِي رَا نِيكُو نکرده و حسود و دشمنی رَا هلاک نکرده و شری رَا مانع نشده

وَلَا شَرًّا إِلَّا كَفَيْتَهُ وَلَا مَرَضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا بَعِيدًا إِلَّا أَدْنَيْتَهُ وَلَا شَعْنًا إِلَّا وَرَضْتَهُ وَلَا نَزْدِيكَ نَكْرَةً وَلَا خَوَاسِثَ إِلَّا كَفَيْتَهُ وَلَا مَمْتَةً وَلَا سَوْأًا إِلَّا أَعْطَيْتَهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعَاجِلِهِ وَثَوَابَ الْآجِلِهِ رَهَا كُنِي. خدایا، بهترین خیرات دنیا و ثواب آخرت را درخواست می کنم. اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِحِلَالِكَ عَنِ الْحَرَامِ وَبِفَضْلِكَ عَنْ جَمِيعِ الْأَنْبَامِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَقَلْبًا خَاشِعًا وَيَقِينًا شَافِيًا وَعَمَلًا زَاكِيًا وَصَبْرًا جَمِيلًا وَأَجْرًا جَزِيلًا.

و اجر فراوان درخواست می کنم.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَزِدْ فِي إِحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ خدایا، شکر نعمت هایت را روزیم گردان و بر احسان و کرمت اضافه کن إِلَيَّ وَاجْعَلْ قَوْلِي فِي النَّاسِ مَسْمُوعًا وَعَمَلِي عِنْدَكَ مَرْفُوعًا وَسَخْنَمِ رَا دَر مِیَان مَرْدَمِ اطاعت شده و عملم را نزد خودت مقبول و اثری فِي الْخَيْرَاتِ مَثْبُوعًا وَعِدْوِي مَقْمُوعًا. اللَّهُمَّ صِلْ وَرُوشَمِ رَا دَر خِیْرَاتِ مَوْرِدِ تَبْعِیْتِ وَدَشْمَنَمِ رَا هَلَاكِ كُن. خدایا،

ص: ۱۸۱

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَخْيَارِ فِي آتَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ بِرِجَالِهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَجْزَائِهِمْ كَالْحِجَابِ وَإِنَّهُمْ فِي ذَلِكَ لَعِندَ رَبِّكَ لَعَلَّافٌ

وَأَكْفِينِي شَرَّ الْأَشْرَارِ وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالْمَأْوَزِ وَأَجْزِنِي فِرْسَتِ وَازِ شَرِّ الْأَشْرَارِ حَفْظَ كَرْدِه و از گناهان پاک و از آتش من النَّارِ وَأَحِلَّنِي دَارَ الْقَرَارِ وَاعْفِرْ لِي وَلِجَمِيعِ إِخْوَانِي فِيكَ امانم بده و در وادی آرامش واردم کن و مرا و تمام برادران و خواهران وَأَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. مؤمن و مؤمنه ام را با رحمت واسعه خود ببخش. ای مهربان ترین. سپس به سوی قبله بایست و دو رکعت نماز بخوان. به این ترتیب که در رکعت اول بعد از حمد سوره انبیاء و در رکعت دوم بعد از حمد سوره حشر را بخوان و در رکعت دوم قنوت گرفته و این دعا را بخوان:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ هَيْجِ خَدَائِي جَزْ مَعْبُودِ بَرْدَبَارِ وَ بَزْرْگوارِ نِست. هِیجِ مَعْبُودِي جَزْ مَعْبُودِ وَالْا وَ بَا عَظْمَتِ نِست. رَبُّ السَّمَاوَاتِ

قسمت سوم

السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ خِلَافًا هَيْجِ مَعْبُودِي جَزْ پَروردگارِ آسَمانِ هِی هِفتگانه و زمینِ هِی هِفتگانه و آنچه که در آنها و میانِ لَأَعِدَّائِهِ وَتَكْذِيبًا لِمَنْ عَدَلَ بِهِ وَإِقْرَارًا لِرُبُوبِيَّتِهِ وَخُضُوعًا لِعِزَّتِهِ الْأَوَّلُ أَنهاست، نِست. این اعتقادم بر خلاف دشمنان و تکذیب کسانی است که از او عدول کردند و به

بَغَيْرِ أَوَّلٍ وَالْآخِرِ إِلَى غَيْرِ آخِرٍ الظَّاهِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ ۚ بِقُدْرَتِهِ الْبَاطِنُ خَاطِرُ اقْرَارِ بِهِ رُبُوبِيَّتِهِ وَخُضُوعِ فِيهِ عِزَّتِهِ مِثْلَ مَا بَدَأَ بِهَا خَلْقَ الْوَسْوَاسِ الْأَشْرَارِ وَتَدْرِكُ بِرِجَالِهِ أَسْفَلَ السَّمَاءِ وَتُحِيطُ بِأَسْرَارِهِمْ وَتُخْفِي أَعْيُنَهُمْ وَتُخْفِي الصُّدُورَ وَامَانَدَهُ وَبِرِئْتِهَا آكَاهُ اسْتِ وَازْ نِگَاهِ هَايِ مَخْفِيَانَهُ وَتَمَامِ أَنْجَحِهِ فِي سِينِهِ هَا اسْتِ خَيْرِ دَارِدِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ عَلَى تَصَدِيقِي رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِيمَانِي خَدَايَا، تُو رَا شَاهِدِ مِي كِيرِمِ كِه مَن رَسُولَتِ رَا تَصَدِيقِ كَرْدِه وَبِه اُو اِيْمَانِ دَارِمِ بِه وَعِلْمِي بِمَنْزِلَتِهِ وَإِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ النَّبِيُّ الَّذِي نَطَقَتِ الْحِكْمَةُ بِفَضْلِهِ وَازْ جَايْگَاهِ اِيْشَانِ آگَاهِمِ وَ شَاهِدِ مِي كِيرِمِ كِه اُو پِيَامْبِرِي اسْتِ كِه حِكْمَتِ اَزْ فَضْلِ اُو وَبَشَّرَتِ الْأَنْبِيَاءَ بِهِ وَدَعَتِ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمَا جَاءَ بِهِ وَحَثَّتْ عَلَى تَصَدِيقِهِ سَخَنِ كَفْتِ وَ تَمَامِ اَنْبِيَاءِ بِه اُو بَشَارَتِ دَادِه شَدَنْدِ وَ مَرْدَمِ رَا بِه أَنْجَحِهِ كِه اُو آوَرْدِه اسْتِ، بِقَوْلِهِ تَعَالَى الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ فَرَا خَوَانْدَنْدِ تَا اُو رَا تَصَدِيقِ كَنْدَنْدِ. بِه دَلِيلِ فَرْمَايشِ خَدَاوَنْدِ كِه مِي فَرْمَايِدِ:

«كسى كه

يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ رَسَالَتِ او را در تورات و انجیل نوشته دیده اند او که امر به معروف کرده و نهی از منکر عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ. می کند. طیبات را حلال و خبائث را حرام و غل و زنجیرهای طاغوت را از آنها باز می کند.» فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ إِلَى الثَّقَلَيْنِ وَسَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ الْمُصْطَفَيْنِ وَعَلَى پس بر محمد فرستاده تو به جن و انس و سرور انبیای برگزیده و بر علی برادر آخیه و ابن عمه الذین لم یشرکوا بک طرفه عین ابداً وَعَلَى فَاطِمَةَ و پسر عمویش، کسانی که حتی یک چشم بر هم زدنی مشرک نشدند و بر فاطمه الزهراء سیده نساء العالمین وَعَلَى سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ تَابَانَ، سرور زنان عالم و سروران جوانان اهل بهشت حسن و حسین، وَالْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ خَالِدَتِهِ الدَّوَامِ عِيدَدِ قَطْرِ الرَّهَامِ وَزِنَةِ الْجِبَالِ وَالْأَكَامِ درودی پایدار به تعداد قطره های باران و هموزن کوه ها و تپه ها و مادامی که وَمَا أَوْرَقَ السَّلَامِ وَاخْتَلَفَ الضِّيَاءُ وَالظَّلَامُ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ درخت ها برگ می دهند و شب و روز در رفت و آمدند و بر خاندان پاکش ائمه الْمُهْتَدِينَ الذَّائِدِينَ عَنِ الدِّينِ عَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَجَعْفَرٌ وَمُوسَى هِدَايَتِ يَافْتَهُ و مدافع از دین علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن

وَعَلَىٰ وَمُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّهِ الْقَوَّامِ بِالْقِسْطِ وَسَيِّمَالِهِ السَّبِطِ. وَحِجَّتْ كَه بَرِيَا دَارِنْدَگَانِ عَدَالْتِ وَ نَسْلِ نُوهِ پِيَا مِرِنْدِ سَلَامِ وَ دَرُودِ فَرَسْتِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْاِمَامِ فَرَجًا قَرِيْبًا وَصَبْرًا جَمِيْلًا. خدایا، از تو درخواست می کنم به حق این امام، گشایش نزدیک و صبر نیکو و یاری و نصیراً عزیزاً و غنی عن الخلق و ثباتاً فی الهدی و التوفیق لِمَا شکست ناپذیر و بی نیاز از خلق و ثبات در هدایت و موفقیت به آنچه که تُحِبُّ وَ تَرْضَى وَ رِزْقاً وَاسِعاً حَلَالاً. طیباً مریئاً داراً سائِغاً فَاضِلاً دوست داری و راضی هستی و رزق وسیع حلال پاک و گوارا و پایدار و لذت بخش مُفَضِّلاً صَبِئاً صَبِئاً مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا نَكْدٍ وَلَا مِنْهُ مِنْ أَحَدٍ وَ عِيَافِيَهُ مِنْ وَ زِيَادٍ وَ مَفْضَلٍ بَدُونَ زَحْمَتٍ وَ مَشَقَّتٍ وَ خَالِيٍّ مِنْ مَنِّتٍ وَ هَمْرَاهُ بَا عَافِيَةٍ مِنْ هَرِّ بَلَاءٍ كُلِّ بَلَاءٍ وَسَيْقَمٍ وَ مَرَضٍ وَ الشُّكْرِ عَلَيَّ الْعِافِيَهُ وَ النَّعْمَاءِ وَإِذَا جَاءَ وَ بِيْمَارِيٍّ وَ شُكْرٍ بَرِ عَافِيَةٍ وَ نَعْمَتٍ رَا بَر مَا عَطَا فَرْمَايِي. زمانی که مرگ برسد، المَوْتُ فَاقْبِضْنَا عَلَيَّ أَحْسَنَ مَا يَكُونُ لَكَ طَاعَةً عَلَيَّ مَا أَمَرْتَنَا رُوحَ مَا رَا دَرِ بَهْتَرِيْنِ حَالَاتٍ بِنْدَگِيٍّ بَگِيْرٍ دَرِ حَالِيٍّ كَه بَه اطاعت او امرت مشغولیم مُخِافِظِيْنَ حَتَّى تُؤَدِّيْنَا إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيْمِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ. و بر آنها محافظت می کنیم. تا این که ما را وارد بهشت کنی با رحمت ای مهربان ترین.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَوْحِشْنِي مِنَ الدُّنْيَا وَآنِسْنِي بِالْآخِرَةِ خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از دنیا دور و با آخرت مأنوس گردان. تنها فایانۀ لا یوحش من الدنیا إلا خوفک ولا یونس بالآخره إلا رجاؤک. خوف تو انسان را از دنیا دور می کند و تنها امید ثوابت انسان را با آخرت مأنوس می نماید. اللَّهُمَّ لَكَ الْحُجَّةُ لَا عَلَيْكَ وَإِلَيْكَ الْمُسْتَكِي لَا مِنْكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خدایا، تمام حجت ها به نفع توست، نه بر علیه تو. شکایت ها به سوی توست، نه از خود تو. پس بر محمد و خاندانش و اَعِنِّي عَلَى نَفْسِي الظَّالِمَةِ الْعَاصِيَةِ وَشَهْوَتِي الْعَالِيَةِ وَاخْتِمِ بِالْعَافِيَةِ. درود فرست و مرادر مبارزه با نفس معصیت کار متجاوز و غلبه کننده در شهوت، یاری کن و عاقبت به خیرم گردان. اللَّهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفَارِي إِلَيْكَ وَأَنَا مُصِئٌ عَلَى مَا نُهِيتُ قَلْبِي حَيَاءِ خدایا، همانا نزد تو استغفار می کنم در حالی که از سر بی حیایی دست از معصیت و تَرَكِي الْاِسْتِغْفَارَ مَعَ عِلْمِي بِسَيِّئِهِ حَلِمِكَ تَضَيِّعُ لِحَقِّ الرَّجَاءِ. نمی کشم و ترک استغفار با وجود علم به بردباری تو تَضَيِّعُ حَقَّ اَمِيدواری است. اللَّهُمَّ إِنَّ دُنُوبِي تُؤَيِّسُنِي أَنْ أَرْجُوَكَ وَإِنَّ عِلْمِي بِسَيِّئِهِ رَحْمَتِكَ خدایا، گناهانم مرا از امیدواری مأیوس می کنند و علم به وسعت بردباریت از ترسیدن یَمْنَعُنِي أَنْ أَخْشَاكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصِدِّقْ رَجَائِي لَكَ مانع می گرداند. پس بر محمد و خاندانش درود فرست و امیدم را برآورده ساز

وَكَاذِبٌ خَوْفِي مِنْكَ وَكُنْ لِي عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ. و خوفم را محقق نکن و با من مطابق بهترین گمان هایم رفتار کن ای بزرگوارترین بزرگواران. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَيِّدْنِي بِالْعِصْمَةِ وَأَنْطِقْ خدایا، بر محمد و خاندانش ود فرست و مرا با پاکدامنی یاری و زبانم را به حکمت گویا لِسَانِي بِالْحِكْمَةِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْدِمُ عَلَى مَا ضَعَّيْتَهُ فِي أَمْسِهِ گردان و مرا از کسانی قرار بده که برای کارهای زشت گذشته پشیمانند و امروزشان را از دست وَلَا يَغْبُنُ حَظَّهُ فِي يَوْمِهِ وَلَا يَهُمُّ لِرِزْقِ غَدِهِ. اللَّهُمَّ إِنَّ الْغِنَى مَنِ دهنده و برای روزی فردا، تلاش نمی کنند. خدایا، غنی کسی است که با تو مستغنی شود اَسْتَعْنَى بِكَ وَافْتَقَرَ إِلَيْكَ وَالْفَقِيرُ مَنِ استغنی بِخَلْقِكَ عَنْكَ فَصَلِّ عَلَيَّ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشْكُرُ كَفَاءً إِلَّا إِلَيْكَ. از تو بی نیازی جوید. پس بر محمد و خاندانش مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَغْنِنِي عَنْ خَلْقِكَ بِكَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشْكُرُ كَفَاءً إِلَّا إِلَيْكَ. درود فرست و از خلقت بی نیازم گردان و از کسانی قرار بده که جز به درگاهت دست دراز نمی کنند. اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ قَنِطَ وَأَمَامَهُ التَّوْبَةُ وَوَرَاءَهُ الرَّحْمَةُ وَإِنْ كُنْتُ ضَعِيفَ خدایا، بدبخت کسی است که مأیوس شود درحالی که توبه از پیش و رحمت از پس، او را احاطه کرده است. اگرچه الْعَمَلِ فَإِنِّي فِي رَحْمَتِكَ قَوِيٌّ الْأَمَلِ فَهَبْ لِي ضَعْفَ عَمَلِي لِقُوَّةِ أَمَلِي. در عمل ضعیف هستم، اما در امیدواری به رحمت قوی هستم. پس ضعف عملم را با قوت امیدواریم جبران کن.

اللَّهُمَّ إِنَّ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ مَا فِي عِبَادِكَ مَنْ هُوَ أَقْسَى قَلْبًا مِنِّي وَأَعْظَمُ خَدَايَا، اِغْرَمِي دَانِي كَه دَر مِيَان بِنْدگَانَت قَسِي الْقَلْب تَر و
 گناه كارتر از من نيست. مِنِّي ذَنْبًا فَاِيُنِّي اَعْلَمُ اَنَّهُ لَمَّا مَوْلَى اَعْظَمُ مِنْكَ طَوْلًا- وَأَوْسَعُ رَحْمَةً مِنْ هَمِّ مِي دَانَم كَه مَوْلَايِي كَه بَه
 اندازه تو بخشنده و رحيم و غفار باشد، وجود ندارد. وَعَفْوًا فَيَا مَنْ هُوَ اَوْحَدٌ فِي رَحْمَتِهِ اَغْفِرْ لِمَنْ لَيْسَ بِاَوْحَدٍ فِي خَطِيئَتِهِ. اِي
 كسي كه در رحمتش يگانه است، بر كسي كه در خطاكارى اش يگانه نيست، ببخش. اللَّهُمَّ اِنَّكَ اَمَرْتَنَا فَعَصَيْنَا وَنَهَيْتَ فَمَا
 اَنْتَهَيْتَنَا وَذَكَرْتَ فَتَنَّا سَيِّئًا خَدَايَا، تو امرمان كردي، ولي ما معصيت نموديم و نهي كردي، دست نكشيديم و يادآوري كردي
 وَبَصَّرْتَ فَتَعَامَيْنَا وَحَذَّرْتَ فَتَعَدَّيْنَا وَمَا كَانَ ذَلِكَ جَزَاءَ اِحْسَانِكَ وَفَرَمُوشِ نَمُودِيمِ وَنَشَانَمَانِ دَادِي وَچَشْمَانَمَانِ رَا بَسْتِيمِ وَ
 برحذر داشتى و تعدى كرديم. در حالى كه اين رفتار اِيُنِّي وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِمَا اَعْلَمْنَا وَاَخْفَيْنَا وَاَخْبِرُ بِمَا نَأْتِي وَمَا اَتَيْنَا مَا، جزاى احسان
 تو نبود. تو از همه آنچه آشكار و پنهان كرده ايم، آگاهى و از آن چه انجام مى دهيم، فَصِيْلٌ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا
 تُؤَاخِذْنَا بِمَا اَخْطَاْنَا وَنَسِينَا باخبرى. پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را به خاطر خطاها و فراموش كاريمان مؤاخذه
 نكن وَهَبْ لَنَا حُقُوقَكَ لِمَدِينَا وَآتِنَا اِحْسَانَكَ اِيُنِّي وَاَسْبِيْلُ رَحْمَتِكَ عَلَيْنَا وَحُقُوقِي رَا كَه نَزْد مَا دَارِي بِيخْشِ وَاحْسَانِي رَا كَه
 كرده اى، تمام كن و رحمتت را سرازير ساز.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهَذَا الصَّادِقِ الْإِمَامِ وَنَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي خَدَايَا، مَا بِهِ وَسَطُهُ أَيْنَ إِمَامِ صَدِّيقٍ، بِهِ تَوَسَّلَ مِي شُوَيْمٍ وَ بِهِ حُرْمَتِ حَقِي كِه بَرَايش جَعَلْتَهُ لَهُ وَلَجِدُّهُ رَسُولَتَكَ وَإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ وَفَاطِمَةَ أَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ قَرَارِ دَادِي وَ بِهِ حُرْمَتِ رَسُولِ خَدَا وَ پَدَرِ وَ مَادَرَشِ عَلِي وَ فَاطِمَه وَ اَهْلِ بَيْتِ رَحْمَتِ، إِذْ رَارَ الرِّزْقِ الَّذِي بِهِ قَوَامُ حَيَاتِنَا وَصَيِّمًا أَحْوَالِ عِيَالِنَا فَأَنْتَ الْكَرِيمُ أَزْ تُو مِي خَوَاهِيمِ تَا رُوْزِيْمَانِ رَا كِه قَوَامِ زَنْدَگِيْمَانِ وَ صِلَاحِ أَحْوَالِ خَانُوَادَه مَانِ بَه آن اَسْتِ، الَّذِي تُعْطِي مِنْ سَيِّعِهِ وَتَمْنَعُ مِنْ قُدْرِهِ وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ مِنَ الرِّزْقِ اِدَامَه دَهِي. تُو آن كَرِيْمِي كِه اَز وَسْعَتِ خُوْدِ مِي بَخْشِي وَ بَا قَدْرَتِ مَنَعِ مِي كِنِي مَيَا يَكُوْنُ صَيِّمًا لِدُنْيَا وَبَلَاغًا لِلاٰخِرَةِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ مَا اَز رُوْزِي، اَنْجِه كِه بَرَايِ صِلَاحِ دُنْيَا وَ رَسِيْدِنِ بَه اٰخِرَتِ لَازِمِ اَسْتِ، مِي خَوَاهِيْمِ. وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ اَغْفِرْ لَنَا وَ لَوَالِدِنَا وَ لِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ خَدَايَا، بَرِ مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانِشِ دَرُوْدِ فَرَسْتِ وَ مَا وَ وَالِدِيْنَ وَ تَمَامِ مُؤْمِنِيْنَ وَ مُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِيْنَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْاَمْوَاتِ وَ اَتِنَا فِي الدُّنْيَا وَ مُسْلِمِيْنَ وَ مُسْلِمَاتِ چِه زَنْدِه بَاشَنْدِ وَ چِه مُرْدِه، هَمِه رَا بِيخْشِ وَ بِيامِرْزِ حَسَنَه وَ فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَه وَ قِنَا عَذَابِ النَّارِ.

و حسنات دنیا و آخرت را عنایت کرده و از آتش دوزخ نگاه دار.

بعد از قنوت نماز را تمام کرده و سبحان الله می گویی. بعد از آن، هر یک از گونه راست و چپ خود را به زمین گذاشته و
چهل بار می گویی:

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»

بعد از آن سر از خاک برداشته و از خداوند متعال نجات و توفیق طلب می کنی. در پایان بالای سر امام علیه السلام ایستاده و
دو رکعت دیگر مانند دو رکعت قبلی خوانده و قبر شریف را در آغوش می گیری و می گویی:

زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ وَالسَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

و در نهایت برای خود، والدین و نزدیکان و تمام کسانی که می خواهی دعا می کنی که انشاء الله مستجاب است.

زیارت حضرت علی اکبر علیه السلام (۱)

بغدادی نقل می کند که در سال دویست و پنجاه و دو (۲) توسط شیخ محمد بن غالب اصفهانی توقیعی از امام علیه السلام دستم رسید. در آن زمان جوان بودم و پدرم را تازه از دست داده بودم. از ایشان خواستم تا اذن دخول برای زیارت حضرت امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا را برایم بیان نمایند. نامه ای از ایشان به دستم رسید:

بسم الله الرحمن الرحيم

زمانی که قصد زیارت شهدای کربلا را کردی، در طرف پای قبر امام حسین علیه السلام که محل قبر علی بن حسین صلوات الله علیهما است، رو به قبله بایست. آنجا محل استقرار عمده شهدای کربلا است. خطاب به علی بن حسین بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوْلَ قَتِيلٍ مِنْ نَشْلِ خَيْرِ سَلِيلٍ مِنْ سُلَالَةِ إِبْرَاهِيمَ سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ أَوْلِيْنَ شَهِيدِ مِنْ نَسْلِ بَهْتَرِيْنَ سَلَالَةِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ،
صلوات خدا بر تو

ص: ۱۹۱

۱- ۷۸. بحار الأنوار / ج ۱۰۱ / ص ۲۷۰ / باب ۲ - كراهه تولی الخصومه؛ إقبال الأعمال / ص ۵۷۳ / فصل فیما نذکره من زیاره الشهداء.

۲- ۷۹. از آنجا که تاریخ تولد حضرت بقیه الله دویست و پنجاه و پنج می باشد. این توقیع یا از آن حضرت نیست و منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است و یا اینکه در تاریخ توقیع اشتباهی پیش آمده است.

الْخَلِيلِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبِيكَ إِذْ قَالَ فِيكَ قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُوكَ وَ پدرت باد. زمانی که در مورد تو گفت: خداوند قومی را که تو را کشتند، هلاک کند. يَا بَنِيَّ مَا أَجْرَاهُمْ عَلَى الرَّحْمَنِ وَعَلَى انْتِهَاكَ حُرْمَةَ الرَّسُولِ عَلَى أَنهَا چقدر نسبت به حریم خدا و رسول او جسور شده اند. اف بر دنیای بعد از تو. الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَا كَأَنِّي بِكَ بَيْنَ يَدَيْهِ مَائِثًا وَلِلْكَافِرِينَ قَائِلًا: گویا می بینم که در پیش پدرت ایستاده ای و خطاب به کفار می گویی: أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ

نَحْنُ وَبَيْتِ اللَّهِ أَوْلَىٰ بِالنَّبِيِّ

من علی بن الحسین بن علی هستم. ما و خانه خدا از همه به رسول خدا نزدیک تریم. أَطَعْنَكُمْ بِالرُّمْحِ حَتَّى يَنْشَيْ

أَضْرِبُكُمْ بِالسَّيْفِ أَحْمَىٰ عَن أَبِي

با نیزه شما را پاره پاره می کنم و با شمشیر بر شما می کوبم و از پدرم حمایت می کنم. ضَرَبَ غُلامِ هَاشِمِيٍّ عَرَبِيٍّ

وَاللَّهِ لَا يَحْكُمُ فِينَا ابْنُ الدَّعِي

مانند جوان هاشمی عربی می جنگم و اجازه نمی دهم که فرزند پسر خوانده (۱) در میان ما قضاوت کند.

ص: ۱۹۲

۱- ۸۰. مقصود از پسر خوانده زیاد است. زیرا مادر زیاد مرجانه، زنی فاحشه بود و طبق نقل تواریخ از زنای با ابوسفیان زاده شد. به همین جهت معاویه او را برادر خود می خواند. از این جهت آن حضرت زیاد را فرزند خوانده می نامند که کنایه از ولد الزنا بودن آن است. به یقین فرزند این فرزند خوانده کسی غیر از ابن زیاد نخواهد بود که کاروان کربلا را به خاک و خون کشید.

حَيْتِي قَضَيْتَ نَحْيِيكَ وَلَقِيتَ رَبِّكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ أَوْلَىٰ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنَّكَ تَأْتِيكَ جَانَتُكَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَبِهِ دِيَارُ خَدَايَتِ شَتَاغَتِي. شَهَادَتِي مِي دَهَمِ كِه تُو نَزْدِيكَ تَرِينِ اِفْرَادِ بِي خَدَا اِبْنُ رَسُولِهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ وَأَمِينِهِ حَكَمَ اللَّهُ لَكَ عَلَى قَاتِلِكَ مُرَّةَ بِنِ مَنَقِدِ بِنِ وَرَسُولِ اُو هَسْتِي وَ تُو فَرْزَنْدِ رَسُولِ خَدَا وَ فَرْزَنْدِ حُجَّتِ خَدَا وَ اَمِينِ اُو هَسْتِي. خَدَاوَنْدِ خُودِ، دَرْبَارِهِ تُو بِرِ النُّعْمَانِ العَبْدِيِّ لَعَنَهُ اللَّهُ وَأَخْزَاهُ وَمَنْ شَرِكَهُ فِي قَتْلِكَ وَكَأَنُوا عَلَيْكَ قَاتِلْتِ مَرَّةَ بِنِ مَنَقِدِ بِنِ النُّعْمَانِ العَبْدِيِّ وَ تَمَامِ كَسَانِي كِه اُو رَا دَرْ قَتْلِ تُو كَمَكِ كَرْدَنْدِ، قَضَاوَتِ كَنْدِ وَ اُو رَا اَز ظَهِيرًا وَأَصْلَاهُمْ اللَّهُ جَهَنَّمَ.

رحمتش دور و ذلیل کند و در دوزخ وارد کند.

ص: ۱۹۳

دعای امام علیه السلام برای شفا گرفتن از تربت امام حسین علیه السلام (۱)

شیخ ابراهیم کفعمی در کتاب بلد الامین از امام مهدی علیه السلام نقل می کند:

هر کسی که این دعا را با تربت امام حسین علیه السلام در کاسه نو، بنویسد و آن را بشوید و بخورد، بیماریش بهبود می یابد.

بِسْمِ اللَّهِ دَوَاءٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ شِفَاءٌ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كِفَاءٌ هُوَ الشَّافِي شِفَاءٌ «بِسْمِ اللَّهِ دَوَاءٌ دَرْدٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ شِفَاءٌ أَنْ أَسْتِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كِفَايَتِ كُنْدَه اَسْتِ» آری آن ذکر کفایت کننده وَهُوَ الْكَافِي كِفَاءً أَذْهَبُ الْبَأْسَ بِرَبِّ النَّاسِ شِفَاءً لَا يُغَادِرُهُ سِقْمٌ عَجِيبِي اَسْتِ. گرفتاری را با پروردگار مردم، از بین می برم. شفایی که هیچ بیماری در آن نماند. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ النَّجَبَاءِ.

درود خدا بر محمد و خاندان برگزیده اش.»

سید زین الدین علی بن الحسین الحسینی رحمه الله با خط خود نوشته است که مردی از اهل کربلا که نزدیک حرم زندگی می کرد، گرفتار بیماری خاصی شده بود. در خواب حضرت قائم علیه السلام را دید و از بیماری خود خدمت حضرت گلایه کرد. ایشان این دعا را به او آموخت. او نیز به آن عمل کرد و بلافاصله بعد از نوشیدن آب، شفا پیدا کرد.

ص: ۱۹۴

دعاهای امیرالمؤمنین، امام سجاد و امام صادق علیهم السلام

از زبان امام زمان علیه السلام (۱)

محمد بن احمد انصاری نقل می کند که نزدیک مستجار در اطراف کعبه نشسته بودم. جماعتی از مردان که حدود سی نفر می شدند، در آنجا حاضر بودند. در میان آنها تنها محمد بن قاسم علوی آدم مخلصی بود. روز ششم ذی الحجه سال دویست و نود و سه، در آنجا نشسته بودیم که جوانی از طواف خارج شد و به طرف ما آمد. دو پیراهن احرام به تن کرده و نعلین هایش را به دست گرفته بود. زمانی که او را دیدیم، هیبتش ما را گرفت و بدون استثناء همگی به پایش بلند شدیم. به ما سلام کرد و در وسط جمعیت نشست. بعد به راست و چپش که ما قرار داشتیم، نگاه کرد و گفت: آیا می دانید که امام صادق علیه السلام دعای الحاح را چگونه می خواند؟ گفتیم: چگونه می خواندند: گفت این طور:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَاءُ وَبِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ وَبِهِ «خدایا، از تو درخواست می کنم با آن اسمی که آسمان و زمین با آن پایرجا است و با آن

ص: ۱۹۵

۱- ۸۲. الغیبه للطوسی / ص ۲۶۰؛ دلائل الإمامه / ص ۲۹۸ / معرفه من شاهد الزمان علیه السلام؛ بحار الأنوار / ج ۹۱ / ص ۱۸۷ / باب ۳۵ - الأدعیه المختصره المختصه؛ کمال الدین / ج ۲ / ص ۴۷۰ / ۴۳ - باب ذکر من شاهد القائم علیه السلام و رآه.

تُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ وَبِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَبِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ حَقِّ وَباطل از هم جدا می شوند و با آن پراکنده ها را جمع و جمع ها را پراکنده می کنی الْمُجْتَمِعِ وَبِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ الرِّمَالِ وَزِنَةَ الْجِبَالِ وَكَيْلَ الْبِحَارِ أَنْ وَ با آن تعداد رمل ها و وزن کوه ها و اندازه دریاها را محاسبه می کنی، بر مُحَمَّد و خاندانش تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا. درود فرست و در این گرفتاری برایم گشایش و محلی برای بیرون آمدن از آن قرار بده.» سپس بلند شد و مشغول طواف شد. با بلند شدنش، ما نیز به احترام ایشان بلند شدیم تا اینکه حضرت از ما برگشتند. همگی از یاد بردیم که در مورد او سؤال کنیم که مثلاً- او کیست و چه کسی است؟ تا اینکه فردا رسید و در همان وقت، باز هم ایشان از طواف خارج شدند و به طرف ما آمدند. مانند دیروز بلند شدیم و ایشان در میان ما نشستند و به راست و چپ نگاه کردند و فرمودند: آیا می دانید که امیرالمؤمنین بعد از نمازهای واجب کدام دعا را می خواندند؟ گفتیم: کدام دعا را می خواندند؟ فرمود: این دعا را:

إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَصْوَاتُ وَدُعِيَتِ الدَّعَوَاتُ وَلَكَ عَنَتِ الْوُجُوهُ وَلَكَ خَدَايَا، صَدَاها و دعاها، به سوی تو بلند می شوند و برای تو چهره ها خاضع می گردد و در برابر تو گردن ها خَضَعَتِ الرَّقَابُ وَإِلَيْكَ التَّحَاكُمُ فِي الْأَعْمَالِ يَا خَيْرَ مَنْ سِئِلَ وَيَا خَيْرَ مَنْ افْتُنِدَ و تو در مورد اعمال قضاوت می کنی. ای بهترین کسی که از او سؤال می شود و ای بهترین

اِحْتَمَلْتُهَا وَكُلَّ سَيِّئِهِ عَلِمْتُهَا [عَمَلْتُهَا] رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ وَتَمَامِ اشْتِبَاهَاتِي كَمَا مَرَّتْكَ شَدِيدًا وَتَمَامِ مَعْصِيَتِي هَائِي كَمَا مَرَّتْكَ شَدِيدًا. پروردگارا، مرا ببخش و رحم کن عَمَّا تَعَلَّمْتُ مِنْكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.

و از همه گناهانی که می دانی، بگذر؛ زیرا تو شکست ناپذیرترین و بزرگوارترینی. بلند شد و مشغول طواف شد. ما نیز به احترامشان بلند شدیم. فردا در همان موقع دوباره آمد و ما برای آمدنش بلند شدیم. در میان ما نشست و به راست و چپ خود نگاه کرد و گفت: علی بن حسین علیه السلام در محل سجده خود در این مکان - با دستشان به سنگ زیر ناودان اشاره کرد - می گفت:

عَبِيْدُكَ بِفِنَائِكَ مِسْكِيْنُكَ بِفِنَائِكَ فَفَقِيْرُكَ بِفِنَائِكَ سَائِلُكَ بِفِنَائِكَ خَدَايَا، بنده خواری در خواری قرار گرفته. مسکین و بیچاره ات در کنار توست. فقیر و نیازمندت یَسْأَلُكَ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ غَيْرُكَ.

در جوار توست. گدای در خانه ات از تو چیزهایی را می خواهد که غیر تو از انجام آنها عاجز هستند. سپس به راست و چپ نگاهی کرد و در میان همه به محمد بن قاسم نگاه کرد و فرمود: محمد بن قاسم تو در مسیر خیر قرار داری ان شاء الله. محمد بن قاسم کسی بود که معتقد به امامت ایشان بود. بعد بلند شد و داخل طواف شد. کسی در میان ما نبود که دعاهای ایشان به او الهام نشود. اما با این حال از یاد می بردیم درباره او حرف بزنیم. تا این که در روز آخر سر صحبت باز شد.

ابوعلی محمودی گفت: دوستان می دانید که این آقا کی بود؟ به خدا قسم که او امام زمانمان بود! گفتیم: از کجا متوجه شدی؟ ذکر کرد که هفت سال بود از خدا می خواستم تا امام زمانم را مشاهده کنم. روزی از روزها که غروب را در عرفه بودیم. مردی را با همین شکل و شمایل مشاهده کردم که دعا می خواند. پیشش رفتم و گفتم که کیستی؟ گفت: از همین مردم. گفتم: از کدام مردم؟ گفت: از عرب ها. گفتم: از کدام عرب ها؟ گفت: از اشرف اعراب. گفتم: آنها کدام طایفه هستند؟ گفت: بنی هاشم. گفتم: از کدام بنی هاشم؟ گفت: از بالاترین طبقه آن. گفت: کسی که سختی ها را شکافت، غذا را خوراند و نماز را در حالی که هم در خواب بودند، خواند. فهمیدم که او علوی است. به همین خاطر نیز به او علاقه مند شدم. اما ناگهان ایشان را گم کردم. متوجه نشدم که چطور رفت. از افرادی که در اطرفش بودند، سؤال کردم او را می شناسید؟ گفتند: بله او هر سال با پای پیاده، با ما به حج می آید. گفتم: سبحان الله به خدا قسم که رد پایی برای او نمی بینم!

با دنیایی از اندوه و غصه، به منزلگام برگشتم و خوابیدم. ناگهان رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم. فرمود: ای احمد آیا کسی را که به دنبالش بودی، دیدی؟ عرض کردم: او که بود سرورم؟ فرمود: کسی که دیدی امام زمانت بود.

راوی می گوید: وقتی که این حرف را شنیدیم. او را سرزنش کردیم که چرا قبلاً به ما نگفتی. گفت که این اتفاق را از یاد برده بود. همین الآن به یادش آمده است.

زیارت امیرالمؤمنین در روز یکشنبه (۱)

این زیارت به نقل از کسی است که آن شخص حضرت حجت علیه السلام را در بیداری دیده است. آن حضرت در روز یکشنبه که روز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد ایشان را چنین زیارت می کردند.

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ وَالِدُّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضِيئَةِ سَلَامٌ بِرِجْتِ نَبْوَتِ وَعِظْمَتِ، هَاشِمِي تَابَانِ، كَمَا ثَمَرَةُ اشِ الشُّمْرَةِ بِالنُّبُوَّةِ
الْمُونَعَةِ بِالْإِمَامَةِ السَّلَامِ عَلَيْكَ وَعَلَى ضَجِيعِكَ مِنْ نَبْوَتِ وَرِسِيدِ كِي أَنْزَامَتِ اسْتِ. (۲) سَلَامٌ بِرِ تَوِ وَبِرِ دَوِ پِيَامِبِرِي آدَمَ
وَنُوحَ السَّلَامِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ كَمَا فِي كِنَارَتِ خَوَابِيئِهِ اسْتِ. يَعْنِي آدَمَ وَنُوحَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِرِ تَوِ
السَّلَامِ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُخْدِقِينَ بِكَ وَالْحَافِينَ بِقَبْرِكَ وَاهْلِ بَيْتِ پَاكْتِ. سَلَامٌ بِرِ تَوِ وَبِرِ مَلَائِكَةِ كَرْدَاكَرْدِ وَزَائِرِ تَوِ. يَا
مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا يَوْمُ الْأَحْيَادِ وَهُوَ يَوْمُكَ وَبِاسْمِكَ أَي مَوْلَايَ مَنْ، أَي اميرمؤمنان، این روز، روز یکشنبه است و آن
روز تو و به نام تو است. مَنْ نِيْزَ فِيْ اسْتِ رُوزِ مَهْمَانِ

ص: ۲۰۱

۱- ۸۶. بحار الأنوار / ج ۹۹ / ص ۲۱۲ / زیاره امیرالمؤمنین علیه السلام؛ جمال الأسبوع / ص ۳۱ / زیاره امیرالمؤمنین علیه السلام
۲- ۸۷. به این معنا که میوه درخت ریشه می گیرد و کمال و رسیدگی آن میوه از امامت است و بدون امامت نارس خواهد بود.

وَأَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَجَارُكَ فَأُضِغْنِي يَا مَوْلَايَ وَأَجْزِنِي فَإِنَّكَ كَرِيمٌ وَ پناه آورده به شما هستم. بنابراین از من مهمان نوازی کنید. ای مولای من، اجر و پاداش بده. شما بزرگوار و بخشنده تُحِبُّ الضَّيْفَ وَ مَيِّمُورٌ بِالْإِحْرَارِ فَافْعَلْ مَا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ هَسْتِي وَ مهمان دوست هستی. از سویی هم مأمور به پناه دادن ما شده ای. بنابراین کاری را که به شوق آن خدمتت وَ رَجَوْتُهُ مِنْكَ بِمَنْزِلَتِكَ وَ آلِ بَيْتِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَ بِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ وَ بِحَقِّ رَسِيدِهِ ام انجام بده. کاری که امید آن را از تو داشته ام. به حرمت ارزش و جایگاهی که نزد خدا دارید و به حرمت ابنِ عَمِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ وَ عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ. جایگاهی که خدا پیش شما دارد. همین طور به حرمت پسرعمویت، فرستاده خدا، که سلام و درود خدا براو و خاندانش باد.

دعای بیستم

دعای امام زمان علیه السلام برای شیعیان در سامرا (۱)

سید بن طاووس رحمه الله

ولادت:

سید رضی الدین، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، از نوادگان امام حسن مجتبی و امام سجاد علیهما السلام در روز ۱۵ محرم سال ۵۸۹ هجری در شهر حله به دنیا آمد.

تحصیلات:

ابتدای تحصیلات سید ابن طاووس در شهر حله بود که از محضر پدر و جدّ خود، ورام بن ابی فراس علوم مقدماتی را آموخت.

سید با درکی قوی و هوشی سرشار قدم در راه علم نهاد و در اندک زمانی از تمام هم شاگردی های خود سبقت گرفت. وی در کشف المحجبه می گوید:

«وقتی من وارد کلاس شدم آنچه را دیگران در طول چند سال آموخته بودند، در یک سال آموختم و از آنان پیشی گرفتم».

او مدت دو سال و نیم به تحصیل فقه پرداخت و پس از آن خود را از استاد بی نیاز دید و بقیه کتب فقهی عصر خویش را به تنهایی مطالعه نمود.

شخصیت اجتماعی:

سید بن طاووس در بین علما و مردم زمان خویش از احترام خاصی برخوردار بود. او علاوه بر این که فقیهی نام آور بود ادیبی گرانقدر و شاعری توانا شمرده می شد، گرچه شهرت اصلی او در زهد و تقوی و عرفان است و اکثر تألیفات او در موضوع ادعیه و زیارات می باشد.

سید کتابخانه بزرگ و بی نظیری داشت که از جدّش به ارث برده بود و به گفته خودش تمام آن کتاب ها را مطالعه کرده یا درس گرفته بود.

١-٨٨. بحار الأنوار/ج ٥٢/ص ٦١/باب ١٨ - ذكر من رآه صلوات الله عليه؛ مهج الدعوات/ص ٢٩٦.

در دوران اقامت ابن طاووس در بغداد از سوی خلیفه عباسی، المستنصر، پیشنهادهایی مانند وزارت، سفارت و... به او شد؛ اما سید هیچیک را نپذیرفت و استدلالش برای خلیفه چنین بود که: «اگر من طبق مصلحت شما عمل کنم، رابطه خویش را با خداوند قطع می‌نمایم و اگر طبق اوامر الهی و عدل و انصاف حرکت کنم، خاندان تو و بقیه وزرا و سفرا و فرماندهان تو آن را تحمّل نخواهند کرد و چنین خواهند گفت که علی بن طاووس با این رویه می‌خواهد بگوید، اگر حکومت به ما برسد اینچنین عمل می‌کنیم و این روشی است بر خلاف سیره حکمرانان قبل از تو و مردود دانستن حکومت‌های آنهاست».

سید در سال ۶۶۱ هجری نقابت علویان را پذیرفت. نقیب بزرگترین شخصیت علمی و دینی سادات بود که کلیه امور مربوط به سادات را عهده دار می‌شد. این وظایف شامل قضاوت مشاجرات، رسیدگی به مساکین و مستمندان، سرپرستی یتام و... می‌شد.

البته ایشان تأکید دارد که تنها به خاطر حفظ جان دوستان و شیعیانی که در معرض قتل و غارت مغول قرار داشتند این منصب را پذیرفته است.

وفات:

سید علی بن طاووس در سال ۶۶۴ هجری در سن ۷۵ سالگی و در شهر بغداد وفات نمود. بدن شریفش را به نجف اشرف منتقل نموده و در حرم امیر المؤمنین علیه السلام به خاک سپردند. (۱) نقل می‌کند که در سامرا بودم. به هنگام سحر دعای امام علیه السلام را شنیدم. بخشی از دعا که برای زنده‌ها و مرده‌هایشان می‌کرد، این جملات بودند:

«وَأَبْقِهِمْ أَوْ قَالَ وَأَحْيِهِمْ فِي عَزِّنا وَمُلْكِنَا أَوْ سُلْطَانِنَا وَدَوْلَتِنَا» «خدایا، آنها را در دوران عزت و حکومت ما، نگهدار یا فرمودند: زنده کن.» این اتفاق در تاریخ شب چهارشنبه، سیزدهم ذی القعدة سال ششصد و سی و هشت رخ داد.

ص: ۲۰۴

دعای امام زمان علیه السلام برای شیعیان آلوده (۱)

از سید بن طاووس نقل شده است که در سحرگاه و در سرداب سامرا مناجات حضرت را شنیده است که ایشان چنین دعا می کردند:

اللَّهُمَّ إِنَّ شَيْعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَبَقِيَّةِ طِينَتِنَا وَقَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا خَدَايَا، شِيعِيَانِ مِنْ شُعَاعِ نُورِ مَا وَبَاقِي مَا نَدَدَ طِينَتِ مَا آفَرِيْدَه
شده اند. از طرفی با تکیه کثیره اتکالاً علی حُبِّنَا وَوَلَايَتِنَا فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ فَاصْفَحْ بِرِمْحَتِ وَوَلَايَتِ مَا، مَرْتَكَب
گناهان زیادی شده اند. (۲) اگر این گناهان میان آنها

ص: ۲۰۵

۱- ۹۰. بحار الأنوار / ج ۵۳ / ص ۳۰۲ / الحکایه الخامسه و الخمسون.

۲- ۹۱. البته مقصود برداشته شدن تکلیف از شیعیان نیست؛ زیرا در روایات متعددی آمده است که ما خدا را با ورع عبادت می کنیم. شما نیز با ورع عبادت کنید و به امید شفاعت به دنبال ما نیفتید. به قطع اعتقاد به اینکه ولایت اهل بیت انسان را از عمل بی نیاز می کند، مطابق با عقاید غلات است. ایشان در موارد بی شماری تأکید کرده اند، کسی که عمل صالح انجام ندهد، به عذاب الهی مبتلا خواهد شد. نکته عقلی که دلیل قطعی بر این مطلب می باشد، آن است که اگر ولایت اهل بیت علیهم السلام انسان را از عمل بی نیاز می کند، در این صورت خود ائمه برای چه از سوی خدا انتخاب شده اند؟! آیا غیر از این است که آنها برای هدایت سایر انسان ها قرار داده شده اند؟ آیا غیر از این است که امام حسین علیه السلام برای برپایی دین به شهادت رسید؟ راستی اگر حبّ صوری ایشان کافی بود، نیازی به دین باقی می ماند؟ آیا کسی با اهل بیت علیهم السلام دشمنی می کرد؟ بنابراین مقصود از این ادعیه کسانی هستند که اهل عبادت و تلاش در دین هستند، اما با این حال گاه و بی گاه لغزش هایی نیز برایشان رخ می دهد، که در این صورت با شفاعت و دعای اهل بیت علیهم السلام وارد بهشت خواهند شد. مؤید مطلب آن است که امام از این گناهکاران با عنوان شیعه یاد می کند. در حالی که در روایتی امام باقر به جابر جعفی می فرمایند: کسانی که اهل معاصی هستند و مدّعیند که ما را دوست دارند، دروغگویانی بیش نیستند. نکته پایانی آن است که این مسأله غیر از مقامات والایی است که انسان تنها باید با تلاش خود به آن دست یابد؛ زیرا این نوع از دعاها که از اهل بیت علیهم السلام صادر شده است، برای نجات دادن از آتش است، نه برای مقام قرب؛ زیرا مقامات مقربین و ابرار بر اهل معصیت حرام است.

عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِينَا وَمَا كَانَ مِنْهَا فِيمَا بَيْنَهُمْ فَأَصْلِحْ بَيْنَهُمْ وَقَاصِّ بِهَا وَخود شماست، آنها را به خاطر رضایت ما، بیخس. اگر میان خودشان است، بیخس و از عَنُ خُمُسِنَا وَأَدْخَلَهُمُ الْجَنَّةَ وَزَخَّرَهُمْ عَنِ النَّارِ وَلَمَّا تَجَمَّعَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ خُمُسِ مَا حَسَابُ كُنْ وَدَرِ بَهْتِ وَارِدْ كُنْ وَازِ آتَشِ دُوزَخِ نَجَاتِ بَدَهْ وَآنَهَا رَا بَا أَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ.

دشمنان ما در آتش غضبت نسوزان.

این دعا در بسیاری از کتاب های متأخرین و علمایی که به زمان ما نزدیک هستند و یا معاصر ما می باشند، به صورت دیگری نقل شده است که عبارت است از:

اللَّهُمَّ إِنَّ شَيْعَتَنَا مِنَّا خُلِقُوا مِنْ فَاضِلِ طِينَتِنَا وَعُجِنُوا بِمَاءِ وَلَائِنَا خدایا، شیعیان ما از ما خلق شده اند، از باقی مانده طینت و گل ما با آب ولایت ما عجین و مخلوط شده اند.

ص: ۲۰۶

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُمْ مِنَ الذُّنُوبِ مَا فَعَلُوهُ اتِّكَالاً- عَلَى حُبِّنَا وَوَلَائِنَا يَوْمَ خَدَايَا، آن عده از گناهانی را که به خاطر تکیه بر محبت و ولایت ما انجام داده اند، در روز قیامت الْقِيَامَةِ وَلَا تُؤَاخِذْهُمْ بِمَا اقْتَرَفُوا مِنَ السَّيِّئَاتِ إِكْرَاماً لَنَا وَلَا تُقَاصِّهِمْ بِيخس و به احترام ما، آنها را برای گناهانی که انجام داده اند، نکیر و عذاب نکن و در مقابل يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُقَابِلَ أَعْدَائِنَا فَإِنْ خَفَّفَتْ مَوَازِينَهُمْ فَثَقَّلْهَا بِفَاضِلِ حَسَنَاتِنَا. دشمنانمان، آنها را قصاص نکن. اگر هم ترازوی اعمالشان سبک شد، از حسنات ما جبران کن.

دعای بیست و دوم

دعای امام زمان علیه السلام در هر روز از ماه رجب (۱)

خیر بن عبدالله نقل می کند که از جمله نامه های امام زمان علیه السلام که به دست محمد بن عثمان عمری رحمه الله رسید دعایی است که در هر روز از ماه رجب خوانده می شود. من آن توقیع را نوشته ام.

متن توقیع:

در هر روز از رجب این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعِيَائِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وُلاهُ أَمْرِكَ الْمَأْمُونُونَ خدایا، به جِدِّ از تو درخواست می کنم با تمام نام ها و معنایی که والیان امورت که مورد اعتماد علی سِرِّكَ الْمُسْتَسِرُّونَ بِأَمْرِكَ الْوَأَصْفُونَ لِقُدْرَتِكَ الْمُعْلَنُونَ لِعَظَمَتِكَ تو در حفظ اسرار می باشند، تو را می خوانند، آنان که قدرت تو را توصیف و آشکار می کنند. أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيَّتِكَ فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ وَأَرْكَاناً خدایا، درخواست می کنم با آن اراده ای که در میان ایشان جاری شد و تو آنها را معادن علم و پایه های

ص: ۲۰۸

۱- ۹۲. إقبال الأعمال / ص ۶۴۶ / فصل فيما نذكره من الدعوات؛ البلد الأمين / ص ۱۷۹ / شهر رجب؛ المصباح للكفعمي / ص ۵۲۹ / الفصل الثالث و الأربعون؛ بحار الأنوار / ج ۹۵ / ص ۳۹۲ / باب ۲۳ - أعمال مطلق أيام شهر رجب.

لِتَوْحِيدِكَ وَآيَاتِكَ وَمَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تَعْطِيلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ تَوْحِيدٌ وَنَشَانَةٌ هِيَ وَمَقَامَاتٌ خُودِ قَرَارِ دَادِي، مَقَامَاتِي
كِهِ دَرِ هِيَجِ جَائِي، اِكْرِ كَسِي بِخَوَاهِدِ تُو رَا بَا اَنِّ بِيهَا مَنُ عَرَفَكَ لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا اِلَّا اَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ فَتَقُّهَا مَقَامَاتِ
بِشْنَاَسِدِ، مَعْطَلِ نَخَوَاهِدِ مَانِدِ. مِيَانِ تُو وَ اَنَّهُا هِيَجِ فَرْقِي نِيَسْتِ. مَكْرِ اِيَنِكِه اَنَّهُا بِنْدِه وَرَتَّقُهَا بِيَدِكَ بَدُوْهَا مَنِكَ وَعَوْدُهَا اِلَيْكَ
اَعْضَادٌ وَاشْهَادٌ وَمُنَاهٌ وَازْوَادٌ وَمَخْلُوقٌ تُو هِيَسْتَنْدِ. اَمُورِ زَنْدِگِي وَ اَغَاذِ وَ بَازْگِشْتِ اَنَّهُا بِه سُوِي تُوَسْتِ. اَنَّهُا يَاوِرَانِ وَ شَاهِدَانِ
وَ حَفْظَةٌ وَرُودٌ فَبِيْهِمْ مَلَأَتْ سَمَاءُكَ وَ اَرْضُكَ حَتَّى ظَهَرَ اَنْ لِمَا اِلَهٍ اِلَّا وَ هَادِيَانِ وَ ذَخَائِرِ وَ حَافِظَانِ وَ رَهْبِرَانِ هِيَسْتَنْدِ. تُو زَمِيْنِ وَ
اَسْمَانْتِ رَا اَز اَنَّهُا پَر كَرْدِي تَا رُوشِنِ شُودِ اَنْتَ فَبِعَدْلِكَ اَسْأَلُكَ وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَبِمَقَامَاتِكَ وَعَلَامَاتِكَ. كِه خُدَائِي
جَزِ تُو نِيَسْتِ. (۱) دَرخَوَاسْتِ مِي كَنِمِ بِه مَوْقِعِيْتِ غَيْرِ قَابِلِ شَكْسْتِ تُو وَ بِه مَقَامَاتِ وَ نَشَانَه هَايْتِ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَ اَنْ تَزِيْدَنِي اِيْمَانًا وَتَثْبِيْتًا يَا بَاطِنًا فِي كِه بَر مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانِشِ دَرُودِ فَرَسْتِي وَ اِيْمَانِ وَ ثَبَاتِ قَدَمِ مَرَا اَفْزَائِشِ دِهِي.

ص: ۲۰۹

۱- ۹۳. مقصود آن است که اهل بیت علیهم السلام در اثر عبادت و استعدادهای ذاتی، تجسم صفات خدا شده اند. از این رو
توحید مجسم هستند؛ یعنی توحید خدا با وجود آنها آشکار شده است. معنای این سخن که میان شما و خدا تفاوتی غیر از این
نیست که شما بندگان او و مخلوق او هستید؛ آن است که شما هیچ چیزتان از خودتان نیست. همه چیزتان از خداست. اما به
جهت عبادت و بندگی، تبلور صفات او شده اید. خدا با چشمان شما می بیند و با دستانتان کار می کند و با پاهایتان قدم بر می
دارد. همان جمله معروف که عمر درباره علی علیه السلام به آن جوان گناهکار گفته بود: چشم خدا تو را دید و دست خدا تو
را زد!

ظُهُورِهِ وَيَا ظَاهِرًا فِي بَطُونِهِ وَمَكْنُونِهِ يَا مُفَرَّقًا بَيْنَ النُّورِ وَالذُّيُورِ اِي بَاطِنِ دَرِ ظُهُورِش وَ اِي ظَاهرِ دَرِ بَاطِنِش، اِي جِدا كِنْدِه نَورِ اِز تَاريخِ كِي، يَا مَوْصُوفًا بِغَيْرِ كُنْهِ وَمَعْرُوفًا بِغَيْرِ شَيْهِ حَادٌّ كُلُّ مَحْدُودٍ وَشَاهِدٌ كُلُّ اِي تَوصِيفِ شَدِه بَه غَيرِ بَاطِنِ وَ شِناختِه شَدِه بَدونِ شِبيِه، اِي مَحْدودِ كِنْدِه مَشْهُودٍ وَ مَوْجِدٌ كُلُّ مَوْجُودٍ وَ مُخْصِي كُلُّ مَعْدُودٍ وَ فَاقِدٌ كُلُّ مَفْقُودٍ هَرِ مَحْدودِ وَ شَاهدِ هَرِ دِيدَنِي وَ اِيجادِ كِنْدِه هَرِ مَوْجودِ وَ شِمارِندِه هَرِ شِمرَدَنِي وَ مَعْدومِ كِنْدِه لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودِ أَهْلِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ يَا مَنْ لَا يُكَيَّفُ بِكَيْفٍ هَرِ مَعْدومِ، مَعْبودِي غَيرِ اِز تُو كِه شَايِستِه بَر تَري وَ جودِ باشَد، وَ جودِ نِدارَد. وَلَا يُؤَيِّنُ بِأَيْنٍ يَا مُحْتَجِبًا عَنْ كُلِّ عَيْنٍ يَا دَيْمُومٌ يَا قَيُومٌ وَ عَالِمٌ كُلُّ اِي كِسي كِه بَا چِگونِگِي وَ كِجايِي سْؤالِ نَمِي شُود. اِي پَنهانِ اِز چِشمانِ، اِي دائِمِي وَ پايِدارِ مَعْلُومِ صَيْلٌ عَلَي عِبَادِكَ الْمُتَّجِبِينَ وَبَشْرِكَ الْمُحْتَجِبِينَ وَ مَلَائِكَتِكَ وَ عَالَمِ اِز هَرِ چِيزِي، بَر بِنْدِگانِ بَر گَزِيدهِ وَ اِنسانِ هَايِ پَنهانِ وَ مَلَائِكِه مَقْرَبِ وَ حَيواناتِ الْمُقَرَّبِينَ وَبِهِمْ (بِهِمْ) الصَّافِينَ الْحَافِينَ وَبَارِكَ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا بِالْدارِ وَ پايِدهِ وَ دَرِ اِينِ ماهِ گِرامِي دَاشتِه شَدِه وَ ماهِ هَايِ حِرامِ بَعْدِ اِز اَن، بَر كَتِ رَا الرِّجَبِ الْمُكْرَمِ وَ مَا بَعْدَهُ مِنْ أَشْهْرِ الْحُرْمِ وَأَسْبَغْ عَلَيْنَا فِيهِ النِّعَمَ نَازِلِ كُنْ وَ نَعْمَتِ رَا بَرِ ما كَاملِ نِما وَ قِسمِ ما رَا اِز اَن زِيادِ وَ قِسمِ ما رَا خُوبِ گِردانِ.

وَأَجْزَلُ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ وَأَبْرَزُ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ قَسَمَ بِهِ اسْمُ اعْظَمِ جَلِيلٍ وَ اِكْرَمِي كِه بَر رُوز قَرَار دَادِي، رُوشَن شَد، بَر شَب قَرَار دَادِي، الْأَكْرَمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَيَّ النَّهَارِ فَأَضَاءَ وَعَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ وَأَغْفِرُ لَنَا تَارِيكَ شَد. هَر گَنَاهِي رَا كِه اَز مَامِي دَانِي وَ خُود مَامِ اَز آن خَبَر نَدَارِيْم، بِيخَش وَ مَامَا تَعَلَّمْ مَنَا وَلَا نَعَلَّمْ وَأَعِصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعِصْمِ وَ اَكْفِنَا كَوَافِي رَا اَز گَنَاهَان وَ مِعَاصِي حَفْظ كُن. مَامَا رَا بَا قَدْرَتِ خُود كَفَايَتِ كُن وَ بِه خَاطِرِ حَسَنِ تَوَجُّهَاتِ، قَدْرِكَ وَ اَمْنُنْ عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ وَلَا تَكِلْنَا اِلَى غَيْرِكَ وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ مَامَا رَا مُورِدِ عَنَايَتِ قَرَارِ بَدِه وَ مَامَا رَا بِه دِيكْرِي وَ اَنكَذَارِ وَ اَز خِيْرَاتِ، مَحْرُومِ نَكْرَدَانِ خَيْرِكَ وَ بَارِكَ لَنَا فِيْمَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ اَعْمَارِنَا وَ اَصْلِحْ لَنَا خَبِيْثَةَ اَسْرَارِنَا وَ دَر بَقِيَه عَمْرِي كِه بَرَايِ مَامَا دَر نَظَرِ گَرْفَتِه اِي، زَنْدَگِي مَامَا رَا پَر بَرَكْتِ وَ اَسْرَارِ پَنَهَانِي مَامَا رَا وَ اَعْطِنَا مِنْكَ الْاَمَانَ وَ اسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ الْاِيْمَانِ وَ بَلِّغْنَا شَهْرَ الصِّيَامِ وَ مَا حَفْظِ وَ اَمْنِيَتِ عَطَا كُن وَ مَامَا رَا دَر رَاسْتَايِ بَهْتَرِيْنِ اِيْمَانِ هَا بِه كَارِ بَكِيْرِ وَ بِه مَاهِ رُوزِه دَارِي بَعْدَهُ مِنَ الْاَيَّامِ وَ الْاَعْوَامِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ.

و ماه های بعد از آن، برسان. ای صاحب جلالت و اکرام.

دعای دیگری از حضرت در ایام ماه رجب (۱)

از جمله دعاهایی که بنابه نقل عیاشی از حضرت بقیه الله صادر شده است و به دست حسین بن روح رحمه الله رسیده است، دعایی است که در روزهای ماه رجب خوانده می شود.

متن دعا:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالمَوْلُودِينَ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنِهِ خدایا از تو می خواهم به احترام دو مولود این ماه؛ محمد تقی علیه السلام و فرزندش علی النقی علیه السلام، عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَأَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرْبِ يَا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ برگزیده ترین و بهترین قرب ها را بواسطه آنها بر من عطا کنی. ای کسی که خوبی ها به خاطر او درخواست طُلب و فیما لَدَيْهِ رُغَبِ الْمُتَتَجِبِ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ وَهَى بِإِثْمِهِ وَبِهِ يَدُودٌ وَبِهِ يَدُودٌ وَبِهِ يَدُودٌ و به پاداشی که در نزد اوست، رغبت می شود. درخواست می کنم، مانند درخواست کسی که آلوده به اَوْبَقْتَهُ ذُنُوبُهُ وَأَوْبَقْتَهُ عِيُوبُهُ فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُؤُوبُهُ وَمِنَ الرَّزَايَا گناهان است و گناهانش او را هلاک و عیوبش او را به زنجیر بسته است. در خطاها ماندگار و در خُطُوبُهُ يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْمَأْوِيَةِ وَالتُّرُوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ وَمِنَ النَّارِ آلودگی ها زمین گیر شده است. او از تو درخواست بازگشت و رجوع و فاصله گرفتن از معصیت و آزادی

ص: ۲۱۲

۱- ۹۴. إقبال الأعمال / ص ۶۴۷ / فصل فيما نذكره من الدعوات؛ البلد الأمين / ص ۱۸۰ / شهر رجب؛ بحار الأنوار / ج ۹۵ / ص ۳۹۳ / باب ۲۳ - أعمال مطلق أيام شهر رجب.

فَكَأَنَّكَ رَقِيبَتِهِ وَالْعَفْوُ عَمَّا فِي رِيقَتِهِ فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ مِنْ آتَشٍ وَغَدَشْتِ مِنْ هَمِّهِ كُنَّاهُنَّ رَا دَارِد. مِنْ طَرَفِي هَمِّ تُو
ای مولا-یم، بزرگترین آرزو و تکیه گاهش هستی. اَللّٰهُمَّ وَاَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ وَ(وَسَائِلِكَ) رَسَائِلِكَ الْمُئِنِّفَةِ اَنْ خُدَايَا
همین طور درخواست می کنم به درخواست های شریف و دستاویزهای محکمت تَتَغَمَّدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسْتَعِجْ
وَنِعْمَةٍ وَازْعِهِ وَنَفْسٍ بِمَا كِهْ دَرِ اِيْنِ مَاهٍ مَرَا بِرَحْمَتٍ وَسَيِّعٍ وَنِعْمَتٍ بِيْ پَايَانٍ وَنَفْسِيْ كِهْ تَا زَمَانٍ وَرُوْدٍ رَزَقَتَهَا قَانِعِهِ اِلَى نَزُوْلِ
الْحَافِرَةِ وَمَحَلِّ الْاٰخِرَةِ وَمَا هِيَ اِلَيْهَا صَائِرَةٌ. بِه قَبْرِ وَسَرَايِ اٰخِرَتِ، بِه هَر چِه رُوْزِيْ اَش كُنِي، قَانِعٌ بَاشْد، فَرَا بَكِيْرِي.

دعای امام زمان علیه السلام در ایام ماه رجب (۱)

از محمد بن ابی رواد روایی نقل شده است که محمد بن جعفر دهان به من گفت: بیا به مسجد صعصعه برویم؛ زیرا حضرت امیرعلیه السلام در آن نماز خوانده و ائمه هدایت به آنجا تشریف آورده اند. به همین جهت مکان مبارکی است. راه افتادیم و به مسجد رفتیم.

در همان موقعی که ما نماز می خواندیم، مردی از شترش پیاده شد، آن را در سایه بست، و وارد مسجد شد. دو رکعت نماز خواند و با حوصله تمام، آن را طول داد. بعد دست هایش را بلند کرد و دعایی را که در ادامه خواهد آمد، خواند. بعد از دعا، بلند شد و سوار مرکبش شد تا برود. ابو جعفر دهان به من گفت: نمی خواهی برویم و پرسیم که او کیست؟ بلند شدیم و پیش او رفتیم.

گفتیم. تو را به خدا قسم می دهیم تو کیستی؟ گفت: به نظر شما ممکن است که من کی باشم؟ دهان گفت: من فکر می کنم شما حضرت خضر هستید. به من نگاه کرد و گفت: نظر تو چیست؟ گفتم: نظر من هم، همان است که دهان گفت!

فرمود: به خدا قسم، من کسی هستم که خضر مشتاق دیدار اوست. برگردید من امام زمانتان هستم.

ص: ۲۱۴

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغِ وَالْأَلَاءِ الْوَازِعِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَالْقُدْرَةِ خَدَايَا، اِي صَاحِبِ عَنَايَةِ هَايِ فِرَاوَانَ وَكَسْتَرَدِهِ وَقُدْرَتِ جَامِعِ وَنِعْمَتِ هَايِ بَزْرَكِ الْجَامِعَةِ وَالنَّعْمِ الْجَسِيمِ وَالْمَوَاهِبِ الْعَظِيمَةِ وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةِ وَعَطَايَا عَظِيمَةٍ وَهَدَايَا زِيَا وَبَارِزِشِ، اِي كَسِي كِه بَا تَشْبِيهِ بِي دِيكَرَانَ سَتُودِي نَمِي شُودِ وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةَ يَا مَنْ لَأ يُنْعَتُ بِتَمَثِيلٍ وَلَا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ وَلَا يُغَلَّبُ وَبَا يَارِي دِشْمَنَانَ بِي هَمْدِيكَرِ، شَكْسْتِ نَمِي خُورِدِ. اِي كَسِي كِه خَلَقَ كَرْدَ وَرُوزِي دَادِ، بِظَهِيرِ يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ وَاللَّهُمَّ فَأَنْطَقْ وَابْتَدَعْ فَشَرَعَ وَعَلَا فَمَا رَتَفَعَ مَعَانِي رَا الِهَامَ كَرْدَ وَسَخَنَ كَفْتَنَ رَا آمُوحَتِ، خَلَقْتَ رَا آغَاظَ كَرْدَ وَعَلُوَّ يَافَتَ وَبِهِ وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ وَصَوَّرَ فَأَنْقَنَ وَاحْتَجَّ فَمَا بَلَغَ وَأَنْعَمَ فَأَسْبِغَ وَأَعْطَى نِيكُوبِي، تَقْدِيرَاتِ عَالَمِ رَا تَنْظِيمَ نَمُودَ وَكُودَكَانَ رَا دَرِ شَكْمِ مَادِرَانَ بِي زِيَايِي تَرْسِيمِ فَأَجْزَلَ وَمَنْحَ فَأَفْضَلَ يَا مَنْ سَيَّمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ حَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ وَدَنَا كَرْدِ. حَجَّتْشَ رَا اِبْلَاغِ وَنِعْمَتِشَ رَا كَامِلِ وَعَطَايِشَ رَا فِرَاوَانَ نَمُودِ. اِي كَسِي كِه دَرِ عَزَّتِ خُودِ فِي اللَّطْفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا تَمُدُّ لَهُ فِي عِلْوِّ يَافَتَ وَازِ افَقِ دِيْدِهَا، بِالَا تَرِ رَفَتِ. دَرِ لَطَافِ وَظَرَافَتِ بِي اِنْدَازِي اِي رَسِيدِ كِه افَكَارِ بِي آن رَا مَلِكُوتِ سُلْطَانِهِ وَتَفَرَّدَ بِالْكَبْرِيَاءِ وَالْأَلَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ نِيَا فِتْنَتِ. اِي كَسِي كِه دَرِ مَلِكِ خُودِ يَكَا نِه اِسْتِ وَدَرِ اُوجِ سُلْطَنَتِشِ شَرِيكِي بَرَايِ خُودِ نِدَارِدِ. دَرِ كَبْرِيَايِي

شأنه يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبَرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ وَأُنْحَسِرَتْ وَبِزَرَكِي وَنِعْمَتٍ، يَكْتَا شَدَّ فِي نَتِيجَةِ ضَدِّي بِرَائِشِ مَتَّصُورِ
نِيسْت. اِي كَسِي كِه دَر عِظْمَتِ وَجُودِش، دُونَ إِذْرَاكِ عَظْمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنْبَامِ يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ دَقِيقَ تَرِينِ عَقْلِهَا وَ
فِكْرَهَا، سِرْگَرْدَانِ وَ مَتَحَيِّرِنْدِ وَ دَقِيقَ تَرِينِ چِشْمِهَا دَر رُؤْيَتِ عِظْمَتِش، خِستِه لِهَيْبَتِهِ وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ لِعَظْمَتِهِ وَوَجَلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ
خِيفَتِهِ مِي شُونَد وَ مِي افْتَنَد. اِي آنَكِه چِهره هَا دَر بَرَابِرِ هَيْبَتِش، خَاضِعِ وَ گَرْدَنِ هَا خَاشِعِ وَ دَلِ هَا هِرَاسَانَد. أَشَأَلُكَ بِهَيْدِهِ
الْمِدْحَةِ الَّتِي لَا تَتَّبِعِي إِلَّا لَكَ وَبِمَا وَأَيْتَ بِهِ عَلَيَّ فِي خَوَاسْتِ مِي كَنَمِ بِهِ خَاطِرِ اِيْنِ مَدْحِ وَ ثَنَائِي كِه شَائِستِه كَسِي جِزِ تُو نِيسْت
نَفْسِكَ لِذَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَبِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ عَلَيَّ نَفْسِكَ وَ بِهِ خَاطِرِ عَهْدِي كِه بَرِ خُودِ بَسْتِي تَا دَعَايِ مُؤْمِنِينَ رَا اِجَابَتِ
كُنِي وَ بِهِ خَاطِرِ لِلدَّاعِينَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا أَبْصَرَ الْمُبْصِرِينَ وَيَا أَنْظَرَ النَّاطِرِينَ ضَمَانَتِي كِه دَر بَارِهِ اِجَابَتِ دَعَايِ دَعَا كُنْدِگَانِ
نَمُودِه اِي، اِي شِنَوَاتَرِينِ وَ بِيْنَاتَرِينِ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. وَ مَرَاقِبِ تَرِينِ وَ سَرِيعِ الْحِسَابِ
تَرِينِ وَ حَاكِمِ تَرِينِ وَ مَهْرَبَانِ تَرِينِ مَهْرَبَانَانِ. صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ بِرِ مُحَمَّدٍ كِه خَاتَمِ
پِيَامْبِرَانِ اسْتِ وَ خَانْدَانِشِ دُورِدِ فَرَسْتِ وَ دَر اِيْنِ مَاهِ، اِز

وَأَنْ تَقْسِمَ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا قَسَيْتَ وَأَنْ تَخْتِمَ لِي فِي بَهْتَرِينَ چیزی که تقسیم کردی، به من نیز عنایت کن و بهترین قضای حتمی خود قضااتک خیرَ مَا حَتَمْتَ وَتَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ خَتَمْتَ وَأَخِينِي را در مورد عاقبت من قرار بده و عاقبت به خیرم کن. زندگیم را پر برکت و مرگم مِأَا أَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا وَأَمْتِنِي مَسْرُورًا وَمَغْفُورًا وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي را با شادی و بخشش همراه ساز. خود متولی نجات من از سؤالات قبر و برزخ باش مِنْ مُسَاءَلِهِ الْبَرْزَخِ وَادْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا وَنَكِيرًا وَأَرِ عَيْنِي مُبَشِّرًا وَنَكِيرًا و منکر را از من برگردان و بشیر و مبشّر را به من نشان بده. بازگشت مرا وَبَشِيرًا وَاجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ مَصْتَبِرًا وَعَيْشًا قَرِيرًا وَمُلْكًا به بهشت رضوان قرار ده و عیش و ملک بزرگی را عنایت فرما وَصَبْحًا صَبْحًا كَبِيرًا وَصَلِّ لِي اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و شبانگاهان، بر محمد و خاندانش سلام و درود فرست. ای مهربان ترین مهربانان. سپس می گویی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزِّكَ عَلَى أَرْكَانِ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى رَحْمَتِكَ مِنْ خَدَايَا، تو را به گره های عزتت که بر پایه های عرش خورده اند و نهایت رحمتی که در قرآن كِتَابِكَ وَاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ وَذِكْرِكَ الْأَعْلَى الْأَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ وَعَدَدِ دَادِهِ ای و اسم اعظم عظیم و ذکر بلند و اعلی و همه مخلوقات کاملت، قسم می دهم که بر

التَّامَّاتِ كُلِّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَسْأَلُكَ مَا كَانَ أَوْفَى مُحَمَّدٍ وَخاندانش درود فرستی. همین طور هر چیزی را که به عهد تو وفا کننده تر و حَقَّتْ را بَعَهْدِكَ وَأَقْضَى لِحَقِّكَ وَأَرْضَى لِنَفْسِكَ وَخَيْرًا لِي فِي الْمَعَادِ عِنْدَكَ ادا کننده تر و راضی کننده خودت و خیر من برای حضور و بازگشت به سوی تو باشد، درخواست و الْمَعَادِ إِلَيْكَ أَنْ تُعْطِيَنِي جَمِيعَ مَا أُحِبُّ وَتَصْرِفَ عَنِّي جَمِيعَ مَا مِي كُنْم. خدایا هر چیزی را که دوست دارم به من عطا کن و هر چه را که از آن بدم می آید، أَكْرَهُ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. از من دور ساز؛ چرا که تو بر هر چیزی توانایی داری. با رحمت ای مهربان ترین مهربانان.

زیارت قبور ائمه علیهم السلام در ماه رجب (۱)

خیر بن عبدالله از ابوالقاسم بن روح رحمه الله نقل می کند که فرمود: اگر در ماه رجب به زیارت حضرات معصومین علیهم السلام رفتی، این طور زیارت کن:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ وَأَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ خِدا رَا ثَنَا مِي كُوِيْم كِه تُوْفِيْق زِيَارَتِ اَوَّلِيَاي خُوْدش رَا دَر مَاه رَجَب نَصِيْم كَرْد و آنچِه رَا كِه اَز حَقِّ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ وَصِيْلِي اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ الْمُتَتَجِبِ وَعَلٰى اَوْصِيَائِهِ الْحُجْبِ اَيْشَان بَر مَن وَاَجِب بُوْد، وَاَجِب سَاخْت و صَلَوَات خِدا بَر مُحَمَّد بَر كَزِيْدِه و جَانَشِيْنَان و حَافِظَان دِيْنَش. اللّٰهُمَّ فَكَمَا اَشْهَدْتَنَا مَشْهَدَهُمْ فَانْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ وَاُورِدْنَا مَوْرِدَهُمْ خِدايَا، هَمَان طُوْر كِه تُوْفِيْق زِيَارَتِشَان رَا رُوْزِيْم كَرْدِي، وَعِدِه شَان غَيْرِ مُحَلِّيْنِ عَنْ وِرْدِ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ وَالْخُلْدِ. وَالسَّلَام عَلَيْنُكُمْ رَا مُحَقِّق كِن و مَا رَا دَر مُحَلْ اَنَان دَر بَهْشْت وَاَرْد كِن. و سَلَام بَر شَمَا، اِنِّي قَدْ قَصِيْتُكُمْ وَاَعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْأَلَتِي وَحَاجَتِي وَ هِيَ فَكَأَنَّكَ كِه شَمَا رَا قَصْد كَرْدَم و دَر دَرخُوَاسْت هَا و نِيَاْزَهَايْم بِه شَمَا تَكِيِه كَرْدَم.

ص: ۲۱۹

۱- ۹۶. إقبال الأعمال / ص ۶۳۱ / فصل فيما نذكره من زيارة مختصه بشهر رجب؛ مصباح المتهجد / ص ۸۲۱ / زیاره رواها ابن عیاش؛ بحار الأنوار / ج ۹۹ / ص ۱۹۵ / باب ۸ - الزیاره الجامعه.

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ فِي دَارِ الْقَرَارِ مَعَ شَيْعَتِكُمُ الْأَبْرَارِ. نیازهایم عبارتند از: آزادیم از آتش و همراهی شما و شیعیانتان در بهشت. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ أَنَا سَأَلْتُكُمْ وَأَمَلْتُكُمْ سَلَامٌ بِرِشْمَا بِه خَاطِرِ صَبْرَتَانِ، که عاقبت نیکو برای صابران است. از شما در آنچه که به شما فیما إِلَيْكُمْ فِيهِ التَّفْوِيضُ وَعَلَيْكُمْ التَّغْوِيضُ فَبِكُمْ يُجَبَّرُ الْمَهِيضُ سَبْرَةً شَدِيدَةً وَ يَا قَدْرَتِ تَعْوِيضُ دَارِيدِ، آروزمندم. شکسته با شما بهبود می یابد و مریض و يُشْفَى الْمَرِيضُ وَعِنْدَكُمْ مَا تَزْدَادُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَغِيضُ إِنِّي بِسَرِّكُمْ مِنْ شِفَايِ شِفَايِ مِي گيرد. شما می توانید محبت میان ارحام را افزایش و یا کاهش دهید. من به مُؤْمِنٌ وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ وَعَلَى اللَّهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ فِي رَجْعَتِي بِحَوَائِجِي سَرِّ شِمَا اِيْمَانِ دَارِمِ وَ سَخْتَانِ رَا مِي پَذِيرِمِ وَ بَا شِمَا خِدا رَا قِسْمِ مِي دَهْمِ که در بازگشت از خانه شما، وَقَضَائِهَا وَإِمْضَائِهَا وَإِنْجَاحِهَا وَإِبْرَاحِهَا وَبِشُئُونِي لَعْدَيْكُمْ وَصِيْلَاحِهَا. حوائج بر آورده شده و حتمیت یافته و از مشکلات نجات یابم و در تمام شئون زندگیم به صلاح برسم. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامٌ مُودِّعٌ وَلَكُمْ حَوَائِجُهُ مُودِّعٌ يَسْأَلُ اللَّهُ إِلَيْكُمْ سَلَامٌ بِرِشْمَا، سلام کسی که وداع می کند و حوائجش را نزد شما به امانت می سپارد. الْمَرْجِعُ وَسَعْيُهُ إِلَيْكُمْ غَيْرَ مُنْقَطِعٍ وَأَنْ يُرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرٌ مِنْ خِدا تَوْفِيْقِ مَرَاجَعَتِ بِه نَزْدَتَانِ رَا مِي خَوَاهِمِ. هَمِيْنِ طَوْرِ مَرَا اَزِ خِدْمَتَتَانِ بِه

مَرْجِعٍ إِلَىٰ جَنَابِ مُمَرِّعٍ وَخَفِضٍ مُّوَسِّعٍ وَدَعَا وَ مَهْلٍ إِلَىٰ حِينِ الْأَجَلِ بِهَيْتَرِ مَحَلِيٍّ كَمَا سَرَّ شَارِ مِنْ نِعْمَةٍ وَ وَسِيعٍ اسْتِ تَارُوزِ
مَرْگَم، بِيَرْدٍ وَخَيْرِ مَصْتَبِرٍ وَ مَحَلِّ فِي النَّعِيمِ الْمَأْزَلِ وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبِلِ وَ دَوَامِ الْأَكْمَلِ وَ بَهْتَرِ بَازِ كَشْتِگَاہِ وَ مَحَلِّ نِعْمَةٍ وَ اِبْدِيَّتِ وَ
زَنْدِگِيٍّ مَوْرَدِ قَبُولِ وَ خَوْرْدَنِ وَ شَرْبِ الرَّحِيقِ وَالسَّلْسَلِ وَعَلٌّ وَ نَهْلٍ لَا سَامَ مِنْهُ وَلَا مَلَلٌ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ دَائِمِيٍّ وَ نَوْشِيدَنِ اَزِ رَحِيقِ وَ
سَلْسِيلِ وَ عَلٌّ وَ نَهْلٍ رَا عِنَايَتِ فَرْمَايِدِ، كَمَا وَ بَرَكَاتُهُ وَ تَحْيَاتُهُ حَتَّى الْعَوْدِ إِلَىٰ حَضْرَتِكُمْ وَالْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ. هَيْچِ نَارَا حَتِيٍّ دَرِ اَنَهَا
نَيْسْتِ. تَا اَيْنَكَا هَا خِدْمَتِ شَمَا بَرَسْمِ وَ دَرِ زَمْرِهِ شَمَا وَالْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ وَ السَّلَامِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ صَلَوَاتُهُ مَحْشُورِ
شَوْمِ. سَلَامِ وَ رَحْمَتِ خُدَا وَ بَرَكَاتِشِ وَ صَلَوَاتِشِ وَ تَحْيَاتِشِ بَرِ شَمَا بَادِ. وَ تَحْيَاتُهُ. وَ هُوَ حَسْبُنَا وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.

او ما را کفایت می کند و بهترین وکیل است.

دعای بیست و ششم

دعای افتتاح در شب های ماه مبارک رمضان (۱)

محمد بن محمد بن نصر سکونی رحمه الله نقل می کند که از ابوبکر احمد بن محمد بن عثمان بغدادی خواستم تا دعاهایی را که عمویش محمد بن عثمان عمری رحمه الله در ماه رمضان با آنها دعا می کرد، به من بدهد. او نیز دفتری با جلد سرخ را به من داد. من از روی آن دعاهای زیادی را نوشتم. از جمله آن دعاها که در همه شب های ماه رمضان خوانده می شود، دعای افتتاح است. آن را ملائکه می شنوند و برای خواننده اش، استغفار می کنند.

متن دعا:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغِيحُ الشَّيْءَ بِحَمْدِكَ وَأَنْتَ مُسَيِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنْكَ وَأَيَقُنْتُ خدایا، ثنایت را با ستایشت آغاز می کنم. تو با عنایت خود، خوبی ها را تثبیت می کنی. اَنْكَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَشَدُّ الْمُعْرِقِينَ فِي مَوْضِعِ يَقِينِ دارم که در موقع عفو، مهربان ترین مهربانانی. همان طور که در موقع عذاب

ص: ۲۲۲

۱- ۹۷. إقبال الأعمال / ص ۵۸ / فصل فیما نذکره من دعاء الافتتاح؛ تهذیب الأحکام / ج ۳ / ص ۱۰۸ / دعاء أول یوم من شهر رمضان.

النَّكَالِ وَالنَّقِمَةِ وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ. شدیدترین عقاب کنندگانی و در موقع عظمت و بزرگی، عظیم ترین متکبران هستی. اَللّٰهُمَّ اذْنَتَ لِيْ فِيْ دُعَائِكَ وَمَسْأَلَتِكَ فَاسْمِعْ يَا سَمِيعُ مَدْحِيْ وَاجِبْ خدایا خود، اجازه دعا و درخواست داده ای، پس ای شنوا به مدح و ثنایم گوش بده، ای مهربان، یا رَحِيمُ دَعْوَتِيْ وَاَقْلُ يَا غَفُوْرُ عَثْرَتِيْ فَكَمْ يَا اِلٰهِيْ مِنْ كُرْبِيْهِ قَدْ دَعَايْم رَا مَسْتَجَاب كُن. ای بخشنده، جلوی لغزش هایم را بگیر. ای خدای من، تا کنون چقدر گرفتاری ها فرَجَّتْهَا وَهُمُوْم قَدْ كَشَفْتَهَا وَعَثْرَهُ قَدْ اَقْلَنْتَهَا وَرَحْمَهُ قَدْ نَشَرْتَهَا وَحَلَقَهُ كَه بَرَايْم كَشُوْدِي وَچقدر ناراحتی ها كه برطرف كُردِي و لغزش ها كه حَفْظ كُردِي و رحمت ها كه منتشر بَلَاءٌ قَدْ فَكَّكْتَهَا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَهُ وَلَا وُلْدًا وَلَمْ يَكُنْ كُردِي و حلقه های بلا كه دَفْع كُردِي. حمد و ثنا خدایی را سزاست كه همراه و فرزندی ندارد لَهُ شَرِيْكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيْرًا. و شریکی در ملك و سرپرستی در ذلت ها ندارد. او را بزرگ تر از آنكه ستایش شود، می دانم. الْحَمْدُ لِلّٰهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلٰی جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي حَمْدٌ و سِپَاس خدَا رَا، بِاَهْمِه اوصافش و بر همه نعمتهایش. حمد خدایی را كه در لَمَّا مُضَادًّا لَهُ فِي مُلْكِهِ وَلَا مُنَازِعًا لَهُ فِيْ اَمْرِهِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا شَرِيْكَ مَلِكٌ خُود ضِدِّي نَدَارْد و در اراده اش، مخالفی نیست.

حمد خدایی را كه شریکی در خلقت

لَهُ فِي خَلْقِهِ وَلَا شَبِيهَ لَهُ فِي عَظَمَتِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِقِ فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَشَبِيهِي فِي عَظَمَتِهِ نَدَارِدُ. حَمْدِ خَدَائِي رَا كِه اراده اش را در خلقت فاش کرده وَحَمْدُهُ الظَّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ الْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدُهُ الَّتِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ وَشَكْوَهش در كرامتش ظاهر شده و دستش در جود باز گشته است. كسى كه خزائنش كم و لَمَّا يَبِيدُ مُلْكُهُ وَ لَمَّا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا جُوداً وَ كَرَمًا إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ. و ملكش از بين نَمِي رُود و كثر عطايا، سخاوتش را بيشتر مى كند. آرى او عزيز و بخشنده است. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ قَلِيلاً. مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي اِلَيْهِ عَظِيْمَةٍ وَ غِنَاكَ عَنْهُ خَدَايَا، مِنْ اِز جُودِ فَرَاوَانِ تُو، تَنهَا كَمِي رَا دَرخَواست مِي كَنَم. اَنهَم بَا هَمِه نِياز مَن وَ بِي نِيازِي تُو قَدِيمٌ وَ هُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَ هُوَ عَلَيكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ. اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِيْ اِز اَن. اَن حَاجَتِ بَرَايِ مَن بَسِيار وَ بَرَايِ تُو آسانِ اسْت وَ كوچكِ اسْت. خَدَايَا، عَفُوْتِ وَ تَجَاوُزِكَ عَنْ خَطِيئَتِي وَ صَفْحِكَ عَنْ ظُلْمِيْ وَ سَتْرِكَ عَلَيَّ قَبِيحِ عَمَلِيْ اِز كَنَاهَانِم وَ كَذاشتِ اِز خَطَاها وَ ظَلَمِ هَايِمِ وَ پُوشَانِيْدَنِ اَعْمَالِ بَدَمِ وَ بَرْدبَارِيْتِ وَ حِلْمِكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِيْ عِنْدَ مَا كَانِ مِنْ خَطِيئِي وَ عَمْدِيْ اَطْمَعْنِيْ فِيْ دَر بَرَابَرِ جَرْمِ هَايِ فَرَاوَانِم، مَرَا بَه طَمَعِ اِنْدَاخْتَه تَا اِز تُو چِيْزهايِي رَا بَخَواهم اَنْ اَسْأَلُكَ مَا لَّا اَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ الَّتِي رَزَقْتَنِيْ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ اَرَيْتَنِيْ مِنْ كِه شَايِسْتَه اَنها نِيْسْتَم. تُو بِي كِه اِز رَحْمَتِ خُودِ رُوْزِيْ اَم دَادِي وَ قَدْرَتِ رَا نِشَانِم دَادِي

قُدْرَتِكَ وَعَرَفْتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ فَصَبَرْتُ أَدْعُوكَ آمِنًا وَأَسْأَلُكَ مُسْتَأْنَسًا وَاجَابَتِي رَا بَرَايِمِ رُوشَن سَاخْتِي. بَا اَمْنِيَتِ خَاطِرِ وَ اَنَسِ دَعَا مِي كَنَم. نِه بَا تَرَسِ وَ وَحْشَت. لَا خَائِفًا وَلَا وَجَلًا مُدِلًّا عَلَيَّكَ فِيمَا قَصَيْدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ فَإِنْ أَبْطَأْتُ نَيْتَ خُودِ رَا بِهَ آسَانِي بِيَانِ مِي كَنَم. اِگَرِ دِيرِ اِجَابَتِ كَنِي، اَزِ سِرِ نَادَانِي، سِرْزَنَشِ مِي كَنَم. عَنِّي عَثَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيَّكَ وَلَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي لِعَلِمِكَ دِرِ حَالِي كِهَ شَايِدِ دِيرِ شَدَنِ اِجَابَتِ بِهَ صِلَاحِ مَنِ بَاشَد؛ زِيرَا تُو اَزِ عَاقِبَتِ اَمُورِ آگَاهِي. بِعَاقِبَةِ اَلْأُمُورِ فَلَمْ أَرِ مَوْلَى كَرِيمًا أَصْبَرَ عَلَيَّ عَيْدِ لَيْيَمِ مِنْكَ عَلَيَّ. مَوْلَايِي بِهَ بَزْرِگَوَارِي تُو كِهَ بَرِ بِنْدِهَ پَسْتِي مَانَدِ مَنِ تَا اَيْنِ حِدِ صَبْرِ كَنَد، نَمِي شَنَاسَم. يَا رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأَوْلَى عَنِّيكَ وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَأَتَبَغَّضُ إِلَيْكَ پَرُورِدْگَارَا، تُو مَرَا مِي خَوَانِي وَ مَنِ اَزِ تُو رُويِ مِي گَرْدَانَم. تُو اِظْهَارِ مَحَبَّتِ مِي كَنِي وَ مَنِ رِفْتَارِ وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَمَّا أَقْبِلُ مِنْكَ كَأَنَّ لِي التَّطَوُّلَ عَلَيَّكَ فَلَمْ يَمْنَعِيكَ ذَلِكَ دَشْمَانِهَ پِيشِ مِي گِيرِم. تُو بَا مَنِ دُوسْتِي مِي كَنِي وَ مَنِ قَبُولِ نَمِي كَنَم. گُويَا اَيْنِ مَنَمِ كِهَ دِرِ حَقِّ مَنِ الرَّحْمَةِ بِيِ وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ تُو لَطْفِ مِي كَنَم. اَمَا تُو رَا بَنَگَرِ، كِهَ هَمِهَ اَيْنِ بِيِ اَدْبِيِ هَا مَانَعِ اَزِ اِحْسَانِ وَ آقَايِي تُو فَارْحَمِ عَيْدِكَ الْجَاهِلِ وَجِدْ عَلَيَّهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ. نَمِي شُود. خَدَايَا، بَرِ بِنْدِهَ جَاهِلَتِ رَحْمِ كَنِ وَ بَا اِحْسَانَتِ بَا اُو رِفْتَارِ كَن. تُو جَوَادِ وَ بَزْرِگَوَارِي.

الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ مُجْرِي الْفُلْكِ مَسِيخِ الرِّيَّاحِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ حمد برای خدایی است که مالک مُلک، حرکت دهنده کشتی ها، تسخیر کننده بادهای، دَيَّانِ الدِّينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ بِعِيدِ عِلْمِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ طُلُوعِ دهنده فجر، قانونگذار دین و پروردگار عالمیان. حمد خدا را، به خاطر حلم بعد از عَفْوِهِ بِعِيدِ قُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى طُولِ أَنَاتِهِ فِي غَضَبِهِ وَهُوَ آكَاثِي، عفو بعد از قدرت، مهلت دادن بعد از غضب، او که بر هر کاری که بخواهد تواناست. الْقَادِرُ عَلَى مَا يُرِيدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ وَبَاسِطِ الرِّزْقِ ذِي الْجَلَالِ حمد خدایی را که خالق مخلوقات و گسترنده سفره، روزی و صاحب جلالت و کرامت است. وَالْبَإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ الَّذِي بِعِيدِ فَلَا يُرَى وَقَرَّبَ فَشَهِدَ النَّجْوَى کسی که دور می شود و دیده نمی شود. نزدیک می شود و زمزمه ها را می شنود. او که تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ وَلَا شَيْءٌ يُشَاكِلُهُ واسع و متعالی است. حمد خدایی را که منازعی ندارد تا همترازی کند. شیبهی ندارد وَلَا ظَهِيرٌ يُعَاضِدُهُ قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْأَعْرَاءَ وَتَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظَمَاءَ فَبَلَغَ تا همشکلی کند. یآوری ندارد تا کمک کند. با عِزَّتِ خود، بر عزیزان عالم غالب شده بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ وَيَسْتُرْ عَلَيَّ كُلَّ وَ در برابر عظمتش، بزرگان عالم تواضع کرده اند. او که با قدرتش به خواسته هایش

عَوْرَهُ وَأَنَا أَعْصِيهِ وَيُعْظِمُ النُّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ فَكَمْ مِنْ مَوْهَبِهِ رَسِيدَةٌ اسْت. حمد خدایی را که هر وقت بخوانم، اجابت می کند و با اینکه معصیت کارم، هِنَيْتَهُ قَدْ أَعْطَانِي وَعَظِيمِهِ مَخُوفَهُ قَدْ كَفَانِي وَبَهْجِهِ مُونِقَهُ قَدْ أَرَانِي بَدِيهَائِمِ رَا مِي پُوشَانِد. نعمت های فراوانی می دهد، در حالی که من چیزی در مقابلشان فَاثْنِي عَلَيْهِ حَامِدًا وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ حِجَابُهُ بِهِ اُو نمی دهم. چقدر مواهب گوارایی که عطا کرده و ترس های بزرگی که وَلَا يُغْلَقُ بَابُهُ وَلَا يُرَدُّ سَائِلُهُ وَلَا يُخَيَّبُ آمِلُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ بِرَطْفِ كَرَمِهِ وَشَادِي وَسُرُورِي كِه نَشَانِم دَادِه، پس او را ستایش و تَسْبِيحِ الْخَائِفِينَ وَيُنَجِّي الصَّادِقِينَ وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ مِي گویم. حمد خدایی را که کوبنده متکبرین و ظالمان، گیرنده فرار کنندگان، وَيُهْلِكُ مُلُوكًا وَيَسْتَخْلِفُ آخِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ مُبِيرِ عَذَابِ دَهْنِدِه ظَالِمَانِ وَفَرِيَادِرِسِ مَظْلُومَانِ، برآورنده حاجات طالبان، مَوردِ الظَّالِمَةِ مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ نَكَالِ الظَّالِمِينَ صَرِيحِ الْمُسْتَضْعِفِينَ مَوْضِعِ اعْتِمَادِ مُؤْمِنَانِ اسْت. حمد خدایی را که از ترسش، آسمان و سکان آن دچار رعد حاجاتِ الطَّالِبِينَ مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ وَرَقٌ مِي شُود وَزَمِينِ وَعِمَارَتِ هَايِ اَن، مِي لِرَزْدِ وَدِرِيَاها وَتَمَامِ اَنچِه كِه

تَرْعِدُ السَّمَاءَ وَسَيَّكَانُهَا وَتَرْجِفُ الْأَرْضَ وَعَمَّارُهَا وَتَمُوجُ الْبِحَارُ إِنَّ خدَا رَا تَسْبِيحَ مِي كُوِيند، دچَار مِوَج مِي شُوند. حمد خدایی رَا كه وَ مَن يَسْبِيحُ فِي عَمْرَاتِهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ وَيَرْزُقْ وَيَرْزُقُ خَلْقَ مِي كند ولى خَلْقَ نَمِي شُود. روزی مِي دهد و داده نَمِي شُود. مِي خوراند ولى وَلَا يُرْزَقُ وَيُطْعَمُ وَلَا يُطْعَمُ وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى خورانده نَمِي شُود. زنده هَا رَا مِي ميراند و مرده هَا رَا زنده مِي كند. در حَالِي كه خود، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. زنده اِي است كه نَمِي ميرد و همه خيرات عالم به دست اوست و او بر هر چيزی تواناست. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصِيِّفِيكَ وَحَبِيبِكَ خدایا، بر مُحَمَّد، بنده و فرستاده و امين و برگزیده و دوست و منتخب وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَمُبْلِغِ رِسَالَتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَحَافِظِ اسْرَارِ وَرِسَانِدِه پيغامها، بهترين و كامل ترين و زيباترين وَأَكْمَلَ وَأَجْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا وَرَشْدِ كِنْدِه ترين و بيشتر از آنچه كه صلوات و بركات صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَتَرْحَمَاتِ وَ مِهْرَبَانِي هَا وَ سَلَامِ هَا رَا بر احدى از بندگان و انبياء

وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ وَبِأَمِيرَانِ وَبِأَخِيَانِ وَبِمُحْتَرَمِينَ خَلَقْتَ، فَرَسْتَاهُ أَيُّ بَرِّهِ
فَرَسْتَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ وَعَلَى أَبِيهِ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ خَدَايَا، بَرِّ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَجَانَشِينَ رَسُولِ خَدَايَا وَبَرِّ
صَدِيقِهِ طَاهِرِهِ وَعَلَى الصَّدِيقِ الطَّاهِرِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ فَاطِمَةَ سِرورِ زَنَانِ عَالَمٍ، دَرُودِ فَرَسْتِ. خَدَايَا، بَرِّ دُونِهِ
بِأَمِيرِ عَلِيٍّ سَيِّدِ الْبَشَرِ وَإِمَامِ الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ دُونِ إمامِ هِدَايَتِ، حَسَنِ وَحُسَيْنِ، سِرورِ جَوَانَانِ أَهْلِ بَهْشْتِ
دَرُودِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَصَلِّ عَلَى أئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَبِأَمِيرِ الْمُسْلِمِينَ، خَدَايَا، بَرِّ أَمَامَانِ مُسْلِمَانِ، حُجَّتِ هَايِ تُو
دَرِ مِيَانِ بَنَدِگَانِ حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَأَمْنَائِكَ فِي بِلَادِكَ صِلْمَاءَ كَثِيرَةً دَائِمَةً. وَبِأَمِينِ تُو دَرِ شَهْرَاهَايِ، سَلَامِ وَدَرُودِ فَرَاوَانِ وَ
دَائِمِي بَفَرَسْتِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُتَنْظِرِ خَدَايَا، هَمِينَ طُورِ بَرِّ وَلِيِّ أَمْرَتِ، قَائِمِ آرْزُو شُدِهِ وَ
عَدْلِ مُورِدِ انْتِظَارِ دَرُودِ فَرَسْتِ وَ أُو رَا اِخْفُفُهُ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَيَّدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. بِأَمَلَايِكَ مُقَرَّبِ خُودِ
اِحَاطِهِ كُنْ وَبَارُوحِ الْقُدُسِ تَقْوِيَتِشْ كُنْ. أَيُّ بَرُورِدِگَارِ عَالَمِيَانِ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ اسْتِخْلَفُهُ فِي الْأَرْضِ خَدَايَا، او را خواننده به سوی کتابت و برپا کننده دینت، قرار بده و او را در زمین جانشین خودت بکن. كَمَا اسْتِخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكَّنُّ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ أَبَدًا لَهُ هَمَانٌ طُورٌ كَمَا ائمه قبل از او را جانشین کردی. خدایا در اجرای دینش قدرت بده و خوفش را با امنیت مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا. اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعِزِّزْ بِهِ جَائِغِرِينَ كُنْ تَا تُو رَا بَا اِخْلَاصَ بِنْدَگِی كُنْد. خدایا، او را عزیز گردان و با او دینت را عزیز کن. وَأَنْصُرُهُ وَأَنْتَصِرْ بِهِ وَأَنْصُرُهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَأَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا عَظِيمًا. او را یاری کن و با او دینت را یاری گردان. او را عزیزانه یاری کن و فتح عظیمی را برایش رقم بزن. اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَمِلَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ خَدَايَا، دین خود و مکتب نبیت را با او ظاهر کن، تا از اظهار هیچ حقی تقیه نکند. مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ تُعِزُّ بِهَا خَدَايَا، دولت کریمه ای را می خواهیم که اسلام و مسلمین را با آن عزت بخشی و نفاق الإسلام وَأَهْلُهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ وَاهْلُشْ رَا ذَلِيلَ كُنِي وَ مَا رَا دَرِ آن دولت، از داعیان به اطاعت و سرسپردگی إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةَ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرِزُقْنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. در راهت قرار دهی و با آن دولت، بزرگواری دنیا و آخرت را روزیمان کنی.

اللَّهُمَّ مَا عَرَفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ وَمَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَلَبَّغْنَاهُ. خدایا، آنچه که از حق به ما نشان دادی، عامل به آن کن و اگر قصور کردیم، توفیق بده. اللَّهُمَّ الْمُمَّ بِهِ شَعْنَنَا وَاشْعَبَ بِهِ صَدْعَنَا وَارْتُقَ بِهِ فَتَقْنَا وَكَثُرَ بِهِ قَلْتَنَا خدایا، با ظهور او پراکندگیمان را وحدت و شکافهایمان را پر و بریدگی هایمان را پیوند و کمی ما را زیاد و آعزَّ بِهِ ذَلَّتْنَا وَأَغْنِ بِهِ عَائِلَنَا وَأَقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرَمِنَا وَاجْبِرْ بِهِ فَقْرَنَا وَذَلْتِمَانَ رَا عَزَّتْ وَ نِیازمندانمان را بی نیاز و بدهکارانمان را بی قرض و فقرمان را جبران و شکافهایمان را و سُدَّ بِهِ خَلَّتْنَا وَیَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا وَبِیَضْ بِهِ وُجُوهَنَا وَفُكَّ بِهِ أَسْرَنَا محکم و سختی هایمان را آسان و رو سیاهییمان را رو سفیدی و اسیرانمان را آزاد و آرزوهایمان را و أَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنَا وَأَنْجِزْ بِهِ مَوَاعِيدَنَا وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنَا وَأَعْطِنَا بِهِ برآورده و وعده هایمان را محقق و دعاهایمان را مستجاب و بیش از خواسته هایمان عطا کن. ای بهترین فوق رَغْبَتِنَا يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ اشْفِ بِهِ صُدُورَنَا درخواست شده و وسیع ترین عطاکنندگان، با ظهورش سینه های ما را شفا و عصبانیت جان هایمان را وَاذْهَبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنَا وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَا ذِيكَ إِنَّكَ تَهْدِي آرَامَ كُنْ وَ مَا رَا در مواردی از حق که مورد اختلاف است، هدایت کن؛ زیرا تو هر کسی را که بخواهی به راه مَن تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَأَنْصُرْنَا عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوْنَا إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ. راست هدایت می کنی. ما را در برابر دشمن خودت و ما، یاری کن. معبود حق، دعایمان را مستجاب کن.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَغَيْبَهُ إِمَامِنَا وَكَثْرَةَ عِدْوَانَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ خَدَايَا، مَا أَزْ بُوْدُنَ پِيَامْبِرٍ وَغِيْبَتِ اِمَامٍ وَ زِيَادِي دَشْمَنَانِ وَ شَدَّتْ كِرْفَتَارِي هَا وَ فْتَنَهَايَ بِنَا وَ تَطَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنَّا عَلَي دَلِيكَ دَشْمَنَانِ وَ غَلْبَهَا زَمَانِ، شَكَايَتِ مِي كَنِيْمِ. بِرِ مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانِشِ دِرُودِ فِرْسْتِ وَ بِرِ اِيْنِ كِرْفَتَارِي هَا بِفَتْحِ مِنْكَ تُعَجِّلْهُ وَبُصِّرْ تَكْشِفْهُ وَنُصِّرْ تُعِزَّهُ وَ سُلْطَانِ حَقِّ تَظْهَرُهُ فَائِقِ آوَرِ بَا يَكِ پِيروزي از جانب تو كه سريع باشد و سلطنت حقي كه آشكارش كني و رحمتي وَرَحْمَه مِنْكَ تُجَلِّلْنَاهَا وَ عَافِيَه مِنْكَ تُلْبِسِنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. كه به ما نشان دهی و عافیتی كه بر تنمان بپوشانی. با رحمت ای مهربان ترين مهربانان.

دعای دیگری در هر شب از ماه مبارک رمضان (۱)

اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَأَدْخِلْنَا فِي عِلِّيِّينَ فَارْفَعْنَا وَبِكَأْسِ خَدَايَا، بِوَسْطِهِ رَحْمَتِ مَا رَا فِي زَمْرِهِ صَالِحَانَ وَارْدُ كُنْ وَ بِه
مَقَامِ عِلِّيِّينَ بِالْأَلَا- بِرِ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَيْلَسِبِيلٍ فَأَسْأَلُكَ وَمِنَ الْجُورِ الْعَيْنِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَ بِكَ كَاسِهِ أَيْ، از آب زلال چشمه
سلسبیل سیراب کن و از حورالعین تزویج نما وَمِنَ الْوَالِدَانِ الْمُخْلَدِينَ كَأَنَّهُمْ لَوْلُو مَكُونُونَ فَأَخْذِمْنَا وَمِنَ ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَ از پسران
ماندگار بهشتی که مانند لولو می درخشند، برایمان خادم و از میوه های بهشت و لُحُومِ الطَّيْرِ فَأَطْعِمْنَا وَمِنَ ثِيَابِ السُّنْدُسِ
وَالْحَرِيرِ وَالْإِسْتَبْرَقِ وَ گوشت های پرندگان آن، غذا و از لباس های زخیم و نازک حریر برایمان لباس قرار بده. فَأَلْبَسِنَا. وَلَيْلَةَ
الْقَدْرِ وَحَجِّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَ قَتْلًا فِي سَبِيلِكَ مَعَ وَلِيِّكَ تَوْفِيقَ دَرْكِ شَبِّ قَدْرِ وَ حَجِّ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَ شَهَادَتِ دَرْ رَاهِ خُودَتِ رَا بِه
همراه ولایت عنایت فرما. فَوْفُقَ لَنَا وَصَالِحِ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْأَلْنَا لَنَا يَا خَالِقَنَا اسْمِعْ دَعَايَا صَالِحِينَ وَ دَرْخُوسَاتِ هَايِ خُوبْمَانِ
را اجابت کن. اِی خَالِقِ مَا، دَعَاهَايْمَانِ رَا بِشْنُو وَاسْأَلْنَا لَنَا وَإِذَا جَمَعْتَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا وَ مُسْتَجَابِ كُنْ.
زمانی که اولین و آخرین را در روز رستاخیز جمع کردی، به ما رحم کن.

ص: ۲۳۳

دعای امام زمان علیه السلام بعد از نماز صبح روز عید فطر(۱)

سکری رحمه الله نقل می کند که از احمد بن محمد بن عثمان بغدادی خواستم تا از دعاهای ماه رمضان در اختیارم قرار دهد. از آن دعاهایی که عمویش محمد بن عثمان عمری می خواند. او نیز دفتری که جلد سرخی داشت، بیرون آورد. در آن دعاهای ماه مبارک رمضان وجود داشت که از جمله آنها دعای بعد از نماز صبح روز عید فطر بود.

متن دعا:

اللَّهُمَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ أَمَامِي وَعَلِيٍّ وَجَعَفَرٍ مِنْ خَلْفِي وَعَنْ خَدَايَا، متوجه تو شدم با محمدصلی الله علیه وآله از جلو و علی و جعفرعلیهما السلام از پشت سر و از راستم و سایر امامانم علیهم السلام یَمِينِي وَأُئْتَمَّتِي عَنْ يَسَارِي أَسْتَتِرُ بِهِمْ مِنْ عَذَابِكَ وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ زُلْفَىٰ مِنْ سَمْتِ چِمِّمْ. به وسیله آنها خودم را از عذابت استتار می کنم و تقرب می خواهم که احدی لَّا أَجِدُ أَحَدًا أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ فَهُمْ أُمَّتِي فَأَمِنْ بِهِمْ خَوْفِي مِنْ نَزْدِيكَ تَرَازِ آن نیست. آنها امامان من هستند، به آنها مرا از خوف عذابت ایمن کن و با

ص: ۲۳۵

۱- ۹۹. إقبال الأعمال / ص ۲۷۵ / فصل فیما نذکره من صلاة الفجر يوم الفطر؛ بحار الأنوار / ج ۸۸ / ص ۱ / باب ۲؛ أدعیه عید الفطر؛ مصباح المتهجد / ص ۶۵۵ / الدعاء بعد صلاة العید.

عِقَابِكَ وَسَيِّئِ خَطْبِكَ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ أَصْبَحْتُ رَحْمَتِ خُودِ فِي مِثْلِ بِنْدِ كَانِ صَالِحَاتِ دَاخِلِ كِرْدَانِ. دَرِ
 حَالِي صَبِيحِ كِرْدَمِ كِهْ بِهْ خُودِ مَوْمِنِ وَ مَخْلُصِ بِاللَّهِ مَوْمِنًا مُخْلِصًا عَلَيَّ دِينِ مُحَمَّدٍ وَسَيِّئَتِهِ وَعَلَى دِينِ عَلِيِّ وَسَيِّئَتِهِ هَسْتَمِ وَ بِرِ دِينِ
 مُحَمَّدٍ وَ سَنَّتِ اَوِ وَ بِرِ دِينِ عَلِيِّ وَ سَنَّتِ اَوِ وَ بِرِ دِينِ جَانَشِينَانِ اَوِ وَ سَنَّتِ هَايِ وَعَلَى دِينِ الْاَوْصِيَاءِ وَ سَيِّئَتِهِمْ اَمَنْتُ بِسَرِّهِمْ
 وَعَلَانِيَتِهِمْ وَأَرْغَبُ إِلَى اِيْشَانِ مِيْ بَاشَمِ. مَنِ بِهْ نِهَانِ وَ اَشْكَارِ اِيْشَانِ اِيْمَانِ دَارَمِ وَ بِهْ هَمَانِ چيزِي كِهْ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيُّ اَللَّهُ فِيمَا رَغِبَ
 فِيهِ مُحَمَّدٌ وَعَلِيُّ وَالْاَوْصِيَاءُ وَلَمَّا حَوْلَ وَلَمَّا قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ وَ جَانَشِينَانِشَانِ دَرِ اَنَهَا رَغْبَتِ نِشَانِ دَادَنْدِ، رَغْبَتِ نِشَانِ مِيْ دِهَمِ. مَانَعِ وَ
 قَدْرَتِي غَيْرِ اَزِ خُودِ نِيْسْتِ. وَلَا عِزَّةَ وَلَا مَنَعَةَ وَلَا سُلْطَانَ اِلَّا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ هِيْجِ عَزَّتِ وَ مَمَانَعَتِ وَ سُلْطَنَتِي بِرَايِ غَيْرِ
 خُودِ اِيْكَتَايِ قَهَّارِ عَزِيزِ وَ مَتَكَبِّرِ نِيْسْتِ. بِرِ اَوِ تَوَكَّلْتُ عَلَيَّ اَللَّهُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَيَّ اَللَّهُ فَهُوَ حَسْبُهُ اِنَّ اَللَّهَ بِالْغَيْبِ اَمْرُهُ تَوَكَّلْ مِيْ كَنَمِ؛
 زِيْرَا هَرِ كِْسِي كِهْ بِرِ اَوِ تَوَكَّلْ كَنْدِ، خُودِ كَفَايَتِشِ مِيْ كَنْدِ وَ بِهْ خُودِ اَشِ مِيْ رِسانَدِ. اَللَّهُمَّ اِنِّي اُرِيْدُكَ فَارْذِنِي وَ اَطْلُبُ مَا
 عِنْدَكَ فَيَسِّرْهُ لِيْ وَ اَقْضِ لِيْ خُودَايَا، مَنِ تُوْرَا مِيْ خُودِ اَمِ، تُوْ هَمِ مَرَا بِخُودِ. ثَوَابَتِ رَا مِيْ خُودِ اَمِ، اَنِ رَا بِرَايِمِ اَسَانِ حَوَائِجِي
 فَاِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي اُنزِلَ فِيْهِ الْقُرْآنُ كَرِيْمًا وَ اَنْزِلْ لِيْ اَنْزِلْ كِرْدَانِ وَ نِيَازِ هَايِمِ رَا بِرَاوْرْدِهْ سَازِ. تُوْ خُودِ دَرِ قُرْآنِ فَرْمُودِي: «مَاهِ
 رَمَضَانَ مَاهِي

بِهِ إِلَيْكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِتَضَعِيفِ عَمَلِي وَقَبُولِ تَقَرُّبِي وَقُرْبِيَاتِي وَبِأَمْضَاعِافِ كَرْدَنِ أَعْمَالِ وَقَبُولِ تَقَرُّبِ وَأَعْمَالِ وَاسْتِجَابَةِ دَعَاهَايِمِ، وَأَسْئَلُ تَجَابَةَ دُعَائِي وَهَبْ لِي مِنْكَ عِثْقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَمَنْ عَلَيَّ بِرِ مِنْ تَفَضُّلِ وَعِنَايَةِ كُنِي وَآزَادِي مِنْ آتَشِ رَا بِرِ مِنْ بِيخْشِي وَرَسِيدِنِ بِالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَالْمَأْمَنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ فَرْعٍ وَمِنْ كُلِّ هَوْلٍ أَعِدَّدْتَهُ بِهٖ بِهَشْتِ رَا رَوْزِي كَرْدَانِي وَدَرِ رَوْزِ رَسْتَاخِيْزِ مِنْ هَرِ تَرَسِ وَصَحْنِهِ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ أَعُوذُ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَحُرْمَةِ نَبِيِّكَ وَحُرْمَةِ هَوْلِنَاكِي كِهٖ بَرَايِ قِيَامَتِ دَرِ نَظَرِ كَرْفَتِهِ اِي، اَمَانِ دِهِي. خُدَايَا، بِهٖ جَمَالِ الصَّالِحِينَ أَنْ يَنْصِرِمَ هَذَا الْيَوْمُ وَلَكَ قَبْلِي تَبِعَهُ تُرِيدُ أَنْ تُؤَاخِذَنِي بِهَا كَرَامَتِ پِنَاهِ مِي بَرَمِ. مِنْ اِيْنِكِهٖ اِيْنِ رَوْزِ هَمِ بَكُذَرْدِ اَمَّا لَغُزْشِ وَكِنَاھِي أَوْ ذَنْبٍ تُرِيدُ أَنْ تُقَابِسَنِي بِهٖ وَتُشَقِّقَنِي وَتَفْضَحَنِي بِهٖ أَوْ خَطِيئَةٍ تُرِيدُ نَبْخَشِيدِهِ بِمَانَدِ وَفَرْدَايِ قِيَامَتِ مَرَا بِأَنْ مَوْآخِذِهِ وَعَذَابِ كُنِي وَآبَرُويمِ أَنْ تُقَابِسَنِي بِهَا وَتَقْتَصَّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ رَا بِيْرِي. مِنْ تُو بِهٖ حَرْمَتِ جَمَالِ كَرِيْمَانِهِ اَتِ كِهٖ هَرِ چِهٖ رَا اَرَادِهِ كُنْدِ، الْكَرِيمِ الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيدُ الَّذِي يَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. اِنْجَامِ مِي دِهْدِ وَكُنْ فَيَكُونُ مِي كُنْدِ، دَرِخَوَاسْتِ بِيخْشِشِ دَارَمِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِنْ كُنْتَ رَضَيْتَ عَنِّي فِي هَذَا الشَّهْرِ خَدَايَا، بِحُرْمَتِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَرِخَوَاسْتِ مِي كُنْمِ كِه اِگَر
در این ماه اَنْ تَزِيدَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِي رِضًا وَإِنْ كُنْتُ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فِي هَذَا مِنْ رَاضِي بُوْدِي، رِضَايَتِ رَا دَر مَابَقِي
عُمُرْمِ، بِيَشْتَرِ كُنْ. اِمَا اِگَر الشَّهْرِ فَمِنْ اَلْمَآنِ فَارِضَ عَنِّي السَّاعَةَ السَّاعَةَ وَاجْعَلْنِي فِي رَاضِي نَبُوْدِي، هَمِيْنِ اَلْآنِ هَمِيْنِ اَلْآنِ،
هَمِيْنِ اَلْآنِ، رَاضِي شُو. وَ هَمِيْنِ اَلْآنِ هَذِهِ السَّاعَةَ وَفِي هَذَا الْمَجْلِسِ مِنْ عَتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَطَلْقَائِكَ مِنْ وَ هَمِيْنِ جَائِي كِه نَشِيسْتِه
اِم مَرَا اَز اَزَادِ شَدِگَانِ دُوَزَخِ قَرَارِ بَدِه. اَز اَنَانِ جَهَنَّمَ وَسِعْدَاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ. كِه بِه سَعَادَتِ
مَغْفِرَتِ وَ بَخْشَايِشِ نَائِلِ شَدِنْدِ. اِي مَهْرَبَانِ تَرِيْنِ مَهْرَبَانَانِ. اَللَّهُمَّ إِنِّي اَسْأَلُكَ بِحُرْمَتِهِ وَجْهِكَ الْكَرِيْمِ اَنْ تَجْعَلَ شَهْرِي هَذَا خَدَايَا،
بِه حُرْمَتِ جَمَالِ كَرِيْمَانِه اَت، دَرِخَوَاسْتِ مِي كُنْمِ كِه اِيْنِ مَاهِ رَا اَز اَغَاذِ اَفْرِيْنِشْمِ، خَيْرِ شَهْرِ رَمَضَانَ عَيَّدْتُكَ فِيْهِ وَصِيْمَتُهُ لَكَ
وَ تَقَرَّبْتُ بِه اِلَيْكَ مُنْذُ بَهْتَرِيْنِ رَمَضَانِي قَرَارِ بَدِه كِه تُو رَا پَرَسْتِيْدِه اِم وَ رُوْزِه گِرْفْتِه وَ تَقَرَّبِ جِسْتِه اِم. اَنْ رَا اَسِيَكْتَنِي اَلْاَرْضَ
اَعْظَمَهُ اَجْرًا وَ اَتَمَّهُ نِعْمَةً وَ اَعَمَّهُ عَافِيَةً مَاجُوْرْتَرِيْنِ وَ سَرِشَارْتَرِيْنِ اَز نِعْمَتِ وَ شَامِلِ تَرِيْنِ اَز عَافِيَتِ وَ وَاَسِعِ تَرِيْنِ اَز رُوْزِي

الْمَحْفُوظِينَ فِي أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ وَذَرَارِيِّهِمْ وَكُلِّ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِمْ وَنَسْلشان حفظ شده است. مرا در هر آنچه که به آنها روزی کردی سهیم گردان. اللَّهُمَّ اقْبَلْنِي مِنْ مَجْلِسِي هَذَا فِي شَهْرِي هَذَا فِي يَوْمِي هَذَا فِي خَدَايَا، مرا در همین مجلس و همین ماه و همین روز و همین سَاعَتِي هَذِهِ مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً لِي مَغْفُوراً ذَنْبِي مُعَاْفَى مِنَ النَّارِ لِحِظِهِ رَسْتِگَار وَ نِجَاتِ يَافْتَه وَ مُسْتَجَاب وَ بَخْشِيدَه شَدَه وَ مُعْتَقاً مِنْهَا عِتْقاً لَأَرْقَ بَعْدَهُ أَبَداً وَ لَا رَهْبَهُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ. وَ رها شده از آتش قرار بده. ای پروردگار مریبان. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ فِيمَا شِئْتَ وَأَرَدْتَ وَقَضَيْتَ وَقَدَّرْتَ خَدَايَا، از تو می خواهم که در آنچه که خواستی و اراده کردی و قضا کردی وَ حَتَمْتَ وَأَنْفَذْتَ أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي وَ تُنَسِّئَ فِي أَجَلِي وَأَنْ تُقَوِّ وَ تُقَدِّرَ نَمُودِي وَ حَتَمْتَ دَادِي وَ حَكَمَ نَمُودِي، عمرم را دراز کنی و اجلم را از ضَعْفِي وَأَنْ تُغْنِيَ فَقْرِي وَأَنْ تُجَبِّرَ فِاقَتِي وَأَنْ تَرْحَمَ مَسِيكَتِي وَأَنْ يَادِ بيري وَ ضَعْفَمِ رَا تَقْوِيَتِ وَ فِقْرَمِ رَا جِبْرَانَ وَ نِيَاذَهَائِمِ رَا بَرطَرَفِ سَاذِي وَ بَر تِعْزُ ذُلِّي وَأَنْ تَرْفَعَ ضَعْفِي وَأَنْ تُغْنِيَ عَائِلَتِي وَأَنْ تُوَسِّ وَ حَشْتِي بِيچارگي ام رَحْمِ نَمَائِي وَ ذَلْتَمِ رَا عَزَّتِ وَ زَمِينِگيري ام رَا رَفَعْتَ بَخْشِي وَ مَخَارِجَمِ رَا

فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَدَّمْتُهُمْ إِلَيْكَ أَمَامِي وَأَمَامَ خدَايَا بِمُحَمَّدٍ وَخاندانش به تو متوجه شده ام. آنها را در مقابل خود و نیازها و درخواست ها حاجتی و طلبتی و تضرعی و مسألتی فاجعلنی بهم و جیها فی الدنیا و تضرعم قرار داده ام. بنابراین مرا به واسطه آنها از آبرومندان و مقربان در دنیا و آخرت و الآخره و مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَإِنَّكَ مَنَّتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ فَأَخْتِمْ لِي بِهِمْ قرار بده. تو با شناساندن آنها بر من لطف کردی، بنابراین به واسطه آنها نیز مرا سعادت مند السَّعَادَةِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ زِيَادَةٌ فِيهِ مَنَّتَ عَلَيَّ بِهِمْ فَأَخْتِمْ لِي گردان؛ زیرا تو بر هر چیزی توانا هستی. در نقلی دیگر فقراتی اضافه می باشد: تو با آنها بر من بِالسَّعَادَةِ وَالسَّلَامَةِ وَالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالسَّعَادَةِ لطف کردی، بنابراین به واسطه خودشان نیز مرا سعادت مند و سالم و ایمن و با ایمان و بخشیده و الْحَفِظِ يَا اللَّهُ أَنْتَ لِكُلِّ حَاجَةٍ لَنَا. فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَافِنَا وَاهل بهشت و سعادت و حفظ گردان. ای خدا، من برای همه نیازهایم، تنها تو را دارم. بنابراین وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاكْفِنَا كُلَّ أَمْرٍ مِنْ أَمْرِ بِرِ مُحَمَّدٍ وَخاندانش درود فرست و به ما عافیت بده و احدی از خلقت را که ما تحمل او را نداشته الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِاشییم، بر ما مسلط نکن و تمام امورات دنیا و آخرت مان را کفایت کن. ای صاحب جلال و بزرگواری.

كَأَفْضَلِ مَا صَيَّلْتِ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلَيَّ إِِبْرَاهِيمَ بِرِ مُحَمَّدٍ وَخَانِدَانِهِ دَرُودِ فَرَسْتِ مَانِنْدِ آنچِه از دَرُودِ وَ بَرَكَاتِ وَ
تَرَحمَاتِ وَ مَهْرَبَانِي هَا بِرِ اِبْرَاهِيمِ وَآلِ اِبْرَاهِيمِ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

وَ خَانِدَانِ او فَرَسْتَادِي. هَمَانَا تُو سْتُوْدِه وَ جُوَادِ هَسْتِي.

ص: ۲۴۴

دعای بیست و نهم

دعای طلب روزی حلال و دفع حوادث ناگوار بعد از نماز صبح (۱)

این دعا از حضرت بقیه الله به دست محمد بن صلت قمی رسیده است.

متن دعا:

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسِيحِيِّ خدایا، ای پروردگار نور عظیم و عرش بلند و دریای متلاطم و ای نازل کننده و مُنَزَّلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ وَمُنَزَّلَ الزَّبُورِ تورات و انجیل و زبور و پروردگار سایه و حرارت و نازل کننده زبور و فرقان وَالْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ أَنْتَ وَ پروردگار ملائکه مقربین و انبیاء و مرسلین. تو خدای همه موجودات آسمانی إِلَهَ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَإِلَهَ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَا إِلَهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ وَأَنْتَ وَ زمینی هستی. غیر از تو معبودی در آنها نیست. تو الزام کننده تمام

ص: ۲۴۵

۱- ۱۰۲. إقبال الأعمال / ص ۶۳۱ / فصل فيما نذكره من زيارة مختصه؛ مصباح المتهجد / ص ۸۲۱ / زیاره رواها ابن عیاش؛ بحار الأنوار / ج ۸۳ / ص ۱۷۱ / باب ۴۳ - التعقیب المختص بصلاه الفجر.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ دَرَسْتَ مِنْ خَانِدَانِ دَرُودِ فَرَسْتِي وَاز
آنجا که گمان می کنم و نمی کنم، اَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَمَّا اَحْتَسِبُ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا وَ اَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي بِه مِنْ رُوزِي دَهِي،
روزی وسیع و حلال و گوارا. همین طور در همه گرفتاری هایم گشایشی کُلَّ غَمٍّ وَ كُلَّ هَمٍّ وَ اَنْ تُعْطِيَنِي مَا اَرْجُوهُ وَ اَمَلُهُ اِنَّكَ
عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ایجاد کنی و آنچه را که امید و آرزویم را دارم، عنایت کنی. همانا تو بر هر چیزی توانا هستی.

تسبیح صاحب الزمان علیه السلام (۱)

تسبیح صاحب الزمان علیه السلام از روز هجدهم تا آخر ماه:

سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ.

خداوند به تعداد مخلوقاتش پاک و منزّه است.

سُبْحَانَ اللَّهِ رِضًا نَفْسِهِ.

خداوند به اندازه دلخواه خودش پاک و منزّه است.

سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ.

خداوند به تعداد کشش مخلوقاتش پاک و منزّه است.

سُبْحَانَ اللَّهِ زِنَةَ عَرْشِهِ.

خداوند به اندازه وزن عرشش پاک و منزّه است.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ.

خدا را به اندازه های قبلی حمد و ثنا می گویم.

ص: ۲۴۸

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

